

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET
PLEASE DO NOT REMOVE

PL
278
N34A17
1841
Nazim, Yahya
Divan

1026143



PL
248
N34
A17
1841

Handwritten notes in Urdu script, including the word 'کتاب' (book).

Handwritten notes in Urdu script at the bottom right.

1257

اولی کوی تا بد کس که می سنگ خاک را
 چسبیده که بینه بر رخی تا بر خا
 حکم بوی پرورد رضا و توحید و رسا
 تابان پیش علی تازی تا بوی سبحان
 افریده همه نامور اندو کردا فرود
 حرم چه خسته بر خا اولی خا اول
 اینها و رسل اول جواره طفله اوله او اسما
 اوله اوله اول اوله اول اوله اوله
 اوله اول اول اول اول اول اول اوله

اولی کوی تا بد کس که می سنگ خاک را
 چسبیده که بینه بر رخی تا بر خا
 حکم بوی پرورد رضا و توحید و رسا
 تابان پیش علی تازی تا بوی سبحان
 افریده همه نامور اندو کردا فرود
 حرم چه خسته بر خا اولی خا اول
 اینها و رسل اول جواره طفله اوله او اسما
 اوله اوله اول اول اول اول اول اوله
 اوله اول اول اول اول اول اول اوله

- * نعت پاک حنیف اگر مدح *
- * نص مسلم *
- * سب طایفه و طایفه آدم *
- * انبیا و رسل از اقوام *

- * او خدای عالم و آدم *
- * عالم عت *
- * آفرینش عالم *
- * آنچه آفریده اوست بزرگ *

سیر فی دولت بد جواهره روزان و شبان
خبره دل از فضل او آفرینان را

چرخ خدای
 رو به سوی
 ای که بخت
 و می توان
 با آنکه
 بپوشد
 بر آنکه
 آینه ای
 در آن
 که با او
 در کمال
 است
 این
 در هر
 کجا
 او را
 در کمال
 است
 در هر
 کجا
 او را
 در کمال
 است

در هر
 کجا
 او را
 در کمال
 است
 در هر
 کجا
 او را
 در کمال
 است
 در هر
 کجا
 او را
 در کمال
 است
 در هر
 کجا
 او را
 در کمال
 است

سا که آفریده او را
 در کمال است
 در هر کجا
 او را در کمال است

عاشق دینا ز کیم شایم بر ما و این که کمال بولد قاله جلای در کوی چشم انتظار هر چه صدای رسد و این کون و نون پرتوی صحیح کسی نور قدر میل بر ما	دله فکرت که در خجالت دینده باشی را در اوله است از کنت دن دیو عاشق خانی که بزمه دله دل بولا دی تاب می رنگه دم آخر اوله خان و بزک
--	--

عطر در باغ هر دیار
ای نسیم در کیمک
حالت کوک که بخت
عطر در باغ هر دیار

شاهایم بر ما و این که کمال بولد قاله جلای در کوی چشم انتظار هر چه صدای رسد و این کون و نون پرتوی صحیح کسی نور قدر میل بر ما عطر در باغ هر دیار ای نسیم در کیمک حالت کوک که بخت	شاهایم بر ما و این که کمال بولد قاله جلای در کوی چشم انتظار هر چه صدای رسد و این کون و نون پرتوی صحیح کسی نور قدر میل بر ما عطر در باغ هر دیار ای نسیم در کیمک حالت کوک که بخت
--	--

عطر در باغ هر دیار
ای نسیم در کیمک
حالت کوک که بخت
عطر در باغ هر دیار
ای نسیم در کیمک
حالت کوک که بخت
عطر در باغ هر دیار
ای نسیم در کیمک
حالت کوک که بخت

لم یترک من غیره و در هر روز یک مرتبه بخورد
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز

در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز

مدام اوله سدا سی کفیه کوفی
سگست سست سست سست سست سست سست

در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز

در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز

شده عصا شش اسم ها شش اسم
آسا سا سا سا سا سا سا سا سا سا سا

در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز

در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز
در روز جمعه که در آن روز است و در آن روز

این تمام را در آن حال خاتم جسم
این تمام را در آن حال خاتم جسم
این تمام را در آن حال خاتم جسم

این تمام را در آن حال خاتم جسم
این تمام را در آن حال خاتم جسم
این تمام را در آن حال خاتم جسم

این جنت اعلام مقام استبداد
درین راه اولی خاتم

تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله

تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله

در این راه اولی خاتم
درین راه اولی خاتم

تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله

تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله

در این راه اولی خاتم
درین راه اولی خاتم

تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله

تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله
تمام حسی جسم هفتاد و سه ساله

ایندین که سطره کوهی در آستانه با آن آه و آه ایندین
 پاره پاره آید که در قودی به آستانه است
 او را در افسرد و صدقه و قطره در آستانه
 بر پاره ریشسته به آستانه
 فالدی که کس بوده آنکه در آستانه
 دستبرد برد که در آستانه
 خردی از طبع او را در آستانه
 فالدی که در آستانه اولی در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 شیر بر آستانه
 آید در آستانه
 آید در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 در آستانه
 طارم علم آید در آستانه
 بر آستانه
 بر آستانه
 فصل آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 خانه آید در آستانه

گو سطره کوهی در آستانه با آن آه و آه ایندین
 پاره پاره آید که در قودی به آستانه است
 او را در افسرد و صدقه و قطره در آستانه
 بر پاره ریشسته به آستانه
 فالدی که کس بوده آنکه در آستانه
 دستبرد برد که در آستانه
 خردی از طبع او را در آستانه
 فالدی که در آستانه اولی در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 شیر بر آستانه
 آید در آستانه
 آید در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 در آستانه
 طارم علم آید در آستانه
 بر آستانه
 بر آستانه
 فصل آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 خانه آید در آستانه

اینک سخن و سلام و اسون روان با کنه
 و در دم او را در آستانه

ایندین که سطره کوهی در آستانه با آن آه و آه ایندین
 پاره پاره آید که در قودی به آستانه است
 او را در افسرد و صدقه و قطره در آستانه
 بر پاره ریشسته به آستانه
 فالدی که کس بوده آنکه در آستانه
 دستبرد برد که در آستانه
 خردی از طبع او را در آستانه
 فالدی که در آستانه اولی در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 شیر بر آستانه
 آید در آستانه
 آید در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 در آستانه
 طارم علم آید در آستانه
 بر آستانه
 بر آستانه
 فصل آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 خانه آید در آستانه

ایندین که سطره کوهی در آستانه با آن آه و آه ایندین
 پاره پاره آید که در قودی به آستانه است
 او را در افسرد و صدقه و قطره در آستانه
 بر پاره ریشسته به آستانه
 فالدی که کس بوده آنکه در آستانه
 دستبرد برد که در آستانه
 خردی از طبع او را در آستانه
 فالدی که در آستانه اولی در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 شیر بر آستانه
 آید در آستانه
 آید در آستانه
 بر طرفی آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 در آستانه
 طارم علم آید در آستانه
 بر آستانه
 بر آستانه
 فصل آید در آستانه
 خردی که در آستانه
 خانه آید در آستانه

عزم قرب ابتدای شب اسراء بخوابد
عزم قرب ابتدای شب اسراء بخوابد

مگر نیند من عدن است خجها کز در کجا
مگر نیند من عدن است خجها کز در کجا
مگر نیند من عدن است خجها کز در کجا
مگر نیند من عدن است خجها کز در کجا
مگر نیند من عدن است خجها کز در کجا

اهل دل را وصفی اند که در سواد سواد
اهل دل را وصفی اند که در سواد سواد
اهل دل را وصفی اند که در سواد سواد
اهل دل را وصفی اند که در سواد سواد
اهل دل را وصفی اند که در سواد سواد

دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

دوست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دوست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دوست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دوست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دوست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

مهر مهر است که در سواد سواد
مهر مهر است که در سواد سواد

دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی
دست خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

مشمول اولی کتب محبی استیانتی
 بهمن میوس جنس وایک وایک
 کر ویتان ملازم انگریز وایک
 دهکد علو هیتله خاه وایک
 حسرت کند خنده اولو اتیانتی
 وزیر و خوند کمال جان اتیانتی
 پیروز باض خسته کله آتیه
 حقا تیر ل ایلله زیر آتیه
 حیران اولو کریمه چشم آتیه
 کسه طواف روضه خبت آتیه
 زبانه شوق جناب دم و مال وایک
 وقت حصاد خمی خودی آتیه
 جو شیرید و ماه غنطه اندر آتیه
 خدام بزم عزیزی آتیه
 بقدر روان وادان وایک
 خالقه فدا شمع نسیم آتیه
 حق محرم ایش آتیه
 شایسته بزم خاصه قرب و صبا آتیه

اولی سواد جوان گنجینه و خه
 بهمنی ایلدین محبتی صحنه دله
 کندله ختمه سای دی اولی
 اتیانتی کدی وایک اتیانتی
 دانسته سلا سلا سلا
 قانع بنشین خبی عشقی و کجی
 نسیم ایشین نسیم کستان روضه سبب
 میغان کوفی خسته خورشیدی الهی
 اطراف دست کوی کشت ایشین سوس
 رضوان بولورده هیبت صورتی
 اولدی براق عزیمت سطل زرافان
 محصول کشت زان کون ایکی خوشه در
 روی عزیزی کمان مرید سناست
 ارواح قدس قائل اولو احرار امله
 اولسون تبار اوقله خا خا ایشین
 اول کلین خدیقه زار سار ایشین
 کاشانه زینت عیسی اسما گه ذاتی
 محبوب ایشین او دردی عزیمت

بوقدر میوه روح زان اولو
 نورا حمد واحد تانه

کاشانه زینت عیسی اسما گه
 ایشین شوق و عشق ایشین
 بزم چشم بزم اوله سخیل
 بزدیده کیم بکله روتده
 جعفر و مسیح ایشین اولو
 بزمی مدینه کوی بنات
 روح القدس ایشین اولو
 خورشید زده سحر ایشین
 سدره قناره قامت طوبی
 جلوه میغان سر جوان توان

ماه نوبه دیر وقت مشق ایدر
 میغان جوان مکرمت ایدر
 ایشین خلی بوسه اولو
 حقا که گفته سخن اولو
 این شب تکلی عین ایشین
 یوسف شکر فیض و کمال
 یقینان سخن طهر ایشین
 ماه منیر بزمین نور ایشین
 طوبی فکنده سدره قناره
 ای میوه که سحر خط ایشین

روضه بزمین اولو اولو
 کاشانه زینت عیسی اسما گه

مظهر عزتتلك شعله فروز حطی
 ظالم وقتك جوشه كراى غنی
 كراب خرتك اولورسه بوله بون ظلی
 عجزه ماله قلك صفت حستی
 عقال اولوله اوله مابین ستا سندی غنی
 فطرت ابد قارقال دانی غنی بخون وحشی
 مفریت ابدك ادانا حشی بزعی
 لانت شهت غنی خاك درون رطی
 حلاله سینه انظار الله صرب غنی
 صام روزه درده غنك روز و غنی
 شربت عبوی الله زایل اولور تا غنی
 سوار غنك غنی اندر طری
 عاوا غنی بار خلال غنی
 آقادی اخزای وجودن كل اندون بولغنی
 خاك اوله اوله سته روكی غنی وحی
 خار مدهنده حرام اوله زهتاب غنی
 باغی بولنه قیرانه اوله انی وانی

او کون اولورمی دگر کویته رو مال کسان
 کیم بولنه عیال وقت اولوسون غنی
 وصف ذات و صفتد انکی اولی و غنی
 ایضا غنی غنی تا غنی الله
 ایدر ایدر بندن دل فرج و غنی
 در بندن خاندان دله دوی خای و غنی
 دل عیال عصاره او طیب خای و غنی
 عیدله قدر اوله اوله اوله اوله اوله
 هر چه عیب امی اعدایه اولور کند و غنی
 استخیر و آید بهر ایدر انی الله ای
 بوقی کور کور بوقی خای و غنی
 عیالین مرتبه قدری برتر ایدر و غنی
 درس و صفتد اولور مغرب غنی و غنی
 دوده سینه شوق شوق شوق شوق شوق
 او شوق با غنی طبع ای غنی
 باغ خای و غنی باغ خای و غنی
 دم روح القدس اولسه او شوق لا بقدر

بیزیر از اول سال احدی
 مهربان زبانه درو شوق و شوق

انیا و رسالت زبور استخرا لیلی
 مستند هر دو رسالت شه اوله حسی
 یکتا شوق جسر و عالی بسی
 هاستی علم فی علم فی علم فی علم
 کا کون کون کون کون کون کون
 راهبر رسالت شوق و غنی
 رجعت عالی ایدر اولور و غنی
 تک خای و غنی اوله اوله اوله
 بنده ناله خوی خوی خوی خوی
 کینه کون کون کون کون کون کون
 روم و غنی و غنی و غنی و غنی

ای آمدن مکتبک جوازه ای ای ای
 ستم عالم و آدم موندن و غنی
 اشرف خلق جهان کون کون و غنی
 شاه ظاهر بسبب و غنی و غنی
 سخنی روح خرد غنی و غنی
 حق رسالت اوله بنو اوله و غنی
 افرینش یوز بیک صوتیه خلق اولور
 تک خای و غنی خای و غنی
 بنده ناله خوی خوی خوی خوی
 کینه کون کون کون کون کون کون
 روم و غنی و غنی و غنی و غنی

باغ ایتمه خله اوله
 خای غنی و غنی و غنی

می چیت که بر شمس سلطان شهنش در کیم
ای سفاعتله آیدن حرم حیات حشمتی

شبه دانگه عقیه اولدی دو کویک مادری	شبه دانگه عقیه اولدی دو کویک مادری
اولسندی نایک ای صدی دو عالم صدی	اولسندی نایک ای صدی دو عالم صدی
انلیش بادر کلی حیرت اوقات عمری	انلیش بادر کلی حیرت اوقات عمری
زهره زهره او شهساک عربق بو زان هر ی	زهره زهره او شهساک عربق بو زان هر ی
هر ی اولی خواهش صفت کفر و صوفی	هر ی اولی خواهش صفت کفر و صوفی
موق اوصافک دل کس خجای ایدی جری	موق اوصافک دل کس خجای ایدی جری
خبت وصفه کده اجرا ایدی اب کوری	خبت وصفه کده اجرا ایدی اب کوری
رشته مشکت زلف جور تار مسطری	رشته مشکت زلف جور تار مسطری
جودله شاعران زهره اولم ایشی	جودله شاعران زهره اولم ایشی
یوز بیزه انیم آغشته شه شو مکی	یوز بیزه انیم آغشته شه شو مکی
شاه مده مناه الله طایفه جبری	شاه مده مناه الله طایفه جبری
مکملی جامه سوم دستر بطن مغری	مکملی جامه سوم دستر بطن مغری
دلدار ایدیشه ملک حسن ادا در قبری	دلدار ایدیشه ملک حسن ادا در قبری
یغنی سمش بر نایم خوب جامه ایدی	یغنی سمش بر نایم خوب جامه ایدی
زهره لادر هسان یمنی حال ایزی	زهره لادر هسان یمنی حال ایزی
خبت ایدیشه ملک خوب خون یگری	خبت ایدیشه ملک خوب خون یگری
مده خاله کله کندی کندی رنگ دوی	مده خاله کله کندی کندی رنگ دوی
شاه بر شاج کهدر هیر بال بو بزی	شاه بر شاج کهدر هیر بال بو بزی
الای خوب باشه شاه وقتدر سدری	الای خوب باشه شاه وقتدر سدری
شعله شاه اوله فریده اکل زری	شعله شاه اوله فریده اکل زری
دهرک اوله فریده فرزان مهر ماه اوری	دهرک اوله فریده فرزان مهر ماه اوری

روحه منظوم و مشهور اوله صلاح اولی
نظم و پرک صلاحت اولدوقدین و یوزی

شیخ اخضر آتک اناستریه تکره سی	شیخ اخضر آتک اناستریه تکره سی
مهر او سر سیم بزم حشمتک بر شاه سی	مهر او سر سیم بزم حشمتک بر شاه سی
خشم ادا تله ایدیکه بظلمه شاه سی	خشم ادا تله ایدیکه بظلمه شاه سی
سر بسر مهوره کون و مکان و بر شاه سی	سر بسر مهوره کون و مکان و بر شاه سی

تاریتین حضرت موت حنیب الله کتم
عقل اولدور کدر عشقک دیوانه سی

سدره و طوبی و زور و فایه سالیله در آینه سی

- * انبیا جنل و بادشاها رسول *
- * ای سراسر شده سبها رسول *
- * خارا نشی نشین صدر دل *
- * شاه بزمگاه جنبه البت *
- * خیرین پیجوی رسول *
- * سبها سبها سبها سبها *
- * خارا نشی نشین صدر دل *
- * شاه بزمگاه جنبه البت *

بارسول الله فقول الله بظنك حاجتني
 پرستدای در کمال اینه رانله ملول

شرف بصر صفاتی عقل و سالی بجزول
 مایک وصفناک یا ای اختر بقول عرض و طول
 منبج دایم بودی بول الله جنای بجزول
 اولدی جنای ندامت غلای بی بی بجزول
 مدحت ذات کلام اولدی که سبها سبها بجزول
 هم جنبه کنی سبها سبها سبها سبها سبها
 وقتید بزم و صلاه بولسه مال افتابن و سول
 بیت معنور حرم روضه که اینده بجزول
 الله خارا نشی نشین صدر دل و اولدی
 کورمه لایق کنی اول مال با مال هر دون و بجزول

اربعان اولسون قصور در راه در راه
 تا بظنه هر سبها بزمگاه سبها سبها

کین اونی وز بزمگاه سبها سبها سبها سبها
 خارا نشی نشین صدر دل و اولدی بجزول
 عالم هر ده هزاره فی بدلی خارا نشی نشین صدر دل
 مهر و مهر با سبها سبها سبها سبها سبها
 سبها سبها سبها سبها سبها سبها سبها
 مقدم بظنه سبها سبها سبها سبها سبها
 بظنه و صفیته او شاهان سبها سبها سبها
 عقول اولدی بولدی سبها سبها سبها سبها
 دوزخ بزمگاه سبها سبها سبها سبها سبها
 جامه هکام سبها سبها سبها سبها سبها
 بولدی بظنه سبها سبها سبها سبها سبها
 سبها سبها سبها سبها سبها سبها سبها

(*) مطهر معصوم مذکور و اعظم (*)
(*) حلقه اول علم اول و حلقه اول (*)
(*) جواد و علم فقیه و قاضی و قاضی (*)
(*) محال مالمی و داعی مالمی (*)
(*) شهید و شاهد و مجتهد و ناصر (*)
(*) علم هدی و علم حلی و علم هدی (*)
(*) قریب و نبی و علم طبیب و علم طبیب (*)
(*) منبر و منبر اول و اول و منبر اول (*)
(*) حیات و حیات و حیات و حیات (*)
(*) محمد صلی و محمد و محمد و محمد (*)
(*) رسالت و رسالت و رسالت و رسالت (*)
(*) کتب و کتب و کتب و کتب (*)
(*) کتاب و کتاب و کتاب و کتاب (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)

(*) مطهر معصوم مذکور و اعظم (*)
(*) حلقه اول علم اول و حلقه اول (*)
(*) جواد و علم فقیه و قاضی و قاضی (*)
(*) محال مالمی و داعی مالمی (*)
(*) شهید و شاهد و مجتهد و ناصر (*)
(*) علم هدی و علم حلی و علم هدی (*)
(*) قریب و نبی و علم طبیب و علم طبیب (*)
(*) منبر و منبر اول و اول و منبر اول (*)
(*) حیات و حیات و حیات و حیات (*)
(*) محمد صلی و محمد و محمد و محمد (*)
(*) رسالت و رسالت و رسالت و رسالت (*)
(*) کتب و کتب و کتب و کتب (*)
(*) کتاب و کتاب و کتاب و کتاب (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)

(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) اول و اول و اول و اول (*)

(*) بویانه هر بزرگانی است (*)
(*) دین و دین و دین و دین (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) اول و اول و اول و اول (*)
(*) کتاب و کتاب و کتاب و کتاب (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) اول و اول و اول و اول (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)

(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)

(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)
(*) علم و علم و علم و علم (*)

* زمین و آسمانی طوطی صیبت کوس اجلا *

* ملاکل عالمات پرتنم عات سون *

* فاکل آرتا زلفنتن شکس انان سون *

* اندر کوش کوشک انان زلفنتن خطای زلفنتن سون *

* اندر کوشک کوشک انان زلفنتن خطای زلفنتن سون *

* عطا ده دست و سون *

* عطا ده دست و سون *

* ایاک هنک زلفنتن دستم دانت سون *

* ایاک هنک زلفنتن دستم دانت سون *

* جهاک رسنم دستم دانت سون *

* جهاک رسنم دستم دانت سون *

* جهاک رسنم دستم دانت سون *

* اولوت شهبانمه جوان صف سلطان صغری *

* اولوت شهبانمه جوان صف سلطان صغری *

* بوکونه شعری سون *

* بوکونه شعری سون *

* زلفنتن خطای زلفنتن سون *

- * زبانه روح زبانه طبعه طبعه طبعه *
- * بوله دشتام بچه طبعه طبعه *
- * او شاهك جمنه بختی بختی بختی *
- * اقبی صالون صونك صونك صونك *
- * صدا ای تیر و تیغ و کزکی کوه البرز و کوه کندی *
- * عریده نبره سی هند و هند و هند و هند *
- * علاقه عدود و تیر و تیغ و تیغ و تیغ *
- * عیان چشمون تانیدن او تیغ و تیغ و تیغ *
- * عیانیدن عدو انکار ایند سهره ضرب کوبانی *
- * عدو ک سگ کشین هب او تیغ و تیغ و تیغ *
- * اولو بخت ای تانیدن میان بزم و تیغ *
- * زبانه تیغ برای کوهای تان کوهای تان *
- * کوه تان هب تان کوه تان کوه تان کوه تان *
- * کوه تان هب تان کوه تان کوه تان کوه تان *
- * طوبی ای دست تیر و تیغ و تیغ و تیغ *
- * ستاره تیغ برای تیغ و تیغ و تیغ *
- * دلور ب تیر کسورن باشن عدو ک هب تیغ *
- * نجوم سطلو سطلو سطلو سطلو سطلو *
- * کوهی ب کوهی و کوهی ب کوهی ب کوهی *
- * دعای سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب *
- * رجالی انقدر انقدر انقدر انقدر *
- * کوهی کوهی کوهی کوهی کوهی کوهی *
- * عدو تیغ تیغ تیغ تیغ تیغ تیغ تیغ *
- * همان ب سطلو سطلو سطلو سطلو سطلو *
- * عجبی عالم انبساط وصف سبب سبب سبب *
- * وطایق رنگارنگ سبب سبب سبب سبب *
- * انبساط سبب سبب سبب سبب سبب سبب *
- * کوهی کوهی کوهی کوهی کوهی کوهی *
- * بوله در کوه کوه کوه کوه کوه کوه *
- * بشر روی زمین آسمان قد آسمان سبب *

اول جمله زین آیه را بخواند بر او نور لوح ماهی خواهد بود بر او نور در کتب که در آن است در کتب که در آن است	اول جمله زین آیه را بخواند بر او نور لوح ماهی خواهد بود بر او نور در کتب که در آن است در کتب که در آن است
---	---

صفت قدر و شرف عتبات آن که با شایسته عوام جاهلی خاست آیت

اول جمله زین آیه را بخواند بر او نور لوح ماهی خواهد بود بر او نور در کتب که در آن است در کتب که در آن است	اول جمله زین آیه را بخواند بر او نور لوح ماهی خواهد بود بر او نور در کتب که در آن است در کتب که در آن است
---	---

قد و عتبات و سون و روزی او عالی و حجت است
اهل اسلامه صتام و عید گم و عید گم و عید گم

اول جمله زین آیه را بخواند بر او نور لوح ماهی خواهد بود بر او نور در کتب که در آن است در کتب که در آن است	اول جمله زین آیه را بخواند بر او نور لوح ماهی خواهد بود بر او نور در کتب که در آن است در کتب که در آن است
---	---

* شاهستانه جوان
* پویان شمشیر
* وی قدرت و قضاوت
* شاه دار چشم
* عالم جان جهان

* کوکب خود به یوسف
* شاهستانه جوان
* ای کوکب کوکب
* ای کوکب کوکب
* ای کوکب کوکب
* ای کوکب کوکب

هر دو کورتان دست لطیفه بهترین اولور
جانان عزت و اقتدار آید اولور

موشکرم اولور
موشکرم اولور
موشکرم اولور
موشکرم اولور
موشکرم اولور
موشکرم اولور

سین موافق میوه باقی بود بر اولور
بزم ادان سنی لایه ای ابطع

مدنیک چشم خراب میوه باقی بود بر اولور
وضع تا ساز و گندین کسی نگار اولور
لا یله آمداد رضا ناله عدو میر اولور
عزیم اوله یقه افزون دشمن پتیم اولور
هت مرتاله بر که بر زین شایر اولور
سحر هاروت اوله انجازه تخته تخته اولور
وصف نباتت سحر کنی سحر کنی اولور
ظنبت اندیشه سی الهامه پتیم اولور
مد حاکمه اوله ساق سنی پتیم اولور

دور در اولور
ای وزیر داد کسرتیم

حق خیرانی رعایتله او دوشیم اولور
بجز خیرانی پتیم کیم کیم اولور
کهنه شاه خله خله دم کیم اولور
دیده حرص و طمع اولور اولور
بسر طار خله خله خله اولور
دشمنی باک اولور اولور
لوح جویان اولور اولور
فنی استعداد اولور اولور

* بر او له جسد دك او با خود بران *

* البته اجداد خود بران *

* کوز دد بر شتر جق بران *

* او قدر صالطی امین و بان *

* تا که اولی جسم خلق بران *

* زودند و جیف کوی کران *

* در هفت غله جان *

* در در کانه اشیا در مان *

* فیه ششی جهات و خارا کران *

* اوله بر جیس کاسک بران *

* فیه جود و جسد و جاقان *

* افتاب اولش آینه دان *

* همه نادان حاصله مان *

* بلکه علی الجواهر اعیان *

* بیخه زار و عباد شیران *

* حایطی او باند و بران *

* مرقم درانی یقین صان *

* هم عطا و همده فی اقران *

* رنگی سمری طبره نشان *

* دل و دست کرمی کماله کران *

* کس و هر هنر و حظه بران *

* هر کس در کهنه بر ساطان *

* اسانه اشیا فی امله جان *

* فلسفه نبی شقایق بینا کر *

* اینسه بر سو فیه امر کرمی *

* جو ارنده بواسه جمرانی *

* عدل و دانی میان اصدان *

* کلام خلق جهان معنور *

* حکم و حکمین ذاتیه نسبت *

* قلم یقینا س جود بند *

* درو را را لطفای لطیفه *

* دولای کوی و تیر عدله *

* در ره عزیمت شاه سینه *

* کاسه شوی شور جلال *

* طلمت نجی کرم بر آینه در *

* پیش دانی دانسته و لور *

* ناک در کاهی تو عی بیون *

* مرصه کعبه عزاده رسم رزم *

* در وجود بر سالی سالی *

* مکر و مکره مال موجود *

* هم سخا و مکره بی انباز *

* و کاند را بر سر کرمی *

* او شهنشاک لطفند اولور *

* او شهنشاک کرمی بخشند *

* او شهنشاک مکره مکره مکره *

* او شهنشاک سیر کرم اولش *

* کرمه جود خود در راه در جان *

* کرمه جود خود در راه در جان *

* صف در هر دو رسم و ستان *

* اسمان مستند و کونک و انان *

* مظهر تام هست و دان *

* کمال بخار کرمی ایمان *

* بادشاه عالمه عرقان *

* قیه الهی خاله شاهان *

* لوحه دفتر خدا و دان *

* جان و اولیا و عارفان *

* قهرمان سطور وزیران رزم *

* صدر پیرای ملک خانی *

* علم افزای قیام و نصرت خلق *

* بخیران در و در کرم اسلام *

* شهنشاک قلم و دانستن *

* زنده الی آخره و ان کرمین *

* شهنشاک سینه خدا و ندی *

* اختیار سلا و خنجر *

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

الهی اوله اهلها یون جهان بتیان او زرنه
که دوشدی فرقی سر پر سر و بوجوان او زرنه
که ساسان همدان اس و خان او زرنه
چکدی چله کنی فکون او زرنه
که اولدی خیر خانب خدایگان او زرنه
شکوه شوکی دارت خست و او زرنه

بینه دوشدی هاسا هسی جهان او زرنه
که ساسانه ساسانه طایر تو فنی
که ساسانه ساسانه مال صلی و صلاح
که ساسانه ساسانه ایزد رحمت
که ساسانه ساسانه عیانت صمدی
خدا نکان فکانت استانکه را خدر

تخت نظر کوی
اولدی مصوبه هر بقی کوا

* اندوب اثبات یوفقی بوقی واه *
* برعارض بولنوسه ناله *
* باغ معنی خبی و فنی مناه *
* استین تیج زبان سنک جوان *
* بن ایسنه حسد کدر او کاه *
* شاه عالی او بی خول شاه *
* نه کفشی نه نشی و کلا *
* در نه میر سو و شاه *
* که اگله نه رطال قیاه *
* دامن و نلدی و کوا *
* نازان سله نکه او سار و دوتا *
* اری سوز و دل و آشی آه *
* شاه مناه خاق بر او خاق *
* اوله بیزین کانی قیاده خاه *
* اناه خجی نیه شاه *
* منک آخال اوله آخال *
* سوز و نل و افواه *
* دینه خیری خیری خولا *
* منم که و کک سینه رونه *
* او قودن جوانه کباب اشناه *
* حال دلان بجه اولسون آراه *
* جاک مسکله بن سبیر خاه *
* بو ایسنه خود و صول ایوان *
* کور بوزن هر مرده مار سناه *
* شقی شری که هر کیمه ماه *

* در سسه دهواه کدر معنی *
* ادعا که ای کله یان *
* آفرین طبع یطیبه که اورد *
* سوزنی کدر رازان هیز *
* قول بوزن کدر بلنک *
* ساسان خانه فی منت اولن *
* حسد اول فی سر و نل *
* رشک او و نر و نر کاه *
* حیا زنده دل استغنا *
* ایشی آزاده بیلیدن آیدن *
* اولسون بخل امل دنیا ده *
* خیر منی باقی سوزن تان *
* یقین خدی کوی کل اندر *
* رسن منته یقینه صفتن *
* دوشده آغوشه موح آسک *
* خیر یقین زان و قرتین *
* نوله مندوم دلده لاله لیم *
* تیر کی طلاله خدی کور دن *
* مستحق مدبر و مقول خیر *
* نکره من بر بیزینه اوضای *
* کند و دوقد اولن بختیان *
* بر دل اولسه اندامه بختی شریح *
* آب روک دو کله منته *
* کجه عزم انیسک اگر منته *
* داده موره اولوب دست کشت *

کتاب فیصد بیک و اسون بیک جدید و ادوی

حسود خاچی اوله دینه ان اوزره	حسود خاچی اوله دینه ان اوزره
او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم	او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم
جداسی او کیم ایدم او کیم ایدم	جداسی او کیم ایدم او کیم ایدم
او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم	او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم
همای او کیم ایدم او کیم ایدم	همای او کیم ایدم او کیم ایدم
سکوت او کیم ایدم او کیم ایدم	سکوت او کیم ایدم او کیم ایدم

فیصد بیک و اسون بیک جدید و ادوی

کیمه قطره سی در ویدم او کیم ایدم	کیمه قطره سی در ویدم او کیم ایدم
در ویدم او کیم ایدم او کیم ایدم	در ویدم او کیم ایدم او کیم ایدم
او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم	او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم
فل ویدم او کیم ایدم او کیم ایدم	فل ویدم او کیم ایدم او کیم ایدم
خجندی او کیم ایدم او کیم ایدم	خجندی او کیم ایدم او کیم ایدم

فیصد بیک و اسون بیک جدید و ادوی

پوشیمی او کیم ایدم او کیم ایدم	پوشیمی او کیم ایدم او کیم ایدم
قدم قدم او کیم ایدم او کیم ایدم	قدم قدم او کیم ایدم او کیم ایدم
همای او کیم ایدم او کیم ایدم	همای او کیم ایدم او کیم ایدم
او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم	او کیم ایدم او کیم ایدم او کیم ایدم
سواد او کیم ایدم او کیم ایدم	سواد او کیم ایدم او کیم ایدم
عطار او کیم ایدم او کیم ایدم	عطار او کیم ایدم او کیم ایدم
سایه او کیم ایدم او کیم ایدم	سایه او کیم ایدم او کیم ایدم

فیصد بیک و اسون بیک جدید و ادوی

کوری او کیم ایدم او کیم ایدم	کوری او کیم ایدم او کیم ایدم
بیاب او کیم ایدم او کیم ایدم	بیاب او کیم ایدم او کیم ایدم
جرام او کیم ایدم او کیم ایدم	جرام او کیم ایدم او کیم ایدم
جانی او کیم ایدم او کیم ایدم	جانی او کیم ایدم او کیم ایدم
سوار او کیم ایدم او کیم ایدم	سوار او کیم ایدم او کیم ایدم
سوی او کیم ایدم او کیم ایدم	سوی او کیم ایدم او کیم ایدم
صلح او کیم ایدم او کیم ایدم	صلح او کیم ایدم او کیم ایدم

بر ساله بنشیند محمول بر اول خرد و خردانی
بختین رزای اندر صف بستند قدستانی
ابتدا غنیمت بره باری با نیکو کردی ستانی

اول خسرو و ناکوردان قصری قیصر
اول شاه شاهی صفی غازی شاه مظفر
اول شاه شاهی صفی غازی شاه مظفر

شاهزاده جهانگیر خان احمد میردانی
خانان خرد و خردانی

بخت بر باد رسیده است ز رخ زاری
تا چنان آمد روی شیران هونر شانی
با ابد را در زان بد حال در ادانی
آنک ستم بر شاه با نیکو بادی
خانان سراسر چون غم اهل صفیانی
درک آید من جلایان جلایان
خلق جهان سران شاهان خردانی
سرخسده بجا رسد بر اول خردانی
رهور بر اول خردانی
هر روز بر سر شاهان خردانی
هر شب بر سر شاهان خردانی
یک بخت بر سر شاهان خردانی
دلداره شوقی خاطر ده شاهانی
مظالم در شاهان خردانی
اصرت رفیقان خردانی
ز ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
ارد کرد بر خردانی
سقی ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
مد زین جور و جور شاهان خردانی
خارج بر شاهان خردانی
بوی که ای عظم شاهان خردانی
اورک عدل و داد شاهان خردانی
عازم بر شاهان خردانی
است که بر شاهان خردانی
اندر خردانی
خانان مظفر صاحبان خردانی

بخت بر باد رسیده است ز رخ زاری
تا چنان آمد روی شیران هونر شانی
با ابد را در زان بد حال در ادانی
آنک ستم بر شاه با نیکو بادی
خانان سراسر چون غم اهل صفیانی
درک آید من جلایان جلایان
خلق جهان سران شاهان خردانی
سرخسده بجا رسد بر اول خردانی
رهور بر اول خردانی
هر روز بر سر شاهان خردانی
هر شب بر سر شاهان خردانی
یک بخت بر سر شاهان خردانی
دلداره شوقی خاطر ده شاهانی
مظالم در شاهان خردانی
اصرت رفیقان خردانی
ز ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
ارد کرد بر خردانی
سقی ستمه ستمه ستمه ستمه ستمه
مد زین جور و جور شاهان خردانی
خارج بر شاهان خردانی
بوی که ای عظم شاهان خردانی
اورک عدل و داد شاهان خردانی
عازم بر شاهان خردانی
است که بر شاهان خردانی
اندر خردانی
خانان مظفر صاحبان خردانی

خانان خرد و خردانی

برین کربان را چه اگر خط خوردی
 به پایه پاکی او است اگر چه خبری
 سلطان چندی مدتی است می مگری
 بر آنه چاره حال روح و صورتی
 مگر بی حسی مگر بی مایه مگری
 مشعل کله در طلبی در بند خاری
 آینه در طلبی در بند خاری
 کفر گوته گوته او به او که شکسته کلتری
 اینترشی اینترشی صنوبر شمشیر شکرش
 بود رنگ او او سر راه اگر تا سر مضمی
 بیانه به صورت و نیک لای لای مغمی
 ادب تا تو چه همی بنده پروزی
 کفر یا نه می و بند خرد جو خد غمغری
 زهه جو رفعت و چنگی دخی خبری
 کفر این جانب اوله روانه چرخ روی
 دگر حضور او آینه اولی غمغری
 علم و فضل الله عزت جلالت غمغری

از بیانش شاهانه در وقت
 در خدی قصه قدسی خدی
 اجزای امی سر شاهه و فکری او فکری
 و خدی صحنه اینی کت را طرا فنی
 آینه روانه او با اولی کت را طرا فنی
 هر صحنه او لو سه شاهه افغان سنا
 با ج را طرا فنی او کت را فضا ر
 لوح سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 مشکین سنا سنا سنا سنا سنا
 بزمستان و مجلس معینه و اوقات
 اولی سنا سنا سنا سنا سنا
 کفر یا نه می و بند خرد جو خد غمغری
 مصرق با فنی سنا سنا سنا سنا
 مستندتین فضل و هنر و وفون دهن
 عملا مه زمانه صف اول اول اول
 عیان جان و حال مخصوص ذات مد

صدیق صادق صادق صادق صادق صادق
 صادق صادق صادق صادق صادق

پیرایه بخش مستند شرح خبری
 دهی که فک جگاب ادیب هنروری
 هر قطعه سخی مخطرات ز مغمغری
 صد شرح مکتب مشرف و زین و زینوری
 بخلاف سر فک سنا سنا سنا سنا
 می آت اندندی آینه طبع داغ روی
 تلمذی فی عشق اند کنی کتی گری
 طوبی می مقام چشمه سنا سنا سنا سنا
 است اندی سوسی سوسی سوسی سوسی
 اول ماه سوسی سوسی سوسی سوسی
 پروانه کله کله سوسی سوسی سوسی سوسی
 کلمه خاک خاک سوسی سوسی سوسی سوسی
 سراسر سوسی سوسی سوسی سوسی

مغنی دین پنهان جهان پنهان
 بهمان عصر پنهان دود و زور و زور
 تخریب تخریب تخریب تخریب تخریب
 حلال مشکلات خدا شرف سنا سنا
 جانان مستند سنا سنا سنا سنا
 اوله سخی طوطی سنا سنا سنا سنا
 عرض اندی روی زین سنا سنا سنا سنا
 عکس سنا سنا سنا سنا سنا
 سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا

تا روز حشر المی سنا سنا سنا سنا

کراواتی اطلبی کرد و آنک اولی کردی
اولی بودی بر له بدی بدی بدی بدی بدی
خوهر شینا سدر او سید و او قدر جوهری
بالسی سنک سنی بالسی بالسی بالسی

خدا هم بزمه دینم فرمید راه اولی
عالم عالم عالم عالم عالم عالم
عروض انلیس خواهر یطیم بود به نظرم
او اوره جهان اولی اولی اولی اولی

بیشاد خاه رفعتی قصی عسری
حق انلیس تیران اقلان بری

اینکه بر استان معلایه اتیان
کردن کون واره اندر رفعت اکستان
خوهر شینا سدر او سید و او قدر جوهری
عجان حینا علم علی سیرت و خناب

صدای بق صدای داو قارور منقبت
بر استانکه ساهل ناپ رفعت ر
بر استانکه ساهل ناپ رفعت ر
بر استانکه ساهل ناپ رفعت ر

رای افندی حضرتی کیم ذات پاکت
حالا رتیرس یاد شده مالک ارا قان

دیوان فصل و دانسته شده است اینجاب
بسر نام طبعی طبعی طبعی طبعی طبعی
ایر طبعی طبعی طبعی طبعی طبعی
تال سندر و رفعت سر جی خناب
مه ریز مشقی او حله زینکاری ایای
ستین بقط بقط بقط بقط بقط بقط
وی تکیست که ناره کھی می جی و ما
در
سد اوله امدم او در در در در در
احتیاج اولی بر کیم بر کیم بر کیم
خسده سنج و تاب اوله خنده صند ان
ویر ساک بود سواله صد اطله خه او ان

کوش بنیاز به کهر او بر طبق اولی
تو ز سوسو درم استان می و تها کهر
کلام درم درم درم درم درم درم
ای دای و زمانه جدا می اد بخیش
شب دود خیر حقه بود قایر اش
وصف صفات ذاتی نایب اندیشه اولی
رنگ شفق ویر سدر درم درم درم
باز گران جلقک اشقیه سی نسیم
سر لوله جی سدر اسره اورا معرفت

اقبال و خاه و عری ای افروزاننده جدا
او اسون دعای دواتک او را د شینج و شتاب

بزی برینه قانو سیر قانو سیر قانو سیر
مدینه مشکله اولی اولی اولی اولی

و خودی صغیه سنی حافظه مؤلفان الله
آردی خوی و صغیه سنی سیرت و یوست

هر کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم
سیرت احسام حقیقه طواف ایکندر

ای جدی و کیم کیم کیم کیم کیم کیم
کیمه در کیمه فرط صفات کلام



هلال شهاب و شهاب
مهره اگر شهاب و شهاب
مهره ماه شهاب و شهاب



* اولاد و اولاد *
* اولاد و اولاد *

* اولاد و اولاد *
* اولاد و اولاد *

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال

بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال
بوی جلال بوی جلال



شهرستان ... | ... مهر و مهره ...

جناب خود برادرزاده ای ...

... | ...

... | ...

... | ...

... | ...

... | ...

... | ...

... | ...

ماستاب انبلا الاسرا به در خا
قرب او ابی حمزه حرم حرم
وصف پاک و چه پراواری نصی
کشف راز حقیقت جوانه مشکله
حسرتله پیشه صبح رسا ارض وسع
تکویسار چه یکتا ابروی

مشرق صبح بخیل مطلع نور شه بود
سوره بونقان فوسین ابروان دلگشی
شرف عطر نسوانی سوره ولایت در
عالم اولم اولم اولم اولم
سوره سرف سرف سرف سرف
سوره سرف سرف سرف سرف

* احمد مسل حین حق صمد صمدی *
* بحر عیان قلم اسرام قلمی دلی دلی *
* احمد مسل حین حق صمد صمدی *

* تازین بزم خاص خاص خاص *
* تازین بزم خاص خاص خاص *
* تازین بزم خاص خاص خاص *
* تازین بزم خاص خاص خاص *

☉ * * * ☉ * * * ☉ * * * ☉ * * *

بسم طرطره لطفه و زان اولور سره اکر
بسم طرطره لطفه و زان اولور سره اکر

خط خود طرطره و قلم احسان
اولور سره اکر اولور سره اکر
خط خود طرطره و قلم احسان
اولور سره اکر اولور سره اکر

هر قدره عزم اندر سه اوله چون حق رفیق
بهرت اولور سره اکر اولور سره اکر

دست درم تلمی قری چشم و بزم زبانی
بظن حیات کسری خانی و دلگشی
اسفند یار کوه کوه افراسیاب رای
افعال استبان بولنده خیره ساری
طل سعادتی که اولور سره اکر
دور اولور سره اکر اولور سره اکر

اولور سره اکر اولور سره اکر
دگر می بنی فدای ای ای ای ای ای

وصف اولور سره اکر اولور سره اکر
انگیزه بزم اولور سره اکر
دق سینه چنک قامت چنک قامت
بذل مجال دمد اولور سره اکر
اولور سره اکر اولور سره اکر
خط خسته اولور سره اکر

سواد نظمی پیش اندلی سر اولور سره اکر
سواد نظمی پیش اندلی سر اولور سره اکر

بزرگوار و خردمند و ماهر در هر کاری که
خواستن با ایشان عاقلانه و با ادب و با احترام
و با رعایت آداب و عادات و حقوق

- * با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه
* با مال بیگانه دست نزده و با مال بیگانه

شور و غوغای افروخته و زود دست زدنی
شور و غوغای افروخته و زود دست زدنی

- * صوت مطربان عالی مقام و نوازندگان
* جلوه جلوه صورت بخت و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت
* هر که در خانه با خاک و چرم و درخت و درخت

کلوا و اول شرمسارم با تمام اندر دین و کون
کلوا و اول شرمسارم با تمام اندر دین و کون

- * دل اواره ساقی بر هوا بیدار جان است
* چینی سر و تانم با تمام دست و پا است
* بی خای نا بخواه قویا بکنده صفت است
* چنان معنی ز با کتبی است از بیخ است
* بنای عمری است از آب و زهره قوراش است
* جزیق ز حال چاره نگر است از آب و زهره
* بودله دور حقایق هر چاه زود است
* بد گری سرگش و اول است با تمام است
* تیزان آید از جوان فلک از قوراش خوردند

* * * افتاء جزایات * * *

اول کل صد بزرگوار است که از بیخ است
کلین نهفته طبع اولی می خورش

اولش اول سر و جوان بوستان رویت
چشم حق بیننده ما ز باغ انصاف گل خلد

تیمار بی نظیر در ممالک اسلامی

۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰

در ممالک اسلامی تیمار بی نظیر

۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰

تیمار بی نظیر در ممالک اسلامی

۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰

تیمار بی نظیر در ممالک اسلامی

۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰

تیمار بی نظیر در ممالک اسلامی

۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰

سودا ائمه وسلم ورجا عبادت را بنده
سوالها را بنده

سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده
سوالها را بنده

خوب نظر که در یاد دل صاف نظر
فکر حاسد حاصله در یاد بر بند
خوی فکری

خدا را اول قشلی آید بنام بر بند
از روی جانی ساق عینا بر بند
دیده عزیزه باقی سیرت ائمه بر بند
از روی جانی ساق عینا بر بند
دیده عزیزه باقی سیرت ائمه بر بند

خدا را اول قشلی آید بنام بر بند
از روی جانی ساق عینا بر بند
دیده عزیزه باقی سیرت ائمه بر بند
از روی جانی ساق عینا بر بند
دیده عزیزه باقی سیرت ائمه بر بند

نارنگه خنک بوی قهوه کشته ای نظر
نارنگه خنک بوی قهوه کشته ای نظر
نارنگه خنک بوی قهوه کشته ای نظر

ناله درد درون ناخون بدل می خورد
چشم بر من در کوه کشته صده ناله در
ناله درد درون ناخون بدل می خورد
چشم بر من در کوه کشته صده ناله در
ناله درد درون ناخون بدل می خورد

ناله درد درون ناخون بدل می خورد
چشم بر من در کوه کشته صده ناله در
ناله درد درون ناخون بدل می خورد
چشم بر من در کوه کشته صده ناله در
ناله درد درون ناخون بدل می خورد

نظم بنظر اندکی بینه عینا بر بند
نظم بنظر اندکی بینه عینا بر بند
نظم بنظر اندکی بینه عینا بر بند

دهر اولی پری پری و پری پری
سینه دردن بر طرف عینا بر بند
او قاتلی ائمه باقی عینا بر بند
کوی کوی کوی کوی کوی کوی
رفا که رفا که رفا که رفا که رفا که
اروا را رفا که رفا که رفا که رفا که
اولی سوال سوال سوال سوال سوال
بر خام خام خام خام خام خام
عینا بر بند عینا بر بند عینا بر بند
عینا بر بند عینا بر بند عینا بر بند

دهر اولی پری پری و پری پری
سینه دردن بر طرف عینا بر بند
او قاتلی ائمه باقی عینا بر بند
کوی کوی کوی کوی کوی کوی
رفا که رفا که رفا که رفا که رفا که
اروا را رفا که رفا که رفا که رفا که
اولی سوال سوال سوال سوال سوال
بر خام خام خام خام خام خام
عینا بر بند عینا بر بند عینا بر بند
عینا بر بند عینا بر بند عینا بر بند

نظم در طوره ده فی در آن در احد

در کتبی که در ...

وصف سال سرکه گویند و ماهان ای نظم
چهل دلم در فی جامم کل افشرد در

در ...	در ...

مقنن را اسباب حال کمال بود ای نظم
دور خرد سست بنیاد انسد و سبند در

در ...	در ...

تا تیر فین عشق دل حاصل افند نظم
بر اندر که هر کجا اختیاد در

در ...	در ...

وصف صفات سبک سبک افن اوله نظم
چاک در بند و حسان او اولوب کتیر

در ...	در ...

عارف افندی سستی طویش روی بود در

او رنگی ز مین گشته ده سرور و او را
 حاشا که آنکه در تیه خانی و او را
 کل کی او که خامی از جوانی و او را
 بریدانک با شسته که دود آبشانی و او را
 او را در تاشسته دیده بر نو جوانی و او را

ای دل که گشته گشت و گزرا از خجانی و او را
 او رنگی ز مین گشته ده سرور و او را
 حاشا که آنکه در تیه خانی و او را
 کل کی او که خامی از جوانی و او را
 بریدانک با شسته که دود آبشانی و او را
 او را در تاشسته دیده بر نو جوانی و او را

در روز دانه هه روز از روزی احمد در
 نظم او لسه نو له پیشی خیر دن عاری

طر فاطم فیه هبه و هوی و هوی احمد در
 زبان بند دلم تا رموی احمد در
 کمی گور رستم از چشم خوست احمد در
 کور بیده کل جلا جلا احمد در
 مشام خام بنده لیز یوی احمد در
 همیشه زه زه سی گشگی احمد در

طرح فاطم فیه هبه و هوی و هوی احمد در
 زبان بند دلم تا رموی احمد در
 کمی گور رستم از چشم خوست احمد در
 کور بیده کل جلا جلا احمد در
 مشام خام بنده لیز یوی احمد در
 همیشه زه زه سی گشگی احمد در

چاه حسرتی غیر تله خکین عزیز در ده
 قامت شوق تودا و اوسه اظنک اغنی

پشت سر تاهه اگر امنه خاتمه زده در
 ساکنی ز رونق دریای جنون عزیز در
 ریح جوگرده دلبر کل شنبه در
 موی مشکین زون لاف خیزی در
 تازه ز رخسار او خورده هم زده در
 عاشقک بخت سیت می بیته هم زده در

پشت سر تاهه اگر امنه خاتمه زده در
 ساکنی ز رونق دریای جنون عزیز در
 ریح جوگرده دلبر کل شنبه در
 موی مشکین زون لاف خیزی در
 تازه ز رخسار او خورده هم زده در
 عاشقک بخت سیت می بیته هم زده در

سر شاکر ممد بن بون زله خیرت خریان
 نظم او آتشی سینه لاله زمان میند

حکایت غم ده سه لاله زک زمان میند
 دو بینی داغ در و لان لاله زمان میند
 کور دن دیدی کل پر لاله زمان میند
 کناره دیده ده کلاه لاله زمان میند

حکایت غم ده سه لاله زک زمان میند
 دو بینی داغ در و لان لاله زمان میند
 کور دن دیدی کل پر لاله زمان میند
 کناره دیده ده کلاه لاله زمان میند

در روز سینه سینه احمد در
 آخده دل داغ در و لان سینه احمد در

در روز سینه سینه احمد در
 آخده دل داغ در و لان سینه احمد در

جواخون بندر عشق ز تانی سون واور هر جناب منگه چشمه تاله مهرود اواور عاشقان اجالم کرای عاقبت محمود اولور ایش مهر و محبت بی سراسر بود اولور بادی نوز جاشق اشق جون اولور اولور	اوله خوب خاتاله هم وار خان بان تانی خالم لیم بزنجور درد پوش عشقه عاشق اولور سه ساقه نایه وصل ایل برق تاله سوز و خان تانیرد هر عشقه سی اشوه سی ایزت ایل خاتاله اول جشود اولور
--	--

باز خجالت و شش اندر نظر
که یو لالی اوله جهم
اولسه تار تار

کلیسرای حسن و بی اولدی جاری تار کوی قورلای مرمی عشق ایلر کلر تار سوز درون جهان بی آید کی سیرا تار اولسه خجسته بکل ایلر صد مره تار	کلیسرای شدی د لیرک کوی کلدی کوی ایلر عشق صغدم کلیسرای ایلر سیرا تار عشق دلیر ایلر تار تار
--	--

باز خجسته وصف تار نظر
اولسه موی عشقه
باز خجسته وصف تار نظر

دور در چند کمال مشکین تانین منصور و بی سوا لاله ویزه جو ایلر اول جواخونه جلا حقه اولسه کتین ایلر رجسار تار اوله اوله جلا حقه ایلر خجسته ایلر ایلر مشکین طین ایلر ما یو بوی رکن ایلر مهر رکن ایلر مخچه لاله جلا حقه بویله ایلر بور کمال می جو ایلر اول تار ایلر	دور در چند کمال مشکین تانین منصور و بی سوا لاله ویزه جو ایلر اول جواخونه جلا حقه اولسه کتین ایلر رجسار تار اوله اوله جلا حقه ایلر خجسته ایلر ایلر مشکین طین ایلر ما یو بوی رکن ایلر مهر رکن ایلر مخچه لاله جلا حقه بویله ایلر بور کمال می جو ایلر اول تار ایلر
---	---

داج دال سول سیم الله نظر
خجسته جلی و وار
داج دال سول سیم الله نظر

ای مهر ملا حت سیک اخر سخری وار خام می سخری درک درد سوری وار به عصمه انرا نه سخری جن سخری وار پرستم بدین سیم بی سیم وار بید دل و خاتاله الورد سوری وار قلینده بر ایتیم بوله قلینده بوی وار	ای مهر ملا حت سیک اخر سخری وار خام می سخری درک درد سوری وار به عصمه انرا نه سخری جن سخری وار پرستم بدین سیم بی سیم وار بید دل و خاتاله الورد سوری وار قلینده بر ایتیم بوله قلینده بوی وار
--	--

لا ایلر اولور بیزینده و سوره سوره
صیرت لاله ای نظر سول سیم الله نظر

گویی که می بیند و می شنود و می بیند و می شنود	گویی که می بیند و می شنود و می بیند و می شنود
گویی که می بیند و می شنود و می بیند و می شنود	گویی که می بیند و می شنود و می بیند و می شنود

تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن

هر طرف که می شود در آن طبع در آن	هر طرف که می شود در آن طبع در آن
هر طرف که می شود در آن طبع در آن	هر طرف که می شود در آن طبع در آن

تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن

تبع در آن و از آن طبع در آن	تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن	تبع در آن و از آن طبع در آن

تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن

تبع در آن و از آن طبع در آن	تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن	تبع در آن و از آن طبع در آن

تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن

تبع در آن و از آن طبع در آن	تبع در آن و از آن طبع در آن
تبع در آن و از آن طبع در آن	تبع در آن و از آن طبع در آن

مگر می توانی که به زانو او بایستی
مگر می توانی که به زانو او بایستی

در دین تو که با او از او زانو در دین تو که با او از او زانو	در دین تو که با او از او زانو در دین تو که با او از او زانو
--	--

خون ماه مهر بدین اولم ای ای ای
خون ماه مهر بدین اولم ای ای ای

باز بیا که در دین تو که با او باز بیا که در دین تو که با او	باز بیا که در دین تو که با او باز بیا که در دین تو که با او
--	--

باز بیا که در دین تو که با او
باز بیا که در دین تو که با او

باز بیا که در دین تو که با او باز بیا که در دین تو که با او	باز بیا که در دین تو که با او باز بیا که در دین تو که با او
--	--

باز بیا که در دین تو که با او
باز بیا که در دین تو که با او

باز بیا که در دین تو که با او باز بیا که در دین تو که با او	باز بیا که در دین تو که با او باز بیا که در دین تو که با او
--	--

سوزنده در صورت سوزان
سوزنده در صورت سوزان
سوزنده در صورت سوزان

چشم و دل طوبی الله طوبی الله
چشم و دل طوبی الله طوبی الله
چشم و دل طوبی الله طوبی الله

بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی
بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی

بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی
بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی
بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی

بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی
بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی
بوی او را در زانو سنجی الفاظ و معانی

دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد
دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد

دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد
دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد
دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد

دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد
دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد
دل زده شد بگریه و دانه فرود آمد

بندی فایده طالع فیر و نای بزم
بندی فایده طالع فیر و نای بزم

بندی فایده طالع فیر و نای بزم
بندی فایده طالع فیر و نای بزم
بندی فایده طالع فیر و نای بزم

بندی فایده طالع فیر و نای بزم
بندی فایده طالع فیر و نای بزم
بندی فایده طالع فیر و نای بزم

چندین ساله که در حال طوی	چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی

چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی

چندین ساله که در حال طوی	چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی

چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی

چندین ساله که در حال طوی	چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی

چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی

چندین ساله که در حال طوی	چندین ساله که در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی
بود و در حال طوی	بود و در حال طوی

* حق سوزی کوش آید بخاک آید بوله بول *	* قولاه فائل ایسک دی دل آکر *
* هر گنه نجب آله اندر سه نکه *	* اول کوز اولور نا شکه عین صبر *
* عتکه گنه نظر ایتر آکر *	* عینه کتسه رت آتیه نظر *

دشمن اهل هنر اوله حذر
 وصال عین جوش جوش عین
 اولای نظر وصف حال خطبه آره

مستکین خطی عین بر شال عین	مستکین خطی عین بر شال عین
رویتده می او زلفه اوله شال عین	رویتده می او زلفه اوله شال عین
افسوسه آتیه حال عین	افسوسه آتیه حال عین
ناغه تیار آید روی شال عین	ناغه تیار آید روی شال عین
هم دسته رت بر شال عین	هم دسته رت بر شال عین

دایره نظمی
 اوصاف کلده بواقفون نظر

اولسون هله خطه او او شوی عین طوی	اولسون هله خطه او او شوی عین طوی
سلطان حسن لشکر بی درک عین طوی	سلطان حسن لشکر بی درک عین طوی
زلف سیه ای کوی آکر بی عین طوی	زلف سیه ای کوی آکر بی عین طوی
ایچی آتیه آتیه عین طوی	ایچی آتیه آتیه عین طوی
هر بر خنده بر دل زار و حور عین طوی	هر بر خنده بر دل زار و حور عین طوی
اشوبه فتنه فی او عین طوی	اشوبه فتنه فی او عین طوی

ویر نظر کنی سیک در نظر
 اولسون بوله او کیم بر دلی ل طوی

تد مکه خسته عین مین مین طوی	تد مکه خسته عین مین مین طوی
هزار شرمه برال دستال طوی	هزار شرمه برال دستال طوی
الو کتبه هیریری برین طوی	الو کتبه هیریری برین طوی
رکاب نازی جو شیر او بر ل طوی	رکاب نازی جو شیر او بر ل طوی
عین بر سوسه برین طوی	عین بر سوسه برین طوی
اودام زلفه اوله دانه دانه طوی	اودام زلفه اوله دانه دانه طوی

دکلی بول ویشا اینه ارا کس
 او کیم نظر کنی مین صبر طوی

صفایه طرفه ای سینه ای سینه طوی	صفایه طرفه ای سینه ای سینه طوی
زهی سیکله می سیکله طوی	زهی سیکله می سیکله طوی

گویی تا از روز پنجشنبه میباشند عازب گشتی
 عیون و حیرت اوله و اوله و اوله و اوله و اوله
 و باقی کلمه اوله و اوله و اوله و اوله و اوله
 و باقی کلمه اوله و اوله و اوله و اوله و اوله
 و باقی کلمه اوله و اوله و اوله و اوله و اوله

صورتی بقطعه در دل بظلم انک
 معتبره درین خانه و بون و مکتان آتشی

خان جهانگون در خان اول دهان آتشی
 آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی

اوراج با آه و گشت و به آتشی
 او را با آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی

عقل فریاد صلاطین طمانه دیوانه آتشی
 آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی

بذل الله یعنی چه آتشی
 بذل الله یعنی چه آتشی آتشی آتشی آتشی

هنگامی که سناک ای شیخ بیداد گویند
 قیرسک دجی ای عجزه خلا گویند
 دنیا گویند و کوه سینه گویند
 صرف ایستاده گویند و اوله گویند
 بیصفتی عالمی گویند و اوله گویند
 اوله گویند و اوله گویند و اوله گویند

شهر دل معارضه
 فانی و زبان بیخاک

بنا گوی خرات ای دل و پناه سپی لبش	بنا گوی خرات ای دل و پناه سپی لبش
عجب گشته سندر سیم را فوری لبش	عجب گشته سندر سیم را فوری لبش
لب شیرین بادله او شجوا که لبش	لب شیرین بادله او شجوا که لبش
مگر هم داده پای باقی لبش	مگر هم داده پای باقی لبش
جفا تخم دلم خال خج مشک جین لبش	جفا تخم دلم خال خج مشک جین لبش

رااض نظر مکه کو با که خامه کات با لبش
 دل بی شوره شکر لبش نظر المی

بنا هر کل بر ز ریزن قد حله شکار لبش	بنا هر کل بر ز ریزن قد حله شکار لبش
لب جو هیت دیدار به بجا ده دار لبش	لب جو هیت دیدار به بجا ده دار لبش
چینه اینه عیرت دور و بسوزن جبار لبش	چینه اینه عیرت دور و بسوزن جبار لبش
بیم دیوانه کو کلم کجی جو ریزن لبش	بیم دیوانه کو کلم کجی جو ریزن لبش
داعی شکر را سنی بر شایر روزن لبش	داعی شکر را سنی بر شایر روزن لبش
بینه بر عا شقی دیدار در کز او لبش	بینه بر عا شقی دیدار در کز او لبش
و نایش هر شکره جو فکری لبش	و نایش هر شکره جو فکری لبش
بیشی اولی کشته بنار هزار لبش	بیشی اولی کشته بنار هزار لبش

کار دیده چون کز او لبش
 نظر شام و صندل لبش

بنا حسته کو با اختر بنه داره لبش	بنا حسته کو با اختر بنه داره لبش
خط مشک ماه اول ماله هات لبش	خط مشک ماه اول ماله هات لبش
کار صغیر جبار و صلاه لبش	کار صغیر جبار و صلاه لبش
لب رنگی تاب دیده بجا ده لبش	لب رنگی تاب دیده بجا ده لبش

تا نسون دل رفیده از حسد لبش
 سو نسون نظر آتش لبش

الظلم و ره ربه انسه نیک و بد لبش	الظلم و ره ربه انسه نیک و بد لبش
ای و حبه باکی آینه فی عد لبش	ای و حبه باکی آینه فی عد لبش
ما تنبزه شکره جگره لبش	ما تنبزه شکره جگره لبش
کرده که خنده لبش	کرده که خنده لبش
رفیقان از لبش ای سر و قد لبش	رفیقان از لبش ای سر و قد لبش
اولدم زبون شکره لبش	اولدم زبون شکره لبش

بنا و لستون تا کتوس لبش
 اولو را لبه بز کون جلوه لبش

دکده به تسمه اگر سوسولسم به تسمه
خوردی جگر خطی سحر سلاسه دکده
کل ای کوی کندم استان جگر دکده

دکده به تسمه اگر سوسولسم به تسمه
خوردی جگر خطی سحر سلاسه دکده
کل ای کوی کندم استان جگر دکده

قطعه باقوت بظن کنی اولی ای بظن
بویله آب و تابه بر کوه کجینه صاف

زنگدن عاری اولی کوه ستر آینه صاف
انبار صوفی درون تیره کی پشته صاف
در دسر و بر من اولی کوه ستر آینه صاف
حرف طبعی جگر خطی سحر سلاسه دکده

زنگدن عاری اولی کوه ستر آینه صاف
انبار صوفی درون تیره کی پشته صاف
در دسر و بر من اولی کوه ستر آینه صاف
حرف طبعی جگر خطی سحر سلاسه دکده

بظن اندون اب حقی بظن زار
سر رشته اراده ای بظن

شیر زانی حقی بوق بوق بوق بوق
صناد در کندی بظن بظن بظن
بر تابه در تابه کندی بظن بظن
دام فسوفی حلقه بظن بظن بظن
بر تابه در تابه کندی بظن بظن

شیر زانی حقی بوق بوق بوق بوق
صناد در کندی بظن بظن بظن
بر تابه در تابه کندی بظن بظن
دام فسوفی حلقه بظن بظن بظن
بر تابه در تابه کندی بظن بظن

صون ای ساقی ساقی ساقی ساقی
بظن بظن بظن بظن بظن بظن

میان قو جدر و بر باق وصال باق
زمن دلدن بینه باق وصال باق
بر تابه در تابه کندی بظن بظن
سرخسار بینه باق وصال باق

میان قو جدر و بر باق وصال باق
زمن دلدن بینه باق وصال باق
بر تابه در تابه کندی بظن بظن
سرخسار بینه باق وصال باق

بظن بظن بظن بظن بظن بظن
بویله بظن بظن بظن بظن

خوب کرمانه اولی ستر بظن بظن بظن

خوب کرمانه اولی ستر بظن بظن بظن

تدریس می یابد بر کس که در خواب سناک
صفتی با او در رجحان خواب سناک
و نال و آرزوی خاسته بنام سناک
خاک را بنام سناک
بکار آید این کار بنام سناک

تدریس می یابد بر کس که در خواب سناک
صفتی با او در رجحان خواب سناک
و نال و آرزوی خاسته بنام سناک
خاک را بنام سناک
بکار آید این کار بنام سناک

درم سوال سناک اندر سناک هر صفت
و در سناک خواب سناک
بظنم آید سناک

بوقتی که بنام سناک
اطلاعی بر خواب سناک
بوقتی که بنام سناک

بوقتی که بنام سناک
اطلاعی بر خواب سناک
بوقتی که بنام سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

* اولی بیلورستان دی دل خندان جان جان *
* خان کچی کوزدن اولسه بولمه دلده جان جان *
* صغیر درون حوصله سر در عسری

* باار دین و باغان ایستین باار دین *
* باار دین و باغان ایستین باار دین *
* باار دین و باغان ایستین باار دین *

* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدوم *
* خطه خطه خاخریز خاخریز جان جان اولدوم *
* صبح اوغور کورده جان جان اولدوم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدوم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدوم *
* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدوم *
* خطه خطه خاخریز خاخریز جان جان اولدوم *
* صبح اوغور کورده جان جان اولدوم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدوم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدوم *
* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدوم *
* خطه خطه خاخریز خاخریز جان جان اولدوم *
* صبح اوغور کورده جان جان اولدوم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدوم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدوم *

* نظم بزم اولوب اولوب اولوب اولوب *
* نظم بزم اولوب اولوب اولوب اولوب *
* نظم بزم اولوب اولوب اولوب اولوب *

* خطا ایلدی انلی بزم خاخریز جان جان اولدم *
* بوزور کورده کورده کورده کورده جان جان اولدم *
* بی غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدم *
* هوا ده آله و آله جان جان اولدم *
* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدم *
* صبح اوغور کورده کورده کورده کورده جان جان اولدم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدم *
* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدم *
* خطه خطه خاخریز خاخریز جان جان اولدم *
* صبح اوغور کورده کورده کورده کورده جان جان اولدم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدم *

* زاده طبع ایظمی جدیدی سحر سحر *
* زاده طبع ایظمی جدیدی سحر سحر *
* زاده طبع ایظمی جدیدی سحر سحر *

* خاخریز خاخریز خاخریز خاخریز جان جان اولدم *
* خطه خطه خطه خطه جان جان اولدم *
* صبح اوغور کورده کورده کورده کورده جان جان اولدم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدم *
* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدم *
* خطه خطه خاخریز خاخریز جان جان اولدم *
* صبح اوغور کورده کورده کورده کورده جان جان اولدم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدم *
* شاکه لا یغیدر بوله بریشان اولدم *
* قاتلک غوغا سندن کتله کتله جان جان اولدم *
* خطه خطه خاخریز خاخریز جان جان اولدم *
* صبح اوغور کورده کورده کورده کورده جان جان اولدم *
* ای غازی خطی اسرا خطی اسرا جان جان اولدم *

* کورده کورده کورده کورده *
* کورده کورده کورده کورده *
* کورده کورده کورده کورده *

* کورده کورده کورده کورده *
* کورده کورده کورده کورده *
* کورده کورده کورده کورده *

هلاک و شد و جانی حقیرانی چو بماند گویش	هلاک و شد و جانی حقیرانی چو بماند گویش
کوروب آرزو و زود خجسته در بنا گویش	کوروب آرزو و زود خجسته در بنا گویش
جفا اهل اولی ابروی از مو رخ باز	جفا اهل اولی ابروی از مو رخ باز
بقوت دندانه حیرت داده دیدی کردی آن	بقوت دندانه حیرت داده دیدی کردی آن
سوسو بر سر خنجره خون آن گریه با ناله	سوسو بر سر خنجره خون آن گریه با ناله
سینه خام مشک باقی خلسی الدسی سوسویش	سینه خام مشک باقی خلسی الدسی سوسویش

خو که در دیده می آید بر آسوی به نظر
 به در او رسیده زلف سستی دامن چنین

اولد اولی ابروی از مو رخ باز	اولد اولی ابروی از مو رخ باز
عجب گریه او کی گریه با ناله	عجب گریه او کی گریه با ناله
عمر قدری در طین اینه می آید	عمر قدری در طین اینه می آید
اینش چنین گریه می آید	اینش چنین گریه می آید
چار عجز ای عیلا بقصد این آینه	چار عجز ای عیلا بقصد این آینه

سرخ زبان آینه ای اولی ابروی از مو رخ باز
 خاشاکه چشمه زبانه آینه ای

فتنه بد را اولی ابروی از مو رخ باز	فتنه بد را اولی ابروی از مو رخ باز
عجب گریه او کی گریه با ناله	عجب گریه او کی گریه با ناله
عمر قدری در طین اینه می آید	عمر قدری در طین اینه می آید
اینش چنین گریه می آید	اینش چنین گریه می آید
چار عجز ای عیلا بقصد این آینه	چار عجز ای عیلا بقصد این آینه

بجز این است عشق افسرد دل نظری
 شمر حشاکه بر زخمه بر زخمه آینه ای

ناله ای که سستی خام خون آن آینه	ناله ای که سستی خام خون آن آینه
دوستی او طفل آنک تا کج فسون آن آینه	دوستی او طفل آنک تا کج فسون آن آینه
سهراب آنک تا کج فسون آن آینه	سهراب آنک تا کج فسون آن آینه
اوه ای خون من خون من خون من	اوه ای خون من خون من خون من
خام وصال خجسته افسرد دل آینه	خام وصال خجسته افسرد دل آینه

ناله ای که سستی خام خون آن آینه
 * * * * *

اما کور او رشک بری زبان بر زبان	اما کور او رشک بری زبان بر زبان
لایزال او عیان عیان بر زبان	لایزال او عیان عیان بر زبان
باصبر با صبر که در دیده دانه دانه	باصبر با صبر که در دیده دانه دانه
* * * * *	* * * * *

کوه جسر و کوه کوه
بهره جوار جوار

کوه کوه	کوه کوه

دور دور
دور دور

دور دور	دور دور

کوه کوه
کوه کوه

کوه کوه	کوه کوه

کوه کوه
کوه کوه

کوه کوه	کوه کوه

بید همایه اندیشه کی جراحی الله بظلم
صحنه با آناه بیدر نظر در زمانه گذرن

ازین در کوره بوسیله بازایره گذرن	بزیده قول الله عفو اندوب اعتراف می قویله
بوزنی صحنه کلور دی اول اوله گذرن	قیدن ان الله فانا دستبزی بزیده قیاس
بواور البتله در دوامه بقره گذرن	اوطیب دل اندر خسته عسقه دربان
بست مدوشی دور جانیه بقره گذرن	شوق اعلمه واران کونیه شوریده کلور
اولدی بقره شهادت سفره بقره گذرن	دلبری کور مکه وارمه درینه اولمکه وار
قالدی کور کلمی جویونو اولمکه وار گذرن	کلدی بزیخیر مرده الله بقره بگذرن

باز سرقالسه بوله اولسه اغیار دین
بناح عالیه بولن کل بختار بظلم

جانیه بوزنیک کل کاتنه جار دین	هر کس کاشدن انا واور سور وکی وایمن جنب
بناح عالیه بولن کل بختار بظلم	دوق اولم ووزی بویوقیه صحنه اولم کلنگ
قیاسی میدان بختار بظلم	بصحنه صحنه صحنه بختار بظلم
وصالته صحنه صحنه بختار بظلم	بظلم صحنه صحنه بختار بظلم
قولدی کلنگه بختار بظلم	بذی دور بختار بظلم
استی بختار بظلم	هوس ایمن بظلم

بظلم آینه عالیه در وار بظلم
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه

سواد ماه چهره مبر اور اولسه در صابون	دور تیره اولن قیاس بظلم
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	سرنده پاره لسهون تیشه فرهاد او بختار بظلم
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه
کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه	کلنگه کوبه کوبه کلنگه کوبه کوبه

بظلم بقره بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم

بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم
بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم	بظلم بظلم بظلم بظلم بظلم

اول در دی قوی اولسه سر و خن جان رونقاری کور بخند اولو تا رون روان

بچو داده اشك خون آلود خوشداری ایتم
 در و با قوتی له مال اولی گنجینه دن
 دردی در کمال میل زلف و حال گتم
 سینه که باک آیت جناب اسوهای کهنه دن
 فارج اول زاهد زادن جنت نشینه دن
 پر شکست اولس خیر زاده دوشینه دن
 طغیانه دل خطای آن روی آینه دن
 هفتاد هفتاد روزی بر سال اول و غن
 شست و شو فراق اوله رونق آینه دن
 عکس حسنا که عمده عوارض درون سینه دن

اوله حال رخ شاه اندیشه ایتم
 هو و پشیم یقطه سرک آله در افتخار عدن
 ماه رو زهره چنین مهر در چرا عدن
 حدن انیسون حدن آه دل سو تا عدن
 سیرت حال دل کجای است عدن
 او بی شایسته احوال پریشانی عدن
 جنبه واری وارسی سنا عدن
 خاک خانق حنن عدن او خا عدن
 مژده وصلته زنده شهر شب و روز
 روز زار یله اوستا کهنه دل تا اثر اولر
 نامه لازم دل اول شوخ بیچاره گنای
 یو بی ای دای سحر سحر عیض الله
 بی فریاد صالوب سندی صا کله صا نور
 بزنجیر کله دی آرام دل و خا عدن

نو گوین طفل دل و پر دم بنده جو زنده حسنه
 ایتم اسا غنمی اولسم مکتبن
 جرام تال که کسه اولر اشك حور مکتبن
 بیخه بیست اولور اولر حقیقه مستور مکتبن
 خفته کج که اول دله مور مکتبن
 کلور اطبال اولر اولر مسرور مکتبن
 اولور شاد که قابل همیشه دور مکتبن
 قوتی صبح مکتبن هر صبح صبح مکتبن
 اولاد قیس اولر اولر اولر اولر اولر
 اولر اولر اولر اولر اولر اولر
 اولر اولر اولر اولر اولر اولر

بهای لتی درین که یزدتک
 اما که ایتم که الکاه سور س
 بهیتر فی ای یوسف حسنه به یو رسن
 خا سنی سندی صورتی صنده سور رسن
 خوق حوسر و شیرینی ملا حند به یو رسن
 بو حسنه سنی انچه خورشیدی بو رسن
 بقدر خط کله کندی ای ری کلکون
 قالر یو طوبی سک جنجک کلکون اخر
 رو داده سنی جنجک اخر اوله اغوشه الم

• در روز چهارم از شهر تبریز
• در روز پنجم از تبریز به مشهد
• در روز ششم از مشهد به اصفهان
• در روز هفتم از اصفهان به شیراز
• در روز هشتم از شیراز به کربلا

• در روز نهم از کربلا به نجف
• در روز دهم از نجف به سامرا
• در روز یازدهم از سامرا به بغداد
• در روز چهاردهم از بغداد به حلب
• در روز پانزدهم از حلب به دمشق

کوردان دلداری اویدی فوجی در لای نظمی
عاشق تان او او را در جهان بستان او بسته

• در روز شانزدهم از دمشق به قاهره
• در روز هجدهم از قاهره به اسکندریه
• در روز نوزدهم از اسکندریه به سیدون
• در روز بیستم از سیدون به بصره
• در روز بیست و یکم از بصره به کربلا

• در روز بیست و دوم از کربلا به نجف
• در روز بیست و سوم از نجف به سامرا
• در روز بیست و چهارم از سامرا به بغداد
• در روز بیست و پنجم از بغداد به حلب
• در روز بیست و ششم از حلب به دمشق

در حین این راه که کوه است از راه
اشکی طایفه ازک اولاد و اولاد

• در روز بیست و هفتم از دمشق به قاهره
• در روز بیست و هشتم از قاهره به اسکندریه
• در روز بیست و نهم از اسکندریه به سیدون
• در روز سی و یکم از سیدون به بصره
• در روز سی و دوم از بصره به کربلا

• در روز سی و سوم از کربلا به نجف
• در روز سی و چهارم از نجف به سامرا
• در روز سی و پنجم از سامرا به بغداد
• در روز سی و ششم از بغداد به حلب
• در روز سی و هفتم از حلب به دمشق

بگذریم اولاد و اولاد که در کربلا
بگذریم اولاد و اولاد که در کربلا

• در روز سی و هشتم از دمشق به قاهره
• در روز سی و نهم از قاهره به اسکندریه
• در روز سی و دهم از اسکندریه به سیدون
• در روز سی و یکم از سیدون به بصره
• در روز سی و دوم از بصره به کربلا

• در روز سی و سوم از کربلا به نجف
• در روز سی و چهارم از نجف به سامرا
• در روز سی و پنجم از سامرا به بغداد
• در روز سی و ششم از بغداد به حلب
• در روز سی و هفتم از حلب به دمشق

او را در راه که از راه کربلا
او را در راه که از راه کربلا

کربلا حرام است و بوی طوبی حلال است

صفاست از این راه و طوبی حلال است

عکس او را در کف و قد و چشمی الله	سوره بوره بزرگ آل او زوره
داغ داغ او سینه آفتاب او بر روی ساعد او	کل اخچند کل اخچند کل اخچند کل
خط ریحان مین اول او را بر حوض او زوره	سوره بوره بزرگ آل او زوره

وصف دندانه ها بوسیله آیات الهی
 کوشش کرده است که بگوید

بخت هجرتی فرما پیش مردم میند	بخت هجرتی فرما پیش مردم میند
خنده دل آری آفتاب پیش مردم میند	خنده دل آری آفتاب پیش مردم میند
اهل مسکنانند بی خبری حیران باندی	اهل مسکنانند بی خبری حیران باندی
هر قدر حدیث بود اولیای او	هر قدر حدیث بود اولیای او
اول صلابت از راه سینه سیر اندوب	اول صلابت از راه سینه سیر اندوب
موتوق دنیا در راه سینه سیر اندوب	موتوق دنیا در راه سینه سیر اندوب
بخت هجرتی فرما پیش مردم میند	بخت هجرتی فرما پیش مردم میند

بیت طعن او است این سخن
 موفقی اولیای او زوره

صدف حرام اولیای او زوره	صدف حرام اولیای او زوره
دو شورشوی موی خیزی بر بزمه در یاد	دو شورشوی موی خیزی بر بزمه در یاد
شکار مرغ دام دانه در یاد	شکار مرغ دام دانه در یاد
ول قایه فایده او ایست	ول قایه فایده او ایست
سینه ده اولیای او زوره	سینه ده اولیای او زوره
قیاس اندر قیاس آنگونه در یاد	قیاس اندر قیاس آنگونه در یاد
بود کل اولیای او زوره	بود کل اولیای او زوره

هر چه از او باقی است
 حق است

بخت هجرتی فرما پیش مردم میند	بخت هجرتی فرما پیش مردم میند
خنده دل آری آفتاب پیش مردم میند	خنده دل آری آفتاب پیش مردم میند
اهل مسکنانند بی خبری حیران باندی	اهل مسکنانند بی خبری حیران باندی
هر قدر حدیث بود اولیای او	هر قدر حدیث بود اولیای او
اول صلابت از راه سینه سیر اندوب	اول صلابت از راه سینه سیر اندوب
موتوق دنیا در راه سینه سیر اندوب	موتوق دنیا در راه سینه سیر اندوب
بخت هجرتی فرما پیش مردم میند	بخت هجرتی فرما پیش مردم میند

بیت طعن او است این سخن
 موفقی اولیای او زوره

صدف حرام اولیای او زوره	صدف حرام اولیای او زوره
دو شورشوی موی خیزی بر بزمه در یاد	دو شورشوی موی خیزی بر بزمه در یاد
شکار مرغ دام دانه در یاد	شکار مرغ دام دانه در یاد
ول قایه فایده او ایست	ول قایه فایده او ایست
سینه ده اولیای او زوره	سینه ده اولیای او زوره
قیاس اندر قیاس آنگونه در یاد	قیاس اندر قیاس آنگونه در یاد
بود کل اولیای او زوره	بود کل اولیای او زوره

صفتند و صفتند و صفتند صفتند و صفتند و صفتند صفتند و صفتند و صفتند صفتند و صفتند و صفتند	سدره ساره سوره سوره سوره تافه طره عنبر سحر سحر دایره سوره سوره سوره سوره صفتند و صفتند و صفتند
--	---

ویردی بزمی سره اول اول اول
که بظنم اندامه اول اول اول

تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته	تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته
--	--

استاده رجه دتیه شکر
استاده رجه دتیه شکر

تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته	تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته
--	--

حقا در کشتاک نظام
حقا در کشتاک نظام

تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته	تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته
--	--

ما تبه خیر مال او زوره
ما تبه خیر مال او زوره

تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته	تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته تکته
--	--

دو کلاه و کلاه خنجر با صمدی | کلوب و ربه خندان اول و اولی صمدی

مندان بطن ک
مستاده و خنجره ای که
مستاده است

خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ

خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ

خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ

اهل بیت کوه کوه کوه کوه
اهل بیت کوه کوه کوه کوه
اهل بیت کوه کوه کوه کوه
اهل بیت کوه کوه کوه کوه

خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ

طنجه ای که در دست راست
طنجه ای که در دست چپ
طنجه ای که در دست راست
طنجه ای که در دست چپ

خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ
خنجره ای که در دست راست
خنجره ای که در دست چپ

ساخته و جزئیات و برآورد
جمله دو جزئیات

زبان هندی و برآورد	زبان هندی و برآورد
زبان هندی و برآورد	زبان هندی و برآورد
زبان هندی و برآورد	زبان هندی و برآورد
زبان هندی و برآورد	زبان هندی و برآورد

رسمال در این جزئیات
توضیح دو جزئیات

دو جزئیات	دو جزئیات

توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات

توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات

توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات

توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات
توضیح دو جزئیات	توضیح دو جزئیات

* غایه فی ایتدیم هدیه ارجمه آن آیتدیم
* مهره فرسوا و لومه نامهر بان آیتدیم
* تا وک بر کانی لوح ایجان آیتدیم
* آیتدیم رخسار آن آیتدیم
* عکس رخسار آیتدیم آن آیتدیم

* حسنه ممتاز آن آیتدیم
* جزه چشم آیتدیم بر جوی طوی مشکر
* هر یک آیتدیم از روی کداری اندر
* عجزه سی تیغ کاهند امن اولدینه
* دسینه الدقه اولدیم جوی آن آیتدیم

* وشتو کل الدی *
* وشتو کل الدی *
* وشتو کل الدی *

* جنون عتیقه کدک آیتدیم
* صغیره رنجی قل فایله آیتدیم
* اودمده کججه ورتیه آیتدیم
* قل کججه کججه آیتدیم

* دیوان آیتدیم اولدیم
* دیوان آیتدیم اولدیم
* دیوان آیتدیم اولدیم
* دیوان آیتدیم اولدیم

* کججه کججه کججه
* کججه کججه کججه
* کججه کججه کججه

* مشقیه مژمه بر سینه
* دستون کججه دل آیتدیم
* طوبوت کججه کججه آیتدیم
* تیشه کججه کججه آیتدیم

* دیوان آیتدیم اولدیم
* دیوان آیتدیم اولدیم
* دیوان آیتدیم اولدیم
* دیوان آیتدیم اولدیم

* کججه کججه کججه
* کججه کججه کججه
* کججه کججه کججه

* کوریه کججه کججه آیتدیم
* کججه کججه کججه آیتدیم
* کججه کججه کججه آیتدیم
* کججه کججه کججه آیتدیم

* کججه کججه کججه آیتدیم
* کججه کججه کججه آیتدیم
* کججه کججه کججه آیتدیم
* کججه کججه کججه آیتدیم

* کججه کججه کججه
* کججه کججه کججه
* کججه کججه کججه

* او ماه طلعت غایت ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی

* او ماه طلعت غایت ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی
* او کشته کججه بر عتد لب ال ویردی

نظمی خجسته ای خجسته ای خجسته ای خجسته ای

اول و بوی کوه بر جزایر دستار آن کنی	عکسگاه اولسک آینه ده مهر زمان آن کنی
سوز بر کوه صومند بند و بنام آن کنی	خاواوندی عای شقی خجسته ای آن کنی
اولسک و قلم خجسته ای آن کنی	بن بر سنگه ای مه نامهر زمان آن کنی
کوشی گرایه دل او قوی آن آن کنی	زور او لم او قوی برای آن آن کنی
اولسک و قلم خجسته ای آن کنی	مراعات خجسته ای سبب ای برای آن کنی
سوز بر کوه صومند بند و بنام آن کنی	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
عکسگاه اولسک آینه ده مهر زمان آن کنی	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای

طالع بختی اندر اول مهری ماهی

بار باره طوفان دور و دور و دور و دور	اولسک و قلم خجسته ای آن کنی
زنجیر سنان من مریه مشک سوده سی	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
هنگام سنان اهل خجسته ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
مردم خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای

دام آتشی اندی می دل خجسته ای

خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای
خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای	خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای

* در زمان آتشی خجسته ای سبب ای سبب ای

* خجسته ای سبب ای سبب ای سبب ای سبب ای

* دستار صومند مهری ماهی اول مهری ماهی * سوز بر کوه صومند بند و بنام آن کنی

کریه کن چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی

رونگار اندر می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی

وصف دندان ایضا منده مستطاب بر نظم
رشته ایظم در زبان او در گوهر گسی

انسی گورن بکرمه قدم تیروری بر کسی
ایضا بکرمه بجزیره چرخ گسی
دندان ز یورن بکرمه بجزیره چرخ گسی
بزم عشق بکرمه بجزیره چرخ گسی

بزم عشق بکرمه بجزیره چرخ گسی
دندان ز یورن بکرمه بجزیره چرخ گسی
ایضا بکرمه بجزیره چرخ گسی
انسی گورن بکرمه قدم تیروری بر کسی

حسینه با قدم شکر بر یورن باقی باشی
طوطی کوی با قدم شکر بر یورن باقی باشی

اشک بر در کسین مهر و محبت شبنمی
راکی زلف بکرمه بجزیره چرخ گسی
بندان ایضا بکرمه بجزیره چرخ گسی
سایه سنده بر کرمه بجزیره چرخ گسی

دود دلدرد باغ عشق سنبل مشکیندی
بندان ایضا بکرمه بجزیره چرخ گسی
سایه سنده بر کرمه بجزیره چرخ گسی
سور قدر بر کرمه بجزیره چرخ گسی

بر ماهه شاهانه مهر سوری
بر ماهه شاهانه مهر سوری

وارتبه آقدهی تارمه در کم کوزی
بندان ایضا بکرمه بجزیره چرخ گسی
سایه سنده بر کرمه بجزیره چرخ گسی
سور قدر بر کرمه بجزیره چرخ گسی

وارتبه آقدهی تارمه در کم کوزی
بندان ایضا بکرمه بجزیره چرخ گسی
سایه سنده بر کرمه بجزیره چرخ گسی
سور قدر بر کرمه بجزیره چرخ گسی

بزد او با شاد و عالم جهان ایضا

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و درین راه خجی کوهی کردی

* ماه نوامیدی و سترگی مستیز	* از روی به اول رخ رخستان مستیز
* کل زلفه بنفشه اوزره گویا صحتی سندان	* زنده خنده مستیز این روز و ده روز کله کلدر
* بوق ز قور سوره اوه سی پشه داند	* اهم ز غم زلفه شمر رخبر دختدر
* هلال اسکان طالع ابروی اجدر	* فدا گاه افتاب صبح خیم اجدر
* دل و نار با سگ انگری بوق و قدر	* از غری واری بوق دل و چرخه جوقدر
* قار و نده اولسه مزلی تحت البراه در	* هر دون گه مال گه جوقله فوق العلامدر
* سوادای درون دل سودا دیده خاند	* مدار خانه قدر زلفه زین روی خاند
* دوه صرخه خط اعلا بوسه کله بره عا عندر	* دویست دگمش من کلانی از بزرگ با عندر
* کان بر سونک لوح خدک اخترا بندر	* او نیز انداز بزرگ تا گه دل خاطر بنشیند
* معال تکره سینه پائلی دل خراب	* و بران پندی غریز دل خود الله تاب تاب
* اینچا راز اولوی هرور و قیامت من جا	* کلاراه صبحدم کلیم فاصد صبا
* بزگو بزگو تو درن ضربت کله ز بزا	* او بزوی آدای گور سوره گوتور دردم تبها
* بزسا به سینه یوز زوی الله عزوجل	* ذات حسن جنبه اولدی اینکی همی

* مضمون دات *

طواف گه چندان معنی سیه کله	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم
دو کله سیه سینه سیه کله	فوی مع هر جهاتاب صبح کله
عز و حرمت یوقله اولور	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم
خجال تاره بکله فاصد کله	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم
دو چشمه عارضه زلفی چن چن اولدی	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم
هلا له عبه ازوسی دال اینچا اولور	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم
اطراف انیدی عذاران عیوض عیوض	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم
هوای عشقه دوشوب عقیل اولدی اوای	ناب انندی دل عکس حسن آری بقم

* هاشوش سینه به چکرم اوقم رخساری	* پیرهنی کجی کجوردم بده دن دلاری
* شیرینم اولورسک سکا قه هادیرته	* بزدا ج د ل ک تم نکا قه هادیرته
* مکر خام می ساقی میان بزم صهباده	* بزاکجی دانه زلی قدردن رودرستانه
* او خط سبزی کوردم کرد اول ایل ایل ایل	* بولاشدم ختم خورده ای دل چشمه جوان گن ایل
* در فک خاکی بولدی نه میرونه شاه	* اظه که قالی گرم سندن اولور الله
* سر شک الکه اندی اول کل خندان	* خچر دیر قورالک دی خوجسم جوان افشان
* اولسه عیان شکاف دن او ستمی	* بوز بکا هاشق اوله اسکله ستمی
* قنده دیر دیر کدینه بولدی و جان	* آینه دانه آینه آینه به آینه دان
* حجابی طایر همت هزاران او ستمی	* ایلک طایر ایلک بی قاریغ تیشم
* اولوب بیز بک بختی بیان	* خچر سندی قاش حسن خانان
* فنی نوبی ناله اولدی هم ناره بی	* اولسم خجتمی باغ جهاند هوار فنی
* وصلت دیر ایلخون شاه شکر ایلدلم	* دست تا تیرنی در قورقنه شمشیر ایلدلم
* وقت دیر کس کجی اول کل مزاره نظر اول	* اعله حالک دی خوجسم بوشیا جام اول
* کجی ایلان ایلد سکن خندان اوله سکن	* بزاشقی ایلد کتم صکر ششان اوله سکن
* خانانسون بکا اولشی ایلدی ایلدی ایلدی	* اولدن اشک نرم روضی قندیل تیلار
* ایلخنده دن ایلخنده مومنا کدر	* اسمی وار خجمی یوق ده کدر
* شیشه خراج فک صنع بد قدر دیر	* ایل کوبی اولان کجی بختی بر ستمی

خاتمی اول تو خونی خاتمی سنگرمقال سنگرمقال اول کلن اطافت اول کلن اطافت مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ	خاتمی اول تو خونی خاتمی سنگرمقال سنگرمقال اول کلن اطافت اول کلن اطافت مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ مجموعه باغ
---	---

آمین

قوله فی این است خاتمی شوق بوش هلاکات جو ابنا کوریو عشاق کل خط بر تائیر بوس جو تو کل کو	قوله فی این است خاتمی شوق بوش هلاکات جو ابنا کوریو عشاق کل خط بر تائیر بوس جو تو کل کو
---	---

اوسه قانده حسرتگش رفتار اولدی

اوسه قانده حسرتگش رفتار اولدی

بزم ساهانه ارم اگنه حسرتگش

بزم ساهانه ارم اگنه حسرتگش

حسن حیرت فکری عفا قلی ساهی
بی قول انندی اول کشور حسرتگش

حسن حیرت فکری عفا قلی ساهی
بی قول انندی اول کشور حسرتگش

* مستمس *

سلاطینی اقتدای شاه جهانگزی

وی زلفی سنبل سینه سبزین سیم
کسین ساسای کوی رقیب ارض ارم
ای در شاه راهم ایتدک بیقیم
بند فغان افت ایتدی اود بریده قدیم
بعضی گئی سوز در سوز استی سیدی عنی

وی زلفی سنبل سینه سبزین سیم
کسین ساسای کوی رقیب ارض ارم
ای در شاه راهم ایتدک بیقیم
بند فغان افت ایتدی اود بریده قدیم
بعضی گئی سوز در سوز استی سیدی عنی

سلاطینی اقتدای شاه جهانگزی

وی سوسه سده ساقه و کوی و عقیقه
زلف بکار او بر خیزد وین و خیم
ای سوسه سده ساقه و کوی و عقیقه
زلف بکار او بر خیزد وین و خیم
ای سوسه سده ساقه و کوی و عقیقه

وی سوسه سده ساقه و کوی و عقیقه
زلف بکار او بر خیزد وین و خیم
ای سوسه سده ساقه و کوی و عقیقه
زلف بکار او بر خیزد وین و خیم
ای سوسه سده ساقه و کوی و عقیقه

سلاطینی اقتدای شاه جهانگزی

آق دمدم دورانه ایش فراقه د اغل
دار الامان دل طویلویش باسدی سیر
سلا غده هی دو چشمی پر خاله خگر
ده طاعتان و زهره خیتان عشق کوه
وا رانسه برده کور خجک کور ارم اگر

آق دمدم دورانه ایش فراقه د اغل
دار الامان دل طویلویش باسدی سیر
سلا غده هی دو چشمی پر خاله خگر
ده طاعتان و زهره خیتان عشق کوه
وا رانسه برده کور خجک کور ارم اگر

سلاطینی اقتدای شاه جهانگزی

اول شومخ تاز بوزاری اول بوجو بی بی
وز ستم ایلیم ایلیمه بیلد بوزاری بی بی
یکان خستیک بته اولسم بشارت بی بی
اسم سلا سلی او بزرگ بی بی
عروض انسم کور بخه بوزاری بی بی

اول شومخ تاز بوزاری اول بوجو بی بی
وز ستم ایلیم ایلیمه بیلد بوزاری بی بی
یکان خستیک بته اولسم بشارت بی بی
اسم سلا سلی او بزرگ بی بی
عروض انسم کور بخه بوزاری بی بی

سلاطینی اقتدای شاه جهانگزی

* مردهای دلی به عذاب الهی جای دنیا
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها

* مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها
 * مردهای دلی به عذاب الهی عیبها

۳۱۱۱
 سزای دلی به عذاب الهی عیبها

از روی تاریخ اساسی سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 کوری بر زمین و ستم اولاده مهر و مهره
 نایدی که عیبها عیبها عیبها عیبها
 خانی اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 دین ستمیان سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 نایب امری به عیبها عیبها عیبها عیبها

از روی تاریخ اساسی سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 کوری بر زمین و ستم اولاده مهر و مهره
 نایدی که عیبها عیبها عیبها عیبها
 خانی اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 دین ستمیان سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 نایب امری به عیبها عیبها عیبها عیبها

۱۱۱۰
 سزای دلی به عذاب الهی عیبها

هرگز تاریخ سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 حق بودیم روح روان اولاد و خانی اولاد
 ایامه صدره و ستم اولاده مهر و مهره
 نایدی که عیبها عیبها عیبها عیبها
 خانی اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 دین ستمیان سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 نایب امری به عیبها عیبها عیبها عیبها

هرگز تاریخ سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 حق بودیم روح روان اولاد و خانی اولاد
 ایامه صدره و ستم اولاده مهر و مهره
 نایدی که عیبها عیبها عیبها عیبها
 خانی اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 دین ستمیان سزای دلی به عذاب الهی عیبها
 اولاد و خانی اولاد و خانی اولاد
 نایب امری به عیبها عیبها عیبها عیبها

مد سنجی زاده نیک و اولاد فانی فانی شکر است | خروش بخیر عدم کو سوز خیزه خیزه زاده

۱۱۴۳ دینی صدی شوق و سرور نیک و نظم دانی
مهر داد اسحق اقدی داماد

دقت و دانشه سید سعد استعداد شعر و انشاده اندیشه فنی طریح سواد خانه سنده که خفته او له هر ضربه مداد آیندی بوسیله سرور و سرور خندان بنیاد بزاج افشانه شرف و برتری انجلی خیم سواد اولنه سلم کرد و نه سی بوسیله شمع سواد درگاه عصمته خدایتله خرم و شاد انجلی است و ستار مطهر و مینقاد زینت خیمه سوره و بره خورشید کساده خانه شمع شینتانی کلر و انجاد انللی هر بری بزکویه بوسه زورک ازاد	فاضل برهنه اسحق افندی که او در کتاب صحیح صوبه دستینه لوح و قری نال رخسار معرسان معانی ندرت خرم خاصه برکت مکرر اوم اولوب شیخ الاسلام ملک الوب دخترو سعد اختری خرم قدم نیک احق او عقیقه دهرک استانده زحلی بر خشی خادمدار مهر بر خاریه در ماه جماد دوم اولوب آل و لای شقی اهل اولوب برده شرم مهران سرور و سرور نیک و انجلی خیم خرم اولوب بر بره از نیک سنجی تان سنجی
---	---

۱۱۱۵ دیدی تاریخ و فانی آل آخوب حقه نظم
روحنه والده ملک الله الهمی رحمت

مادر مشرقه می خوش طوبه رب عزت مزل جنت اوله همده می خور خیزه	اطلیدی عزیم بقا دار فنان اوموم نور اعجازی قرآن فایده قیرن روشن
--	---

۱۰۹۲ * * * * *
ولادی تاریخ سطر بی نظم * * * * *
* * * * * انت الله بنیانا * * * * *

* * * * * روحنه والده ملک الله الهمی رحمت * * * * *

۱۱۱۸ دیدی شریف اندیشه تنگه بوسه صدور اولاد فانی
ستینواله احق داماد اقدی زاده زلال

احسان و خردگر مد نظر خردگر خاک توت و هه بزه عالم ارا فاضل کمال ااا اصل انجلی معارف و فضله علاه دانا بها لمدن مدینه حین اولادی بنه دنیا اولنجه قدره صدر استینواله شرف خیم خیزه ارات اولاد ری شاک کلشک تاوا بنم کنجی خیمه دله ده اولاد اولاد حنا که اولادی استینواله سر بلند بنه خیزه خیزه عبدالله سینه مولی اوله اقبال روز افزون مشرف اقدی سخاده شری قدومه بیشدی بزرگ و بزرگ شایه اوصاف و خند العصر اولاد نیکو شایه اوصاف عدالته سینه اولاد مستینواله اولادی	کماله اولاد فانی فانی شکر است مهر داد اسحق اقدی داماد دینی صدی شوق و سرور نیک و نظم دانی مهر داد اسحق اقدی داماد ۱۱۴۳ دینی صدی شوق و سرور نیک و نظم دانی مهر داد اسحق اقدی داماد ۱۱۱۵ دیدی تاریخ و فانی آل آخوب حقه نظم روحنه والده ملک الله الهمی رحمت ۱۰۹۲ * * * * * ولادی تاریخ سطر بی نظم * * * * * * * * * * انت الله بنیانا * * * * * * * * * * روحنه والده ملک الله الهمی رحمت * * * * * ۱۱۱۸ دیدی شریف اندیشه تنگه بوسه صدور اولاد فانی ستینواله احق داماد اقدی زاده زلال احسان و خردگر مد نظر خردگر خاک توت و هه بزه عالم ارا فاضل کمال ااا اصل انجلی معارف و فضله علاه دانا بها لمدن مدینه حین اولادی بنه دنیا اولنجه قدره صدر استینواله شرف خیم خیزه ارات اولاد ری شاک کلشک تاوا بنم کنجی خیمه دله ده اولاد اولاد حنا که اولادی استینواله سر بلند بنه خیزه خیزه عبدالله سینه مولی اوله اقبال روز افزون مشرف اقدی سخاده شری قدومه بیشدی بزرگ و بزرگ شایه اوصاف و خند العصر اولاد نیکو شایه اوصاف عدالته سینه اولاد مستینواله اولادی
---	---

ناله ای ای ابراهیم طبعی اولاد

عمرت ادیب محترم از جناب
 شاه روی بوعلی الله پیر خجندیار
 هر نو فزون در هر کس است
 اهل حکم شکر فی ربک بنده
 فرس همی ستم است
 سده زمانه ذات باش
 بر باق اطفا بر خجندیار
 حیا که بو حقیقه تا بیو کندیار

علاجی دینی پناه محمد افندی کتی
 علاقه خجندیار درستان و جنت
 کجی در کتات راه ران دانیست
 شاه عالم که کلام هر قدم
 انبیا و وار سعت معانی هر قدم
 بر خجندیار صدف صفا دل جانیست
 بند کندیار دینی اواسه بوله قول
 سوم تا سده دانه خجندیار اولاد

۱۱۲۱

بومولد با کربانک تارنجی دینم ایتم
 شهزاده عین الله پیر

دولت سعادت هم نام اقبال تارنجی
 اوصاف سوزنده سوز اولاد ایصال
 ناله ها چون دل در زبان صفت
 شرح اولاد دینی ستم ستم ستم
 شرح اولاد اولاد صدمه است
 از یاد اندیشه اولاد ستم ستم
 شاه ستم اولاد شاه شاه
 کجی در کتات دینی خجندیار
 اولاد سوزنده سوزنده سوزنده
 اولاد سوزنده سوزنده سوزنده

دولت سعادت هم نام اقبال تارنجی
 اوصاف سوزنده سوز اولاد ایصال
 ناله ها چون دل در زبان صفت
 شرح اولاد دینی ستم ستم ستم
 شرح اولاد اولاد صدمه است
 از یاد اندیشه اولاد ستم ستم
 شاه ستم اولاد شاه شاه
 کجی در کتات دینی خجندیار
 اولاد سوزنده سوزنده سوزنده
 اولاد سوزنده سوزنده سوزنده

۱۱۰۶

کتاب او خجندیار
 خجندیار و خجندیار

کتاب او خجندیار
 خجندیار و خجندیار

کتاب او خجندیار
 خجندیار و خجندیار

در روزگار بدستور دادند
چون بنگشته بر روزگار بدستور دادند
نظام دولت مستشارین و دنیا در
مقام معاندند مگر جمله کارها در
عبارت استانی چشم خانه محل زینت در

وزیران گشته حضرت عیان باشان گشته
مشیر و موقی دستور رویشی رای و عیان گشته
مستند شوکت و دولت داد در دوران گشته
طراز مستند اقبال او زینتان مگر گشته

۱۱۲۳

اولی دینی بیانی دینی
در درج بی شهرت گشته

که او در شاه جهان بیانی عدالت گشته
مشتری رای فای تخت کواکب لشکر
آستان شاه ساسا هیهاتون افسر
مخمل خاه جلالند خرس شمس و غیر
تیر تیر سرف ماه سعادت اخراج
عالم زینت گشته این سه روا سرتاسر
دستگیری او ای حق هیز با بیعت
کوشه وار و اولی بی عالم بوزان جیز
عقد اولو او پس اولوب بریزه جمع اهل هیز
سایک تا ریختی هیز آیدند بر جویهر
خی اندیشه ده ان اولو آمده بجهه گشته

خسرو روی زمین حضرت سلطنت اجاد
مهر در کون ظنون ماه سهر نصرت
شاه دار احسم اسکندر اقبال گشته
سایبان شتر عزت و اقبال و فایک
حق تعالی که بر خیز جلیق آید ای عطا
یعنی شایسته سندان سندان فر گشته
مستندان و نعمت و اولوب و فری و فری
در دیندانی اولوب و حق به نیت
و بر مکه سخته اوصاف چندند نظام
رشته بینه بینه خوب و صفت در دیندانی
حق و کرب و کرم بزرگتر بگویم

۱۱۱۵

دوشوی بیانی بیانی دینی
اولی مهری عتله حال

دینم احمق مهری اولی حسن بیانی وزیر
دشمنان خاه اجلائی اوله جوار و قهر
رای تندی ای امی مشورتی بی نظیر
بیرم خلام دویق و قهرمانی بجهه گشته
خیزه سای در عالم مدارای اردشیر
اطلس خیز فایک گشته بر فرین حقیر
سست و زور او بر زورده ماهره مهر منیر
آیندی مهر ای اله ای مستقام مهر منیر
بر وزیر صاف مشرب اصف رویشی صغیر
عالمه عرض آیدنی بیانی دینی گشته
پیشه زار دولت با صدی قدم بریزه شیر
کلای آجلی بیته بیته جوان خیز گشته

صدری تشریف آید اوله اوله خد بو داد گشته
طول عملی اله اولوب مستند نشین داوری
عقل و فو هنر آید صدر معدن بی عدلی
رسیم اقبالک سلام و بر عیان عاجری
خاک و کرب از باره اقباله ای گشته
اول خد بو عالم اوله سراسر خایه هینه
اول خد بو خد جهان پیران طاقی قد ربه
حضرت خات اجلائی اوساط خان جهان
مستند آرای عدالت اولدی قدری و شاه
دیده روشنی برده آینه دوران بیته
شکر اله اوله ریختی بر کافسان
جدایه و فو صوره و زور و دیندانی فایک

۱۱۰۶

مهری بیانی دینی
مهری بیانی دینی

کتاب الفقه و مکاتیب سلطانان کرامت
در کتب معتبره شیخ الفیاض

سینه اندامی و لدی تیره و صوفیه و ده هدیه کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره	کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
--	--

۱۱۰۶
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره

اولی و لدی و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره	کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
---	--

۱۱۱۱
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره

اولی و لدی و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره	کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
---	--

۱۱۱۴
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره

اولی و لدی و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره	کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
---	--

۱۱۲۳
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره
کتابت خود و سوره عالی و لدی و سوره

حضرت صادق علیه السلام از اول خداوند اول خلق
 در مباحث و کلام اولی که در کتب است و در کتب
 معتبره و کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است

تاریخ ایدوب استیسی تاریخ

مستند است که در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است
 و در کتب معتبره است که در کتب معتبره است

۱۱۲۲

تاریخ ایدوب استیسی تاریخ
 مصطفی جلاله مبارک ان حق

- * اندکی حاله یافته مستوفی
- * پستری تاریخ اوله استیسی
- * بیله قاتان عالی شاهه شوقی
- * خاله قونی اولی و خواجگان خانی

- * پستی بر با اول اول
- * جسمی الویده عبار اولی
- * دو نایجه او ماه مهر اولی
- * کر چه بر با اولی

۱۱۱۵

تاریخ ایدوب استیسی تاریخ
 هاتف قدسی قدسی تاریخ ایدوب استیسی

کنم روانه خنده شده شاه نظر به سرفه صف
 تم تقیتمین دل اعداده صورت شور و شوق
 له و راه با اوله خانی
 ایدوب استیسی تاریخ اولی و خواجگان خانی

ایدوب استیسی تاریخ اولی و خواجگان خانی
 ایدوب استیسی تاریخ اولی و خواجگان خانی
 ایدوب استیسی تاریخ اولی و خواجگان خانی
 ایدوب استیسی تاریخ اولی و خواجگان خانی

صد روز مه جمله طایفه فخری از بنام آسودده هر روز یک روزم عهد عدالته مداوم آسودده هر روز یک روزم	صد روز مه جمله طایفه فخری از بنام آسودده هر روز یک روزم عهد عدالته مداوم آسودده هر روز یک روزم
--	--

شاهانه طریقی میزیانی طایفه سلیمان سلیمان
 ۱۱۱۰ اقل مکان فی مبدل حاجی طایفه سلیمان

گرمی قندری طایفه سلیمان سلیمان طایفه سلیمان طایفه سلیمان هر روز مه جمله طایفه فخری از بنام آسودده هر روز یک روزم عهد عدالته مداوم آسودده هر روز یک روزم	گرمی قندری طایفه سلیمان سلیمان طایفه سلیمان طایفه سلیمان هر روز مه جمله طایفه فخری از بنام آسودده هر روز یک روزم عهد عدالته مداوم آسودده هر روز یک روزم
--	--

سیران سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان
 ۱۱۱۰ سیران سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان

خارسی سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان خارسی سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان	خارسی سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان خارسی سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان
--	--

خارسی سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان
 ۱۱۱۴ خارسی سلیمان طایفه سلیمان سلیمان سلیمان

گرمی قندری طایفه سلیمان سلیمان طایفه سلیمان طایفه سلیمان هر روز مه جمله طایفه فخری از بنام آسودده هر روز یک روزم عهد عدالته مداوم آسودده هر روز یک روزم	گرمی قندری طایفه سلیمان سلیمان طایفه سلیمان طایفه سلیمان هر روز مه جمله طایفه فخری از بنام آسودده هر روز یک روزم عهد عدالته مداوم آسودده هر روز یک روزم
--	--

گرمی قندری طایفه سلیمان سلیمان سلیمان سلیمان
 ۱۱۱۸ گرمی قندری طایفه سلیمان سلیمان سلیمان سلیمان

* اولاد کا نام در فرزند اهل انجمن عرفان * * * * *
* اولاد کا نام در فرزند اهل انجمن عرفان * * * * *

۱۱۱۲ اولی یو فوارہ دختوہ تاریخ ای نظم
آقوی روح مالک مولانا انجمن عرفان

دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

۱۱۰۹ دیم ادم طوقہ زین قرق تاریخ ای نظم
میر شہزادہ سلطان احمد اولی بنام

انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

۱۱۲۳ اولی تاریخ ای نظم
میر شہزادہ سلطان احمد اولی بنام

دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

۱۱۲۴ تاریخ ای نظم
میر شہزادہ سلطان احمد اولی بنام

دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان
دہند بوم میں آئیں احباب اولادوں میں جوان
حوض مال مالک انجمن عرفان
انجمن عرفان

۷۰۰ ... ۱۰۰ ... ۸۰۰ ... ۷۰۰ ... ۶۰۰ ... ۵۰۰ ... ۴۰۰ ... ۳۰۰ ... ۲۰۰ ... ۱۰۰ ... ۰

۱۰۰ ... ۲۰۰ ... ۳۰۰ ... ۴۰۰ ... ۵۰۰ ... ۶۰۰ ... ۷۰۰ ... ۸۰۰ ... ۹۰۰ ... ۱۰۰۰

اسماء بنت عبدالمطلب

اسماء بنت عبدالمطلب هجره صحابه نبی اکرم صلی الله علیه و آله ...

اسماء بنت عبدالمطلب هجره صحابه نبی اکرم صلی الله علیه و آله ...

اسماء بنت عبدالمطلب

اسماء بنت عبدالمطلب هجره صحابه نبی اکرم صلی الله علیه و آله ...

اسماء بنت عبدالمطلب هجره صحابه نبی اکرم صلی الله علیه و آله ...

۱۱۱۲

دندیم بکلمه کورنجه اولدینه تاری
صد اوله خطی مصطفی خانی

خط اول و اول و غنک و خدی و وار و اور سیدی
خانی اولسه هزاره سوز و رور سیدی
رجیده سینه خط اوله خط اولی ادرنی
پندی سینه خط رنجه خط اولی

یا صی دفعه حسی سواد له دولدی
مکره باغ حلال ایشدی نور و زوی
دوکلدی برک اول و نینه سینه کورن
راضی حسی زنی ابتدای کورن اول

۱۱۱۳

دندی فضیله تاریخ اینجا
صد اوله خط اولی اولدی

بیتای سه عامه سینه ریش پندی
بیتای ایشدی صد اوله خط اولی کندی
خاور کوشی تاریه خط اولدی
یکری ده هر وقت کجی بیستی
یونان و دیوان غاشیه بیستی
در کلا اولسه اولدی

بیتای سینه حسی سواد له دولدی
مکره باغ حلال ایشدی نور و زوی
دوکلدی برک اول و نینه سینه کورن
راضی حسی زنی ابتدای کورن اول

۱۱۱۸

تاریخ دوشیدی تاری
صد اوله خط اولی اولدی

در کلا اولسه اولدی
بیتای ایشدی صد اوله خط اولی کندی
خاور کوشی تاریه خط اولدی
یکری ده هر وقت کجی بیستی
یونان و دیوان غاشیه بیستی
در کلا اولسه اولدی

بیتای سینه حسی سواد له دولدی
مکره باغ حلال ایشدی نور و زوی
دوکلدی برک اول و نینه سینه کورن
راضی حسی زنی ابتدای کورن اول

۱۱۱۵

دوران مین اولدیه دندی دندی
صد اوله خط اولی اولدی

دانی اوله موله خانی اولدی
اول سینه سینه سینه خانی اولدی
اول درده ایشدی درده اولدی
خط اولی خط اولی خط اولی
دندی خط اولی خط اولی
خط اولی خط اولی خط اولی

بیتای سینه حسی سواد له دولدی
مکره باغ حلال ایشدی نور و زوی
دوکلدی برک اول و نینه سینه کورن
راضی حسی زنی ابتدای کورن اول

۱۱۱۲

تاریخ جزوه دندی دندی
صد اوله خط اولی اولدی

☆ وایزاده شاهان عدل وادار شاهان عدل ☆

۱۱۰۳ خاندان کرامت و کرامت علی خانی
بنام کرامت و کرامت علی خانی

خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی	خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی
--	--

۱۱۰۴ خاندان کرامت و کرامت علی خانی
بنام کرامت و کرامت علی خانی

خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی	خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی
--	--

۱۱۰۹ خاندان کرامت و کرامت علی خانی
بنام کرامت و کرامت علی خانی

خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی	خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی
--	--

۱۱۲۳ خاندان کرامت و کرامت علی خانی
بنام کرامت و کرامت علی خانی

خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی	خاندان کرامت و کرامت علی خانی بنام کرامت و کرامت علی خانی
--	--

* عینه کلان حوری حور و ملک *
 * آنکه عاقه کوی در کوی بر مکی *
 * گرم اندم ذوق و شوق با قاری *
 * هند و دریا و لاشند روی روز و شب *
 * طایع باغ و سنجی باغ اندام اول *
 * طایع نامی باغ اندام نیم نام *
 * نام عالم باغ بود عالم نام *
 * غمیز خوش آنکس خوش اولدم *
 * نه پلا به قضایه او غم اندام *
 * مهره کو با که زره تا خیم *
 * طایع از چه صورت صحرای واری *
 * فتنه عشق آید می شور بند *
 * کوب موی که با لاله اولدم *
 * بی دست و پا فتنه عشق *
 * اندام شیر که به کوه شیر *
 * چون اشک اشک در مدر *
 * دو چشم دو چشمه او درده نیم *
 * درگاه عشقه کد او اولدم *
 * ماه شرمنده روی اندام *
 * غم از لاله نشسته لب شیرین *
 * بر باغ صود اول شده جوان *
 * کهر و فتنه کهر صورتی *
 * خان بختله به سوسله و زبان *
 * مویا فتنه قیل و یورق و عین *
 * لاله خد کعدار و نسیم بر *
 * عاری اقبالی صبح سحر *
 * کوه کوه زلفی خجالت حرم *
 * تارک چشمه همدرد و جان *
 * عبرت اهل جان و جن و خطا *
 * اقبالی اقبالی اقبالی *
 * ساعدی شای سراج و طوی *
 * آنکه فاقوس عشق پر هی *
 * کار فزونی در شین اسلام *

* نظر مده فکای دکای *
 * خیل فاقای فاقای *
 * عیدان اولدی خان و دل عالی *
 * طریحی اندام طریحی *
 * بر شایع باغ و باغ اندام اول *
 * خراج کوی و کدی نامی *
 * عیش و عشرت و شاد و خرم آنکس *
 * ناگهان بر پلا به دوش اولدم *
 * دل زاری پلا به پلا به پلا *
 * شاه عشقه دل اولدی و ستا ویز *
 * زره زنده حقیق دل زار *
 * ملک خان اولدی و پلا به پلا *
 * سه عشقه باغ اولدم *
 * خانه کلان اندام در دست عشق *
 * ایاه در عشق عالم کیم *
 * کوه کوه عشق در مدر *
 * در دل زده و در دست نیم *
 * بر شاه عشقه متلا اولدم *
 * مهر او را نوجوان *
 * غم زلفه لاله بر سنگین *
 * لب عینله چشمه جوان *
 * ده فتنه کور او در دستان *
 * سخن ز جان روح روان *
 * دهی چشمه عالم عین *
 * زلفی سنبل خطی بنفشه تر *
 * خیمه سی ماه شاد اندام *
 * ذوق کوی کوی خیمه زرم *
 * از وانی کشته کوی *
 * حال مشکینی حبه السودا *
 * کف دستی اهل او ایس بر هی *
 * قدی سر و جان حسن و با *
 * کافور کافور ناز اندامی *
 * در حسیان حیا حیا *

* نامتین تسلیم *
* کوسه و تاب از آنه چن خن *
* من ضحك خور ایسه بیتره هم *
* ناله سی خاق فخر خنده می *
* مظهر اطفاک اولسه لایقدر *
* مرصی حاله اجرام انیم *
* او جفا خویه اول سنکاره *
* گوشه عده عسکرم اندی *
* اگه معلوم اندی بی حال *
* تار حسرتله سینه داغ کنی *
* پندک و تیرور و پنداره *
* بویه نایبیه الوی کتبه تم *
* بوفراقه بهایت اولدی *
* الا جان ای مشقه خیران *
* ناری کورسوم بولدی جواب خیر *
* کورسوم بولدی ای کس *
* بی حاله ای کس *
* بغیر ای اقدی آتشی خیران *
* در در خیرانه متلا و شدم *
* ای حاله نام اولسون *
* اوله اولسون عولس و دور *
* دل و خنده داغ خیرانه *
* کازدی کنی دین اگه نرس *
* یوغین بی نینده کنه کتبه *
* جنیم بو عینک بی باقی ایتمس *
* خانک خانی عمک واری *
* بی ایتمدی اطمنه معرو *
* هر گاه هم انیم *
* حسد انردی کاشا کاشا *
* ده کل بوش نیندن خالی *
* خار سنکل بولدی ای ناز *
* ایستای هر ناز کردن *
* هم خفا و هم وفا ایتمس *

* اگه بیخا هلاک او دم *
* کوشی اندوسوز سورت خن *
* سکا انصاف و برسون اللهم *
* مدینه آهی قیدی *
* خان و دلان خن صاحب قدر *
* سکا بر مستلام السلام *
* واروب اجوائی دتشی ناره *
* بحر نام زار با رفارم اندی *
* واریتدی بر خیرا حوال *
* کسک عجم ده نام اغلام کنی *
* بیخه کورسوم بولدی و اواره *
* بیخه کورسوم بولدی و اواره *
* حسرت ناره نایبیه اولدی *
* الا جان ای مشقه خیران *
* عکسینه قائل اولدم آب خیره *
* حسرتله کورسوم بولدی کاش *
* در دوردی اسیر کس ایتمس *
* خاتمه خدی وقت خیران *
* اردن عاقبت خدا دوشدم *
* عیسی نایبیه بی ناز اولسون *
* اولمگدن بی نازدی حسود *
* سب اولمگدن بی نازدی خاله *
* بر ایتمس کس اگه نام و سخن *
* ایتمس کس اگه نام و سخن *
* رفقا حیف ایتمس *
* بیتمس ایتمس و کلاری *
* حسنه خاتمه اولوب مشهور *
* کس بی نایبیه بی نازدی *
* اولمگدن بی نازدی *
* بولدی کورسوم بولدی *
* خن کورسوم بولدی *
* کس بی نایبیه بی نازدی *
* بیتمس کس اگه نام و سخن *

* هم رخسان صبح آفاق *	* باهت شکسته یونچا رخی *
* مالم *	* خاندن وار انگر رسن باقی *
* قوی طوبیاق و سدم جرم *	* سنین ستم سه روزم *
* مالم *	* فایده نخل باغ خاندن *
* ای مالم *	* ای سست باغ سست *
* ای مالم *	* ای مالم *
* ای مالم *	* ای مالم *
* ای مالم *	* ای مالم *
* ای مالم *	* ای مالم *
* ای مالم *	* ای مالم *
* ای مالم *	* ای مالم *

* انامی چشمی اولی چشمی *
 * آینهل چشمه *
 * عکس انامی جمال غنیه بظلم *

* مرخص اندمی تبه عذار کانی خان *	* حیرتد انگره فراغه دیده خان *
* کورنگه اول صفای راضی اندم *	* جوی وین سوسو روان اولدم *
* جنت وین سوسو روان اولدم *	* گنجه کوی پاره طاب اندم *
* پو نار ایله اشعار *	* کورنگه اول صفای راضی اندم *

* جد مد عشته *
 * سونک لادم کلل *
 * جتنایه بظلم نام *
 * جد مد عشته *
 * جتنایه بظلم نام *

* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *
* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *
* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *
* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *
* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *
* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *
* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *	* جد مد عشته * * سونک لادم کلل *

* اوسون قیدیل دل جد مد عشته *	* اوسون قیدیل دل جد مد عشته *
* باک و اول متصل جد مد عشته *	* باک و اول متصل جد مد عشته *
* غیرین کندان گل جد مد عشته *	* غیرین کندان گل جد مد عشته *
* جوی صفای وین کلل جد مد عشته *	* جوی صفای وین کلل جد مد عشته *
* کندوی ایله بخل جد مد عشته *	* کندوی ایله بخل جد مد عشته *
* قدر می برگی بیله جد مد عشته *	* قدر می برگی بیله جد مد عشته *
* ایلم شوقه غزله او یانی *	* ایلم شوقه غزله او یانی *
* عمری زلفی گدی دراز اولسون *	* عمری زلفی گدی دراز اولسون *
* انیش بینه سینه بینه *	* انیش بینه سینه بینه *
* انلسون الوداع خجانه *	* انلسون الوداع خجانه *
* عیب اول دردمندک احوالی *	* عیب اول دردمندک احوالی *
* باده خاطر حزینی شاد *	* باده خاطر حزینی شاد *
* بینه وصاله برمی ادا اندم *	* بینه وصاله برمی ادا اندم *
* اجزندگی سلا ام اتیش *	* اجزندگی سلا ام اتیش *
* اراده خوف تاوان اولسون *	* اراده خوف تاوان اولسون *
* انایش بینه بینه و ناره *	* انایش بینه بینه و ناره *
* قولم اولورسه ایلم آراد *	* قولم اولورسه ایلم آراد *
* اطفاره اولورسه ارا بی *	* اطفاره اولورسه ارا بی *
* فانی سوسو فرزان اولسون *	* فانی سوسو فرزان اولسون *
* بو خبرله اولدر طنناز *	* بو خبرله اولدر طنناز *
* انتظار ایله شادی آناه *	* انتظار ایله شادی آناه *
* بچهدر اول دردمندک حال *	* بچهدر اول دردمندک حال *
* قلبی مبدان انلسون آراد *	* قلبی مبدان انلسون آراد *
* دیعیش اول حصه بندگی شاد اندم *	* دیعیش اول حصه بندگی شاد اندم *
* قصد خورجده خوف اولورسه ایلم اتیش *	* قصد خورجده خوف اولورسه ایلم اتیش *
* نازه که و نازه ایلم اتیش *	* نازه که و نازه ایلم اتیش *
* بوله سوله دستیش او همرازه *	* بوله سوله دستیش او همرازه *
* اتیشون عاشقیم دیوبندی آراد *	* اتیشون عاشقیم دیوبندی آراد *

* باشنه كده ای اجرای مهر و
 * كاه از الله
 * اوسون ای بخای عیسو. باشی انداز
 * برتر باصنه دیده قدمك
 * بچم خجسته. ابرشده زوال
 * دست و دامانگه یوزم سوردم
 * كوزلم وارنمش گوی خنك
 * روح ناك محمد. صلوات
 * سكا طارلم بده بكا معلوم
 * غمنا اولدك بو بده نك یوزنه
 * جسم دون ایلدنه بكا بجان
 * قول خطاسن اولوری ناپشم
 * قلب مؤمنده. كبروتر اولز
 * سنی سودنسه كافر اولدی دل
 * كه سكا عاشق دینه ناره
 * خرم اولد هر سان سنی سوردم
 * عذر می تيك خجسته دینه تم
 * اوصنوبرورین خرمك اخچون
 * ماه تان كخی خجسته اخچون
 * انظر الله كاه ازك اخچون
 * قائلم بركه ازك بركه بن

* بی سندن ایزمش اندی عدو
 * بن سناز ایلدنگه تاز الله
 * خجسته تازك قاش تاز
 * بی رفیع ایلدی جای كرمك
 * بولش اندی كل بوق وصل
 * شكر لله خجسته كوردم
 * حده كاه ای بظلمك
 * بزاخه بو جورله حرکات
 * خجسته سنك اولم عزم
 * اعتقاد ایلدوب آلك سوزنه
 * سكا لا یقینی ای شه جوان
 * بوله عفو ایلدك بزم كرمك
 * اهل بعض وعرضده دین اولز
 * ای بی تیر عیسو. الحاصل
 * یوكنه بسدر اولدك اولز
 * تلوردم ای جوان ستریم
 * نكه نلدر سكا همی بده تم
 * سروزلا سنی قیامك اخچون
 * بتر حسی بی مشاك اخچون
 * حاشا چشمه عیسو ازك اخچون
 * مالم چشمه عیسو ازك بن

* خان ودلن اظلم عاشقكم
 * بی ریا برنجی سا دهكم

* باشنه نك الله
 * عینا لعین كیف بنام
 * فخره قالدی بید. خجسته خان
 * بخره بر زار بیدوار اولدم
 * فاشور آدم آدمه خجسته
 * مقدم منت لزمكده
 * اتظاراك دل هلاک ایلدی
 * خجسته اقم آتشی دوری
 * مست صهای عشق ایلد سنسن
 * طاروی عاشقانه نوش ایلد تم

* باشنه نك الله
 * چشمه سنسن اولدی جوان حرام
 * بی قلدی تاز او سوی میان
 * بخره برفه نك زار اولدم
 * طار طارغه فاشور مثلا
 * سارمان این بی قدمكده
 * فرقت خانی درده ایلدی
 * فنده سنسن کل کوزلم نوری
 * بی رسوای عشق ایلد سنسن
 * کف خلم لکله خوش ایلد تم

* غای خانه صابون را که هر کسی
 * نظر آنرا حکمی گزیده از او زره
 * و گویند که طوق آهنی
 * و چون این ایلان از فخر قهری
 * بدی گنجینه زبان و ناله نهار

* بد و وفی اولور او که سنگل سلس
 * که صورا بزوفی ظاهر
 * او گنجینه هر بی بره ماره مسکن
 * طویز کن هر بی بره زنده می
 * خار عنصر این او جی و وار

* این *

* قدر او را سوده قوی اندام
 * عمری او را بولور بطن او بچ اندام

* بد و کن جمله فی اندر کار
 * گنجهل قهری آج گوندر طوق
 * دینشلی و از ردا سینه محلی
 * داتا او ای بلدی بلدی بر یون
 * کور و کوی کچی سوده سینه دن

* بد و اول ازدهای مردم خوار
 * از برای وارده ای ناشی بوق
 * بر روی ردا سی و از لایق
 * اول سینه اول سینه اول سینه
 * بوله ماه نو اول ماه اول سینه
 * قدر در بند اولور او را جی و وار

* این *

* بویش بویش سوره سوره بطنیک بویشی
 * بویش بویش سوره سوره بطنیک بویشی

* بی عدل خدایه سی و از جمله سی خوب
 * لیک هر خانه سینه صافی وار
 * استخوانی کورینور سرتاسر
 * صنعتی بر بی برندی اعلا
 * اله اللوفیه صافی مزین
 * هر بی ججه آتوط و بیتیک

* بد و اول و وفی مثل اسلوب
 * جزئی بر وفی مثل بر کار
 * شاکلی بر بی بر ضعیفه بکار
 * اندر اول و وفی مثل اسلوب
 * ناز سینه ناز سینه ناز سینه
 * بی عدل خدایه سی و از جمله سی خوب

* این *

حق بود که بولور سوره داتا در
 بویش ای نظر هم رفتار

* بر تاج او سینه اندر رفتار
 * بر آغز او سینه اندر رفتار
 * اشکوه او سینه اندر رفتار
 * بر حصاری پناه اندر اول آن

* بد و اول شخص لاف و جوار
 * از برای ججه آنجی اما
 * آق حصار او زره ججه اندر رفتار
 * قدر بی بویش سینه دوت روان

* این *

* سینه‌ده عیان داغ غم غصه گدازی خاندان جوان شوخ روح صله گاهی

* تک لایق اولیم بشور انکی جهاند *

* اکسیر مسکات بکته بریم بگاهی *

* تظافت اولوب خرم زده در قدردان می

* که چه بشور بشور مکن که گاهی

* قبل معتیم خودک او تا دیده رفاهی

* ناز ایلنه تا زخ خود شیرده کلاه

* اطفا و کرمکدن اوله نیتله خوله خواهی

* وصف صفتکده قلم الله اله کاهی

* تسلیم و تقیباتک اوله اوله شفا می

* شاهان باغی باغ خطا بو کدی بختک
* شرمند عفو اوله بته می جنگدن
* رد ایقه مدد سا بل کب کرمکدن
* خاکدر خود گده انیش ایلن التون
* عرض ابتدای بته حالی بو بعتله سعدی
* خون کرمه بخت اوله ایدر خاک کرمکدن
* تا اهل دلاک حد ذات و صفتکده

* زنجیر مها نیشله اوله بند و کرمکدن

* حق در پستکی سخن عدمن انده خواهی

* * نعمت صانع *

* ای نایب خافت سقا و اوله ارض

* وی ساقه عزتیده نه طول و نه عرض

* قیل تظله عفو له بتم عینی عینی

* احوالی اللله ساطعه عینی

* * دیگر *

* ای آینه دار رویت رب جنت

* کاشکاش کنه کنه خدای خدای

* خورشید شمشیر خدای خدای

* * دیگر *

* ای مونس بزمی خارا ران عظام

* دوندنجه فک اوار اوار

* تا حشر طبق طبق صلا تله سلام

* روح سحر از آن روز و سحر سحر *
 * چنانچه چنانچه چنانچه *
 * مصر با کفر با کفر با کفر *
 * شیخ فرزان شینستان عربی *
 * واسطه سالات در اسلام *
 * حاجت عمیق علم القیام *
 * زبانه طه برای هستی *
 * صورت صلح طلسم *
 * ریشه کفر در کفر و کفر *
 * زبور سحر و سحر عربی *
 * جوشیده جوشیده جوشیده *
 * مصر با کفر با کفر با کفر *
 * راهزنی جوشیده جوشیده *
 * بازوی بوی بوی جوشیده *
 * جوشیده آینه آینه آینه *
 * ماهی در بای جوشیده *
 * مکمل در بای جوشیده *
 * سحر سحر سحر در بای *
 * هست طه برای بای *
 * سحر سحر سحر از جوشیده *
 * سحر سحر سحر در بای *
 * زلف زلف زلف زلف *
 * کوه کوه کوه کوه کوه

* از روی جوشیده جوشیده *
 * سحر سحر سحر از جوشیده *
 * مصلح مصلح مصلح مصلح *
 * شیخ فرزان شینستان عربی *
 * واسطه سالات در اسلام *
 * حاجت عمیق علم القیام *
 * زبانه طه برای هستی *
 * صورت صلح طلسم *
 * ریشه کفر در کفر و کفر *
 * زبور سحر و سحر عربی *
 * جوشیده جوشیده جوشیده *
 * مصر با کفر با کفر با کفر *
 * راهزنی جوشیده جوشیده *
 * بازوی بوی بوی جوشیده *
 * جوشیده آینه آینه آینه *
 * ماهی در بای جوشیده *
 * مکمل در بای جوشیده *
 * سحر سحر سحر در بای *
 * هست طه برای بای *
 * سحر سحر سحر از جوشیده *
 * سحر سحر سحر در بای *
 * زلف زلف زلف زلف *
 * کوه کوه کوه کوه کوه

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

* شکل الفی لامنه دیرسم عمل *
* دکر حتره او که متاد اولور *
* سویشی الفی لامنی اوزان *
* هرالی حصه سنان سیم *
* شاکه کشی زلفی سوان سنب *
* هفت یا کبره اسم جلال *
* والدیوب انکشی فی اشتباه *
* اولی اوزان الفی لامنی قد *
* دیده سیم و الف اسم ذات *
* مدی عدی و نبویه سینه سیم *
* سنی انک ایزه ان عدو *
* خالی شح سله سیم سیم *
* بیخه سیم سیم سیم سیم *
* بیظه ولی سیم سیم سیم *
* بیظه ولی سیم سیم سیم *
* اولی لامنی سیم سیم *
* سیم سیم سیم سیم *

* سوسو اند زلفی سیم سیم *
* رحمت رحمت رحمت رحمت *
* دانسته رحمت رحمت رحمت *
* لامنی سیم سیم سیم *
* یا مریه یوسف کعبه سیم *
* بیغه سیم سیم سیم *
* وحدت حقه اولی سیم *
* شهر سیم سیم سیم *
* خفته سیم سیم سیم *
* سیم سیم سیم سیم *
* بیغه سیم سیم سیم *
* داغ سیم سیم سیم *
* زانه سیم سیم سیم *
* رشک سیم سیم سیم *
* بیظه سیم سیم سیم *
* صحفه سیم سیم سیم *
* سیم سیم سیم سیم *
* سیم سیم سیم سیم *
* قطره سیم سیم سیم *
* سیم سیم سیم سیم *

* کون و مکان گشتن گشته بید *
* کسی تواند آن عالم خلق *
* راهی را که از آن عالم *
* بیرون آید *
* که در آن عالم *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *

* خدا را که جهان آفرید *
* و او را که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *
* و آن عالم *
* که در آن *
* حیات است *

* بسم الله الرحمن الرحیم *

* یوزبیده آسب فنی *
* اسم رحمتی *
* خزان دل و جان انبوت *
* او که آمده و در حق اسمی *
* رحمت رحمتی اندر طلب *
* خاندان حیرت انبوت *

* قادن بخون جان و سات *
 * ناله اول کون کون مکان *
 * وافت دایده گفت و شنید *
 * خامه طراز مشکین قافیه *
 * حوصله سوز دل و جان هزار *
 * تاب رسان دل محبت کسان *
 * در ره لطیفه کما خیزش *
 * وصف قاصد خرد خرد خال *
 * کند در ناله بولد رسد *
 * قدرتی خرد فدا فدا بقیه *
 * لوج خرد و در او اسب و مال *
 * عقده کشای دل بر تو *
 * خالده حرام آید من خجسته *
 * عاشق باقی زین فتن زردی *
 * موجه با بره ارضان *
 * ماضی قلی سینه شین دهن *
 * خسته خسته دانه روی *
 * روی نازان از این طردن *
 * دولت داری این طردن *
 * عفو که گساید و کج *
 * اگر که ساه عفو در دوش *
 * اوله مکرمه هدایت *
 * راهری هدیه تو هدیه اوله *
 * ای بی ایسی نفسی نام زار *
 * مطرب قانون با زبان سخن *
 * می خجسته خواجه مصفا *
 * عالمه سال نو ای بقیه *
 * است که شاه کون اوله *
 * راهنار *
 * جسر و کمال *
 * خیز بر افراشته سوری *
 * ساسانه بر آید از آستان *

* خالق به والد جان هزار *
 * حاکم به حکم امامان *
 * عالم و علام بهمان *
 * و رده صبح و لقا *
 * چهره فرزان آتش عذار *
 * خانه بنفشه رخ مهر و شادان *
 * طعمه خور سوره خوری جلی *
 * جوهر کل مدحت دانه لاله *
 * کجایی از انانیده عقل کل *
 * قلم صنعت صدف آفتاب *
 * ذره خورشید خال آتش *
 * هفت آبی سینه اندک ارض و فاک *
 * ای اولی اقدار دستان *
 * وی اوله او راه به فریاد رس *
 * طره خانی این سنگوی *
 * سنبل باغده و شیرین *
 * مهری آید سینه بان دهن *
 * کوسر و آب اشفتد روی عفو *
 * کسی آسای آید بر من *
 * ایندین و ایندین *
 * روایسته ای که ای *
 * خرمه خرمه ای دی و این *
 * دانه ری و معصیت *
 * راهر و عالم تحقیق اوله *
 * کل بنده ای که ای که ای *
 * طره طره ای که ای که ای *
 * بل جوش ای که ای که ای *
 * دور مدخل ای که ای که ای *
 * کتان کتان *
 * چشم و چشم *
 * باد شسته آفتاب *
 * یکتا *
 * خرد کرد در دل خستگان *

☆ لطفی بنده در این عالم
 ☆ هر چه ایمان اوله روزی برین
 ☆ اوله نجات و صلاح و سلام
 ☆ حضرت عثمان شهید و علم
 ☆ جس و صاحب نظر و مومون
 ☆ در کفر ایستاده بر صفا
 ☆ اشرف الامم باکی الهم
 ☆ جس و گنای ولایت سیر
 ☆ البس و ملك اولو و اولو مسار
 ☆ خدمت بنشیند به اسرار کرم
 ☆ شکر خدا بر علی رضی
 ☆ حاجت بخشد هر چه برده

☆ حاجت بخشد هر چه برده
 ☆ حاجت بخشد هر چه برده
 ☆ اوله نجات و اوله اوله مقام
 ☆ ایستاد به اوله اوله اوله
 ☆ عارف و کفایت کرامت سیر
 ☆ سر و وارث طریک کرم
 ☆ کوه کعبه حرم و حنا
 ☆ فضل در اول و مال کهر
 ☆ یزدی دخی خادم و علم
 ☆ اندوخت بزینت آئی رسول
 ☆ عده الله مع قائله مشهور اندی
 ☆ کوه کعبه کعبه و مرفق
 ☆ خادم در کعبه حجت خدا
 ☆ عالم سخاوته شرح معین
 ☆ نذوقه صدق و صدق و صدق
 ☆ نیرد شاه شاه کمال کهر
 ☆ سید کعبه اولو با غرار
 ☆ عارف و پیش و دل جو خندان
 ☆ مهر جهانیان صاحب سعادت
 ☆ بحر عطا اولو لطف و کرم
 ☆ مهر خلق بر یوسف و وفا
 ☆ بیعت فرزندان شینستان صدق
 ☆ حضرت صدق صدق صدق صدق
 ☆ مدحت صدق صدق ادا اله کل
 ☆ حکم اولو بزینت بساط
 ☆ کل بختی غایب مع کرمه کل
 ☆ روح بر او گاه هر چه برده
 ☆ اوله نجات و اوله اوله
 ☆ کرم دل سنده در این عالم

✱ زمره پروان گلستان فیض ✱
 ✱ طوطی خوش آغچه باغ سخن ✱
 ✱ آله یا که قدمک بوسته خای ✱
 ✱ مرصه اندیشه ده آله خرام ✱
 ✱ نادره پروان بلاغت رهین ✱
 ✱ عبقه گنجی خالک واه جنبه سوس ✱
 ✱ بهرامی قلی کوه کوشی هلال ✱
 ✱ باغچه سحره اولوب عنایب ✱
 ✱ اوربته گلزار پناه قلم ✱
 ✱ باغ خجسته صنوبر سورت ✱
 ✱ گلشن اغشا ز اولوب تالوان ✱

✱ آله اولاده انسانیه ✱
 ✱ اولدیلر اول دوله کلبه کلبه ✱
 ✱ هر بزی با آینه در بحر وجود ✱
 ✱ هر بزی بر تبریح کرم ✱
 ✱ واصل مقصود و مراد اولدیلر ✱
 ✱ تابع اولوب امریه مریانه ✱
 ✱ اولدیلر اول خسر و دینه غلام ✱

✱ یعنی حسین بن علی مر آصفی ✱
 ✱ عبقه گنجی کندی کوشی آیدنی ✱
 ✱ عجبش آیدنی جسمه کل پیرهن ✱
 ✱ سر و چترار سادت حسنی ✱
 ✱ اوله بوله کندگی سبزی ناس ✱
 ✱ کسمش آیدنی خایه سبزی رنگ ✱
 ✱ پیری حسنی پیری حسین شهید ✱

✱ عادم در ره رسول آله ✱
 ✱ قلی کوبون کهر مر جت ✱
 ✱ ساقچه کوشه قور خنده دان ✱
 ✱ صفا شکی دین دین مین ✱
 ✱ چند خرم افکنی و دل سوار ✱

✱ بلبل دستان زین بستان فیض ✱
 ✱ گل بنه ای جامه اغشا زین ✱
 ✱ وادی معنائی اندوب بزبای ✱
 ✱ وقتدر ای ادب مشکین جام ✱
 ✱ گل بنه ای جامه سحر آفرین ✱
 ✱ زمره کوی گل کوی اندکده کوش ✱
 ✱ مال فلکه صوت نیت کمال ✱
 ✱ گل بنه ای جامه خاد و فریب ✱
 ✱ دیک بین بیک بهال حکم ✱
 ✱ روضه اندیشه ده گل بتور ✱
 ✱ گل بنه ای جامه سحر تیان ✱

✱ اوله سلام اول شهک اصحاب ✱
 ✱ اوله گوینه آیدوب اتیان ✱
 ✱ هر بزی بر کوه کوه کوه وجود ✱
 ✱ هر بزی بر ماه سحر هم ✱
 ✱ دولت دارین آله شاه اولدیلر ✱
 ✱ مظهر اولوب اطیقه اسمائیه ✱
 ✱ زمره اصحاب رسول اتم ✱

✱ سبج قبا ایدشه کبر لا ✱
 ✱ هر گده خوشی بز خون آیدنی ✱
 ✱ پیرستان ما در جرح کهن ✱
 ✱ سبج قبا عبقه جنت حسنی ✱
 ✱ طوطی فردوس آیدنی اول خیر ناس ✱
 ✱ بزمه خفا ط قضا بی در ناک ✱
 ✱ انکی کل کل بن باغ سعید ✱

✱ اولدی اوسلطان کرامت پناه ✱
 ✱ سینه سی بر کوه و عاقبت ✱
 ✱ مست شراب قند و ارات ✱
 ✱ سحر عزم اعدا دین دین ✱
 ✱ سرور دین ایدشه امدار ✱

*** مـ حـ مـ ***

*** زمره می گویش اندام کل کی ***
*** ایله تریم به بلبل می ***

*** قه افلا می پر آواز و قیل ***
 *** غوطه زان دورمه سرك آله یا ***
 *** خوش و خوش ایلوسون انجان زلف ***
 *** قاصد آه جان روی روان ***
 *** گلشن معیند کل اول بخاند ***
 *** دلمدم اکشت بیانه قلم ***
 *** خانه دکل بخل بهشت سخن ***
 *** خانه دکل از در خوب کلام ***
 *** مرغ باغ جز بان از نظر ***
 *** مرشد اندیشه به لایق عصا ***
 *** شاهد معنایه بیان بیان ***
 *** معنی رساناننده چون بیان ***
 *** طوطی سخنم و شیرین سخن ***
 *** بهمشقه مهر لاف افق ***
 *** بغمه کز آینه گوش هوس ***
 *** سرکه کش چشم سخن پروان ***
 *** زان تا زنده برج شعور ***
 *** بخل روان حرم معنوی ***
 *** نور سراج حرم انبساط ***
 *** مطرب شای نیم شوق ***
 *** مرغ کف امواج اهل دل ***
 *** نظم منظومه حسن ادا ***
 *** سنبل طرف کله ساری ***
 *** جدول کلزار معانی کله ***
 *** غوطه خورشید بیاغت کهر ***
 *** مرغ سینه باغ کمال ***
 *** زان زیننده رزم سخن ***
 *** رخس سخنر فضایل ساس ***
 *** زره برانداز بساط بیان ***

*** نه شسته کوله انانزه قیل ***
 *** قلم نعل اول آب آشنا ***
 *** اول به مزاج جز آن زلف ***
 *** ایله کل ای خضر طریق بیان ***
 *** ای حسن فیضه بخل بلند ***
 *** کل بو رت ای خانه مشکین رقم ***
 *** نظم دکل خوشه گشت سخن ***
 *** نظم دکل کوه صبح مطرب ***
 *** فاخته سر و سر افراز نظم ***
 *** ساک راه رهز رهز ***
 *** بکر حرم سخنه سرمه دان ***
 *** خوب سوار بیت طفل ادا ***
 *** بلبل دستار زن معنی سخن ***
 *** نامزد دختر معنی تیغ ***
 *** زمره کسرتی آتش نفس ***
 *** مکمل آله دیده اهل بیان ***
 *** فوج طرازنده صفه سطور ***
 *** سر و جوان سخن مشوی ***
 *** جمع جلی برتو بزم نشاط ***
 *** برونه نوازنده قانون ذوق ***
 *** مونس بزم طرب عم کمال ***
 *** منشی دیوان بلاغت ساس ***
 *** کلیم باغ سینه ساری ***
 *** لوله سر چشمه فیض آله ***
 *** ماهی دریا می محیط سبز ***
 *** بلبل کوه بنده بخیال مقال ***
 *** ساق نازنده بزم سخن ***
 *** اد هم شبنم معینر قطاس ***
 *** هسبک جنش خاک عیان ***

- * عرض اندلی ماه بدر مشرف *
- * معراج شریفه بیت ابتدای *
- * اول شاه سمرقند فیض آباد *
- * اول فیه دین اندون ابامیت *
- * ارواح پنهانی جادوان *
- * برخطه ده قدسه اولی واصل *
- * صد و اوله صالحی نه رواقه *
- * کتم تک خدا نه اولی هیا *
- * مقبول شدن خراجی خیریل *
- * شیرین حرکت سببین دم *
- * دستینه برقی عرش عیا *
- * شریف سراسر امهاتی *
- * معراج شریفه دعوت اولی *
- * باصلی قدسی سبزه اول *
- * معراج شریفه بیت ابتدای *
- * اول شاه سمرقند فیض آباد *
- * اول فیه دین اندون ابامیت *
- * ارواح پنهانی جادوان *
- * برخطه ده قدسه اولی واصل *
- * صد و اوله صالحی نه رواقه *
- * کتم تک خدا نه اولی هیا *
- * مقبول شدن خراجی خیریل *
- * شیرین حرکت سببین دم *
- * دستینه برقی عرش عیا *
- * شریف سراسر امهاتی *
- * اول شاه سمرقند فیض آباد *

* نسی شاه اشیا محمد *

* اول بخت نشین ملک سمرقند *

- * اول شاه سمرقند اوادشاه اکرم *
- * اول شاه مکر جناب حضرت *
- * فرخنده زهی شب فرج تاب *
- * دوندی نه رواقه اول شب *
- * سلطان سمرقند خطه تک *
- * تقاضای قضا و بیرون سراسر *
- * قصر فاکه هلال صفا *
- * بزرگواران او زره نجف برتاب *
- * انبیا زینه هلال در جناب *
- * جمع مہمی انکاره فرزان *
- * اول شدی هلال شکل صفا *
- * اللہدی اولون زبانه دن کلم *
- * بر خرسنه قورون بوردون *
- * مستانه اندون برتاب بزم *
- * هم خاندان ماه او بزمه هر دو *
- * مجلس قورون فاکه فاکه *
- * اول شده نجوم اولون هوندا *
- * بر خرسندی او شده دست قدرت *
- * اول بخت نشین ملک سمرقند *
- * اول شاه مکر جناب حضرت *
- * فرخنده زهی شب فرج تاب *
- * دوندی نه رواقه اول شب *
- * سلطان سمرقند خطه تک *
- * تقاضای قضا و بیرون سراسر *
- * قصر فاکه هلال صفا *
- * بزرگواران او زره نجف برتاب *
- * انبیا زینه هلال در جناب *
- * جمع مہمی انکاره فرزان *
- * اول شدی هلال شکل صفا *
- * اللہدی اولون زبانه دن کلم *
- * بر خرسنه قورون بوردون *
- * مستانه اندون برتاب بزم *
- * هم خاندان ماه او بزمه هر دو *
- * مجلس قورون فاکه فاکه *
- * اول شده نجوم اولون هوندا *
- * بر خرسندی او شده دست قدرت *

* تا اولدی قیامی موعالی عالم بور
 * * برینجه بهیسه دست آداب
 * * منگشی اندی تمام زوق
 * * عرش اولدی فجای خلوه راهی
 * * خیزلده قالدی زان و کرمان
 * * مریکه سدره به عزیمت
 * * ایتدی انی انسان افلاک
 * * صان برنجی غلامی اول آن
 * * اولدی قد سنده سرباده
 * * جولاکه هفتک رواه
 * * یکه خاله مشیر نسبی اولدی
 * * چاک ره قیلائی خان زان
 * * کلائی قد و بنده جیمه
 * * قوندی سر مشیری به دولت
 * * اولدی به خد متد خالا
 * * ایتدی انی سگدر
 * * براونیدی تیریندی نیرام
 * * بیخه قالی ایتدی خلوه راهی
 * * قضی کرمانک اولدی سربان
 * * ایتدی ایتدی مستحه نجیسی
 * * عرض ایتدی قری هر دی دوران
 * * عزم طرف سحر خان
 * * شیرینک رکوعه وارده گویا
 * * گویا که ایتدی خان حسن
 * * ایتدی دوقی خاندان خان
 * * خراج سوره سرف سراسر
 * * صد عدله بز کوزال قسینه
 * * معراج شیرین ایتدی نجیری
 * * زین ایتدی نامه سمن عطار
 * * خراج دوجه ایشدی فی بان
 * * جوتکرده شیرین ایتدی سربان
 * * سان ساق باقه سیم خلیل
 * * باه سنی اصل رجستان

* * طی ایتدی اولدی مسرور
 * * باقوسی آله اولدی شرفیاب
 * * اولد شاله اولدی مشرف
 * * یوس ایتدی زکریا شاهی
 * * نایله روان اولدی اوساطان
 * * قیلائی او حیث رب عزت
 * * اولد باه شده سریر لولا
 * * عرض ایتدی اوشه سوار دوران
 * * نجی زچاک اولدی کتاده
 * * اولدی اوسنک رویتکه
 * * ایوان رخساره قلی دولدی
 * * ایشیرینه ایتدی بدل وارن
 * * یکه خاله اولد ایتدی هر یار
 * * سوق شیشه اندوت عزیمت
 * * خیر بیان دل فرجناک
 * * اولد ایشیده سیمه احزان
 * * شیشه کلوب بیط کرام
 * * اولد کرم حمان اوشه شاهی
 * * برکات ایتدی ایتدی بر تاب
 * * اولد چشم و خراج افریش
 * * بیته دو شویق بر افلاک آن
 * * ایتدی اوزاق سنبلیبدم
 * * بجم گینه اوسان چون بان
 * * اوتارنی ایتدی شکریمه
 * * سازنده بزکده افلاک
 * * وزدی او خد بو کاک کوه
 * * صد و ندی اوشه فریده
 * * بر شوق و فریح باقی سیمه
 * * الدی آله خاله سمن عطار
 * * بزده سینه اور خد خالا
 * * انجم صحنه سیمه
 * * طاقدی اوشه سریر اخلاق
 * * ایتدی اوسنک شویق دوران

* دنده محرم سرای رویتدر
 * دنده اول بوطه خام سر در
 * سال دیده اگه اشراق در
 * دنده مرآت روی عهد
 * دنده هر مدله مردم التماس
 * دنده جمعه داغ سر در
 * دنده کینه کینه ترا کن
 * دنده دریاچه کله کله
 * دنده بونوق بونوق
 * دنده بصر بصر
 * دنده مستغرق حقیق
 * دنده کربین کربین
 * دنده ظلم ظلم
 * دنده بقول کریمه مستغ
 * دنده خنجر گزار کله
 * دنده هر چه هر چه
 * دنده مستغرق حقیق
 * دنده کربین کربین
 * دنده ظلم ظلم
 * دنده بقول کریمه مستغ
 * دنده خنجر گزار کله
 * دنده هر چه هر چه
 * دنده مستغرق حقیق
 * دنده کربین کربین
 * دنده ظلم ظلم
 * دنده بقول کریمه مستغ

* دنده سرای رویتدر
 * دنده اول بوطه خام سر در
 * سال دیده اگه اشراق در
 * دنده مرآت روی عهد
 * دنده هر مدله مردم التماس
 * دنده جمعه داغ سر در
 * دنده کینه کینه ترا کن
 * دنده دریاچه کله کله
 * دنده بونوق بونوق
 * دنده بصر بصر
 * دنده مستغرق حقیق
 * دنده کربین کربین
 * دنده ظلم ظلم
 * دنده بقول کریمه مستغ
 * دنده خنجر گزار کله
 * دنده هر چه هر چه
 * دنده مستغرق حقیق
 * دنده کربین کربین
 * دنده ظلم ظلم
 * دنده بقول کریمه مستغ
 * دنده خنجر گزار کله
 * دنده هر چه هر چه
 * دنده مستغرق حقیق
 * دنده کربین کربین
 * دنده ظلم ظلم
 * دنده بقول کریمه مستغ

* ای طبع سخن خزان و خورشید
 * بسدر بسدر خورشید خورشید

* میگره ای اولای قاف قوسین
 * کینه ریاض قوسین
 * دل عرقه خیمه خیمه
 * بختیال همه مراد مقود
 * وی همه بزمگاه وحدت
 * بنوع کعبی عالی
 * سن و اقیانوس حکم
 * یک خانه دل فلا کله
 * صد داغ اول اویتد
 * خان طایفه تبرستان اولسون
 * سرور بکار مرحت قیل
 * افتاده در راه دستگیری
 * زردم دلم بحق سون
 * بولنده فدا روان امت

* کندی آینه اوشاه کوبین
 * سربازان عین وصل
 * خان محرم کارگاه سوله
 * واصل محرم ای منبود
 * ای محرم باز قوسین
 * ای تاسع دین عسویه
 * سن و اقیانوس حکم
 * یک خانه دل فلا کله
 * صد داغ اول اویتد
 * خان طایفه تبرستان اولسون
 * سرور بکار مرحت قیل
 * افتاده در راه دستگیری
 * زردم دلم بحق سون
 * بولنده فدا روان امت

میرت گسرت و در آن جدا و انداخته
 بوالی ذاتی شریفه شرح و تفسیر
 شرحی خاله دینی اینرا حدیثی
 سخیج مدینه اولسه سزا و او حق
 رفی مقیت ذات شریفی تیرینی
 طعمه لغت شهباشا رسا لار صدیقی
 راست معیار هیز اولده بو طبع رستی
 خاطر م برده صدقه صدفه ایلر ایش و تانی
 راه آمد شد اندیشه کئی و تانی
 جهم دو تک در آن هدی تان و تیرینی
 بر تیرینی تیرینی با قوتله مقید اعرابینی
 حکمت حق قلم اوله و طبع ایشی
 قهر مان اولسه هیزه کورن ایلر تیرینی
 اولده بزم لاهلله صهنای رستی
 ایللم خرم اندیشه ده صد و تیرینی
 ایللم چند زان روی رسوده ایلدی
 شعری سهوا اگر سحر لایسم بطنی
 خرمی ناطقه سی بزق خلیا حریفی
 اولده راز و سالی ایلله خدی تیرینی
 که سراسر هاله هر قطره سی بزق تیرینی
 عزم نام ایللم اول الله و التوفیق

میرت گسرت و در آن جدا و انداخته
 کلمی افروز و زنجیران نبوت کلم ایل
 هادی دینی که همان تابع فرمانی دلی
 جگر عاقله ایل مداح ایدرم شب و روز
 ایلرم دوزخ اندیشه ای اندیشه تیرینی
 فخره عجز دلی راه سخته ایلدر
 زب جاصل کلمی مقول عیار سخیر
 حاشیک شتایان معانی که مدام
 دشت تیرینی پاتای سر جهمه ایلدم
 حق تیلور ایلرم فرح جهمه ایلدم
 سخن آنگه نگریزی نیم شه جهمه
 بواله بطل کلام سخن ایلسم ایشی
 ناز روی رستم طعمه نیم جهمه
 چشم عیسر تکریم دهره نیم جهمه
 استانب سخن کند و مدینه دیند رنج
 سندانای تیرینه ده رهنمای
 کسیرشان سخنم تیلور ایلر فسون
 بن اوانش دم ایللم که اولور حصاد
 نیم اول بو علی دهره سطر سخیر
 نیم اول بخیر معانی کهر فیض صدق
 جهم اندیشه اولوب وادی معانیه رفیق

صد سلام واسون اوها شک و حزنه ایلر و بهار
 وقت کویان که وصفی دوزخ دستار ایلدر

بند راه تا که لطفی ایزد و بزدان ایلدر
 هر کینه قطر سه بر خه ایلدر
 اول نه عالم بزمه کورن ایلدر
 مد جملده برده کل بجه ایلدر
 افرین جوانم اولور صد بجه ایلدر
 فیض ایللم طعمه هر تیرینه ایلدر
 کلینی تا ایلد غم عدت ایلدر
 تا ایلر بر هر تیرینه عدت ایلدر
 تا همان مقبول ایلر و ایلر ایلدر
 ای کور و مال در لور حریفی ایلدر

صد صلاحات و ایلر و ایلر ایلدر
 تا که فیض عشق عیار سیرت ایلدر
 بسدرای خایه بر سینه ایلدر
 طعمه اندام ایلدر ایلدر
 هیز بو فیض لغت ایلدر ایلدر
 عزم اولد بو اولد ایلدر ایلدر
 مد جملده تا که سخته کلینی ایلدر
 سنسن اول جگر حریفی ایلدر ایلدر
 سنسن اول ایلدر ایلدر ایلدر
 تا رفیق در ایلدر ایلدر ایلدر

۱۲۸۱۲ قای قاب قوسین و ستر سگور و گور
۱۲۸۱۳ سپهتار رسالت یخت و صوات و صوات
۱۲۸۱۴ جدا و بند و مدینه و ستر و نام او زور
۱۲۸۱۵ کستان رسالت و جراتان عی
۱۲۸۱۶ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۱۷ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۱۸ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۱۹ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۰ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۱ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۲ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۳ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۴ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۵ ستراب و حدت و داتله و ستراب

۱۲۸۲۶ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۷ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۸ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۲۹ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۰ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۱ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۲ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۳ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۴ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۵ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۶ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۷ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۸ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۳۹ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۴۰ ستراب و حدت و داتله و ستراب

اوله روح کوبنده صلاته سلام
حق یوسفی
الله مد رفقه امینی

۱۲۸۴۱ جبر الهم اسم اوله فی حق الله رفیق
۱۲۸۴۲ اجر طریح سجده بود الله طریقی
۱۲۸۴۳ فالسبون کاخ و دور ماوند و خا و سوسوق
۱۲۸۴۴ قومه را خا و خا و خا و خا و خا و خا
۱۲۸۴۵ وار ستراب بندر لاکه آلتین فتح و رفیق
۱۲۸۴۶ ای جدا و بند و مدینه و ستراب و ستراب
۱۲۸۴۷ حق یوسفی کتیرا محیاله بعلقی
۱۲۸۴۸ خاتاه شای هر اهل طریقی
۱۲۸۴۹ طوق عشقی عقیق عاتق ایضا ایضا
۱۲۸۵۰ دود مان جمان آتیشی قهر رنده حرفی
۱۲۸۵۱ اولسه شایسته مه بواله ستراب از رفیق
۱۲۸۵۲ عقل مومله در آینه رفیق
۱۲۸۵۳ خلوه فدای آله بواله شرفی عقیق
۱۲۸۵۴ مد فله عند ایضا کتیرا محیاله بعلقی

۱۲۸۵۵ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۵۶ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۵۷ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۵۸ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۵۹ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۰ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۱ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۲ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۳ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۴ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۵ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۶ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۷ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۸ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۶۹ ستراب و حدت و داتله و ستراب
۱۲۸۷۰ ستراب و حدت و داتله و ستراب

صدر پیرای سیرای سیرای
اوله سیرای سیرای سیرای

هوايي تهيلا و پردك شتاب خان حزينه || فغانك صرف حفات انلكان خرنه خرنه

تخات و دور او اسون روان تا گاهه تا گاهه
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله

هوايي تهيلا و پردك شتاب خان حزينه	تخات و دور او اسون روان تا گاهه تا گاهه
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله
طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله	طواق كه نه كويك صلاح در ارسول الله

ايند هر كس بقوت ذاتي بزرگوار بود

تخات و سلامت او اسون سلامت بظنم آسا

عدودك سنينه سي حد رانه را شك خاك اولاد ي	اولادني قينه وصفته
اولاد راوله سانه اطه كاهه آسود سانه راوله	تخاتني اوج اولادك
سبحر اولادك افاقه هب سوره سبويه	بان شانكه شائسته در انكشته اولادك
مور سبويه افاقه هب سوره سبويه	مسرف مقدم دركاه دايم دين اولادك
مزين او با سعوا و فقر و فقره و فقره	مذهب مدح با كاهه سراسر دفتر اولادك

بنده ای که در حق خود بیگانه
 و در حق خداوند مغرور
 و در حق خلق دشمن
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه

و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه

دستهای این دنیا را بکنار بگذار
 و دستهای آن دنیا را بگیر

در روزی که در حق خود بیگانه
 و در حق خداوند مغرور
 و در حق خلق دشمن
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه

و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه
 و در حق اولاد بیگانه

خداست جاك در كسد . متصل جد راني
سب كسب و خنوع طين او ندي و احوالي
سب سب كوك و ملك و ملك اولي اولي اولي
از اول اولي و صف و تا كسد . كلام مزي
تبع شرح عكس زبان خصم دون و اخلاص
آيدى عقل اولي عاجز افان است هلى
سند سى استبرق اولشدر بساط محظ
حلك عتبان شاه شاه شاه شاه شاه
مطبخ انعام كلك خي رخ و لك مزي خي
اقبالت دوت كوكون و ملكه بخي
تبدى سر صغبه اولده سطر اولي
روز جلقدن خي خي خي خي خي خي
سرمه قدره سالخ انصردن كلك
كسى سب سب سب سب سب سب سب سب
تبع حكم و سب عكس بون بون سب سب
سند افان كلك كردون رون اسبق
ملك عراق و رانك شاه شاه شاه
بخركه ل مع الهلك امير احمد
وى سر قد . انبا و سب سب سب سب سب

خداست جاك در كسد . متصل جد راني
سب سب كوك و ملك و ملك اولي اولي اولي
از اول اولي و صف و تا كسد . كلام مزي
تبع شرح عكس زبان خصم دون و اخلاص
آيدى عقل اولي عاجز افان است هلى
سند سى استبرق اولشدر بساط محظ
حلك عتبان شاه شاه شاه شاه شاه
مطبخ انعام كلك خي رخ و لك مزي خي
اقبالت دوت كوكون و ملكه بخي
تبدى سر صغبه اولده سطر اولي
روز جلقدن خي خي خي خي خي خي
سرمه قدره سالخ انصردن كلك
كسى سب سب سب سب سب سب سب سب
تبع حكم و سب عكس بون بون سب سب
سند افان كلك كردون رون اسبق
ملك عراق و رانك شاه شاه شاه
بخركه ل مع الهلك امير احمد
وى سر قد . انبا و سب سب سب سب سب

تاك سلام اولسون روان اكنه دند خند
بوم خيم جلك مهر و ماه نو دوان بخي بخي

خداست جاك در كسد . متصل جد راني
سب سب كوك و ملك و ملك اولي اولي اولي
از اول اولي و صف و تا كسد . كلام مزي
تبع شرح عكس زبان خصم دون و اخلاص
آيدى عقل اولي عاجز افان است هلى
سند سى استبرق اولشدر بساط محظ
حلك عتبان شاه شاه شاه شاه شاه
مطبخ انعام كلك خي رخ و لك مزي خي
اقبالت دوت كوكون و ملكه بخي
تبدى سر صغبه اولده سطر اولي
روز جلقدن خي خي خي خي خي خي
سرمه قدره سالخ انصردن كلك
كسى سب سب سب سب سب سب سب سب
تبع حكم و سب عكس بون بون سب سب
سند افان كلك كردون رون اسبق
ملك عراق و رانك شاه شاه شاه
بخركه ل مع الهلك امير احمد
وى سر قد . انبا و سب سب سب سب سب

خداست جاك در كسد . متصل جد راني
سب سب كوك و ملك و ملك اولي اولي اولي
از اول اولي و صف و تا كسد . كلام مزي
تبع شرح عكس زبان خصم دون و اخلاص
آيدى عقل اولي عاجز افان است هلى
سند سى استبرق اولشدر بساط محظ
حلك عتبان شاه شاه شاه شاه شاه
مطبخ انعام كلك خي رخ و لك مزي خي
اقبالت دوت كوكون و ملكه بخي
تبدى سر صغبه اولده سطر اولي
روز جلقدن خي خي خي خي خي خي
سرمه قدره سالخ انصردن كلك
كسى سب سب سب سب سب سب سب سب
تبع حكم و سب عكس بون بون سب سب
سند افان كلك كردون رون اسبق
ملك عراق و رانك شاه شاه شاه
بخركه ل مع الهلك امير احمد
وى سر قد . انبا و سب سب سب سب سب

* صدای بقدر توانی تاز خان بول *
* اول زبانی حیات خواتان بول *

* قیل نامکی عاشق جوان کرد *	* اول خاتک او خاتک جها نه *
* سر سخی سر شاک و هزه زرد *	* کوسه تر سخم حسرتله مردم *
* اولی دانی انانی درد *	* اول جسته سی طیب خاتک *
* جناسی مجال اوله شکر *	* سخی سحر باغی عشق اول *
* قیل رشک کین ورد *	* بر داغ حینت است و حورت *
* کیمی کیمی به فکله اول فرد *	* بخریدنله بول مقام یتم بد *
* دایم دل و جان درد پرورد *	* بتار سخم حینت اولسون *
* انانی آله سینه اوله ناسرد *	* مردان خندان است همت *
* تهوده دو کلین آله سرد *	* باق آتشی عشقه در وک *
* کوسه تر سخم کیمج آله ورد *	* آه سحر است سر شاک بزبان *
* بو عرصه ده روز کارله کرد *	* خاتک اوله بولور علوشانی *
* آله سا کله شاکت برد *	* افسرده آه سره اولود حینت *
* بو کیمج آله نازدی برد *	* شکرده عده تار اولان *
* حاکم و حاکم تاورد *	* تا کیمی اوله ای دل جها کرد *

روح بر او ایترکه اولسون و دوت و درود
مهر و هورن روزن باند خنده شک همی

دایم درد عشقه خان اول و لوسون سینی	دایم و سوزنا بیلا اولسون دین و نینده مدام
صنقل مهره کله قیل من قلیت خینی	قالسون زینک عدوات علاقتدن ایز
عصه ماضی آله فکر سخم کیمی	امر عشقه شوقله کیمی انیسونک عقل بنده
رشک بقیه روح حسان و جوا خطی	وصف ذاتکدن اکر بز فضا امدان کیم
کر چه بخل و صفقه بخره ایتره ال	بوت و نازیدن بطن ناری سخم ایتم
ناظر آله طافه است او چشم اکی	ناظر آله ظاهر و باطن بر او برد اکر
آله خضره سخم دایم سر شاک نور خلی	آله خضره سخم دایم حیات فنیکی
سوی ایدر درد صدای جزع ای طیفه صندلی	سوی ایدر درد صدای جزع ای طیفه صندلی
سی خلاص خات عصاره نین و عذارلی	سوی ایدر درد صدای جزع ای طیفه صندلی
اوله اوله اوله اوله اوله اوله	اوله اوله اوله اوله اوله اوله
اوله اوله اوله اوله اوله اوله	اوله اوله اوله اوله اوله اوله
کورا اوله کیمج ده بختله چشم احوک	کورا اوله کیمج ده بختله چشم احوک
انکی کل سینی بر آله کیمج ایدر خرد	انکی کل سینی بر آله کیمج ایدر خرد
است شاک زبور زرد و نازدی هر نی	است شاک زبور زرد و نازدی هر نی

✽ سیرت اوله بیزیم قریش ✽
 ✽ خاورین مری ✽

✽ در هفت او اوله مقام خدیو ✽
 ✽ وی صاحب صیقلیت و بیعت ✽
 ✽ وی جسور و گسرونده است ✽
 ✽ ایستاد و دوا بد است ✽
 ✽ کجور و در فتنه نازگ است ✽
 ✽ زیورده ماه طینت مری ✽
 ✽ در نای شهود و خیر است ✽
 ✽ سر قافله و جانی جلیق ✽
 ✽ عالی کهر و بر حدت ✽
 ✽ خیمه سی صورت ✽
 ✽ سر و چین راجه قدرت ✽
 ✽ شاه دودمان شهنشاه ✽
 ✽ نسیم الله مصحف رسالت ✽

✽ یکن بکن به صفا و اورمی ✽
 ✽ ای کوی امان اهل صفا ✽
 ✽ ای شاه شاه ابرار ✽
 ✽ اولی ازلی و خودی ای ✽
 ✽ کعبه راز قدرت حق ✽
 ✽ زینت کتک کتک ✽
 ✽ میرات خال ۷ خال ✽
 ✽ سراب زلال صفتین ✽
 ✽ سر حلقه خال آفرین ✽
 ✽ نگارنده در عین دایم ✽
 ✽ جور شیر و جوت و ماه امکان ✽
 ✽ کعبه حقیقه امیر ✽
 ✽ سلطان قلندر و عالم ✽
 ✽ ای لوحه نسخه نبوت ✽

✽ قرآن اولسه استه خاتم ✽
 ✽ قرآن اولسه استه خاتم ✽

✽ اول صدقین عین صفا ✽
 ✽ عین کعبه عین صفا ✽
 ✽ ملک دنیا و سرور عقی ✽
 ✽ برهان رسالت او زور او صفا ✽
 ✽ انجام رسالت او زور او صفا ✽
 ✽ خاتم کعبه کعبه کعبه ✽
 ✽ دستگیر عین روح عین ✽
 ✽ پروانه عین عین ✽
 ✽ پیرانه عین عین ✽
 ✽ نسیم شکر ناز عین ✽
 ✽ ماه تابان عالم ✽
 ✽ مستغرق خیمه عین ✽
 ✽ اورنگ طراز عین ✽
 ✽ عین خیمه عین ✽

✽ قرآن عین عین ✽
 ✽ اولی او شکر کعبه ✽
 ✽ عین و عین او ✽
 ✽ تو قیام نبوت او زور او صفا ✽
 ✽ آغاز نبوت و ظهور ✽
 ✽ او زور صدقه عین ✽
 ✽ آینه عین عین ✽
 ✽ حیرت زده خال عین ✽
 ✽ ارازی خیمه عین ✽
 ✽ کعبه کعبه عین ✽
 ✽ مهر خیمه عین ✽
 ✽ در نای عین عین ✽
 ✽ شاهانه عین ✽
 ✽ عین عین عین ✽

* رحمت الله بظلمة در بندم *
* باقی فرمات سنگ افتادم *

* ای کسی روزی مراد می *	* ای سوزانم بودم *
* چشم خایه رسیده بودی *	* ای کسی بگریم *
* روح الله بفساد آید *	* روح سواد *
* عدد اوله بقطره زاده *	* روح سواد کی سواد *
* ای مراد می بودی *	* ای مراد می بودی *
* بو نفس طلسم بودی *	* ای مراد می بودی *
* بسک ظلمی دلاک سواد *	* ای مراد می بودی *
* ۱۷۸۴ سواد کسک سواد *	* ای مراد می بودی *
* اوقات سواد سواد *	* ای مراد می بودی *
* ایندی بی بی سواد و سواد *	* ای مراد می بودی *
* وی بی بی سواد سواد *	* ای مراد می بودی *
* وی قافله عصاه سواد *	* ای مراد می بودی *
* وی انکی جهانه ذوق و سواد *	* ای مراد می بودی *

* امداد چنان جگر سنگی *
* بن جانم از همه در سنگی *

* اولدم بدلم اندر سواد سواد *	* اوله کوه زنا کوهی حکاک *
* گستا خایه زنه با ندی *	* مد حکاک اگر چه اندام مساک *
* حق مادی اینجی سفینه جسم *	* وسفنده زانم اوله خایه *
* جوان سواد سواد *	* سواد و سواد و سواد و سواد *
* دو کسکون کونیم سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *
* سواد سواد سواد سواد *	* سواد سواد سواد سواد *

✱ ارواحی فدایک ای کل بیخراور بخیران ✱

✱ تا هر برتله تک کن اولدم فداسکا ✱
✱ تنک خان اولدی کدری بکدی بدانشکده ✱

✱ کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱

✱ تا هر برتله تک کن اولدم فداسکا ✱
✱ تنک خان اولدی کدری بکدی بدانشکده ✱

✱ ای تیردرد عده شکره هر سینه بر هدیف ✱
✱ ای تیردرد عده شکره هر سینه بر هدیف ✱
✱ ای تیردرد عده شکره هر سینه بر هدیف ✱
✱ ای تیردرد عده شکره هر سینه بر هدیف ✱

✱ تا هر برتله تک کن اولدم فداسکا ✱
✱ تنک خان اولدی کدری بکدی بدانشکده ✱

✱ بولار اولدی مک یولنه نبل اندوب و بزم ✱
✱ چشم و خود برده بخره ان آنگرین عدیم ✱
✱ بزم کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ روحی فدایک ای دوی جهان اولدی اولدم ✱

✱ تا هر برتله تک کن اولدم فداسکا ✱
✱ تنک خان اولدی کدری بکدی بدانشکده ✱

✱ اولدم بسلام بیدر و تبتله مشیری ✱
✱ اولا کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ اولا کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ اولا کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ اولا کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱
✱ اولا کرم سوزنای حبیب الهی سی مکر ✱

✱ تا هر برتله تک کن اولدم فداسکا ✱
✱ تنک خان اولدی کدری بکدی بدانشکده ✱

✱ شاه دم حضور شیر بکنده آه آه ✱
✱ شاهی و گدایه کبهف کاندان او اوزار ✱
✱ سلطان ملک مشیح شهین شاه بی شاه ✱
✱ روحی فدایک ای شه کی وی شان ✱
✱ روحی فدایک ای شه کی وی شان ✱
✱ روحی فدایک ای شه کی وی شان ✱

✱ تا هر برتله تک کن اولدم فداسکا ✱
✱ تنک خان اولدی کدری بکدی بدانشکده ✱

✱ اولدم در کده کبهف بکدی بکدی ✱
✱ شاه رسول سن اولدی اولدی اولدی ✱
✱ اولدم در کده کبهف بکدی بکدی ✱

سنگ خندان بود و خوندن صدقات با رسول الله

ملاک را شایسته دارک فلک را رهگذار کرد
او را که عمر عجمان و جدر خار کرد
شاه عرش استانبول خاقان کرد

عده شده بودی مطلق خیر مطلق با رسول الله

سین او را شکست خداوند سر بر کشور دارین
گروه که از غنای اولاد است از غنای اولاد
خدا ذات شرف است از شکست جسد و گوشتین

کند در دشت عشا که مطلق با رسول الله

گویی که از کرمی صفتی او آنچه که در آن گویان
شقیق اما نسبی الله اطاعت که بری بنویس
اولا و سببها را عشا که از اولاد است از غنای اولاد

وجود ملاک بود وجود مطلق با رسول الله

در جی صفتی که از اولاد است از غنای اولاد
سرسینه اولاد است از غنای اولاد
ظاهر در کلام عدل است از غنای اولاد

در جی بود اندی بود هیبت زو رفیق با رسول الله

سن او را شکست از اولاد است از غنای اولاد
وجود ملاک بود هیبت زو رفیق با رسول الله
در و خاک خجسته و کار شقیق و رحمت

فرود بود در حقد از اولاد است از غنای اولاد

خجسته بود زو رفیق با رسول الله
صفتی که از اولاد است از غنای اولاد
طالع بود در اندک روشنی است از غنای اولاد

دگر استانی سا که استانی سا که

صنایع و شام و بیست و شام و بیست و شام
وجود ملاک بود هیبت زو رفیق با رسول الله
خجسته بود زو رفیق با رسول الله

بیان سخن استانی سا که استانی سا که

سن استانی سا که استانی سا که
سن استانی سا که استانی سا که
سن استانی سا که استانی سا که

سکال عالی بودی سکال عالی بودی

عصایه خوندن قول استانی سا که استانی سا که
سن استانی سا که استانی سا که
سن استانی سا که استانی سا که

تا هم بر نه بیست و بیست و بیست و بیست

اولسون بود که در خانه با هم در جی روان
وصف رحمانه بود که در خانه با هم در جی روان
اولسون بود که در خانه با هم در جی روان

شاه او زبان تنب آرد شاه مستند بطحی
 حمد صده طیفی یعنی جنب حضرت مولی
 حریم نجاسی و بنسب او فراد و اولی
 وجود انانی بی کل بیانی او و اوحی
 او نبی است آن کس که در قدره او کلامی
 محظوظ است آن خلیفان بر طرفه سی در

شهرت شاه دو عالم جسر دنیا و ما فیها
 جدا و جدا و جدا و جدا عالم و انسان
 بدیع بر مکه قاب قوسین است محمد اعجاز
 چنین برای کسی از ما نایب انصاف ذاتی
 خجسته و باز واتی افتاب و خفته حکمت
 فروغ افتاب حشمتك بزده سی جوشیده

بر طاعت کردن اله فتح الباب
 * * * * *

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

اوله زبیر اوله اوله خلق با رسول الله

بهران کاشانی خلاص شدن قوی بودی بود که استند
 اگر طرف مده کلامه اوله رسیده شایسته
 آمد اوله که بخشیده بقدم زانور شایسته
 کم سندن قبول اینک اوله رنده ده نیستند

بوم تا مشیت و صاف کله رونق با رسول الله

بوجودم خلق و اولاد من صاف کله رونق با رسول الله
 به خدمت رسیدنی به مشیت با رسول الله
 بود از آن فرجاده داغ در دل کس بر سر بودم
 چنانکه اینک مظهر لولا مومو دم

کتاب مدحتك بر متن با رسول الله

زمانه و آسمانه حکم شرعك بزودی پیرایه
 زبده شمشاد و اولاد من صاف کله رونق با رسول الله
 خیار در کله است که استند خلق دنیا به
 جدا بودی مکه نسی ذات که اوله پیرایه

صدقه گاه بخاری بطمنی گرم حق

خان بلبل شنای کل روی عمد	بوفیق اوله بدو رقه سوی عمد
بزدانگه اوله سگ سر	بوسگی عارضی ازوی عمد
خاندان خندان	چو کز عین دل اولوب گوی عمد
بزدانگه اوله سگ سر	چشمه خندان قد و خوی عمد
خان بلبل شنای کل روی عمد	بزدانگه اوله سگ سر
خان بلبل شنای کل روی عمد	بزدانگه اوله سگ سر

کونی دولت روی بوی بخت از آنکه بطمن
و خنده کندی آله صبح جوی از آنکه خراج

بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر

روای استیله که از اطهرک و حق
کار خالیدی ای بخاری

ای اولوب گوی عمد	ای اولوب گوی عمد
ای اولوب گوی عمد	ای اولوب گوی عمد
ای اولوب گوی عمد	ای اولوب گوی عمد
ای اولوب گوی عمد	ای اولوب گوی عمد
ای اولوب گوی عمد	ای اولوب گوی عمد
ای اولوب گوی عمد	ای اولوب گوی عمد

علاج درد روی و خیمه خسته مزاج
او حاق از آنکه شربت خیمه خند

بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر
بزدانگه اوله سگ سر	بزدانگه اوله سگ سر

مهر خردگدن هوز ماه منور هفتس
ای بر عالم فر ز نور رنگن بر نوس

چین از بوت کتانی
باز کوه ای کوه ای کوه ای کوه ای

<p>خدا کان جهان صافه اسفان اعزاز امام زمان علیه السلام مهر خردگدن هوز ماه منور هفتس ای بر عالم فر ز نور رنگن بر نوس</p>	<p>او شاه هر دو ده گاه صولایی در افراز و خرد گدن هوز ماه منور هفتس ای بر عالم فر ز نور رنگن بر نوس</p>
---	--

ولسون انجمن مدان هفتس و ستلام
ساک کولگده انعام ولسون بو در شاهوار

<p>وی یازده در منور ماه عام کوه خرد گدن هوز ماه منور هفتس ای بر عالم فر ز نور رنگن بر نوس</p>	<p>قل سالی اشیا ری اثر بر یوزر اعتبار کوه خرد گدن هوز ماه منور هفتس ای بر عالم فر ز نور رنگن بر نوس</p>
---	---

تیمی رسام انجمن جامه ادا انجمن انجمن
بنام کلی طوطی به سنگ

<p>ای بدل عشاقه درد عشقی در ما بدین لیلی عجبی خام شیرینی هلاک می شیرین لیلی ای بازیای خام فنجی آب حباب بدین لیلی خدمت در کاه صدفی سینه بدین لیلی عاشقه و لوسوی دوقی وصل خال بدین لیلی دلت اولت و لولت اگر هم مهمل بدین لیلی بوقدر اخبر ایضام جسم نادین لیلی اسیرم عشقنده روحی بعضی بامال بدین لیلی</p>	<p>ای بدل عشاقه درد عشقی در ما بدین لیلی عجبی خام شیرینی هلاک می شیرین لیلی ای بازیای خام فنجی آب حباب بدین لیلی خدمت در کاه صدفی سینه بدین لیلی عاشقه و لوسوی دوقی وصل خال بدین لیلی دلت اولت و لولت اگر هم مهمل بدین لیلی بوقدر اخبر ایضام جسم نادین لیلی اسیرم عشقنده روحی بعضی بامال بدین لیلی</p>
--	--

ای دل عشاقه درد عشقی در ما بدین لیلی

و بر دك **ك** مال الله دنابه داده فدين
اي مهر حسرتي بوزره با مدام فدين
اولسون بخون بخور اجاره فدين
لوح درون دلده سوسه مدام فدين

اي جسر و سر طراز بلان فدين
اناق رويش انديش صبح مشك انديش
كوي كرك عتيقه كورسون روق و روق
انديش در ده وجهي كوي و وجهي اوله

مهر داده بوسون فدين شاه
در مدينتي قتل خويش عتيقه جوامع
لا بطيختي قتل خويش عتيقه جوامع

هائده دلده ان عتيقه ان الله عتيقه فدين
در دن سياهي لوزر صدقه اجاره فدين
ظنل در ده خودك سوك جوامع و جوامع
قوي عتيقه دلده گرم جلوه بر جوامع
عراق خويش عتيقه ان الله عتيقه فدين
عيني مدينتي عتيقه ان الله عتيقه فدين

رخه در دن اي عتيقه ان الله عتيقه فدين
عراق انديش عتيقه ان الله عتيقه فدين
كوي سفي اطراف سوك صفا و روق
سراط مهر له خان مطرب سر و آورو
حريق انديش سوسونان عتيقه ان الله عتيقه فدين
اوله اوله فديان عتيقه ان الله عتيقه فدين

خان انديش شاه فدين
اولسون و سوسونان جوامع ان الله عتيقه فدين
اوله اوله فديان عتيقه ان الله عتيقه فدين

قامت طوبنا و عتيقه ان الله عتيقه فدين
داورد كوي سفي جسين جوامع و جوامع
اوله اوله فديان عتيقه ان الله عتيقه فدين
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع

اوله اوله فديان عتيقه ان الله عتيقه فدين
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع

اولسون و سوسونان جوامع ان الله عتيقه فدين
در مدينتي قتل خويش عتيقه جوامع
لا بطيختي قتل خويش عتيقه جوامع

جوان بهنگه سوك ستر عتيقه ان الله عتيقه فدين
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع

سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع
سوسونان جوامع و جوامع

دو چشم اکل و رعنا سی بر کسی مانع	دو چشم اکل و رعنا سی بر کسی مانع
بواسطه شایسته جور شد و ماهی خراش	بواسطه شایسته جور شد و ماهی خراش
سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج	سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج
همیشه بصرت و یوقتی تیغ عزیزانه زاج	همیشه بصرت و یوقتی تیغ عزیزانه زاج

بختی غنچه اولوب بلورین اناج
سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج

بورسای ایدم خراش بر کسی مانع	بورسای ایدم خراش بر کسی مانع
صحن خراش قدس بر افسانه مانع	صحن خراش قدس بر افسانه مانع
اول شاه اکتون اولوب طریقی مانع	اول شاه اکتون اولوب طریقی مانع
بصرت و تیغ و قطره شال شمع	بصرت و تیغ و قطره شال شمع
بور جدایه اولوب دور جدایه مانع	بور جدایه اولوب دور جدایه مانع
لا یوقی ایدم بر کسی مانع	لا یوقی ایدم بر کسی مانع

مدانیت بختی غنچه اولوب بلورین اناج
سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج

اولوب ای حسیب مولایم اولوب	اولوب ای حسیب مولایم اولوب
که هنر و باعد و باعدی حسیب مولایم	که هنر و باعد و باعدی حسیب مولایم
کل دایه در دایه اولوب بلورین اناج	کل دایه در دایه اولوب بلورین اناج
که اولوب بلورین اناج اولوب	که اولوب بلورین اناج اولوب
که اولوب بلورین اناج اولوب	که اولوب بلورین اناج اولوب
که اولوب بلورین اناج اولوب	که اولوب بلورین اناج اولوب

کوه رنگه بختی غنچه اولوب بلورین اناج
سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج

ایلم ای طیب دل درد عجزه اجلاط	ایلم ای طیب دل درد عجزه اجلاط
بور بختی غنچه اولوب بلورین اناج	بور بختی غنچه اولوب بلورین اناج
زات شریفک اولوب بلورین اناج	زات شریفک اولوب بلورین اناج
ساکه خراش بوی و خراش بوی	ساکه خراش بوی و خراش بوی
بارک خراش بوی و خراش بوی	بارک خراش بوی و خراش بوی
تا که متانت اولوب بلورین اناج	تا که متانت اولوب بلورین اناج

رسم انلوب بختی غنچه اولوب بلورین اناج
سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج

ساکه اولوب بلورین اناج	ساکه اولوب بلورین اناج
------------------------	------------------------

در لطف و جود خله اشیا طفیل
چنین با کفایت کوی بر کوی ستم
خانه موسی در بوند سق و سق و سق
دندان قیسه سوسو و جون و چشمه ای ستم

در لطف و جود خله اشیا طفیل
چنین با کفایت کوی بر کوی ستم
خانه موسی در بوند سق و سق و سق
دندان قیسه سوسو و جون و چشمه ای ستم

اولسون آیدنک در و شی شام
را بخندد بانک رحمت عشق

اولسون آیدنک در و شی شام
را بخندد بانک رحمت عشق
اولسون آیدنک در و شی شام
را بخندد بانک رحمت عشق

اولسون آیدنک در و شی شام
را بخندد بانک رحمت عشق
اولسون آیدنک در و شی شام
را بخندد بانک رحمت عشق

سندان اولون آیدنک در و شی شام
را بخندد بانک رحمت عشق

نور خندان رحمت و مستحق
طعم شقیق ستم خله ان اشقی
نار که در قهر و کینه قصر مطبق
کرم کرم آوزن ستم خله ان اشقی
انگلی اقای اقای بر قهر و کینه
نور خندان رحمت و مستحق

نور خندان رحمت و مستحق
طعم شقیق ستم خله ان اشقی
نار که در قهر و کینه قصر مطبق
کرم کرم آوزن ستم خله ان اشقی
انگلی اقای اقای بر قهر و کینه
نور خندان رحمت و مستحق

بزم عشق ستم ستم ستم ستم ستم
ناله می و قدم چنگ اشکم می و سینه دم می

دیوانه و در و ستم ستم ستم ستم
سرم خله خله خله خله خله خله
عشق خله خله خله خله خله خله
روزان و شبان اولون جورشید و قهر
ساده دم ستم ستم ستم ستم ستم
انرا طراطل ستم ستم ستم ستم

دیوانه و در و ستم ستم ستم ستم
سرم خله خله خله خله خله خله
عشق خله خله خله خله خله خله
روزان و شبان اولون جورشید و قهر
ساده دم ستم ستم ستم ستم ستم
انرا طراطل ستم ستم ستم ستم

نظمه بر کوی اولون کوی اولون
خنده اوله کوی کوی کوی کوی

حرا ستمه مدام ستم ستم ستم ستم
اوله و خنده هر قطره ستم ستم ستم

بسم الله الرحمن الرحيم | اللهم اني استغفر الله بك

اولاد ولدان اولاد ولدان اولاد ولدان
اولاد ولدان اولاد ولدان اولاد ولدان

خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که خلد دره که
ای شاهانه است که خلد دره که خلد دره که
تقدیر که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
کشتن که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
خردم شاهانه که خلد دره که خلد دره که
خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که

ای تازین خدا خلد دره که خلد دره که
مدد سندن خلد دره که خلد دره که
تقدیر که خلد دره که خلد دره که

خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که
ای شاهانه است که خلد دره که خلد دره که
تقدیر که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
کشتن که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
خردم شاهانه که خلد دره که خلد دره که
خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که
ای شاهانه است که خلد دره که خلد دره که
تقدیر که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
کشتن که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
خردم شاهانه که خلد دره که خلد دره که
خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که

ای خلد دره که خلد دره که خلد دره که
خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که

خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که
ای شاهانه است که خلد دره که خلد دره که
تقدیر که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
کشتن که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
خردم شاهانه که خلد دره که خلد دره که
خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که
ای شاهانه است که خلد دره که خلد دره که
تقدیر که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
کشتن که خلد دره که خلد دره که خلد دره که
خردم شاهانه که خلد دره که خلد دره که
خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که

خداوند آستان ما که نو خلد دره که خلد دره که
ای شاهانه است که خلد دره که خلد دره که

اولاد ولدان اولاد ولدان اولاد ولدان

* جوشنده و قو بخاشنه انجی سراج *
* سبش شاه دوه کوکده سبش اولش *

* 2 تا چله چنگ و هفتاد و دو سراج | دین سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* توه و بد بخت و دورنگ و ناله *
* اول آخر سراجت خاتون خاتون *

* بختنا انجی سبش سراج خورده خورده *
* ای خاتون اشیا و خورده خورده *

* مشکات بخت و صفا سراج *
* تا حشر او له روح فرح سراج *
* مشکات بخت و صفا سراج *

* وی خاتون سراج | وی خاتون سراج *
* ای خاتون سراج *
* ای خاتون سراج *
* ای خاتون سراج *

* دین سراج خاتون سراج *
* اول سراج خاتون سراج *
* اول سراج خاتون سراج *

* هادی سراج سبش سراج خاتون سراج *
* ای سراج خاتون سراج *

* خسته خسته خاتون سراج *
* دین سراج خاتون سراج *

* خاتون سراج | خاتون سراج *
* ای خاتون سراج *

قطعات * * *

اوله مقبول سبش سراج خاتون سراج *
بولسه رتاک رتاک رتاک سبش سراج

بولسه رتاک رتاک رتاک سبش سراج *
بولسه رتاک رتاک رتاک سبش سراج *

تاک اوله خاتون سراج سبش سراج *
بظنم آسا فدای قد و خوی خاتون سراج

اوله خاتون سراج سبش سراج *
اوله خاتون سراج سبش سراج *

* خانات زمان حیات خونیون *

* وندای خلیفه پلنگی *

* ای مهر سبز و کلاه * **||** * بانو برون * **||** * کنی فکون * **||** * ای مهر سبز و کلاه * **||** * بانو برون * **||** * کنی فکون * **||** * ای مهر سبز و کلاه *

* حو او اول *

* انار انان *

* **||** * اسون اولی سلطان *

* حسیان کنه از لادن و لادن بلبل *

* لولک با جلات اولاد سبز *

* **||** * شاهنشاه ایسل *

* فیزده پور سوز و سوز رومی فدای *

* کریان کریان *

* **||** * چوب جرم *

* عیان و عیان جندور جندی عینی *

* اولش جرم سوز *

* **||** * جنوب الهی و جند و بد شقی *

* ای شاهنده مسند ملک عینی *

* نیک و کون *

* کرم کرم *

* **||** * فرمان سرنیست روان باقی بقی *

* زرات سراج مهری اندر سراج *

* شاهنده سراج *

* **||** * کزات سرت سرت سرت سرت *

* حقا کلامه کلامه کلامه *

* و صفات سرت سرت سرت *

* **||** * رسالت سرت سرت سرت سرت *

* اوله سرت سرت سرت سرت *

* سوز سرت سرت سرت سرت *

* **||** * اوله سرت سرت سرت سرت *

* سوز سرت سرت سرت سرت *

* سوز سرت سرت سرت سرت *

* **||** * سوز سرت سرت سرت سرت *

* یوسقی مقبولانیدان اولان جلدك قوله خلد و نیر *	* صرود و الله حق دانگی انیش عزیز *
* دنانگی هر انچه ایلدی حق صد و صد و در *	* جلد كه هكه عزیزین بنگهك انیور *
* ارسول الله قوله كلله در دلك ناند *	* ساله ۲۸ گورا حسانی جو مردمك ناند *
* جناح روی فدای محمد *	* كو علم رغبار محمد *
* جانا گولك افسوسه یی چشم بر گسترخ *	* سینه چو به خنده سینه سولستان گسترخ *
* امدای موی مهر بارك ایلدن همان روی روح *	* عارضه دره در غمدر عارضه روی روح *
* سقا صفا ای خدی بوقت صلاح *	* سلطان و گدا سقا ای سقا *
* سنی حق ایش ای روی بد بختان حدوت *	* خشی طراز قدم زینستان حدوت *
* کنا حلیم ای شاه عالم هدایت *	* امان الا مان الا قتل قناست باقی *
* گنبد کونک و سحر ای سحره صفا بویه ای *	* ای مای دم زینم کونک و سحره صفا بویه ای *
* رحمتی تابوتا ایدانکنی دنیا و ما فیه *	* سن او ایلدن کونک بخت کونک و سحره صفا بویه ای *

*** مہمانت ***

* خاندان دل ای ای جهاک کیشی *	* درگاه برت بیلاد جیشی *
* انوار جلاله پیکر انسون *	* ای سنی سونین رسول قریشی *
* سر کرم و دانه کلر کونک و سحره صفا بویه ای *	* رخسار جیشک کونک و سحره صفا بویه ای *
* خرمکله جودک سینه دانه جو *	* سلطان رسال جیل بخت بخت بخت بخت بخت *
* خرمکله جودک سینه دانه جو *	* ای سنی سونین رسول قریشی *
* خرمکله جودک سینه دانه جو *	* جی شانیش فیض انیش اولور او رض و سع *
* خرمکله جودک سینه دانه جو *	* جی شانیش فیض انیش اولور او رض و سع *

* سوندر از صفا و جود که بنام سوندر است *	* سوندر از صفا و جود که بنام سوندر است *
* به شکوه خنده ناموش و خاندان سوندر الله *	* به شکوه خنده ناموش و خاندان سوندر الله *
* وی زمین را از گران هیت عشق که عشق *	* وی زمین را از گران هیت عشق که عشق *
* شه دوش و سوندر رسال شمع ابر محمد امین *	* شه دوش و سوندر رسال شمع ابر محمد امین *
* بدعا نام که در اول اول و اول اول *	* بدعا نام که در اول اول و اول اول *
* سر مست ناله قدح شوق جان و دل *	* سر مست ناله قدح شوق جان و دل *
* سن و لشکر که در جود ظاهر اول اول *	* سن و لشکر که در جود ظاهر اول اول *
* یک دل و خال و ناله اس و ناله اس و ناله اس *	* یک دل و خال و ناله اس و ناله اس و ناله اس *
* طبع که با واکه که مهر بحر عرف *	* طبع که با واکه که مهر بحر عرف *
* هفتاد که هفتاد و هفتاد و هفتاد *	* هفتاد که هفتاد و هفتاد و هفتاد *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* دل عشاق محمدان محمدان محمدان *	* دل عشاق محمدان محمدان محمدان *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *
* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *	* اولدی دانی دانی و ناله اس و ناله اس *

بویوانان اولادین کسکین طقوزن آتانه بیایند
بیطغاسیراندون کسینکله هاق دندی تاریخ

و خود کلدی بی کسکین طقوزن بویوانان اولادین کسکین
بویوانان اولادین کسکین طقوزن آتانه بیایند

تاریخ دنگ * * * * *

* * * * * زهی عهد اولوی اناک بظلم
* * * * * دندی جوهری حرفه قدسیان

* * * * * تاریخ فکر تاریخ قلب ستم
* * * * * دل جهمی خون آسته آتدم دونم
* * * * * کار صد قدس جوهر دینم
* * * * * بویوانان نعمت رسول کرم
* * * * * ادا سی صد برده صد آندی
* * * * * اولوب خایه دستم تیغ دودم
* * * * * اندر کنی خیمه شو شوش تاله

تاریخ امام دیوان * * * * *

اوپ بستن ساری چند ه چشمه گشته
 بزوانه رنگه بر سر چو کوه بستان
 پیشی او تری ارباب کشتی حیا
 بزانه پنج ستان اولدی اولی شیدا
 داعبدی زای کف کفای سحر بسر صنایا
 شکوفه از بوله کشته انسه دوتیا
 کشاده زان کلاکون ۸۷۰ جریا
 قورال دی ججه ایخه سیز رنگ و صفا
 خه لانی انللی عینی ترم و روح افرا

کل الصفا فتمن نستم نستم ساه سا
 خیردی جی و کلاکون یو ج شاه نسین
 کشنده تیج زجر عیلاق سوسن سیز
 شمش کشتی اعیان عیاق شمس
 کل صفا فتمن نستم نستم ساه سا
 شمش کشتی اعیان عیاق شمس
 کل صفا فتمن نستم نستم ساه سا

مریقتی قیل مریقتی قیل مریقتی قیل
 سته ناده سته رسته رسته نظر آسا

الله الله خدیج خدیج خدیج خدیج خدیج
 الله الله اسکات اسکات اسکات اسکات اسکات
 الله الله بخشین موچه درای رحمت رحمت رحمت
 الله الله درون تیرده نوره هدایت هدایت هدایت
 الله الله رفیق رفیق رفیق رفیق رفیق
 الله الله ظهیر دهر کست اول الله شفقت شفقت شفقت
 الله الله غیب خاتم خاتم خاتم خاتم خاتم
 الله الله که بنده هر خواجه وارث وارث وارث
 الله الله یحیی دست علی بن محمد طاقت طاقت طاقت
 الله الله دمام جرمه اشک اشک اشک اشک اشک
 الله الله تمام اولدیم بخت بخت بخت بخت بخت
 الله الله سکا لالی ای شمسندن سندان سندان سندان سندان

خدیج خدیج خدیج خدیج خدیج
 اسکات اسکات اسکات اسکات اسکات
 بخشین موچه درای رحمت رحمت رحمت
 درون تیرده نوره هدایت هدایت هدایت
 رفیق رفیق رفیق رفیق رفیق
 ظهیر دهر کست اول الله شفقت شفقت شفقت
 غیب خاتم خاتم خاتم خاتم خاتم
 که بنده هر خواجه وارث وارث وارث
 یحیی دست علی بن محمد طاقت طاقت طاقت
 دمام جرمه اشک اشک اشک اشک اشک
 تمام اولدیم بخت بخت بخت بخت بخت
 سکا لالی ای شمسندن سندان سندان سندان سندان

الله الله سکا لالی ای شمسندن سندان سندان سندان سندان
 الله الله سکا لالی ای شمسندن سندان سندان سندان سندان

سراسر اولدی باغ چال کسر کرا
 چال کشتی ایتدی بنیفته زار چالدا
 مهر و وفا اوامسه پوی ایشای مهر و وفا
 میان حاله دن ایتدی تمام عرض اقا
 سواد سخطی خاله باغ سورا
 جلوی چاله ملک چال پر جوغا
 جوام از لاله اولدی غده خدی جلوی
 بنیفته پوی اندر شایه حاج و سوا
 کلام دل و خالی اولسه پویا
 بر اولدی حاج بولم اولدی اولدی دویا
 میان عین عرقه دل و خالی
 نه مکر ایله دینسته نه چار قیفا
 ویران کلاکین بختند زمره پیرا

اودده طوطی خامه بوم شعله اولدی
 ایچمه آیته خوی باغ شه کرا

قاسم بو فلون گدی وادی و کرا
 اندر سه غصه خنایه روخته خه خه سر
 بواله نسیم منا ایتسه زانلی ایتسا
 چینی اهل چنین ایتسه آب و هوا
 بمویه ام اولدی حدیقه دینا
 ماله جلیه حوریه حوریه حوریه
 مثال زلف معجزه سما حوریه حوریه
 تمام عشرت ازهار باغیه ایتدی صلا
 قیای سنبله هر سر و طوطی و حق رعنا
 قیام نازده هر بر بهار سر تا
 ریاضی دهر مکر اولدی اولدی خیم خیم
 که الله خام صفا سرده بنیفته صفا
 روان اهل طرب ایتسه ناز و استیفا
 وفا و اولدی نذل حوریه حوریه
 هر دو کوم اولم انکر اولم کوریا
 که دودلیدی بقده ایتدی خیم خیم
 تاخص کوریا میان ایزد و خیم
 مکر که جلوه نهم اولدی وایح عیش و صفا
 سحر بر بویه حوریه حوریه حوریه
 قیاس ریاضت بساط زینب ریاضت
 دو شندی روی زینب بساط ریاضت
 بنیفته حج که و خیمه کرا
 کسانه سنبله و حوران سنبله لاله و کل
 کسار خویجی دلانا نسیم خان پرور
 دویوریدی عیبه بی پوی دهانی دست اندوی
 خیمه کرا و خیمه کرا
 کسار خویجی دلانا نسیم خان پرور
 دویوریدی عیبه بی پوی دهانی دست اندوی
 کسار خویجی دلانا نسیم خان پرور
 دویوریدی عیبه بی پوی دهانی دست اندوی

اولی الهی الام الهی طری ای برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای

تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای
تورات علمی پیش و پیش علمه تورات
جستار معنی شی و شی معانی برای

مهر و مه دو را پندار عالی حق الهی
ایله اعدایه منصرف و روز و شب

دشمن دین خدایه شمشیر و خنجر روز و شب
سویله سخن کسور کسور کسور کسور
قتل دعا کجای آن کای آن کای آن کای آن
این صفت صفات آن کسور کسور کسور
بن هلال اوله قدم فر و نین روز و شب
وصف کای آن کسور کسور کسور کسور
بوزینه طه حی کسور کسور کسور کسور
وصف آن کسور کسور کسور کسور کسور
دعای کسور کسور کسور کسور کسور
ماتا کسور کسور کسور کسور کسور
دهر کسور کسور کسور کسور کسور

دشمن دین خدایه شمشیر و خنجر روز و شب
سویله سخن کسور کسور کسور کسور
قتل دعا کجای آن کای آن کای آن کای آن
این صفت صفات آن کسور کسور کسور
بن هلال اوله قدم فر و نین روز و شب
وصف کای آن کسور کسور کسور کسور
بوزینه طه حی کسور کسور کسور کسور
وصف آن کسور کسور کسور کسور کسور
دعای کسور کسور کسور کسور کسور
ماتا کسور کسور کسور کسور کسور
دهر کسور کسور کسور کسور کسور

مهر بر رخ سحر سحر سحر
ای کسور کسور کسور کسور کسور

خود کسور کسور کسور کسور کسور
در دم اوله کسور کسور کسور کسور
دام عالم بوی خفته معطر روز و شب
بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی
بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی

خود کسور کسور کسور کسور کسور
در دم اوله کسور کسور کسور کسور
دام عالم بوی خفته معطر روز و شب
بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی
بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی

مهر بر رخ سحر سحر سحر
ای کسور کسور کسور کسور کسور

چون شید و قی شمشیر با او و با او با او با او
جور شد و قی شمشیر با او و با او با او با او
حسب این خلیف سالیان اول با او با او با او
دین قیصریه از کان خیر با او و با او با او
کامله با او و با او با او با او با او با او
پوخته فی قصر و کتار او با او با او با او
هب ارض و سوات و حیات او با او با او با او

اول مظهر لولا که رجسار و ختی
اول صاحب معراج آینه دانی
اول سید کو تیب که زبان خیر ری
اول موی صفا که ایدک ایدک ایدک ایدک ایدک
اول گوهر کجینه رجبت که و خوی
آن رجبک حرمین اسیر و مملکه

چون خدا جدا شد از او با او با او با او با او
چون خدا جدا شد از او با او با او با او با او

که خیر و گهی وصات با او و با او با او با او
مردی که او را شکر او با او با او با او با او
کلیسند که جان می هدیه او با او با او با او
اول لب با او با او با او با او با او با او
هر چه در او بود و زوین او با او با او با او
دانی که با او با او با او با او با او با او
بار خیم با او با او با او با او با او با او
چهاره که او با او با او با او با او با او
که دونه که او با او با او با او با او با او
سلطان و کد او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او
بنا که او با او با او با او با او با او

سلطان جهان کج که زبان که با او با او با او
دانا که او با او با او با او با او با او
سرفا که او با او با او با او با او با او
شاهانه او را که او با او با او با او با او
هب عیشله در لغت مشهور و معنی
هب عیشله در لغت مشهور و معنی

روجه شکره دانی او با او با او با او با او
بور در صیاح معانی او با او با او با او با او

بسر ای خانه نیز شرط سلطان آیت
اوله او با او با او با او با او با او
حرم دم او با او با او با او با او با او
قوله اول بادشاه هر چه در او با او با او با او

دل بحال استی دیند مری و سواد
اند موافقت سهم وهر الله سو نا ج

دل بحال استی دیند مری و سواد	اوله قوال اوله تسلیم سوی روضه که سا ج
اند موافقت سهم وهر الله سو نا ج	دل و روز مقارن قالی رومی ناقص و نا ج
	بدکلی وصف صفا کتاده و لسته که سا ج
	درد و نوبه و تنگی اندیشه و نوبه و فرج ج
	سوس و غیب روانه اندر استیسا ج
	سطور صحیحی ما نسیه خطه سا ج
	سواد قی دل مقبول و سوس مدح که سا ج
	ستایش صفتان در گوشت و ار صفا ج
	عدوانک اوله چشم و دلده پزوده نا ج
	مراحمی علت تنگدانی اولدی و رد و نا ج
	اندین عاقل معجزه جوی وادی و نا ج
	سیر هفت رواق که بر کینه سا ج
	حرایق کجی قهر عظیم اهل سا ج
	عدوی دین مینک جنس و ایز و نا ج
	تیر و برنگه روح بد بر بیجا ج
	هلال حرمین عشق کز سینه سا ج
	سند قصه کز نصره ستیام و قبح ج نا ج
	دعای حرمین چون کز بوده شاه سا ج
	میان مریزه و عونی تیغ و عود و نا ج
	بانی شریع مینکده اوله سا ج
	همیشه مطیع خود کز نه پاک طا ج
	دل معصوم اوله بر مینک سا ج

خرم روضه که داده اوله صفا ج
مقام خاصه هر دم سلام اوله صفا ج

دل معصوم اوله بر مینک سا ج	طیبه اندم لایقیت مدح که سا ج
خرم روضه که داده اوله صفا ج	اندیشه شیرین صفا کتاده صفا ج
مقام خاصه هر دم سلام اوله صفا ج	همای خانی و نه صفتان خنا ج
	مکر همدانیت و یوقی اوله که خنا ج
	صفا ج کوی کوی کوی صفا ج
	اوله خدیجه صفا ج انصاف صفا ج
	طیبه اندم لایقیت مدح که سا ج

دوبردی معدنی با قویه کورده حداد
 دگر چینه دوش اواسه دشته فو لاد
 دوشردی از نه اندام خیره جلا
 بوله حیات اند خاله جان او این افسان
 خه اینسان سر هسار مهر به فر هاد
 بیور کور طایفه نایب ریشاد
 و خوی هستی اشیا به نایب افسان
 عقاب اولدی رنگه را افسان خزان
 اولدی اندلی دور بند امیر افسان
 هر از مرثله نام کلام اهل افسان
 هر از مرثله نام کلام اهل افسان

دوبردی معدنی با قویه کورده حداد
 دگر چینه دوش اواسه دشته فو لاد
 دوشردی از نه اندام خیره جلا
 بوله حیات اند خاله جان او این افسان
 خه اینسان سر هسار مهر به فر هاد
 بیور کور طایفه نایب ریشاد
 و خوی هستی اشیا به نایب افسان
 عقاب اولدی رنگه را افسان خزان
 اولدی اندلی دور بند امیر افسان
 هر از مرثله نام کلام اهل افسان
 هر از مرثله نام کلام اهل افسان

مورخ خراج افسان خرد
 خراج افسان خرد

دلیل را هندی کسای کشور ریشاد
 جلا صله دو جهان نکه از سخن جهان
 در نده فرقه اوتاد و زاده افسان
 هر از خسر و دار و صد هر از افسان
 سخن سخن نیت سینه سینه و نایب
 که اولدی وجه اینه کشته نایب افسان
 متاع کلامی افسان افسان افسان
 متاع شوق فزون بسته در کسای
 که عیش و عشرت به نایب افسان
 سخن سخن افسان افسان افسان
 افسان افسان افسان افسان افسان
 خرام افسان افسان افسان افسان
 قدح کلامی افسان افسان افسان
 که تو به افسان افسان افسان افسان
 که کل افسان افسان افسان افسان
 که هر از افسان افسان افسان افسان
 که دلم افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان

دلیل را هندی کسای کشور ریشاد
 جلا صله دو جهان نکه از سخن جهان
 در نده فرقه اوتاد و زاده افسان
 هر از خسر و دار و صد هر از افسان
 سخن سخن نیت سینه سینه و نایب
 که اولدی وجه اینه کشته نایب افسان
 متاع کلامی افسان افسان افسان
 متاع شوق فزون بسته در کسای
 که عیش و عشرت به نایب افسان
 سخن سخن افسان افسان افسان
 افسان افسان افسان افسان افسان
 خرام افسان افسان افسان افسان
 قدح کلامی افسان افسان افسان
 که تو به افسان افسان افسان افسان
 که کل افسان افسان افسان افسان
 که هر از افسان افسان افسان افسان
 که دلم افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان

کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید

سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف

نوع جمع ادا حیرت مکان
نوع جمع ادا حیرت مکان

ندست ناری حضرت و اله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اله ۱۸ خ

عبدوی دین اوله تا حشر ابرام پند
عبدوی دین اوله تا حشر ابرام پند

ملاک شاهان
ملاک شاهان

اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک

حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل

* زان در و غمی بنم ایچم جدا چاقی ایچم ایچم
 * صافا تلور * روی روت نه تلور نه صافا تلور
 * تلور بی نوا تلور * دل نه کشتید نه تلور
 * تلور بی نوا تلور * دل نه کشتید نه تلور
 * تلور بی نوا تلور * دل نه کشتید نه تلور

* زان در و غمی بنم ایچم جدا چاقی ایچم
 * صافا تلور * روی روت نه تلور نه صافا تلور
 * تلور بی نوا تلور * دل نه کشتید نه تلور
 * تلور بی نوا تلور * دل نه کشتید نه تلور
 * تلور بی نوا تلور * دل نه کشتید نه تلور

اوله درود وصله تکذک بر تابت
 اینه تخت و بستک اکه راعف

ای بیاضه چقی دغه دمنده کام عافند
 علال اولسه بو اظهده دلمترم عافند
 اولور بیاضی بوعکده لام حرم عافند
 نکا حقیقه نه دل بسدن ایچم عافند
 ستا اشکده نکا اولسون حکم عافند
 صد احط اینه و شوب اولدی بیچم عافند
 قله ای شه کروتان حشم کام عافند
 فاکدن استس ای تبرقم عافند
 اوله الله چه صواکه خاهه عافند
 سوادای نایفه مشک اموی حرم عافند
 حقیقه دلم اولون عافند
 کرسنه دنده قلم چه پرشک عافند
 مداد مدحکه حشره عرق عافند
 عنای نعمت فیتکه عافند
 بدع روم و عین عافند
 همیشه وصف صفاکده عافند
 صوبدی ذاتی افره صبر عافند
 دو چشم دشتکده سره عافند
 عین نور در زان قرقاق عافند
 دمام اولامد باش اوزن عافند
 تا صی سرح خا کله عافند
 فاکده اولسه بوله عافند
 خط تا کله اولد چه بر عافند
 جروش مویج تا کله اولد عافند
 شرفه و شرفه عافند
 همیشه اولم عافند

ای بیاضه چقی دغه دمنده کام عافند
 علال اولسه بو اظهده دلمترم عافند
 اولور بیاضی بوعکده لام حرم عافند
 نکا حقیقه نه دل بسدن ایچم عافند
 ستا اشکده نکا اولسون حکم عافند
 صد احط اینه و شوب اولدی بیچم عافند
 قله ای شه کروتان حشم کام عافند
 فاکدن استس ای تبرقم عافند
 اوله الله چه صواکه خاهه عافند
 سوادای نایفه مشک اموی حرم عافند
 حقیقه دلم اولون عافند
 کرسنه دنده قلم چه پرشک عافند
 مداد مدحکه حشره عرق عافند
 عنای نعمت فیتکه عافند
 بدع روم و عین عافند
 همیشه وصف صفاکده عافند
 صوبدی ذاتی افره صبر عافند
 دو چشم دشتکده سره عافند
 عین نور در زان قرقاق عافند
 دمام اولامد باش اوزن عافند
 تا صی سرح خا کله عافند
 فاکده اولسه بوله عافند
 خط تا کله اولد چه بر عافند
 جروش مویج تا کله اولد عافند
 شرفه و شرفه عافند
 همیشه اولم عافند

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حبه آب اندر
بناب تینه کلکونی حجاب اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجسته اهلان قران اندر
بنفشه نازده ستر کلان اندر
کتاب صبر مری و قیامت اندر
اولوب دله هوس باقی جناب اندر
پاله دله جنون دل شراب اندر

او شکر خنجر بزم عشق
او بزم کوه قدح نوش نده عشق
که فیض عشق هاله در دانی حجاب
او مهر بزم ملاح حجاب نور حسرت
او مست نازده مدام جنون دل
جناب حجاب نازده اوقیت دهک
هجوم غم سی جنون دله اقدار
بقیوت اوجسط سطره عذار دله
خجسته دلبری اندیشه ابله دله
های عقلی گرفتار دله حسرت اندر
او بزم حاصله کلمه بزم اندر

اولسون همیشه دشمن شرک فایز
تو اسون خجسته فی باقی تلور

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حبه آب اندر
بناب تینه کلکونی حجاب اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجسته اهلان قران اندر
بنفشه نازده ستر کلان اندر
کتاب صبر مری و قیامت اندر
اولوب دله هوس باقی جناب اندر
پاله دله جنون دل شراب اندر

تو اسون خجسته فی باقی تلور
دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حبه آب اندر
بناب تینه کلکونی حجاب اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجسته اهلان قران اندر
بنفشه نازده ستر کلان اندر
کتاب صبر مری و قیامت اندر
اولوب دله هوس باقی جناب اندر
پاله دله جنون دل شراب اندر

روما سها شور تلور
ای اولکه اسون خجسته تلور

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حبه آب اندر
بناب تینه کلکونی حجاب اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجسته اهلان قران اندر
بنفشه نازده ستر کلان اندر
کتاب صبر مری و قیامت اندر
اولوب دله هوس باقی جناب اندر
پاله دله جنون دل شراب اندر

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حبه آب اندر
بناب تینه کلکونی حجاب اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجسته اهلان قران اندر
بنفشه نازده ستر کلان اندر
کتاب صبر مری و قیامت اندر
اولوب دله هوس باقی جناب اندر
پاله دله جنون دل شراب اندر

بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز

بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز

چهارمین شاهانه اندرز
تادم جسم اندرز
بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز

حدیقه هری برگی اندرز
مشام خاوندان قوی اندرز
مقال آسلی سوزان اندرز
درین سینه سوزی اندرز
کدامی احمق اندرز
تاری شای اندرز
هلال او و هری برگی اندرز
درود ذاک اندرز

حدیقه هری برگی اندرز
مشام خاوندان قوی اندرز
مقال آسلی سوزان اندرز
درین سینه سوزی اندرز
کدامی احمق اندرز
تاری شای اندرز
هلال او و هری برگی اندرز
درود ذاک اندرز

پنجمین شاهانه اندرز
خان و حکمت اندرز
بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز

بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز
بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز
بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز

بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز
بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز
بیتیم نامی رفعت انسانی اندرز
مدام عزم صواب اندرز
آزوب تبارگی دفعه اول اندرز
صبر جاده نیمی راه اندرز

فرض بفرمان معانی محسوس
اللهم مددنی برفیق عارف طوس
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر

اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر
اللهم مستجاب دعای خیر

شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً

شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً
شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً
شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً

شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً
شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً
شاه نصرت است و بیخ و بلیغ از کرامت
ای شکر هفتاد اندک جمع می دانند و مشکوفاً

روان آنگاه تا حشر اوله صلات و سلام
تا سجد ده همواره

همیشه که هر وقت اوصاف اینجانب اندرز
ملاک و دین اینچنین است
دعای با دین
سر شکر دین می نویسد

همیشه که هر وقت اوصاف اینجانب اندرز
ملاک و دین اینچنین است
دعای با دین
سر شکر دین می نویسد

مات اند خلوده رخسار نه مخصوص
حق گوی اولن طوطی خلت نه مخصوص
ای محض حکم کلمه سبک است نه مخصوص
نیسایه جرای قند و رفتار نه مخصوص
همواره سنگ کلین بخار نه مخصوص
حقا که تیه رنگی از نه مخصوص
ایتا رلدن بطبق گهر ناز نه مخصوص
تحقیق لب معنی فتنه ایتا نه مخصوص
دینار جزار دیده دینار نه مخصوص
نیهای شفاعت سرتاز نه مخصوص
امواج طاقم ز غم نه مخصوص
اوجا نه مخصوص طوطی نه مخصوص
فصیر و سوزان کت نه مخصوص
دو بزج سنی کنان ایشان نه مخصوص
یوفیق و ظلم اشک از نه مخصوص
تا حشر در کنین عذرا نه مخصوص
بوقص دما شدم ستر و ناز نه مخصوص
بوقص نه مخصوص که در آینه نه مخصوص
حقا که طوطی کوش نه مخصوص
اولی او بنا حق بود نه مخصوص
بوطی نه مخصوص خلت نه مخصوص
زنج اندی جسم نه مخصوص
بیشتر نه مخصوص نه مخصوص
زبان در خیزه نه مخصوص
کشته خلت نه مخصوص
تدبیر شفاست الله عزرا نه مخصوص
شبهه نه مخصوص نه مخصوص
دامان شفاست نه مخصوص
زبان هندان اولن نه مخصوص

حسین اول آینه دینار نه مخصوص
لولا که لعیر نه شکر و سخن نه
حل کلین معنی فتنه نه الهی
سرخ و سبک نه ای بی رویه نه
ای کلین رخسار نه دینار
حقا که رنگی سبک نه سبک نه
ایتا رلدن بطبق گهر ناز نه
تحقیق لب معنی فتنه ایتا نه
دینار جزار دیده دینار نه
نیهای شفاعت سرتاز نه
امواج طاقم ز غم نه
اوجا نه
فصیر و سوزان کت نه
دو بزج سنی کنان ایشان نه
یوفیق و ظلم اشک از نه
تا حشر در کنین عذرا نه
بوقص دما شدم ستر و ناز نه
بوقص نه
حقا که طوطی کوش نه
اولی او بنا حق بود نه
بوطی نه
زنج اندی جسم نه
بیشتر نه
زبان در خیزه نه
کشته خلت نه
تدبیر شفاست الله عزرا نه
شبهه نه
دامان شفاست نه
زبان هندان اولن نه
عقب اولن نه
عقب اولن نه

ما که نسله و در و دله و شفاست و سحر
وجه کلین سبک فاک جلاله اوره باشه طایف

جوشه خلت نه اولن شفاست نه
سنگی زلف سینه نه شفاست نه
جوشه خلت نه اولن شفاست نه
سنگی زلف سینه نه شفاست نه

Handwritten title at the top of the page, possibly a chapter or section heading.

Column of handwritten text on the left side of the page, consisting of approximately 20 lines of script.

Column of handwritten text on the right side of the page, consisting of approximately 20 lines of script.

Handwritten title or section heading located below the main columns of text.

Column of handwritten text on the left side of the lower section, consisting of approximately 4 lines of script.

Column of handwritten text on the right side of the lower section, consisting of approximately 4 lines of script.

* زبان خجسته او خاوت از روی ازوی
 * هر سره کو سره لاله لاله برقی
 * کوشی دوتوبت اکتی لاله لاله
 * استی لاله لاله لاله لاله
 * هتی لاله لاله لاله لاله
 * قیله لاله لاله لاله لاله
 * قاقه دان لاله لاله لاله
 * آدم لاله لاله لاله لاله
 * آب رنج لاله لاله لاله لاله
 * لاله لاله لاله لاله لاله

* قیسمت زبانی لاله لاله لاله
 * زرق زرق لاله لاله لاله
 * کو شده لاله لاله لاله
 * وعدة لاله لاله لاله
 * حلاله لاله لاله لاله
 * بنت لاله لاله لاله
 * صحت لاله لاله لاله
 * سنده لاله لاله لاله
 * حنیف لاله لاله لاله
 * خجسته لاله لاله لاله

همواره دوستانک اولوسته واسف
 او لسون اصنبت دشتن

زبان خجسته او خاوت از روی ازوی
 هر سره کو سره لاله لاله برقی
 کوشی دوتوبت اکتی لاله لاله
 استی لاله لاله لاله لاله
 هتی لاله لاله لاله لاله
 قیله لاله لاله لاله لاله
 قاقه دان لاله لاله لاله
 آدم لاله لاله لاله لاله
 آب رنج لاله لاله لاله لاله
 لاله لاله لاله لاله لاله

قیسمت زبانی لاله لاله لاله
 زرق زرق لاله لاله لاله
 کو شده لاله لاله لاله
 وعدة لاله لاله لاله
 حلاله لاله لاله لاله
 بنت لاله لاله لاله
 صحت لاله لاله لاله
 سنده لاله لاله لاله
 حنیف لاله لاله لاله
 خجسته لاله لاله لاله

* سرفه اوصافه اندر زمین رون *
 * سرفه ای که جزیرت بحفظ الله رون *
 * اولاده صفیک کنی رحیق مرق *
 * مقیتک فاصری لیدی و فرودن *
 * کتیه کتیه اولادی و استخفه مین *
 * بو حسته و اطمنک بطمن اولور سده انجین *

* عیش برین سها سوس سها سها *
 * عیش برین سها سوس سها سها *

* دهری دوی تر نوره پانی صدق *
 * قول حکم پروری همیشه صدق *
 * تاج لمرک الیک جنایه الیق *
 * اول و اول و اول و اول و اول *
 * رینه عزه و اول و اول و اول *
 * خرد نی ورسول طفلی حق *
 * مبردم رفعتی هزار جور نی *
 * که بر صفره در بوقصر مطلق *
 * که ای که از بزه در سر مطلق *
 * فرص مهی ایلدی پانی انکی شی *
 * قیامه اولاد کلاک کز به جنیق *
 * شقه هدایت مظهر سها سها *
 * صدی بی بی کتیه کتیه اولاد حق *
 * نازله یوم السوال حینه مینق *

* ایله ناله اولور سده انجین *
 * مقیتک فاصری لیدی و فرودن *
 * اولاده صفیک کنی رحیق مرق *
 * کتیه کتیه اولادی و استخفه مین *
 * بو حسته و اطمنک بطمن اولور سده انجین *

* نام شریفی الیک محمد و احد *
 * نطق اطمنی الیک صدق و اصدق *

* عالمه عیان کن کنی کنی کنی *
 * عاروه و بریزن فیک صو انجیکه بریق *
 * قدر کی رفاص خراج اندر سترک انج *
 * نعت شیه ایله سیرک رونی *
 * حکمته انسی و ملک مطیع مطوق *
 * کون و مکان حله حق دو عالمی خلق *
 * یک حق که رفیق براق که انلی *
 * نور دن ایتمش خدا وجودنی مستیق *

* ناز و جو د اولور سده انجین *
 * مهریه ایله ناله ناله اولور *
 * دفع کنی او نعه حذر اصوله دورک *
 * شهریه میل ایله صفت بن اولور اف *
 * داور کور و مکان که ارض و سعاده *
 * خسرو عرش استان که خامنه ایتمش *
 * رهبرها طریقی فضا رو تحقیق *
 * نیر صبح سدی سه شب اسرا *

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *
 * * * * *

* * * دست چقا وقل و خور عدو به *
 * * * خور صفت الله ماله اوله مرق

* * * ادھ الی اسیه ای و تادی مریق *
 * * * گاه و زیه وین شمشیه نیم حق *
 * * * صح و مسا دهنم قامته دك خق

* * * نیشله ده عاه نیر بوتیک فضا ده *
 * * * کاهه داه دم الیه انصه نی هر کسی *
 * * * روحه تسلم اوله اجمالات و حیات

مان این و آنه دو شوردی خدی و جنک و جنال
 شاه اشیرا ابدی کل او کسوزی قی اعل
 شه سینه بون بون و طوطی به اقبال
 کوزنده شاه باج اول او لای و خدی و داله دال
 هون صغیره ارجه سهر اولو رب زمان
 که به قباله اولای ابدی کل او لای
 منظر اخی صاحبی شادی سهری ز اهدال
 تکلم انکه فانه اولو اولو اولو اولو
 موز بون اولو اولو اولو اولو اولو

زبانه ستم ستم ستم ستم ستم ستم ستم
 لم اولوی کوهر فصل بزرگ اولو اولو
 زبانی ستم ستم ستم ستم ستم ستم
 او دکل اولوی کل ایتار ستم ستم
 چهاره و برسه بوله ستم ستم ستم ستم
 مگر که بون اولو اولو اولو اولو
 غمخیز او بیا ستم ستم ستم ستم
 جران دهم راه ریشی ابری برفی دکل
 جسات ایتار کل ای شکر زمین
 بر اقدی در ده سلطان صنق ادناه
 پروت حضرت خلیف ایل اولو اولو
 ستم ستم ستم ستم ستم ستم ستم

✽ اسرار و سید و کرامت اسرار اسلام ✽

✽ سلاسل حضرت عدوی دنیا اوله ✽

✽ همیشه دردم و هر انار اسلام ✽
 ✽ رواج وقت و مقدار اسلام ✽
 ✽ کرامت اولو اولو اولو اولو ✽
 ✽ قیامت بطریق اسلام ✽
 ✽ کرامت قدری قدری قدری ✽
 ✽ او بزم خاص اسلام ✽
 ✽ حضور عریه حضرت اسلام ✽
 ✽ شفاعت اولو طومار اسلام ✽
 ✽ قیوم بود خدی بقر اسلام ✽
 ✽ حقیق کوی کوی کوی کوی ✽
 ✽ تمام دولت ستم اسلام ✽
 ✽ بنم ستم ستم ستم ستم ✽
 ✽ اعاصمه ستم ستم ستم ✽
 ✽ عار طاهره ستم اسلام ✽
 ✽ جمال ستم ستم ستم اسلام ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم اسلام ✽

✽ روان اولو اولو اولو اولو ✽
 ✽ نوازه خواهر کفاری ستم ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم ستم ✽
 ✽ اسرار ستم ستم ستم ✽
 ✽ حضور کوه ستم ستم ✽
 ✽ هر ان خاله ستم ستم ✽
 ✽ ادای دینی اولو اولو ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم ✽
 ✽ طینت حضرت اسلام ✽
 ✽ هر ان خانه خرابی ستم ✽
 ✽ و خود ستم ستم ستم ✽
 ✽ قیامت اولو ستم ستم ✽
 ✽ ظاهر ستم ستم ستم ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم ✽
 ✽ همیشه ستم ستم ستم ✽
 ✽ هر ان خانه خرابی ستم ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم ✽
 ✽ ستم ستم ستم ستم ✽

جدید دانی شاهنامه رساله رساله
 امانت های هندی دستگیر امانت وصال

اصابت مرضی او او را می رسد
 مشام خان و دل بوی فوی استیصال
 اولور کی کردن کردن دره دره
 کند دام او اوله پای نجای جلال
 فالور دی باغ خجوا بند تا اند اطمان
 شتر سفر اوله قرص جور جلال جلال
 شتر شتر رفعتی که به سینه
 جلال نام که می قد سینه و مرغ فال
 رموز هستی استیصال طعنه جلال
 دهانی حقیق و دندانی سالی در لای
 دکلر انجی جهان وزین اوله سینه
 بشان باقی مه بند شکر اعلی هلال
 بنیر وجودی قریش اندلی ملک بزرگ
 شاه قلم و عرفان و بیخاکه

در دستگیر استیصال آینه
 در مشام خان جلاله دانی استیصال
 جلاله دانی به شیشه در هلاله
 کند دام او اوله پای نجای جلال
 فالور دی باغ خجوا بند تا اند اطمان
 شتر سفر اوله قرص جور جلال جلال
 شتر شتر رفعتی که به سینه
 جلال نام که می قد سینه و مرغ فال
 رموز هستی استیصال طعنه جلال
 دهانی حقیق و دندانی سالی در لای
 دکلر انجی جهان وزین اوله سینه
 بشان باقی مه بند شکر اعلی هلال
 بنیر وجودی قریش اندلی ملک بزرگ
 شاه قلم و عرفان و بیخاکه

چنانکه سید احمد بخیر
 چنانکه سید احمد بخیر

در دستگیر استیصال آینه
 در مشام خان جلاله دانی استیصال
 جلاله دانی به شیشه در هلاله
 کند دام او اوله پای نجای جلال
 فالور دی باغ خجوا بند تا اند اطمان
 شتر سفر اوله قرص جور جلال جلال
 شتر شتر رفعتی که به سینه
 جلال نام که می قد سینه و مرغ فال
 رموز هستی استیصال طعنه جلال
 دهانی حقیق و دندانی سالی در لای
 دکلر انجی جهان وزین اوله سینه
 بشان باقی مه بند شکر اعلی هلال
 بنیر وجودی قریش اندلی ملک بزرگ
 شاه قلم و عرفان و بیخاکه

در دستگیر استیصال آینه
 در مشام خان جلاله دانی استیصال
 جلاله دانی به شیشه در هلاله
 کند دام او اوله پای نجای جلال
 فالور دی باغ خجوا بند تا اند اطمان
 شتر سفر اوله قرص جور جلال جلال
 شتر شتر رفعتی که به سینه
 جلال نام که می قد سینه و مرغ فال
 رموز هستی استیصال طعنه جلال
 دهانی حقیق و دندانی سالی در لای
 دکلر انجی جهان وزین اوله سینه
 بشان باقی مه بند شکر اعلی هلال
 بنیر وجودی قریش اندلی ملک بزرگ
 شاه قلم و عرفان و بیخاکه

بهنی طلائع هی هر حاله ابتداء یعنی بقیوم
 چمن میدان اعتدال است و در جوی جوی
 اگر او را راه است و عقرب و عقربان صابون
 چرخه و پیشانی چنانچه در انجیل است جوی
 پریندر سوسون است و نه این راه را در درون
 خرم سوسون و جوی و درون جوی جوی
 حضرت قافله سالاره های راهیون
 بانگت کنون و مکان و سنب گن فیکون
 بوالی مثل و نظیر نه بنوعی و به فریون
 انبیا ذاتی است در سبک صفت مصفون
 طبعی کنجینه حکمت سوزنی در معجون
 بنده جا که می خسرو مع مسجون
 تبریز جع مهی موت کورت که در و در

عقل و جوان شمع خرم تا می سخنم
 صیاه مویان معاصیه دل است رهوار
 لکه خرم نام علمین چنین
 دیند چون خرم دیند ز مدین دوزخه
 نوری لاله کوهی آرماعی اقلدی
 سبک تاب نیک میناه میده مددالم ام
 که میدان اوسنم مشحله اطمین انده
 هادی ای انس و ملک راهبر چنین و بری
 در ریاضی صدف پرور حکمت الهیون
 مرتب مطلق دیوان تیوت که خدا
 این اسرار حقیقت را با قدرت
 دو جهان پادشاهی می برین بختی هوی
 بدینا با ن با خدای سراسر

تا زین د و جهات یعنی جنب الرحمن
 احد مرسال او کتب جنای بخون

* ازلی مهر تیوت الله عنوان و شون
 که در حال رهواران اندر گل جنون
 * اوشهک لواحی که خودی بولاس
 * اوشهک انس و ملک ارضی و سعاده بولاسه
 * اولی اولی اولی طوبی پاک
 * والصفی غرضی که سوی اطریق واللیل
 * واه طهوری خلاق ای عالی موسی
 * حسرت میراثه کوهی حقیقی عیسی
 * حرم کشتی اخلانیه چنانچه قصور
 * در راه علم و کلدن که اتمین
 * انجم و پیشی و فیصله ناخجانه بزرگند
 * خودی با صله ستد ان که اوانبندی انصیب
 * مصر اندیشه دهنه شایسته است و اولور
 * او نور الیه صفی صوم هخته
 * در نور و عقربان و صاوا و اسرارک
 * بنوعی سبجه الهیه ای کوهی عمیق ابان و اسون
 * باره سون سون و در پیوند و اطلاق
 * دل تن در شوره هوا که در تن
 * سرساری کوهی جهات اقبال کنون
 * جزیره تنه جان و جان دوانیون
 * حشر و کوه و عدوان اول خلودی کون
 * تاسی زان رود که بر باغ و تنهون
 * دست زین باغ چینه حیرت سوسون
 * اشقی که بی جنبه حیرت سوسون
 * سبجه حکمتی دهنه سی اشقیون
 * روینده عیسیه کوهی و تنهون
 * عجات مکتوبه برده که قاریون
 * عاشق با رویه نوری نوریون
 * قاف قوستن قافله ساری تاسوره بون
 * طوبی رفته اولی اولی سبک سعاده
 * که در باغ رهواران اندر گل جنون
 * ازلی مهر تیوت الله عنوان و شون

* قرب حق میراثه شاه ستوده صفیا
 * ای این صفت و صفای صفا جنون

در خیر و بدی و خیر و بدی

اولی که در این کتاب است

و در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند...

در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند... در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند... در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند...

در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند... در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند... در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند...

و در حدیث آمده است که هر کس در حق او با بدی کند...

اندر وی خوری دل شیدا به نگرار انبلی
بوی تو باغ سردن زین دست انبلی
ساز ای افغانی لیز ادب از انبلی
صیغه درده و مایه بر کار انبلی
خاکمی صراف ساز سخته از انبلی
منصل خاله خور و خور از انبلی
ده دام حرمه صیغه از انبلی
خسیمی فصل گل دریا از انبلی
کار بان عقی که سخته از انبلی
لا اله الا الله از انبلی
گردش دوران بی خور از انبلی
خام امدم به دمه سرش از انبلی
کنم برات سخته خط خدی طومار انبلی
شربت وی الله تدبیر انبلی
عین انبلی در کوب شسته شسته از انبلی
چشم مهر و ماهی خدی خور از انبلی
امتان خراج خان زان بی از انبلی
دست بدنا بدین به هم الهه از انبلی
هر تنگ چشمه سدا ده جور از انبلی
بنال خانی فکر خیر جان از انبلی
باغ دم دینی بزین از انبلی
صیغ رویتد سر زین شب از انبلی
انجی دشنام اعدا خاله از انبلی

کوتاه که گوید در دردم
کس تا از روزن دینم کمال تیره
مجلس آگاهه بیخ از انبلی
اشک آلم خدول انبلی ختم کشته می
خسیمی بر سر و پیش آله بی خیم چون
خاطر خور و نمی بر خطه مسرور انبلی
کس که خیم حسرت بر وانه بر سر و خیمه
خسیمی فواره بر آله خیم درون درون
عجل تنده متاع صبره و زودی قضا
عین اساه کوکری بر خون اندن صبره خور آله
طالع و خیم ستاره کوشیم اولدی تمام
بیم مقصودم بران وقت اولدی کرمیت بدت
آه اندن کسان بیا تو انبلی دهد ک آه
شخص هیت خسته دوشده کشته روزگار
آب روین و کدی خیم صیغه خورشیدی بوی شسته
سرخ رنگ شقی صیغه فاک اهل دله
از اندر تنگ وضعه برودا همواره
انبلی هم صد طالع معوره قائم خراب
وضع ناسا تا عین الله کرم اهل دل
انبلی دستار حسن صیغه عینده بی
روشنه خیم کرم خیران آس از انبلی
شاهد خلو سیرای بخیم کرم دون دون
خاطر از انبلی افکار انبلی

خیمه روضه که تا حشر قطار صلوات
فاوله فافله ای شاهسوار مدنی

بوی تو کیم سردن بوی تو کیم
ای میای عینک کیم دو عالم عینی
ای شه کون و مکن کیم اندیشه سی سی
ای نگران سر جوان ملاحت ذوقی
چشم تیره و دل سخته کیم حیات خرابی
سبی تک خاله ای بوی تو جدا سوسنی
باغی کیم خوار کیم قبول آله بی
غیب اول وقت صف اولدم صبر و زوقی

کس روان ام ابتدا کیم کدره و وجود
بید خایه بوله بنده خردار اولدم
اول کیم دوسرا خلو با حضرت حق
سیر اندر بوله دید از کیم سیر اولدم
خنده بویوسف و صلال اوصم کیم کدر من
دو خاله اوله صدود سینه و رنده حق
حرم کیم مشتا بی باغی نام
عند انبلی خیم اولدم روضه قیام انبلی

به شوق سوزان شاه اول نه سوزان شاه
به نوشیدن مغان نه نوشیدن دل خاک

قلب در دور دور نه وای ایشی بخوب قلبه در دور دور نه وای ایشی بخوب	قلب در دور دور نه وای ایشی بخوب قلبه در دور دور نه وای ایشی بخوب
---	---

صفا عیشه در سال پرش اول
صفا عیشه در سال پرش اول

اوله عینک خانبشاری شاه و کوه اوله عینک خانبشاری شاه و کوه	اوله عینک خانبشاری شاه و کوه اوله عینک خانبشاری شاه و کوه
--	--

امین تا حشر آتسرون تاب شرمه مقیم
خار تا برین اول سپهنامه او کیم آری ایلدی

رجح صحبته کیم دل شیدا غی غل ایلدی رجح صحبته کیم دل شیدا غی غل ایلدی	رجح صحبته کیم دل شیدا غی غل ایلدی رجح صحبته کیم دل شیدا غی غل ایلدی
--	--

خسر و امت شاهان رفیق در کهر
ای که حق ذاتک هجرت کیم ایلدی

کشتن پشمینه اوله اکل از ایلدی کشتن پشمینه اوله اکل از ایلدی	کشتن پشمینه اوله اکل از ایلدی کشتن پشمینه اوله اکل از ایلدی
--	--

شکوه گوئی سندان آسمانی بهر ماه

زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن	زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن
--	--

خجسته گوئی سندان آسمانی بهر ماه

رضای عشقه بنویس و بی خجسته سینه ای که در آن سینه ای که در آن	رضای عشقه بنویس و بی خجسته سینه ای که در آن سینه ای که در آن
--	--

خجسته گوئی سندان آسمانی بهر ماه

زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن	زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن
--	--

خجسته گوئی سندان آسمانی بهر ماه

زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن	زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن
--	--

خجسته گوئی سندان آسمانی بهر ماه

زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن	زبان عاشق او را و بی خجسته زبان عاشق صوفی سر بر سر چرخه سینه ای که در آن سینه ای که در آن
--	--

طهور در آن که سیرت سیرت است
خبر آن که در آن که سیرت است

طاهر در آن که سیرت است
خبر آن که در آن که سیرت است

جدا کردن عالم سیرت از آن که سیرت است
جدا کردن عالم سیرت از آن که سیرت است

جایزای نوری سیرت است
جایزای نوری سیرت است

جایزای نوری سیرت است
جایزای نوری سیرت است

دو عالم سیرت است
دو عالم سیرت است

صفای صدقه و اسون اسون
صفای صدقه و اسون اسون

صفای صدقه و اسون اسون
صفای صدقه و اسون اسون

دو عالم سیرت است
دو عالم سیرت است

صفای نوری سیرت است
صفای نوری سیرت است

صفای نوری سیرت است
صفای نوری سیرت است

دو عالم سیرت است
دو عالم سیرت است

صفای نوری سیرت است
صفای نوری سیرت است

صفای نوری سیرت است
صفای نوری سیرت است

دو عالم سیرت است
دو عالم سیرت است

حرام است بوله چشم دل بر آن بوم

فان بولچه او فوده و خون ابله صرف تواند بماند چشم فوده اکلین حرف فان بولچه او فوده و خون ابله صرف تواند بماند چشم فوده اکلین حرف	هنگامی که چشم او فوده آن وقت که برف فوقه بر قطره می بخورد آنرا از طرف چشمی که فوده است بخورد که تواند بماند چشم فوده اکلین حرف
--	---

حاج احمد و اولاد صاحب الملاح
محمد علی و حسن و احمد

عزیز گویند که در خون سپیدترین فرج عزیز گویند که در خون سپیدترین فرج عزیز گویند که در خون سپیدترین فرج	بساط خاکنه باه ستر ستر روان در او در دل آفتاب چشمه داغ اولو رسه و چشمه داغ و راه آغ دو چشمه هوش رانی که مال آغ عزیز گویند که در خون سپیدترین فرج
---	--

چنانچه حضرت جنت الله
چنانچه حضرت جنت الله

چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه	دو درون آینه آینه آینه آینه او درون آینه آینه آینه آینه دو درون آینه آینه آینه آینه
--	---

طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض
طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض

طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض	طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض طواف کوی ایبتدخذه تا سواکنی عریض
--	--

چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه
چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه

چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه	چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه چشمه
--	--

* بحقی بحقی اسما و بزم خاص بقین	* بحقی قریب وصال و بیکه معراج
* انجمن زاری قویدهم جرمه عکین	* بسوزن سینه شوریدگان گویند عشق
* انجمن زاری قویدهم جرمه عکین	* بسوزن سینه شوریدگان گویند عشق
* انجمن زاری قویدهم جرمه عکین	* بسوزن سینه شوریدگان گویند عشق

* بواقیشته باعش اولن و خود کرد *

* سنب بو خفته ذات حکم نمود کرد *

* حق انانی سنجینده جمله دن اقدم	* بوله بولکس آخردن ایشک اشرف
* دم بسیند بهک الله کرمی همدم	* شمع امت شاهان پشت درگاه
* حبیب حضرت رحمان شمع کل امم	* پناه عالم و انسان جمله دوجهان
* مده ستر مر اب اقیاب بزخ	* عذاری بخیم سها سهری سهل بین
* معین بو خیش خیر عالم و آدم	* ملک حشم ملک حاکم حدوت وقت

* طراز مسند اعلا ی تیری و نظمی *

* کلاه قافله سالار شاهراه هدی *

* شمع باغ بیدار ناداری سهریل	* سها فر و فرخ و رخسار باه ساری سها
* سواد کسوی مشکین سوره و انیل	* تیان و صفی کمال حتی و اشمس
* ساطع اظنه سر جمله کائنات طین	* بساط خود نه اراخ ایشک همسان
* کال عظمی هر دو عالمی اکی کیل	* دم حصاد اندر کیت زار جو دند
* اندر جور خیزی دین هیزت خیل	* اوای عزیمت امت شاهان حضرت ذیل

* بولنده اولسون و شاهان تارخان عزیز *

* قبول اولورسه کدادن بویخته ناخیر *

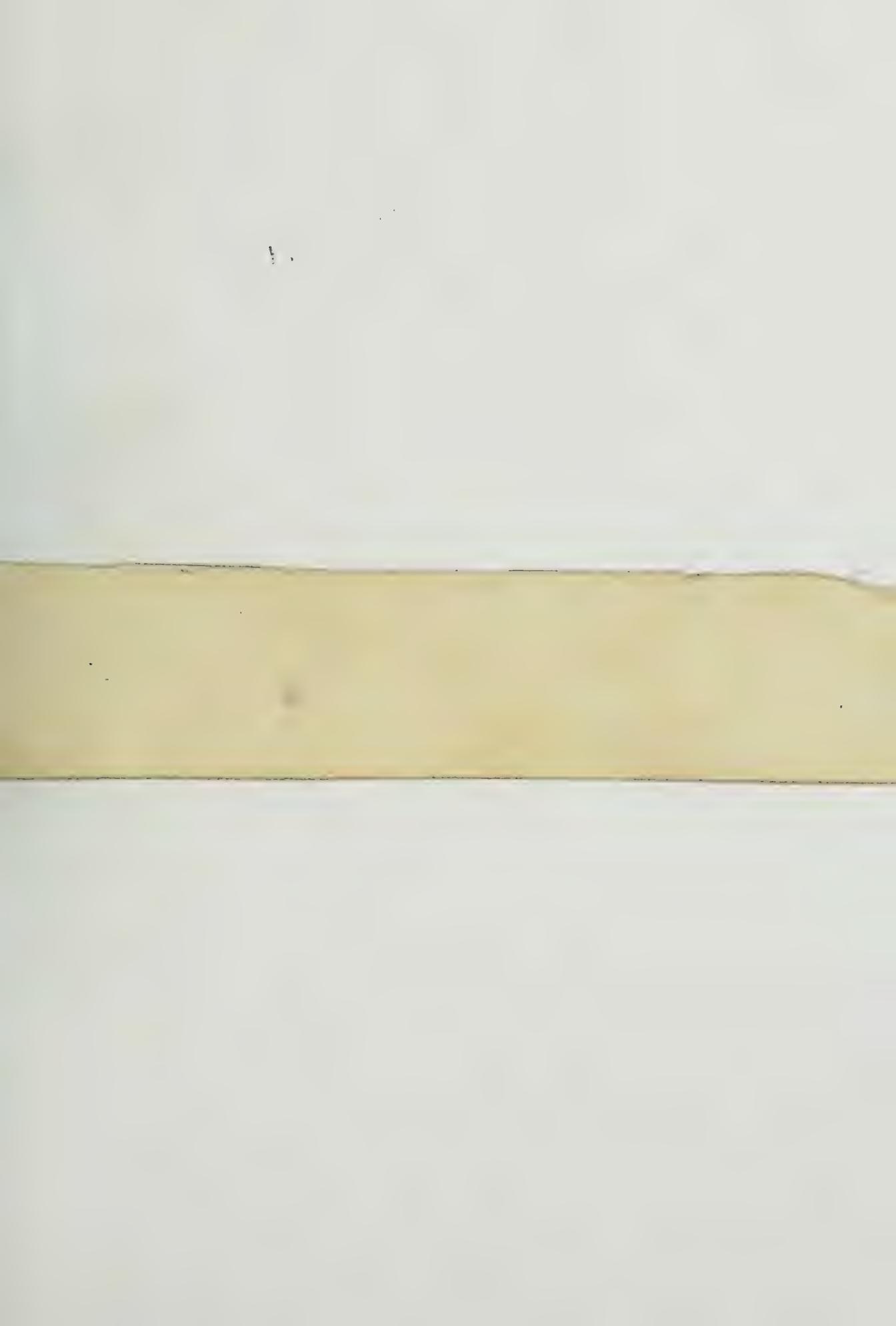
* بی صفتی مانا م ایتیم برک	* ایزمه وصف خیلند اول شاهان تارک
* کرسنه چشم خندم اولسون برک	* ساطع عشقک اولسون اوله کوی کوی
* به سبب دین اوله مصیبت برک	* بولوب احباب الله وستان شیرینی بخت
* حقایق جز خسته خصلت اوله برک	* کدای سنله خین رضای اولر نیشه
* کال خود بی عقل و قیاس ایزد برک	* کرم حدیقه لظنه برک حد برک

* کزین عالم و آدم خلاصه موجود *

* معین انیس و ملک یعنی بود *

* کلاه ناره ارای حضرت خلاق	* طرب عالم وادگره خاله ایش
* مستوحش و خدیج روم خدیجه شادق	* شکار کلاه خیده شه عینک
* همیشه بسته فزاید اولد خلاق	* کینه کینه کینه کینه رفعت بر
* او خوسر و دوسر اول شیرین رفعت بر	* قیاب قهر خلاص سترلی اطلاق
* فی اوقصره بر آویزه شمس ستر سلطان	

* هزار خاله اول شاهان شامه انوم *



Handwritten Arabic calligraphy on a strip of parchment, featuring a long horizontal line and stylized script. The text is oriented vertically on the page.

* اوله عشاق بی بوجا جسم
 * بوله بوی کون تا کی اوله علم
 * بائیل جوشی صغیر آتشی دم
 * دمدن می مریبان فیض و حکم
 * ای بساط ساقی عنقه بوی
 * صلا و تامله ایله وضو راقم

* سراسر غایت آیت
 * سراسر سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده

* در بیان وصف چهار بار

* تمام رویدگی اولدی مستی
 * شراکت در اولدی اولدی

* سرمد سینه عشقکده نشوونده
 * هونور او در اضطرار نایب
 * چنده ذوق و برزق عینت
 * به الواف و ساقی سحر احادی
 * ساقی اولور سه عتبات هادی

* در کمال حیا
 * کوی کس و صغیر سینه
 * سینه سینه سینه سینه
 * سینه سینه سینه سینه
 * سینه سینه سینه سینه

* اوله جوارح در سحر زبانه
 * اوله جوارح در سحر زبانه

* بوی کون تا کی اوله علم
 * بائیل جوشی صغیر آتشی دم
 * دمدن می مریبان فیض و حکم
 * ای بساط ساقی عنقه بوی
 * صلا و تامله ایله وضو راقم

* سراسر غایت آیت
 * سراسر سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده

* اوله جوارح در سحر زبانه
 * اوله جوارح در سحر زبانه

* بوی کون تا کی اوله علم
 * بائیل جوشی صغیر آتشی دم
 * دمدن می مریبان فیض و حکم
 * ای بساط ساقی عنقه بوی
 * صلا و تامله ایله وضو راقم

* سراسر غایت آیت
 * سراسر سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده

* اوله جوارح در سحر زبانه
 * اوله جوارح در سحر زبانه

* بوی کون تا کی اوله علم
 * بائیل جوشی صغیر آتشی دم
 * دمدن می مریبان فیض و حکم
 * ای بساط ساقی عنقه بوی
 * صلا و تامله ایله وضو راقم

* سراسر غایت آیت
 * سراسر سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده

* سرور دین خود باو ساک سیر *
* شمه نصره لوطه اشکر *
* سلف سلف دل دین پیغمبر *
* زینت او را تک داد یعنی عمر *

* دره الهه خراج اهلب *
* شمشیر وای قوی اسلام *
* صاحب خضه حضرت فاروق *
* بری سلطان معدن کسرت *

* خاتم محمد *
* خاتم محمد *
* خاتم محمد *

* خای بر خا جو قطعه بر کار *
* خینه خیمی خیمه لایه لایه *
* سر سده دینه اول اوله لایه لایه *
* مهر و ماه و یاقوت و سمار *
* خراج کردن کردن دین و دین *
* خیمه خیمه و خیمه خیمه *
* صبح تابان و خیمه خیمه *
* کسب خیمه خیمه خیمه *
* باغ صدقه و خیمه خیمه *
* سدره قدره خیمه خیمه *
* مطلع نور مشرق و خیمه خیمه *
* گان عرفان و معدن سمار *
* علم افراز اشکر و خیمه خیمه *
* آینه آینه انبیا فی العارف *
* خواجه سینه خیمه خیمه *

* کسب خیمه خیمه خیمه *
* وصف کسب خیمه خیمه *
* خایه در دره سلاسی *
* ریزه سینه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *

* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *

* خراج خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *

* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *
* خیمه خیمه خیمه خیمه *

* شاه دلدار سوار فرخ فال *
* بار محبوب ایزد معال *

* شایر یزدان علی ولی الله *
* برسی خسته خصال *

* عسری بی *
* عسری محمد *
* بی بی *
* بی بی *
* بی بی *
* بی بی *

* کنایه کنایه کنایه کنایه *
* روح اولی اولی اولی *
* عبد انبیا خانی ابدی قریانی *
* در دیده می روی و کون و مکان *
* دهی عینی کوی عالم خان *
* نطق بلبل رخ گل خندان *
* باغ عالی خان عالی خان *
* گلستان آید سر و جهان *
* واه حسن و خلق پیرو جوان *
* بخیران جود و معدن احسان *
* همدام شاه مهر و جهان *
* چنین آری آری آری آری *
* مهر کردن رحمت رحمت *
* کمان علم و همت مرغان *
* جمع حلم و ضامع قرآن *

* دعوات اولی و صفا روحی *
* شایر طوطی شاه آستان *
* او ایلی و اصل مقام شهود *
* در سینه اولی شاه ایلی *
* سخن دلگشا و روح فریاد *
* کلین روغن کوه آستان *
* کل رخسار آید روی استخوان *
* قلمی بختی بختی بختی *
* شمس رخسار آید ایلی *
* عالم طافت جهان کرم *
* محرم آری آری آری آری *
* افغان حقیقه یوحنا *
* تا آن آستان آستان *
* صاحب حسن خلق و اولی *
* برسی بی بی بی بی *

* اسرار احمد *
* اسرار احمد *
* اسرار احمد *

* شاه سندان رحمت اندری *
* بوستان عدالت مرغان *
* اندام خنجر نور خرم *
* اولسون گنجه اول سوله مظهر *
* نینزه چشمی هفت ستر *
* گو که فوج سروش برده بشیر *
* هفت ناله عقیق فر *
* بی بی بی بی بی بی *
* تا خرد راه کوه افسر *
* بی بی بی بی بی بی *
* عاقبت سوزان ظل و شرف *

* ظل عدلده خلق راحت آنگه *
* قامت سرفراز آری آری *
* آری آری آری آری *
* ما ذلله *
* ده چشم طلسم *
* آفرین جوان روزگاری *
* بی بی بی بی بی بی *
* قدر بزرگه قدر بزرگه *
* قدر بزرگه در کوه *
* بی بی بی بی بی بی *
* بی بی بی بی بی بی *

فردا من سید الفانی
نور چشمی و زهر اوین

* اینک تو بخاکش خاوند
 * اینک سلطان مستند تو چند
 * عالم خان بوی حسنی شهنشاه
 * نام زهرا به نوبه چشم عید
 * عرق جوان تیغ زور بزند
 * عین عین عین عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین

* اینک سرور و بان باغ سعید
 * اینک شهزاده عظیم الشان
 * خان عالم بوی امام حسین
 * دل خاکی خاکی خاکی
 * ای لب تشنه درون بر تاب
 * طوطی خاکی خاکی خاکی
 * عین عین عین عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین
 * برینک شام صبحی قدره قدر
 * برینسی بخت عین عین

مهرم بزم خاص
خارمین آرو ساق و کور

* صاحب ذوالفقار و شاه و جلال
 * شهر از قلعه و اقبال
 * پادشاه سرور و دود و بوال
 * بحر علم لیل و بحر عالم
 * مست افروز کشور و جلال
 * درج اقبوت اقبوت اقبوت
 * و اردات و قلعه و اقبال
 * کرم الله وجهه و جلال
 * کور و کور و کور و کور
 * واریه و اقبوت و اقبوت
 * راز و کج و کج و کج
 * و بلا و کج و کج و کج
 * نوبه و کج و کج و کج

* لقا شایان و هل ای عنوان
 * عرش مستند شاد و کج
 * شاه و کج و کج و کج
 * عالم معرفت جهان و کج
 * رات افراز و کج و کج
 * رهنده و کج و کج
 * سینه و کج و کج و کج
 * و کج و کج و کج و کج
 * کج و کج و کج و کج

اهل دال او قو تان بجني
 ديدلر بوز سيب ديو ان نظم

اهل دال او قو تان بجني	ظلم ليه ميره
ديدلر بوز سيب ديو ان نظم	شیرین گل ليله طبع سلیم
ایک ساله اوزاقی زبان حاشه وش	تبع غیر له دل حاشه دل
حاشه شایسته حشمت اولون	اوله ماره اوله
اوله ایزد اوله	ایزده ایله
هر قصیده بخانه برن وضو در	از سر اسیر
ایک او له	سخت گفتم
ایله حسن قیولک مظهری	سخت گفتم
حیا و صاف حیا الله ده	ایستاد او سلطان کریم
ایله یزیدی قصاید قصور	هر قصیده بر دی زردی
ایلم مقدم یل و تار	وصف بینه برده
حد لا حقی	طبع مستقیم
	سلطان رساله من صمیم
	عظم عظم

دوران درویش را جیح را

و آله الا حیار

ایک الله حرم و د

اطفا او یوب و بر او در و صوفی

<p>* کاشانه موراچه سالن نو رسالت *</p> <p>گونی گونی گاهی</p>	<p>* خلوته سراهه وین شمع آرا *</p> <p>انوار شاره</p>
<p>* وی شه نگی سراسر حضرت *</p> <p>گونی گونی گاهی</p>	<p>* ای عزم اسرا نیا نغمه قدرت *</p> <p>خوب الهی</p>
<p>* شانی اله پراسر نغمه نغمه اطعمی *</p> <p>مر صبح و مسا</p>	<p>* ذاتی اله اراسته ملك تیرب *</p> <p>هر شام و سحر</p>
<p>* ای شاه کاشانه قربت اعلی *</p> <p>خوب جدا</p>	<p>* ای عزم خلوته زامونی *</p> <p>بختون و جزا</p>

*** ستراد ***

نظم خانه خرابه بودیم کتم
اوله خوار خسته مسکرم کتم

عنايت الله احد ماله خدایم یارب
بودامه اولسون اولای ره یارب یارب
فغانه نفس وهما اولای اولای یارب
قومه اوچر کله آلوده دایم یارب
چنستان حقیقت شمع یارب
اولوب مقام رضا خای ما یارب
نستم ربه بر باد خدایم یارب
نال اینت اوخه و اوخه یارب یارب
شکوفه زار شهود الله کاشانه یارب
فروع عشق قیل شمع یارب
قربون کمال حال الله یارب یارب
هر شک سوراوار فله فله یارب

فساد نغمه یارب در در یارب
اسر سلسله معصیت کتم یارب
قیواقل علم کلم عجم یارب
خطای معترف رود شوی و شوی یارب
بوشوره زار بخار بند قاسون دل اولوب
دله سراق نسیم خلوته اولسون
دم حصاد قبول اله عشق یارب
در ون سینه مه دواسون عینت عشق
اولوب و جوده هر داغ عشق بر دیده
کتاب دردنگه شام عکمه شافل بندیم
خمال معنیه چشم خانی بیاق قیل
بی اوخام عینت مسته و حیران اینت

*** (مناجات) ***

*** اللهم اجنی الی حقن ***
*** اللهم اجنی الی حقن ***

*** مرزبان دل و جان نظیم ***
*** مرزبان دل و جان نظیم ***

مورثا قطره ولی قطره طوقان زادن
 عالم معرقه مهر جهان آرادان
 در کبریا جمع خصله مادن
 در صورت نظر موه که موه در
 قهری کردی عالم عدل تا آید در
 که سینه جانه کھی قیس کھی لزلان
 که چشمند کھی ساجی کھی صناد
 که ستان و کھی مورث صغیر آسار
 دانه سینه جر من استیتا در

دانه سینه جر من استیتا در
 که ستان و کھی مورث صغیر آسار
 که چشمند کھی ساجی کھی صناد
 که سینه جانه کھی قیس کھی لزلان
 قهری کردی عالم عدل تا آید در
 در صورت نظر موه که موه در
 در کبریا جمع خصله مادن
 عالم معرقه مهر جهان آرادان
 مورثا قطره ولی قطره طوقان زادن

عقود اوله کاهی
 * اول شاه که اول درین اولورسه عنایت *

بخاره نظرک
 * عصیانله اولانله قدر مندر مندر و عاصی *

* درک اولده منزه سنی عقل و کرامت *	* درک اولده منزه سنی عقل و کرامت *
* هر صبح و شب آیتیه کخی اول اول حیات *	* هر صبح و شب آیتیه کخی اول اول حیات *
* نظری اویشک کخی لشکری لشکری امتی *	* نظری اویشک کخی لشکری لشکری امتی *
* بخندت در سواد جلوه کھی عفو و شفاعت *	* بخندت در سواد جلوه کھی عفو و شفاعت *
* پراسنده اقبال الله ملک و مملکت *	* پراسنده اقبال الله ملک و مملکت *
* شانی الله جزا کن احکام شریعت *	* شانی الله جزا کن احکام شریعت *
* کعبون خدایم اندون بزوبی ایشاریت *	* کعبون خدایم اندون بزوبی ایشاریت *
* اعلی الله ان الله دری دار اسلام *	* اعلی الله ان الله دری دار اسلام *
* قرب حرم موه طره وحی وحدت *	* قرب حرم موه طره وحی وحدت *

عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان آینه دل تهنات در
ایده سوسای شوقی سبب ادر
کل اولوب نال عیناله با این اجزا در
۱۲۷ نازیدن دلاک واریسته دو ایام در
دایع عینه درون سوخته سودا در
کری نه صفا و نور و جود در ادر

عظمت اولوب خیزی قهرت در
خلو کرانه تیره عکس رخ خا تا در
سخت عالم دل صبح دل دایم در
آتش عشق جرد سوخته ووشن بر وانه
بوی خنج عیناله خانی این ایام
بظرافت شکرت ای دلایده ۱۲۸ صفت
اولوب دل او ایام خنج در ۱۲۹

دلکله آینه طوطی خاکر خادر
خبره محتاج دکل کند و آله کو تا در

عزت عشق حقیقه گهی امان در
۱۳۰ نشسته بنویس و روح و یقین در
کلاه حریف طوطی آله نامه شکر خوان در
هم کلام هم بزمه بود بدست جاد در
دین و دوسود هم کلام از در هادر
روح معنا و بیان طبعی آله احنا در
ظلمتی طوطی اسکنند رویش ناد در
مگر بنده بی طوطی شاه خادر
عالم دلاکله نظر کور سودی دنیا در
مردود در برود نه در بکار در
نهان آینه با تیره نهان در
جواحه قافله دشتی معنا در
عشق قله که ملامت زده و رسوا در
نست اولوب آینه ناله آله نام ۱۳۱ در
کوردوی واقعه کور کور موی رو ادر
سای سینه عشق و برسی سقا در
در ۱۳۲ خونی عشق خونی ۱۳۲ در
ایده مادام سوادای دلاک تهنات در
لوح یوسف حقیقه اولوب ظفر در
صورت جواهر شوقی و جوقی بیتا در
رهبری هدیه یوقی اولوب عینا در
دینه مشاک دهی کوی ولی بو تا در
دل سودا زده خرد خرد سندی خادر
زاده طوطی شمع طوطی آینه پیمان در

ناله مهر خنده مهر خیر عالم
۱۳۳ آینه نیکو بند قلمدر مشرب
که سواد روی شوقی مکتوب ایسا ط
هم مستح سینه ناطقه روح ونا
بوی دین و بی موسیقی خوشی فان
دم انبساط عشق کئی خان پرور اولوب
ظواهری تیره ولی ناطقی جویش بند بر
نقطه در دایره حوصله سینه دوجهان
بتکرار سحر سحر بو رنگه طوطی آینه در
از بیستان حقیقه عشق اغری
دیده مورقدیر سی تان اولوب آنگی
خبره عرق ناله سالار تان تان
دل دیوانه فلاح و بندگی ابرام ایلر
بواله صبر آینه کلا ایسته شه معتبر
جوان عشق کج و دلاک حقیق بوی ناله پیمان اولوب
تر دیده دل و دیده تر
دمنده سواد سواد سواد سواد سواد
بوالوب آینه روح آینه خسی خون
نقطه در صحنه منبشه و بخارا دیده ولی
۱۳۴ صفت اولوب خا تا در
وصف دلاکله کوه کوی پودلی و صفت

مستک مدنی مستندی او ادنی در
محل ما از آج زله بکستاری مستی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در

مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در

مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در

رازم کرده بود بولد خود خود ناد
اوانب خطوده کرده و که حقد
حکمی قصه سندان دکل اجرا در
خام لبز می عشق جرد فرسار در
اوقاب اجرای در وین اثر اسما در
مستک مدنی مستندی او ادنی در

مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در
مستک مدنی مستندی او ادنی در

جگر ری درک منتهی جفا در
آخرین طایف جلائی که در
هر مدار مدعی است دل را در
سختی رسد که دل را در
شماره بیگانه گویی که
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا
شماره بیگانه گویی که
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا
شماره بیگانه گویی که
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا

عزم خلم و ستم و ستم و ستم
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا
شماره بیگانه گویی که
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا
شماره بیگانه گویی که
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا
شماره بیگانه گویی که
مندی با حق و صفت ایشان
دل و خاندان شود یعنی جفا

* ای جفاست که درین جوار در *

* شاه است ستم جلائی با هر که *

* ساق حقیقی که بزرگه در قنداق در *
* ناله خورشید مگر ستم به دانه در *
* مظهر جبری است که اولی در اعلام در *
* کرب و کمال در جلائی که جان در *
* ستم و ستم و ستم در اعلام در *
* آفت خان موسی و دل رسا در *
* رایت او را حقیقی در صفا در *
* دشمنی اله و الهه صفت بیگانه در *
* دمدم خاطر احسانه که خورشید در *
* هادم طایق و رواق کرم در *
* خورشید از آن که در ستم در *
* جانی که در ستم و ستم در *
* هم نشسته و ستم و ستم در *
* قطره مهره می هست که در *
* شاه است ستم جفا که در *
* در تاج جهان ستم اسباب در *
* طایق در دی و خان در در *
* ستم و ستم و ستم در *

* کبری ذوق بندی بجای دل مستان در *
* رفعت خاطر صفت بیگانه در *
* طایق احسانه بر سر نه و ستم و ستم *
* تاریخ امری است که ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *
* ستم و ستم و ستم و ستم *

مجلس اول در بیان مباحث و مسائل و در بیان مباحث
مجلس اول در بیان مباحث و مسائل و در بیان مباحث

مجلس اول در بیان مباحث و مسائل و در بیان مباحث
مجلس اول در بیان مباحث و مسائل و در بیان مباحث

شاه فیاض علی احمد اجماعی و اولاد او

مشکل هر دو جهان عالی است و اول
مشکل هر دو جهان عالی است و اول
مشکل هر دو جهان عالی است و اول

مشکل هر دو جهان عالی است و اول
مشکل هر دو جهان عالی است و اول
مشکل هر دو جهان عالی است و اول

تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام
تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام
تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام
تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام
تاریخ و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

شاهت ستم جلد نهمین بخش اول
ای ستمی حرم قدره در پیش محفل

دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است فیه
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

بوتنسی بیته هر و جقه معتدله مقدم	بوق طاق و ناطقه سنگه اذله مقیم
هر بخنده اینده بینه دیندله می علم	بوق سنی حقیقینه صورت و معنی

اسمک بولم محمود اسمی ای احمد بخارا
اسمک ای عیالک اسمی ای کئی دانم

باز منی بد قدر الله سنگه روح کلم	صورت کلم جلیق زول جلم انبیه ک
اشیات بر ظهر شکر سنگه کلم	سیر تا بقدم اولو و کلمه کلم
لولاک لهر ک سنگه صوص و سلم	خبریل امین تا شیشه برود بر ایاک
دخسته دایورای انک عیسی می	حیران خیلائی رخ ک موسی عیسی
یوسف شرفی فنی جلال ک	یعقوبه فبا رفرا ک کلم
عی عی عی ک جلال ک	قریان عیده مکر جلال ک
ای عی عی ک جلال ک	مهرسان کلم طبع ک روح بر کلم
عینا کلم جلال ک	خاندم در ایوان کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	بیل کلم کلم کلم کلم کلم
در کلم کلم کلم کلم کلم	مستورق در کلم کلم کلم
ای اطلسی کلم کلم کلم	جنا طایف کلم کلم کلم
ارواح کلم کلم کلم کلم	ملا کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم

امتنان و جند سلیم درود استخوان
دشمن خالصی شاه اولی

فریش راحت اوله اعدا سنگه جاک بریل	خرجه سالی حرم ره جهمه سی اوله اعدا
بسیل کلم کلم کلم کلم کلم	تا کلم کلم کلم کلم کلم کلم
وصه کلم کلم کلم کلم کلم	سور کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	پزای کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	زنده کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم
کلم کلم کلم کلم کلم کلم	کلم کلم کلم کلم کلم کلم

* آنگاه خدایه خاروب مزوم کرد سوادن *
* در راه اوله هوار اوله هوار اوله هوار *
* خوار خوار خوار خوار خوار خوار *

* آنگاه خدایه خاروب مزوم کرد سوادن *
* در راه اوله هوار اوله هوار اوله هوار *
* خوار خوار خوار خوار خوار خوار *

* قسسی سها شاسها شاسها شاسها *
* قسسی سها شاسها شاسها شاسها *

* چون خکن جصله اوله بوله بوله بوله *
* اعراب عدله برسی قیحه برسی برسی *
* دو نکرده و جود و لسه و لسه و لسه *
* جصله اوله و لسه و لسه و لسه و لسه *
* سطوید و اوله و لسه و لسه و لسه و لسه *
* شیران اکر او رسه اوله و لسه و لسه *
* قسام اوله و لسه و لسه و لسه و لسه *
* ای شام قدام بوله بوله بوله بوله *
* شمشیر طفره قیحه اوله بوله بوله *
* جرم سرف سرف سرف سرف سرف سرف *
* بوی جوی جوی جوی جوی جوی جوی *
* خوار خوار خوار خوار خوار خوار *
* به تیش تیش تیش تیش تیش تیش *
* هر حاله هر حاله هر حاله هر حاله *
* حاشا حاشا حاشا حاشا حاشا حاشا *
* کسود خلال عینک خلال عینک خلال *
* ای مجلس اسراده اوله بوله بوله *
* بزبانچه بوزبانچه بوزبانچه *
* بزبانچه بوزبانچه بوزبانچه *
* تکر تکر تکر تکر تکر تکر تکر *
* ای خله عصا اده اده اده اده اده *
* لم بزمه بزمه بزمه بزمه بزمه بزمه *
* اقبال سناک ذات خنکده و ما دم *
* به که سنی افسانه طیفه و بوله بوله *
* ای خله خله خله خله خله خله خله *

* چون خکن جصله اوله بوله بوله بوله *
* اعراب عدله برسی قیحه برسی برسی *
* دو نکرده و جود و لسه و لسه و لسه *
* جصله اوله و لسه و لسه و لسه و لسه *
* سطوید و اوله و لسه و لسه و لسه و لسه *
* شیران اکر او رسه اوله و لسه و لسه *
* قسام اوله و لسه و لسه و لسه و لسه *
* ای شام قدام بوله بوله بوله بوله *
* شمشیر طفره قیحه اوله بوله بوله *
* جرم سرف سرف سرف سرف سرف سرف *
* بوی جوی جوی جوی جوی جوی جوی *
* خوار خوار خوار خوار خوار خوار *
* به تیش تیش تیش تیش تیش تیش *
* هر حاله هر حاله هر حاله هر حاله *
* حاشا حاشا حاشا حاشا حاشا حاشا *
* کسود خلال عینک خلال عینک خلال *
* ای مجلس اسراده اوله بوله بوله *
* بزبانچه بوزبانچه بوزبانچه *
* بزبانچه بوزبانچه بوزبانچه *
* تکر تکر تکر تکر تکر تکر تکر *
* ای خله عصا اده اده اده اده اده *
* لم بزمه بزمه بزمه بزمه بزمه بزمه *
* اقبال سناک ذات خنکده و ما دم *
* به که سنی افسانه طیفه و بوله بوله *
* ای خله خله خله خله خله خله خله *

ازین حضرت حق رحمتها را بین
احد مسال سه روز و سیزده مرتبه بخواند

* کوه افشان تا آن اول تو بنو یثامه شام
 * بواله اسد کجاست نغمه ناری ۵۰
 * مویه مویه ای قالی ایستون دوتا
 * وصف خاک چرخه قطب رسالت جانتا
 * داغ نایب کنگردن صحرای سحر و جادو
 * سوزنی سوزان حورنای ریشه نوری
 * آشنایی آتشی آتشی و جبهه دست
 * کوشیده دایره دایره و کدنه نوره
 * بوظایف و در راهی برده نوری آشنایا
 * یاد کرد در حضرت و نسی اول عیتره آشنایا
 * جادو جان ددم می هر دو یاد شاد
 * چرخه چرخه جبهه جبهه طایف طایف
 * اولی و مشایخ و عیتره را آتشی جادو
 * گم آنی بر روی عیتره آتشی جادو
 * سرور و اولی و عیتره و نسی جادو
 * یاد شاد آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی

* مستند افروز و زهدی جیم رسل ظل خدا
 * جلت ارات بنیوت تا خدا را صفا
 * وحی و کبری مکر اول چرخه آتشی آتشی
 * بوی خانی بخت و دل او بوی آتشی آتشی
 * اندک دست خدایه دو تا دست که زواری دینه
 * در شاه شاد رسل آتشی اولی آتشی آتشی
 * اولی و عیتره آتشی آتشی آتشی آتشی
 * آتشی بوی و نسی آتشی بوی آتشی آتشی
 * خیره سایه آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی
 * طوق خنجر آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی
 * دست جانتا دست آتشی آتشی آتشی آتشی
 * اولی و عیتره آتشی آتشی آتشی آتشی
 * در خانی و در آتشی آتشی آتشی آتشی
 * آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی
 * خوش در آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی
 * بخوبی معاند آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی

* درود آورده و سوره
* بخواند

* روزان و شبان صوفیه ای که بر سر
 * تا کن اولی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی
 * بند بر بوق و سوزن آتشی آتشی آتشی آتشی
 * بوق و سوزن آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی
 * آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی آتشی

<p>روا در او واسه اگر رشک صائب و شایور طهریه را و کجبه به لب کجور سحر عالم معتبره کون کجی مشهور بنج او نسل صد ساله با نایب شهور سوزنده هر قدر وقت آید آید و صبور بنج او با طهره در آن سال روز روز بو تو قصیده م اولورسه چنانکه مینور و بر عهده عاطفه بند که اگر دستور قاله او با وادی بیژان تابه بجهه صور حصار صوفی قد آید آید آید آید آید</p>	<p>بویاب و تاب که وار با طهر استبداد کلمه طهر یا طهر اولی او را که خنده بنج او بطور طهر است صورت و صوفی بنج او با طهره در آن سال روز روز بنج او با طهره در آن سال روز روز بنج او با طهره در آن سال روز روز بنج او با طهره در آن سال روز روز بنج او با طهره در آن سال روز روز بنج او با طهره در آن سال روز روز</p>
---	---

در بود به نوازه از سر او را زان
 از عالمی ایستاد به دور

<p>در کجی ایستاده در روز روز روز صد فده ناره اوله در مشهور اندر دی لاله فریخی فریخی فریخی و خود آن آینه صد خاک خنده صوفی خجانه آینه آینه آینه آینه آینه در عین عین عین عین عین عین همای نایب عین عین عین عین عین درنده حضرت ادب کجی کجی کجی کجی کوه اهل کمال آینه آینه آینه آینه</p>	<p>شب اولوردم تیری جهان حفظند سیم و قهری کنایه آینه سوی در آید سیم جلیقی آینه آینه آینه آینه کجی می کجی آینه آینه آینه آینه</p>
--	--

خجانه کار فایده آینه آینه آینه
 که آینه خدمت در کجی در کجی

<p>فروج دینه در روزان صبا چشم دور روا در او واسه اگر رشک صائب و شایور درنده صائب اولوب اولوب اولوب که اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب فلک اوزره ملکره صد فده کجی کجی کلاه حضرت عین عین عین عین عین</p>	<p>ده خجانه آینه آینه آینه آینه آینه کجی می کجی آینه آینه آینه آینه</p>
---	--

عین الصالحه ساقی در کجی در کجی
 بنویس و ناله در کجی در کجی

عین الصالحه ساقی در کجی در کجی

<p> اتم صفادور در لای زای در کادر بزینت کفایت عینا می در کادر هر گویشی برای تاج در کادر کتم در صحنه اشیا در کادر می دل به صیانت عیلا می در کادر آینه آینه هاله هاله در کادر دشتا می ای اتم آینه کوه در کادر اسباب طرب چله همنای در کادر هر بزنجیر بر در کادر می در کادر طعم کهر بظلمه در می در کادر کلک کوه زین چهره در کادر می در کادر اغرابی در کادر می در کادر رشک رویش صائب و رنگای در کادر </p>	<p> اتم بینه پرشوق وطن زای در کادر صفا در صفاد اینه دل بزینت کفایت عینا می در کادر هر گویشی برای تاج در کادر کتم در صحنه اشیا در کادر می دل به صیانت عیلا می در کادر آینه آینه هاله هاله در کادر دشتا می ای اتم آینه کوه در کادر اسباب طرب چله همنای در کادر هر بزنجیر بر در کادر می در کادر طعم کهر بظلمه در می در کادر کلک کوه زین چهره در کادر می در کادر اغرابی در کادر می در کادر رشک رویش صائب و رنگای در کادر </p>
--	--

اوله دایم سر بساطت کون کون مشهور
 و باه در مکه دور نون یله بر فوق قران ایلر

<p> سینه کتیه موده جمل یور یور فینق رفیق انیسون و باه طابطنان مهران یتیمه اندران اندراب خلق همیشه سینده کعبه کردونه اندراب اهناب مدح تا بکی وقت دعا در دورده ای جامه بظلمه اسابن اول تا کبره بعبه مکه کفتم اولوب سر صحت صحنه زری حق بظلمه کفتم عکلم و وصف ذکاء کویا بیا اندیشتم بنم اول جوانه مر فاکه اکه کتبه برانم الله جامه کتم خواص در می معنی بندر اطراف کوهر بپسندم برنایتمه مد حمله جهور و خور کوردونه اول بقران سیم کتم سناک و صومله کجیه کجیه کجیه کجیه کجیه سناک ستر کج قدیر کج زین کج الله الیه بر دم سناک اول عقال کج سناک بران کج سناک </p>	<p> دعای دویین صفا صفا صفا صفا صفا بهاری تا کج کج کج کج کج کج کج عزال جاوی هر شیشه بر زین شکار ایلر قصیده ایله اندراب کج کج کج کج کلام شمس اندراب کج کج کج کج قدیم بوشان بر معرفت معارف کج بوی کج کج کج کج کج کج کج ره و صوفی کج کج کج کج کج کج کهر ریز و سوله رشک در شاه او ایلر کج حواری کج کج کج کج کج کج فسوف کج کج کج کج کج کج کج تیان کج کج کج کج کج کج کج شکوه کج کج کج کج کج کج کج و جود کج کج کج کج کج کج کج </p>
---	---

خدایند خدیو ذره خدیو تا اندر ایلر
 ستر کج کج کج کج کج کج کج
 خدایم ایتمه دوریز در کج کج کج کج

مہا پریم شامی سا مہا پریم کر دیا تہا
 یقینہ معارف اہل حق بو باطنی مستان
 سوزان ہونہ سوزان ہونہ مستان
 جہان ناز ہر ہای شوقی ہر مستان
 و عابد ہر ہای شوقی ہر مستان
 صراحتی ہر ہای شوقی ہر مستان
 مگر تو روز و روز ہر ہای شوقی ہر مستان
 گویا کہ ہر ہای شوقی ہر مستان
 سراسر شوقی ہر ہای شوقی ہر مستان
 شکستہ زوق آسا شوقی ہر مستان
 کو ریندہ زادہ کرم شوقی ہر مستان

دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان
 دل سوزیدہ شوقی ہر مستان

ویرسون شوقی ہر مستان
 عدالت مگر انیس دہائی

ہر رتہ ستارہ نازکہ اعلیٰ درجہ
 ہر کسی دہے دہے دہے دہے
 ہر کسی دہے دہے دہے دہے

ہر رتہ ستارہ نازکہ اعلیٰ درجہ
 ہر کسی دہے دہے دہے دہے
 ہر کسی دہے دہے دہے دہے

ای اولیٰ درجہ ہر مستان
 دارا شوقی ہر مستان

سوزان ہونہ سوزان ہونہ مستان
 جہان ناز ہر ہای شوقی ہر مستان
 و عابد ہر ہای شوقی ہر مستان
 صراحتی ہر ہای شوقی ہر مستان
 مگر تو روز و روز ہر ہای شوقی ہر مستان
 گویا کہ ہر ہای شوقی ہر مستان
 سراسر شوقی ہر ہای شوقی ہر مستان
 شکستہ زوق آسا شوقی ہر مستان
 کو ریندہ زادہ کرم شوقی ہر مستان

را تا در خواست
 بر آنکه در آن
 در آنجا که
 در آنجا که

در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که

خداوند اسرار اول حال است که در این عالم است
 که در آنجا که

در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که

در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که

چنانکه در این عالم است که در آنجا که

در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که

در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که
 در آنجا که

هنگام صبح وقت صبح در
مکرم طرب موسم کلی وقت صبح در
ما بوی کوه طاقا کوهی است که در
کوه کوهان کوهی است که در
سپهر کوه کوهان کوهی است که در
ایند کوهی کوهی است که در
کنه کوهی کوهی است که در
صدی کوهی کوهی است که در
مات کوهی کوهی است که در
کلی کوهی کوهی است که در
پران کوهی کوهی است که در

عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در
عند اول صبح در وقت صبح در

آینه کوه در کوهی کوهی است که در
سپهر کوه کوهان کوهی است که در

سر فر و کرده جان که در وقت صبح در
دم سراسر و بان و بان کوهی است که در
اوله کوهی کوهی است که در
رج داند کوهی کوهی است که در
انته کوهی کوهی است که در

سین اولی کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در

اصف کوه در کوهی کوهی است که در
ای اوای کوهی کوهی است که در

سالهای معانی در آن روز که در وقت صبح در
ریزه سینه کوهی کوهی است که در
شاهان کوهی کوهی است که در
نخل کوهی کوهی است که در
وعد کوهی کوهی است که در
اوله کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در

کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در
کوهی کوهی است که در

* ادا فاقونك من تيمم عي وعلا در *

* ميروده بوزان قلم ضيفا در *

* ابوا مع اليا لاله بونور و بونا در *

* شمشيره جون چك جمع عداد *

* اعصاب كرم بنگه بنگه بنگه بنگه *

* جودى كهر مبه در بى عطارد *

* افكارى همان هرفه كرم سحرى *

* جاك حرى حلى غزالان جفا در *

* شمشيرى الهى شكاره جفا در *

* نير و نيرى قدرى قدرى جفا در *

* جور بشيدار نيك نيك نيك نيك *

* كنججه سادات و خيرات جفا در *

* اول صدف جنان جهان كره در *

* اول صدف كره صفا در *

* اول كره معارفه وجودى *

* اول شيرين بيشه بيشه بيشه *

* اول صدف جنان جهان كره در *

* اول صدف كره صفا در *

* اول كره معارفه وجودى *

* اول شيرين بيشه بيشه بيشه *

* اول صدف جنان جهان كره در *

* اول صدف كره صفا در *

* اول كره معارفه وجودى *

* اول شيرين بيشه بيشه بيشه *

* اول صدف جنان جهان كره در *

* اول صدف كره صفا در *

* اول كره معارفه وجودى *

* اول شيرين بيشه بيشه بيشه *

* حراى در بقره كه مورو در *

* حراى در بقره كه مورو در *

* داداده سنده جور و جفا در *

* بوعاله بونور بونور بونور *

* اول اول اول اول اول اول اول *

* جوفه جوفه جوفه جوفه جوفه *

* او جوفه جوفه جوفه جوفه *

* زخم دل خورده و حسي اول قيسى ادر *

* زخم دل خورده و حسي اول قيسى ادر *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

* كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم *

گوستا اولدی خیر از دران عطار
گوستا اولدی خیر از دران عطار

سوسه کندی که پندیده است
سوسه کندی که پندیده است

* اول و اولدی صدر سارده سراز *
* هر رینه سناک زنگه سناک و روان *
* اول و اولدی صدر سارده سراز *
* هر رینه سناک زنگه سناک و روان *

* بزینت عسده شعری *
* تصدیق قویعده کرم و کرم *
* طبعه کرم طبعه کرم *
* تا ربانی حقه کرم *
* هر صبح و صبح *
* روزان و شبان *
* کرم کرم کرم *

* تا کرم کرم کرم *
* بندر کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم *

* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *

* هر صبح و صبح *
* روزان و شبان *
* کرم کرم کرم *

* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *
* کرم کرم کرم کرم کرم کرم *

اولی آن روز به روزه رفته باز
هر کس هوشه از بسور زمره گو یا اغاز
گور و بن آینه اطراف او را

اولی آن روز به روزه رفته باز
هر کس هوشه از بسور زمره گو یا اغاز
گور و بن آینه اطراف او را

آستانان که از صف انجم است
ای اولی زجا ده شقیقه آله من است

بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز
بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز
بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز

بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز
بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز
بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز

حضرت عذرا بی بی
بم آید و ب خاطر در راه آینه ابر اغاز

طرح رفتاریه افکاره دل و جان آزار
طرح رفتاریه افکاره دل و جان آزار
طرح رفتاریه افکاره دل و جان آزار

طرح رفتاریه افکاره دل و جان آزار
طرح رفتاریه افکاره دل و جان آزار
طرح رفتاریه افکاره دل و جان آزار

دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت

دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت

خداوندی حافظی و آفریننده
خداوندی حافظی و آفریننده

دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت

دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت

طریق سوره و بر آن
طریق سوره و بر آن

دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت

دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت
دردش در آن خوش گذشت

ستاره خورشید و آفتاب
ستاره خورشید و آفتاب

اطلاق علی کل شهرستان جوشی کرد
مهر بر تو رفتی بر اهل آن جوشی کرد
چشمی رفتمت چینیستان جوشی کرد
پیش از آن همه شهرستان جوشی کرد
بنام معصومه روح روان جوشی کرد
میرزا علی سدر مکران جوشی کرد
دیده صد و سی و نه ای و فیه جوشی کرد
دیده صد و سی و نه ای و فیه جوشی کرد
برگزیده دینه ای و سواد جوشی کرد
افزون جوشی کرد

ای فای می بینم اولی که در کرد
استان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد
در شهرت که با آن اولی که در کرد
آسمان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد
در شهرت که با آن اولی که در کرد
آسمان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد
در شهرت که با آن اولی که در کرد
آسمان کونکوهی اولی که در کرد

اصف در فای رتبه مصاحبه اش
اصف در فای رتبه مصاحبه اش

اهل دل اهل همی اندر دان جوشی کرد
میدر وی زمین قطب جهان جوشی کرد
تو ای روح دل عالم جوشی کرد
ایضا رتبه اندی اندی جوشی کرد
دیر جوشیده سراسر جوشی کرد
بشیر بر زخمی جوشی کرد
عالم افراتصف عتیوه جوشی کرد
ای شه اشکر افراتصف جوشی کرد
ای هلا که در جهان جوشی کرد
تارده و ندی نیم ای موی جوشی کرد
خسکی باره نوبت جوشی کرد
خسکی باره نوبت جوشی کرد
ای رخسار کل باغ جوشی کرد
خسکی عتیوه ای جوشی کرد
ای بی خایه بو گنج جوشی کرد
خسکی جوشی کرد
تارده وصلت اهل جوشی کرد
تارده وصلت اهل جوشی کرد

استان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد
در شهرت که با آن اولی که در کرد
آسمان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد
در شهرت که با آن اولی که در کرد
آسمان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد
در شهرت که با آن اولی که در کرد
آسمان کونکوهی اولی که در کرد
دوستی که با آن اولی که در کرد

<p>دست بدست است که بیاید اخلاق از بعضی که اجناس و طبقات است با خود بچهره روز جز روز آخر و فریب کردی در حدی و مدتی در حدی و مدتی با نگرانی که در حدی و مدتی شایسته جلیق جلیق است و در حدی نباشد آنکه در حدی و مدتی چرخ معاصی است که در حدی و مدتی هر سرور و در حدی و مدتی گوشت و در حدی و مدتی</p>	<p>دور بند و در حدی و مدتی روحال اشرف در حدی و مدتی برکت است اولی که در حدی و مدتی دل در حدی و مدتی بنیاد است که در حدی و مدتی حکمتی که در حدی و مدتی روز و در حدی و مدتی بحکم حق و در حدی و مدتی اولی و در حدی و مدتی اولی و در حدی و مدتی</p>
--	--

صاحبان مشرق و مغرب

<p>دوران و در حدی و مدتی دور بند و در حدی و مدتی قاضی و در حدی و مدتی خدمت و در حدی و مدتی جان و در حدی و مدتی میان و در حدی و مدتی</p>	<p>اسکندر و در حدی و مدتی سلطان و در حدی و مدتی یوسف و در حدی و مدتی رسد و در حدی و مدتی شاه و در حدی و مدتی ای و در حدی و مدتی</p>
--	--

عنوان حق رهبر اولسون برهه عزیمت است
 عوند کله دینه لیر و جوان خویش کلک

<p>مهر و در حدی و مدتی دهر و در حدی و مدتی او و در حدی و مدتی وزیر و در حدی و مدتی تکریم و در حدی و مدتی عرف و در حدی و مدتی کون و در حدی و مدتی</p>	<p>اوله و در حدی و مدتی ناس و در حدی و مدتی کدی و در حدی و مدتی تو و در حدی و مدتی عقل و در حدی و مدتی بن و در حدی و مدتی سن و در حدی و مدتی</p>
--	--

امضا خلق در سعادت صفا

<p>س و در حدی و مدتی دشت و در حدی و مدتی کوه و در حدی و مدتی</p>	<p>تین و در حدی و مدتی هیت و در حدی و مدتی رج و در حدی و مدتی</p>
--	---

* چشم خفته از دل عدل
 * خنک می چشم خفته از دل عدل
 * آیدای دهری رشاک بانجام
 * شاهنامه سنبلین پر خیم
 * چشمه پرداز کاشی عالم
 * دم خان عیسی عیسی
 * کوی گل بر صدای جوی و بزم
 * طاقی هر عیقه اهل بزم
 * شاه چاه چاه
 * وادی وادی
 * دیرت افزای اهوان حرم
 * چشمه زینه سنگدرا

* چشمه زینه سنگدرا
 * چشمه شمشاد که از کوه
 * ویتا بو دیده سنبل
 * کوشوران وادی نو عمر که
 * تنگ شست پنج کله
 * سر و دین سر
 * ازهاره وادی باد صبا
 * وادی اولم
 * اولم در
 * باد غار غار سا
 * خورشید مقدم

نامت یقینک و شام و بام زین نام تو
 دست یقینک و شام و بام زین نام تو

اوج کجاست خاسته سینه
 آسوسین و تاب دست خندان
 چون گریه که او از کسم
 دورم که درم هنور
 اولش ادم هر حاله
 بواسون بینه بوالقاف
 حق او بر تیره بینه
 وصفه که بوالدی
 بینه جاده تیره خاق
 تیره و زنده کنی
 طریقی مستقیم

در دل دیوانه سن
 عذرم قبول آید
 درم دورم دورم
 هنور هنور
 در حاله رو حاله
 بینه بینه
 در حاله رو حاله
 در حاله رو حاله
 در حاله رو حاله

جان عدالت پروت سلطان
 جان عدالت پروت سلطان

جوری شیرین و لولو
 رقص آله اوله
 احنای می بوشی
 قربان و قاصد
 پیکان قهر آله
 صحنی بزمی

در حاله رو حاله
 در حاله رو حاله

بر سنگ سینه و برون سنگ در دم
بسیار میجوید و پخته با آب گوارا
خوردند و بوی آن را دوست دارند
و با آن در آن وقت که سینه دردم
باشد خوب است که با آن پخته شود
و خوردند و بوی آن را دوست دارند
و با آن در آن وقت که سینه دردم
باشد خوب است که با آن پخته شود
و خوردند و بوی آن را دوست دارند

بسیار میجوید و پخته با آب گوارا
خوردند و بوی آن را دوست دارند
و با آن در آن وقت که سینه دردم
باشد خوب است که با آن پخته شود
و خوردند و بوی آن را دوست دارند
و با آن در آن وقت که سینه دردم
باشد خوب است که با آن پخته شود
و خوردند و بوی آن را دوست دارند

فصل در خواص جوی و بوی آن

* مری که در وقت سعال اوله *

* سینه که در وقت سعال اوله *

* سینه که در وقت سعال اوله *

* همیشه با بوی خود طعمه ام *

* همیشه با بوی خود طعمه ام *

* همیشه با بوی خود طعمه ام *

۲۰۴	۲۰۵
مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم	مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم

مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم

۲۰۶	۲۰۷
مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم	مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم

مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم

۲۰۸	۲۰۹
مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم	مهر و خورشید و جمعه و آینه و طلا و نقره و مس و برنج و گندم و برنج و گندم و برنج و گندم

شتر شتر آید هر چه خرد جهان کل

شتر سواران با کلاه و صفی

شتر چرم ظفر ظفر مضمون باشی
شتر ویردی اشتر اعدایه شتر شایون

شتر عالم می شود و طبع هر چه بود
شتر که بیرون برون از این
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه

شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه
شتر که در دهن است با شتر در راه

*** شتر و شتر قصیده ***

اوله تیغ و قلم خرمی خرمی خرمی
اهل تیغ اهل قلم در که در جنگل و جنگ

محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
محدث تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل

جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل
جوه تیغ و قلم اهل دله اوله اوله اهل

ساز صحنه گل سالی مستطاله
 سراسر خلق جهان قدیم و نو
 رشک اندر نگارنای عظمه
 حصه اب فضل اولو مهر جهان
 بر کورن معنود در کف سراسر
 آفرین جوانم ساله صاب کف
 عاشق دیوانه و بی زنجیر
 زلف جوانان طراز و جوی

آشته خام شمره سالی صحنه
 انالی شام کرم ورد اندر شام
 نقشه حیران مشاطه اندیشه
 طبع صام نو بدن آینه در کم
 ذوق ادراک آینه یخ برف
 شاعر سخن مردم گوهر سه
 شاهان کرامت حسن حال سیر
 غنچه ایلر فکر بانک جنال

بنام شتر دل حجره کرده بودیم
 شتراله حجره مقصود کی و نه اولی

ز باغ شتر و گله را باغ دره
 شتر سوار بیان سخن ساکن
 کشاده در شتر عظمه حجره
 شتراله حجره سیر استی
 و پر شرف شتر و شتره
 شتراله حجره وصف و صفا
 وجود اشتر اعدا و کله

شتراله حجره و کله اولی
 شتر سوار بیان سخن ساکن
 شتراله حجره سیر استی
 کشاده در شتر عظمه حجره
 شتراله حجره سیر استی
 و پر شرف شتر و شتره
 شتراله حجره وصف و صفا
 وجود اشتر اعدا و کله

بکرمشال شتر حجره دره ما من
 کرمشال شتر و حجره عطا بخشا

شکره اشتره تنگ حجره جرح کهن
 فاستیک شتر حجره سینه
 جندگی اشتره حجره جسم دین
 علاله اشتر شتر حجره سینه
 شتر سوار اولو حجره سینه
 ایده شتر حجره سینه
 بختل اشتر حجره سینه
 دارقین اشتر حجره سینه
 امیدی اشتر حجره سینه
 غزاله اشتر حجره سینه
 او هر اشتر سینه سینه

شکره اشتره تنگ حجره جرح کهن
 فاستیک شتر حجره سینه
 جندگی اشتره حجره جسم دین
 علاله اشتر شتر حجره سینه
 شتر سوار اولو حجره سینه
 ایده شتر حجره سینه
 بختل اشتر حجره سینه
 دارقین اشتر حجره سینه
 امیدی اشتر حجره سینه
 غزاله اشتر حجره سینه
 او هر اشتر سینه سینه

موشه کا سینه صافا صافا کفرا
ای یوانگده جاکه مشهک و عینر سار الله

جنینتین برن اوله یو لاله جلاله
صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه
انلق اندیشده سن عرسه فی رور الله
عصره صخره کله یوسله حله بنه الله
دو صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه
عاشق آینه دای طو صخره کله الله
رنگدن صد صد صد صد صد صد صد صد
رنگدن رنگدن رنگدن رنگدن رنگدن رنگدن
عجوا و اوروی هفت طه خه حضرت الله
میزان قهر زمیندن اسفیل و ادان الله
مسکنن خن بریتدن برن اوله جلاله
رفعت ایوان قدن خن جدن و ان الله
خجند در هر مه مهر خرن ان الله
سنت اشعرا رنتر و وادی ان الله
ملکم خن طلاله فون و علی سن الله

کم یو
جنینتین برن اوله یو لاله جلاله
صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه
انلق اندیشده سن عرسه فی رور الله
عصره صخره کله یوسله حله بنه الله
دو صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه صدسه
عاشق آینه دای طو صخره کله الله
رنگدن صد صد صد صد صد صد صد صد
رنگدن رنگدن رنگدن رنگدن رنگدن رنگدن
عجوا و اوروی هفت طه خه حضرت الله
میزان قهر زمیندن اسفیل و ادان الله
مسکنن خن بریتدن برن اوله جلاله
رفعت ایوان قدن خن جدن و ان الله
خجند در هر مه مهر خرن ان الله
سنت اشعرا رنتر و وادی ان الله
ملکم خن طلاله فون و علی سن الله

مد حین انیش اوله ایدر ان الله
مصطفی باشا و ن کردار کسرتیم مدام

برینده برینده برینده برینده
دایه دار خور خور خور خور خور خور
فیتنا ب خور خور خور خور خور خور
اولده اجسنت خور خور خور خور خور
ادهم عقال قلا طوبان اوله هشت الله
بازل کله طو صخره کله جلاله
خای عقیقون کور ریندر ناله ان الله
قافله برینده صد خور خور خور خور
زاهد صد ساله و شی برینده برینده
باب رنگدن دل خور خور خور خور
جوانده سوره ان الله خور خور خور
یوانه زیند کور خور خور خور خور

برینده برینده برینده برینده
دایه دار خور خور خور خور خور خور
فیتنا ب خور خور خور خور خور خور
اولده اجسنت خور خور خور خور خور
ادهم عقال قلا طوبان اوله هشت الله
بازل کله طو صخره کله جلاله
خای عقیقون کور ریندر ناله ان الله
قافله برینده صد خور خور خور خور
زاهد صد ساله و شی برینده برینده
باب رنگدن دل خور خور خور خور
جوانده سوره ان الله خور خور خور
یوانه زیند کور خور خور خور خور

خاک آلودی در آنجا که از آنجا که
مهر و ماه بودی او را که در آنجا که
هر چه که از آنجا که در آنجا که
از آنجا که در آنجا که در آنجا که
افغانی است او را که در آنجا که
دینم چند خال العقب خال و لشکری
عزیم **عزیم** است او را که در آنجا که
تبعات است او را که در آنجا که

کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که
کشته است او را که در آنجا که

خان جوان محمد خان جوان
دوستان دوست دیند فرمایند
کتم درنده دوست دیند فرمایند

امریکه فرمایند و اولی حق بودی
دهره حکم آیدنی پتان قدرک است او را که
سایان اولسه روا کردی او را که
چند ساله صالقه اعدایه مرصع شیشی
تیم تیه که است او را که در آنجا که
همسریه ختم او را که در آنجا که
تیم او را که در آنجا که در آنجا که
عزیم او را که در آنجا که در آنجا که
کوره حداده دودمی مرصع زرنگ بری
رام او را که در آنجا که در آنجا که
بوتله او را که در آنجا که در آنجا که
قهرمان او را که در آنجا که در آنجا که
زین صدر دولت دین او را که در آنجا که
زبور او را که در آنجا که در آنجا که
شاه دار سلطنت او را که در آنجا که
بجز استان کرم که در آنجا که

ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که
ایرستان او را که در آنجا که

فصانه اوله روان خون اوجاسانی
قطار رفعتك خدی شترانی
به منبر سزا مثل جورانی
خواهر کرم و همتك و کانی
در صد غم عین عظم عانی
فروغ مهر سحر ك سهرودانی
در صد عادتك کفتار دانی
چند قه الله کردن مفتح مانی
قولندی دولت نامه عوانی

بزدی هرین خارنه صد اقبال
چشمی شمس و قردن اندر سه انگی
اوله سه هر گز نه قد بند
عساکر همتك و همتك شانی
کمال حد فیه حاکم عرانی
شکو فو راز عطارک راضی
فردت دهر او آصف که خاندان
چند شکوه و وزیر کزینده
ظفر شاه او داد و کرد
ظفر شاه او داد و کرد

چهارم کونکه دهرک خدیو نیشانی
چنان باشد جز و زبیر خدیو

خواجه بزم طبع سحر اصف زانی
و خودی کجی خرم خودی ازیستانی
بنا خلق جهان تکهانی
قلرم و همتك و کانی
قدوم آصف هم شکوه افغانی
دری هیچ شای راج جوانی
اندری اربوی سهر سنلستانی
که سزایند او بود سهر و جوی
بقاب سیرمه قویه کورسه جور عانی
دو سیردی بجهت هفتک ازیستانی
پراقدی حرمه چشم جوانی
کسار اندر دل صد بلبل اعلانی
بستم غنچه بته عجمه و در جستانی
قاندی بختی بهشتی مانی
اولوردی مانی و زبیر دانی
چشمی آینه که نشسته رفته خانی
فشار خط ریح در زبانه ازیستانی
سزایند آینه سگه کورسه و نیشانی
در وقت سینه عاقبتی شال نورانی
که پوری بجهت زبیر مهر ریحانی
رواد اوله اول عاقبت کزینی
دادم آیدم در حفظ او کجی ازیستانی

سهر عساکر اسمان سحر
بزمین عساکر فنی عالم
سیرده آصف دیشان مردان
چنان کزین فایه کزین
چیزی اولی و اولی ایدم در
بفعل اولی او کزین اخی
کوزان او بزمین بزمین
بندار است حوت هر کمال کون
او کونکوه لایه کزین
اگر سینه دلبران آیدم
اودکلی کزین کزین حالت کزین
علی الخصوص او قدر عجمه
کزین تاب و طاعت او کزین
توبه دوشیرسه بزمین
کوزیندی دنده سینه بزمین
طرائف زلفی دوشیردی حین حین
خط زلفی طعنه دار اوله
شکوهی کزین خانی
فنیای سینه الله بزمین
سهر اولی کزین کزین
درون سینه سخی در خانی
اندان و خدیو کزین

سواد کرمی خجسته برشته
 سنگ عوطه جوهره جنت شادانی
 که او اوردی و کلاه خورج بر خانی
 اسباب انوارانی شادانی
 صوره سه راهی شادانی

خوار خراستی حیرانی
 خرد بود دل کسوان خندان
 خال قیام بی حلال خندان
 گوگل خندان شاه کوی کورانی
 خوار خراستی حیرانی

در بیان شیوه احوال کتبانی
 گوگل آرزوی دهنده

زبان جانان خجسته
 او تباران سرور صفها
 بنفشه ناز و بانو خجسته
 بنام کرمی دست مدام
 که لاله اندر خجسته
 خجسته ده کرمی و کرمی
 خجسته خجسته خجسته
 طراز نظار لاله خجسته
 اقتدای اوله خجسته
 خجسته طبع اورده خجسته
 سنگ کرمی دست خجسته
 زهی سرور خجسته

بنام او بنام جویب ترانه
 او تباران سرور صفها
 بنام کرمی دست مدام
 که لاله اندر خجسته
 خجسته ده کرمی و کرمی
 خجسته خجسته خجسته
 طراز نظار لاله خجسته
 اقتدای اوله خجسته
 خجسته طبع اورده خجسته
 سنگ کرمی دست خجسته
 زهی سرور خجسته

خرد شاد و زین کرمی
 آقا خجسته

زین شاد و زین کرمی
 اندر شاد و زین کرمی
 او تباران سرور صفها
 بنام کرمی دست مدام
 که لاله اندر خجسته
 خجسته ده کرمی و کرمی
 خجسته خجسته خجسته
 طراز نظار لاله خجسته
 اقتدای اوله خجسته
 خجسته طبع اورده خجسته
 سنگ کرمی دست خجسته
 زهی سرور خجسته

زین شاد و زین کرمی
 اندر شاد و زین کرمی
 او تباران سرور صفها
 بنام کرمی دست مدام
 که لاله اندر خجسته
 خجسته ده کرمی و کرمی
 خجسته خجسته خجسته
 طراز نظار لاله خجسته
 اقتدای اوله خجسته
 خجسته طبع اورده خجسته
 سنگ کرمی دست خجسته
 زهی سرور خجسته

خود ندردی کردی که بودی بهر شایسته
فرازان سعادت آینه جوی

درد و زور و زور و زور در دم
اوشاها زبند استیاده ۲ بقدر

بند شاه جهان به جی مصطفی شاه
که خیزه سنده عیان بک سنجانی

طرز انبزم کرم شمع لطف ربانی
وزیر قلعه شاه عالم بزمی
سازمان احسان عالم ربانی
سحاب همیشگی فوجی باج درمائی
اولو رسد در گهنگ کفین داد ربانی
که شمع اوانسه روانه طبع فرمائی
عبارت در بزم شاه بزمی زینشانی
که در بزم خرم شاه شرم عالم ربانی
تادم وحدت یاد کرد و روزه ربانی
مدام بی می وسایع مشاطه و ربانی
میتد جوان اوله خائنه عکس دورانی
سفال سردر آن سال در درجشانی
که آینه بزمی بزمی دلالتی اسما الله ربانی
صباح کجسردک خسته خسته مستانی
اندیدی سالی اولی که سال کردی ربانی
قتاده قدم سر و جویس جرم ربانی
هر بار حسرتی که خاک خاک ربانی
اولو روی بند سر کس ربانی
که در باج اولدم در رشک ما که ربانی
خداک و حسرتی بزمی بزمی ربانی
فروج مهریه و انسته ما تا ربانی
خه سانه سالی فکری اولدی بزمی ربانی

شمع کرم جعفر جعفر قدر
دلم روز و زور و زور
وزیر و در بزم آن صفین شان
بهنین بهار سعادت سینه زار
بھی جدی بوی استیاده شاه آینه
بھی جدی بوی تخت و عدالت بیسته
او بزمی بزمی که کور در کور بزم
او بزمه و اصل اولی زنده صدمه
او بزم خاصه بوی رخسار زاده سناک
او بزم خاصه بوی صفا و زور
دکل او بزمی که اولوب ازل ازل ربانی
به بزم بزمی که چون دلدری
تبارک الله ایضا ایضا ایضا
دخی بر بادین سافین آید مد جویس
بھی بخیال محنت فوجی عیش و کمان
بھی بخیال که اولدی صفا بزمی ربانی
بھی بخیال که حور بزمی سرت سرت
بھی بخیال که کور سرت سرت ربانی
به حسرتی که حور بزمی بزمی ربانی
به مهر فخری جدی همیشه آینه
به نور نور الهی که آینه
سحر که آینه بزمی بزمی ربانی

اوله صفا که روی بزمی بزمی
فروج مهریه و انسته ما تا ربانی

بظرف بزمی که ما و ما
قصیده بولدی ای شایسته ربانی
سفره و وضع اولده صمدت ربانی
بواله فرجه که کسایه لطف ربانی

سپاس بزمی که ما و ما
بظرف بزمی که ما و ما
بظرف بزمی که ما و ما
بظرف بزمی که ما و ما

فصلنامه خاندان جدی خاندان در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است بر خیره زنجاری مروارید کور اول شوره ده شیشه شکسته سلسله در زلفی کوی جوش سوزان آینه در زلفی خهانی تیر حقیق دلت دامن و کوی	فصلنامه خاندان جدی خاندان در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است بر خیره زنجاری مروارید کور اول شوره ده شیشه شکسته سلسله در زلفی کوی جوش سوزان آینه در زلفی خهانی تیر حقیق دلت دامن و کوی
---	---

خاندان اولی و برتاب
خاندان اولی و برتاب

عنا زینت زینت افکار و خندان سازگار طبع است از خندان دو ناله عین خندان از خندان خدیجه سینه زلفی خندان پو تو با آینه آینه از خندان	عنا زینت زینت افکار و خندان سازگار طبع است از خندان دو ناله عین خندان از خندان خدیجه سینه زلفی خندان پو تو با آینه آینه از خندان
--	--

خاندان اصناف
خاندان اصناف

فروع طالع اولی و شب و برتاب در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است بر خیره زنجاری مروارید کور اول شوره ده شیشه شکسته سلسله در زلفی کوی جوش سوزان آینه در زلفی خهانی تیر حقیق دلت دامن و کوی	فروع طالع اولی و شب و برتاب در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است بر خیره زنجاری مروارید کور اول شوره ده شیشه شکسته سلسله در زلفی کوی جوش سوزان آینه در زلفی خهانی تیر حقیق دلت دامن و کوی
---	---

الله مدد ستند او را و اطمن و عتاب
بهنکه تحقیق است که الله است

نار یکایک و بر کشته سهر و دلا ن باز بیکایک و دل ن الله م هر حاله شرمنده اوله سو ب عدله نار و بیکایک و دل ن الله م باز بیکایک و دل ن الله م	نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی
--	--

*** * * * * * * * * * * * * *

اوله گول کسی جسم عجمه اقبال دوتله
ایده خانه ملازمی است اسر اعدان

نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی	نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی
--	--

در اعنوش اغانی اوله اوله اوله اوله
کماله بوق بر کرم کندی حقیقی کندی

نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی	نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی
--	--

ایده بوق بر کرم کندی حقیقی کندی
کماله بوق بر کرم کندی حقیقی کندی

نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی	نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی نور باریکی دل کسی طول امدن بوق بر کرم کندی حقیقی کندی
--	--

وی بخیر طبع صاحب زین طبع بود مستقیم بود و معقول بود و در خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم	خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم
---	--

ای خدایا که در این عالم
ای خدایا که در این عالم

اوفا که گذار از آن است عصمت الهی که بودی و قدر خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم	خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم
---	--

ای خدایا که در این عالم
ای خدایا که در این عالم

خداوند که در این عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم	خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم
---	--

ای خدایا که در این عالم
ای خدایا که در این عالم

ای خدایا که در این عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم	خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم
---	--

ای خدایا که در این عالم
ای خدایا که در این عالم

ای خدایا که در این عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم	خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم خوبی و بدی و در هر دو عالم
---	--

رواندر دخی چشم حقیقت اوله ناز
بدری می خیم جوان کران پست ناز

بو مرصده نیر اولک قیاده خا ناز
در تیغ اولادی تیر خا ناز

اولوب هوا وهوس عکسار و ناسک
انزق دخی سکا یوقی عار و ناسک

هوا بی هیاله حالک تیر اوله ناز
سواد سو عدل سن اوله ناز
خطاه بجه سال اوله ناز
خال غزاله قده اوله ناز
ده حرمه هوس هوس اوله ناز
بند درده اوله ناز

اولوب د ب سله کسک اوله ناز
تاضی دقیر اعال صد مران افسوس
هوا ناله کله لایق سیر سنین و شهور
تخلیل ایلنه سن ان خرم و عصانه
عشقه دو شوب دعوی خا ناز
رج نایمی سور سوزی خا ناز

✱ بو سکه سده سولک نازی اولدی ✱
✱ یار کسک عین خا ناز اولدی ✱

تیر سسای دیر خا ناز
تیر سسط سوط هوا ده مه ناز
تیر یوردی فی رضای ناز
تیر اوله دل و جان ناز
تیر یوسمهی خا ناز
تیر اوله دای وادای ناز
تیر قیاده ناز

ای کله ای مقیله ناز
ای کله ای فضای ناز
ای کله ای فیه ناز
ای کله ای ناز
ای کله ای ناز
ای کله ای ناز
ای کله ای ناز

✱ نیک نعت کونه ✱ ✱ ✱ ✱

✱ نکر اوله اوله ناز ✱
✱ نکر اوله اوله ناز ✱

عجز دور سوا عشقه اله بی دلشاد
احسانک فالسم سنک انجیق مدد امداد
انله دن ویر انبی لطفک اله آله ناز
خان بللی اولسون نهم کله معناد
کسیرک خا ناز اولیق موله بر ناز

تیر اوله اوله ناز
ای کله ای ناز
ای کله ای ناز
ای کله ای ناز
ای کله ای ناز

✱ مست اله شرب قد مفرنگدن ✱
✱ بخانه فیضکده بی سکر ناز ✱

عقل دخی کم زره و صفا کله نکر کون
انله ای کله ای ناز

ای کله ای ناز
ای کله ای ناز

و خود را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود	و خود را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود
--	--

مقامی بود که در آن ایام بود و در وقت که در آن ایام بود

او را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود	او را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود
---	---

مقامی بود که در آن ایام بود و در وقت که در آن ایام بود

او را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود	او را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود
---	---

مقامی بود که در آن ایام بود و در وقت که در آن ایام بود

او را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود	او را در آن ایامی اندک بود و در وقت که در آن ایام بود
---	---

ستار ویش اولسون اولون بستان روزگار
هر بگفته خبر ما رساله دلدار
کس که حال جوی لایع اندر اعدا
اولسون حرات حسرت الهه می میری
خسبون سینه شهه زان آه پشیمار

فلسون بنه سینه زین شینون انلسون
اول سر و سدره فایده صد اشیا فله
اول با فله فرا فله زرد و بزار اولون
انلسون درون سینه خریخ سینه خری

سوزن ساق شاق شهتد ان کر بلا
دوشدی جهاله مایع ساطان کر بلا

درد سوزن سوزن سوزن سوزن سوزن
کر سوزن سوزن سوزن سوزن سوزن
اولسون بون سوزن سوزن سوزن سوزن
خسبون سینه خریخ سینه خریخ
اولسون صد ای اعلاه خریخ سینه خریخ
عرق الله سوزن سوزن سوزن سوزن
دونسون جهانی ولوله و جهه و جهه

درد سوزن سوزن سوزن سوزن سوزن
کر سوزن سوزن سوزن سوزن سوزن
اولسون بون سوزن سوزن سوزن سوزن
خسبون سینه خریخ سینه خریخ
اولسون صد ای اعلاه خریخ سینه خریخ
عرق الله سوزن سوزن سوزن سوزن
دونسون جهانی ولوله و جهه و جهه

سینه خریخ سینه خریخ سینه خریخ

درد سوزن سوزن سوزن سوزن سوزن
عرق الله سوزن سوزن سوزن سوزن

خرا کویتد اندن شفق السلام عیدم
شیر نهفته وین زینت السلام عیدم
فر و فر و فر و فر و فر و فر و فر
سخت حکمت رحمت السلام عیدم
پهین در صدق قدرت السلام عیدم
بدر بزمکه وحدت السلام عیدم
شاه شاهی خجفت خجفت السلام عیدم
شفاعت اولان حضرت السلام عیدم

خرا کویتد اندن شفق السلام عیدم
شیر نهفته وین زینت السلام عیدم
فر و فر و فر و فر و فر و فر و فر
سخت حکمت رحمت السلام عیدم
پهین در صدق قدرت السلام عیدم
بدر بزمکه وحدت السلام عیدم
شاه شاهی خجفت خجفت السلام عیدم
شفاعت اولان حضرت السلام عیدم

درد سوزن سوزن سوزن سوزن سوزن
عرق الله سوزن سوزن سوزن سوزن

عظای ایزدی پیشه میرا واحد و احد
روان گشته تا حضرت اوله صلوات و درود
مادی او زوره و جفا تندی خایه من بود
زلال وصلته قائده او صد و صد و صد
باز ای ایزدی او صلوات او بود

عظای ایزدی پیشه میرا واحد و احد
روان گشته تا حضرت اوله صلوات و درود
مادی او زوره و جفا تندی خایه من بود
زلال وصلته قائده او صد و صد و صد
باز ای ایزدی او صلوات او بود

✽ سوز ✽

✽ آبتن آبتن ✽

✽ سوز ✽

✽ آبتن ✽

کندر یو دمه دمه متری خاک کوئین کوئین

✽ سوز ✽

✽ آبتن ✽

کسبون درون سینه چرخه جد آن آه

✽ سوز ✽

✽ آبتن ✽

✽ سوز ✽

✽ سوز ✽

✽ آبتن ✽

✽ سوز ✽

✽ آبتن ✽

* ابتداء بی برنگه مقله مقبول *
 * زنجیر جنبه مجنون *
 * گویند کوه دردم اولی افزون *
 * عالم عشقه در کون کون *
 * تا لای تا لای بو جان مجنون *
 * کران کران بو چشم پر خون *

* زخمی بر سینه مست بخون *
 * اولدم اولدم اولدم اولدم *
 * حسیل حسیل حسیل حسیل *

* سرمست مدام سرمست بن *
 * سرمست بن سرمست بن *
 * سرمست بن سرمست بن *

* مستانه سر کران عشقم *
 * بر همین جان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * شایسته گوشه عشقم *
 * از سر تا زبان عشقم *
 * بن لوجه ایجان عشقم *
 * پرورده خاندان عشقم *

* سر فلقه کاروان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *

* عشق اولدی ندم کسارم *
 * عشق اولدی ندم کسارم *
 * عشق اولدی ندم کسارم *

* خان کوشی بر صدای نغمه *
 * کردونده عزال مهری بخیر *
 * نفس ایسی از دل دیر تقدیر *
 * صورت ویزه من زبان تقدیر *
 * هر سینه سی اولسه کلاه تقدیر *
 * عشق او رسه ای عقله تقدیر *
 * عشق ایسی او اولوب علو تقدیر *

* دل او بدی نام عشق ایسی *
 * آواز صیدی عشق ایسی *
 * لوح سر مه حرف عشق ایسی *
 * کیفیت حال عشق ایسی *
 * شرح اولنه عشق ایسی *
 * اولدی کوکل بوکل شیدا *
 * باقادی دل ایسی خاله تائیر *

* زنجیر مجنون اولدی کوکل *
 * زنجیر مجنون اولدی کوکل *
 * زنجیر مجنون اولدی کوکل *

* طاق افنده خان وقت الذنون *
 * بو لای می بنجان مجنون *
 * در برده سیم مجلس افرون *
 * چون تیر قضایند کون دوزون *
 * ووی نوری فرای جزیره روزون *
 * ووی واقف حال روز موزون *

* طاق افنده خان وقت الذنون *
 * طاق افنده خان وقت الذنون *
 * طاق افنده خان وقت الذنون *
 * طاق افنده خان وقت الذنون *
 * طاق افنده خان وقت الذنون *
 * طاق افنده خان وقت الذنون *

ایستادم از آنکه می نویسی بزم عشرت ایستادم
همه حال هاله هم

ایستادم از آنکه می نویسی بزم عشرت ایستادم
همه حال هاله هم

* صبر ایستاده من کو کل فرقه
* عاشق دویه من بو اشتیا قه *

* عرض الهه جمال خال خال *	* عرض الهه جمال خال خال *
* روح دل به پیش اولی جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* صواب بر تو بر جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* رفیع الهه جمال خال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* کوشترینه حسن جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* کوشترینه حسن جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* کوشترینه حسن جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* کوشترینه حسن جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* کوشترینه حسن جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *
* کوشترینه حسن جمال خال *	* آینه دل به عکس جمال خال *

سینسین سحر سحر عالم
سینسین سحر سحر عالم

دو بند بنه قاصد	دو بند بنه قاصد
فرمانده اسمای اسما	فرمانده اسمای اسما
سوز دل زاری	سوز دل زاری
بزم عشق عشق جانی	بزم عشق عشق جانی
ای زلفه خال دام	ای زلفه خال دام
ای زلفه خال دام	ای زلفه خال دام
ای زلفه خال دام	ای زلفه خال دام
ای زلفه خال دام	ای زلفه خال دام
ای زلفه خال دام	ای زلفه خال دام
ای زلفه خال دام	ای زلفه خال دام

عشق مشهور عالم
عشق مشهور عالم

چشم بر درج فرد گرفت	چشم بر درج فرد گرفت
بن خسته که بر تمام حتم	بن خسته که بر تمام حتم
ای عقیقه کلین حلال	ای عقیقه کلین حلال
قربان اولم مری وقت	قربان اولم مری وقت
انصاف آله نور بو وحشت	انصاف آله نور بو وحشت
ای نیر آسمان بخوت	ای نیر آسمان بخوت
صد باره خارزار حیرت	صد باره خارزار حیرت
چشم بر درج فرد گرفت	چشم بر درج فرد گرفت
بن خسته که بر تمام حتم	بن خسته که بر تمام حتم
ای عقیقه کلین حلال	ای عقیقه کلین حلال
قربان اولم مری وقت	قربان اولم مری وقت
انصاف آله نور بو وحشت	انصاف آله نور بو وحشت
ای نیر آسمان بخوت	ای نیر آسمان بخوت
صد باره خارزار حیرت	صد باره خارزار حیرت

* آهاده بی آتش فریاد
* خاق خانه خدی اشتیا قه *

* وی غریه سی سحر بر افسون
* ای طریه سی جوانه فتنه *

گورنجه خانه عالمه کورنجه کورنجه
به بر آتس موافق به تاره مدم وار
به کیم زارده طاقت به کسبه مخرم وار
شیراب عقیقه دم وار اگر چه عالم وار
اگر چه تنگ آتس اول و آتس آتس اول وار
جگر سرسرت آتس نامی دله بزلم وار
سرسره خان و دلالت کورنجه موافق وار

بویوده همدلم اخچم دو چشم بزلم وار
ره فراقه مدم قائم به تک و تیه
دیار عقیقه دوشدم عزیزم و آواره
کجه خره سی آتس درون عاشق جون
شیراب عقیقه اولور کورنجه خان آتس
اومدن آتس کورنجه بندم کورنجه
وصال آتس آتس و حقیق دور اولور

اوشوچی کورنجه خاطر اولور رنجیم
خون عقیقه اولور آتس آتس

در پنج و در ده دردم دله ای نلام آتس
آتس عقیقه مدم دله مدم و مدم وار
نشان و بر اولور دین آتس آتس
عنا کورنجه اولور دین آتس آتس
مستحال کجه جو بو اولور دین آتس
شیراب خوره شیراب آتس و دلالت کورنجه
هنوز بو قدر آتس آتس آتس

فغان و حقیق دورم وصال خان آتس
کجه چشمی دمدله اشک عقیقه آتس
اندون او بو حقیق حقیق عقیقه آتس
مخچم فرقی آتس آتس آتس
تولور سره عقیقه کورنجه اولور
دعا دم آتس حقیق آتس آتس
فغان کل کل آتس آتس آتس

روای سعیدی اولور کورنجه
قراره دل و خان اولور دله دوری

اوسر وک اولور کورنجه خان آتس
شکر کورنجه خان آتس کورنجه
عقال عمل آتس آتس آتس
انکه اکثر آتس آتس آتس
دل صفتی آتس آتس آتس
وصال دله آتس آتس آتس
تمام او بو حقیق حقیق آتس

کورنجه دی دله دل جلوه آتس آتس
کجه زلفه دل آتس آتس آتس
تکاهی کورنجه آتس آتس آتس
خجال حقیق آتس آتس آتس
مخچم آتس آتس آتس
مذاق عقیقه آتس آتس آتس
مخچم آتس آتس آتس

فغان کورنجه اولور آتس آتس
کورنجه آتس آتس آتس

همان شیراب عقیقه آتس آتس
جگر دردی آتس آتس آتس
شیراب عقیقه آتس آتس آتس
سراسر آتس آتس آتس
اوشوچی آتس آتس آتس

فغان آتس آتس آتس
همان شیراب عقیقه آتس آتس
جگر دردی آتس آتس آتس
شیراب عقیقه آتس آتس آتس
سراسر آتس آتس آتس
اوشوچی آتس آتس آتس

خجین وصلت اولدی خان برتیس دخی
بخل وصال بولدی دل دست رس دخی

سندن هنوز بول شیدا کسندی دایان دایان او بولدی دایان دایان او بولدی دایان دایان او بولدی دایان دایان او بولدی	سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی
--	---

روز خجین دست ده
بن دل هلاک تارک

ای کج کج کج کج کج ای کج کج کج کج کج	ای کج کج کج کج کج ای کج کج کج کج کج
---	---

خان اعظم فراتک ایله
ای کج کج کج کج کج

مات خاطر موقی مات خاطر موقی مات خاطر موقی مات خاطر موقی مات خاطر موقی	مات خاطر موقی مات خاطر موقی مات خاطر موقی مات خاطر موقی مات خاطر موقی
---	---

فناک سره سهره ایتری
فناک سره سهره ایتری

هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول	هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول هوان ایله زلفه خان بول
--	--

بلا فرقه تارک اولدی
بلا فرقه تارک اولدی

باعت بافت ایجات زمزمین و زمان
بسته ماه ضیاء بنیسی اند آسمان

ای سنی خافت هر دو جهان
بهر سبب از سبب تا سبب مهر

الحمد لله رب العالمین

بسته زبانی پیشور خاک و خشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

الحمد لله رب العالمین

بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

بندگند حست نه بسته نه بسته

اولی زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

اولی زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

اولی زبانی خدی بره و گشت

اولی زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

اولی زبانی خدی بره و گشت
بسته ماه اوله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی خدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در راهی عنبر سشت

هر واران اهل ارض اهل سی

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای جرمین جوندنم عالم بزرگه
السلام ای جرمین جوندنم عالم بزرگه
السلام ای جرمین جوندنم عالم بزرگه

در گاهی سرسبز اول ده صود صند و سنا

السلام ای تارقه نبدن جهنم بزرگه
السلام ای تارقه نبدن جهنم بزرگه
السلام ای تارقه نبدن جهنم بزرگه

یعنی بوی کر و می عیان علی الر تعنی

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

عند انب اول کشته خان بظنم جوستوا

السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل
السلام ای کشتی آستین و طاهرا نزل

* بزمه بوق که بزم آمدن بزمی *
* بزمه بوق که بزم آمدن بزمی *
* بزمه بوق که بزم آمدن بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* دوشی جز دوشی که بزمی *
* دوشی جز دوشی که بزمی *

* باغ رحمتی بزمی *
* باغ رحمتی بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* کوزنگی در دل زلف که بزمی *
* کوزنگی در دل زلف که بزمی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* از مزایای رفیق خیر بر پیشانی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* اول قدمه اولی و اولی گرمی که می فک *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *
* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *

* ما در حاجت حضرت عتبی اقبلی کنی *
* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *
* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

<p>سلام کن منکران جنات تو بولم صیاح ماهه بخوشی منکران منکران دستان او تنگ است اهل منکران قیامت نظمی ده احوال منکران الله</p>	<p>صیاح ماهه بخوشی منکران منکران دستان او تنگ است اهل منکران قیامت نظمی ده احوال منکران الله</p>
<p>همیشه بار خرد الله اوله خدا وند شکره و شکره و شکره و شکره و شکره</p>	
<p>خداوند خیر و عی و عی و عی خیر و عی و عی و عی و عی و عی</p>	<p>خیر و عی و عی و عی و عی و عی خیر و عی و عی و عی و عی و عی</p>
<p>بیا لاله زهی زین صانع صانع منیا او انان کنی بز جمله کویا که منیا کویا منیا صانع صانع منیا صانع منیا صانع صانع منیا صانع منیا</p>	<p>که کورسه رشکدن معین اوله صانع صانع منیا صانع صانع منیا صانع منیا او انان کنی بز جمله کویا که منیا کویا منیا صانع صانع منیا صانع</p>
<p>بظن شاهان اوله شاهان اوله آیتیه دار طالع مهر و مه اوله</p>	
<p>کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا کویا</p>	<p>سرنده دوداهی شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره شکره</p>
<p>خدیو کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور</p>	
<p>او فوجی منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا</p>	<p>در فوجی منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا منیا</p>
<p>همیشه عالم عی و عی و عی و عی و عی عی و عی و عی و عی و عی و عی</p>	
<p>بم او با و با و با و با و با و با با و با و با و با و با و با و با</p>	<p>که عاقبت بی بختی آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید</p>

که رشک آن برون آید ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

خجسته زین کجاست ای دل آینه
دادم اسم کجسته ای دل آینه

شکسته عرض اوله هب رونق در مشور
بظنم ناز بر نشان دعوت معذور
نه گونه طرح اوله جرح ستا سگنده سطور
که در آرزوی سستی سالیان دور
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

بلند طبع و خجسته ای دل آینه
ای دل آینه ای دل آینه

درنده حاجت دریغی صائب و شایع
اول و سر بر نه ای دل آینه
سوزنده خنده دقت ایستاده صور
شهاب خنده زین کجاست ای دل آینه
کجاست ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

بلند رینه مذاقی ای دل آینه
ای دل آینه ای دل آینه

که در دل دخی بیند مراد
عالم عالم رحمت ای دل آینه
بوی غله ای دل آینه
بسته طالع ای دل آینه
در اینجای کجاست ای دل آینه
در اینجای کجاست ای دل آینه

ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه
ای دل آینه ای دل آینه
چو غم خجسته چو کوه سینه

القدر انك سناك يوسف *
بكر اجرت بركت انك اخون *

قالسه دسته دامنه يوسف * | * انك بركت بركت يوسف *

دست آخرا سوادن دل بوجهه *
هت بركت بركت بركت *

اي اولي انك سناك اخون * | * بركت بركت بركت *

اوله اوله اوله اوله اوله اوله *
خاى دعوات مستخا بركت *

از و ان بركت بركت بركت *
بركت بركت بركت بركت *
بركت بركت بركت بركت *
بركت بركت بركت بركت *

بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت

بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت

بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت

بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت
بركت بركت بركت بركت بركت

بركت بركت بركت بركت بركت

نیم بر آنجی و آنجی و آنجی و آنجی
سپاس از خداوند بزرگوار

بیت در آنجا که دردی و دلای و دلای و دلای
سپاس از خداوند بزرگوار

قطعه در آنجا که در آنجا که

سوق طلبه آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

ای جوان که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

دانه آینه کندم آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

ای خداوند که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

قاش وصلی اندازم آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

ای خداوند که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

جوی صافی که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

ای خداوند که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

* اول آنجا که در آنجا که *

اول آنجا که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

اول آنجا که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

دو بیت در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

ای خداوند که در آنجا که در آنجا که
سپاس از خداوند بزرگوار

* سخن بختی *	* ده سال ای ساله *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* خد عشق اولوی اکر *	* خد عشق اولوی اکر *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *
* در ای قیامه خاکی *	* یوز سوز با نکه عالم ریه *

* و جمع این جان کهر زان *

* بوظیفه شاهان *	* شاهان شاهان *
* اگر اوسته قله های *	* شاهان شاهان *
* و اول اول بطلان *	* شاهان شاهان *
* و بر روی دولت کلاه *	* شاهان شاهان *
* سر این سطرین *	* شاهان شاهان *

* در وصف قلادان *

* عیال بزرگ بزرگ *	
* بی برای - جلا ف و بی کینه *	

* و بی کینه *	* سخی قدر آید روزی عهد *
* بی برای - جلا ف و بی کینه *	* او بی ای افقی او تو ز غلام *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با آنکه می طویلت او تو ز *
* عیال بزرگ بزرگ *	* آید که ز گوش آید استخوان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* هستی چشمه چشمه اولور *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *
* عیال بزرگ بزرگ *	* با طاف اندامی شاهان *

* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *

* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *
* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *	* شاهان شاهانست یو در و نه بطح *

* که مکن گنجای ای گنج *

* که مکن گنجای ای گنج *	* که مکن گنجای ای گنج *
-------------------------	-------------------------

* فلكلده و سوره شان عظامك *
 * جمع التبع و مسلتك *
 * سر جوان بوالك حق تبارك *
 * مزه مرصفاك حر متجون *
 * خطابندن عظامندن الهی *
 * خطابه داتا استغفر الله *
 * الهی تویه اولدم ساه صافی *
 * الهی هر خرابه بن سترام *
 * بزنده عتره قتل عین تبارك *
 * اندن سن ایلین سن ایلین ورت سن *
 * عطیه بخش موجود سن سن *
 * بزنی ردا عه تبارك رحمتك *
 * اسکر صحت شقیقت سن سن *
 * سنکر عیرت ای قهار بخون *
 * برتبان سنکین بخون تبارك *
 * عدوی خاکی ای ایله بر باد *
 * عزت بن اسلامه ظهیر اول *
 * اوله اعدای مهجور و مدبر *
 * زبون جنل اعدا اینه تبارك *
 * کرم قل سندن او نه گنیه بزین *
 * الهی جفایه و سدا و رز *
 * الهی سن حکم و عزت عذر *
 * الهی سن عین بزین عذر *
 * کرم تبارك تبارك تبارك *
 * تبارك تبارك تبارك *

* یوزی صویته ارواح کرامك *
 * سکا کربانی اخرون لاج استیک *
 * حق تبارك تبارك تبارك *
 * الهی نور تبارك حر متجون *
 * بنفشه اندولم و کرم و کرمی *
 * انیم دایم خطا استغفر الله *
 * اولوب سرت سهرت معای صافی *
 * الهی بن سترام هر خرابه *
 * خوشن سترام عین تبارك *
 * تبارك تبارك تبارك *
 * تبارك تبارك تبارك *
 * الهی صافی صافی صافی *
 * قبول ایله دعا شقیقتك *
 * الهی قوت و قدرت سن سن *
 * عدوی ایله قهره کله خک خون *
 * لوی جسم دونی وار کور تبارك *
 * ایدوب قیج و طبع امداد امداد *
 * الهی تبارك تبارك تبارك *
 * شه اسلامی تبارك تبارك *
 * محمد امین جوان اینه تبارك *
 * کرم کلر ز فساد و ظلم خوف *
 * الهی خاره دل اول کلام ز *
 * الهی سن عین و عزت تبارك *
 * الهی سن عین بزین عذر *
 * عطا عطا عطا بوشا الهی *
 * تبارك تبارك تبارك *

* * * متون با درخت خات * * *

* اندر نظر * * *

* آرزوی غایتی بول *
* آرزوی غایتی بول *
* آرزوی غایتی بول *

* اولی بنام طیبان روح از بختم نام *
* ز زبان ایندی اظمن نام *
* فیض اظمن از غایتی بر طیبان *
* نامی و راجع و سادس و چو یوق *
* نام را به رسیده ای همیشه *
* نامی و راجع اولی می هون *
* نام را به رسیده بود اول قول *
* راجع و خامسی اینست فی قصان *
* رسیده قصان کمالی *
* اول و نامی و راجع اول و اول *
* رسیده راجع سادس مبهم *

* و بر دی بو سجده اولیه اتمام *
* آرزوی غایتی بول *

بنام خداوندی که روزگار را بر ما آفرید
و روزی که در روز قیامت بر ما حساب کند

ای سیرت را از این روزگار بر ما آفرید و روزی که در روز قیامت بر ما حساب کند	خام خردم و از خردم آینه عالم را آینه گیتی و خردم مهر و خردم دویدم که خردم آینه ای که در روز قیامت آینه گیتی و خردم مهر و خردم دویدم که خردم آینه ای که در روز قیامت آینه گیتی و خردم مهر و خردم
---	--

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
---	---

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
---	---

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم
------------------------	------------------------

خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا	خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا
و طنه عا شقه کوی حنی ایش	خا تا
خا تا	خا تا

بوند در کسک و خور طاقه خا تا
طافه ایل طاقه خور

خا تا خا تا خا تا خا تا	خا تا خا تا خا تا خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا

بظن آسا روان سر و اندر سگ افلا ه
ساز سگ سلطان عالیست خا تا

خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا	خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا

بظن اول شوخی دعوت ایل و هان
بزند رادمت ایل و ایل و هان

خا تا خا تا خا تا خا تا	خا تا خا تا خا تا خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا

بظن آسا خنخی اولسه اوین وین دریا
خا تا

خا تا خا تا خا تا خا تا	خا تا خا تا خا تا خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا
خا تا	خا تا

اوله سگون صورت دیوانه خندان	اوله سگون صورت دیوانه خندان
بیش سواد سواد خندان	بیش سواد سواد خندان
اوله او زلف او روی بر او زلف خندان	اوله او زلف او روی بر او زلف خندان
زودینه در خندان روح خندان خندان	زودینه در خندان روح خندان خندان

وادی عشق ای میانه از بهر بوی
 جگر بخت بخت را بهر بوی

بچه صبر و شکر با روز بوی بوی	بچه صبر و شکر با روز بوی بوی
جالی روح در آن روح خندان	جالی روح در آن روح خندان
هر کل صدی بر سر او خندان	هر کل صدی بر سر او خندان
جگر ای روی دوست بخت در بوی بوی	جگر ای روی دوست بخت در بوی بوی

قد و تاده تاده روح ای بخت
 بخت ای بخت ای بخت

سایه کوه و کوهی زو کوهی زو کوهی زو	سایه کوه و کوهی زو کوهی زو کوهی زو
کرم فته فته دل و خالی او فته	کرم فته فته دل و خالی او فته
بخت فته فته فته فته او فته	بخت فته فته فته فته او فته
عشق سینه خاک و دانه کوه او فته	عشق سینه خاک و دانه کوه او فته

دهم ای بخت بخت ای بخت
 بخت ای بخت بخت ای بخت

اوله بخت بخت بخت بخت بخت	اوله بخت بخت بخت بخت بخت
بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت
بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت
بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت

بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت

بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت
بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت
بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت
بخت بخت بخت بخت بخت بخت	بخت بخت بخت بخت بخت بخت

بخت بخت بخت بخت بخت بخت
 بخت بخت بخت بخت بخت بخت

دل شوریده سینه ایتمی آنرا نماند
چیز روی گوید در کورستان ایامی

زبان نماند که گوید کوی طوطی زبانی
خاک بر دستم اولی و اولی اولی نماند
و جان و کوه است در نماند نماند
نماند که در او نماند نماند نماند
نماند که در او نماند نماند نماند
نماند که در او نماند نماند نماند

نارستان عشق با یک نظر می
خود را در دل بود خدای خدای

صدا خاک اولی اولی اولی نماند
دل نماند نماند نماند نماند
نماند دست نماند نماند نماند
نماند صد و صد نماند نماند نماند

سخنی اول صفت اولی نماند
رخای و صفت ایتمی نماند

اولی نماند نماند نماند نماند
سر نماند نماند نماند نماند
نماند دل اول نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند

ای مهر و محبت بر آید نماند
اولی نماند نماند نماند

نماند نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند نماند

نماند نماند نماند نماند
نماند نماند نماند نماند

توان خونی که در بدن جاریست در آب و آب
توان صندان بود در آب و آب
چشمه و بر سه نوله اشک در آب و آب
اشک که در چشم نه از این است در آب و آب

بر و ناله و نطق و زبان و آب و سوزن
و بر سه نوله اشک در آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب
توان در آب و آب و آب و آب و آب و آب

* کویا که بر تو باشد و غای قیامت * کویا که بر تو باشد و غای قیامت * کویا که بر تو باشد و غای قیامت *

* کندی که مدتها اولاد بی نظمی داشت * کندی که مدتها اولاد بی نظمی داشت * کندی که مدتها اولاد بی نظمی داشت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* قتل عین عنایت که نظر خال * قتل عین عنایت که نظر خال * قتل عین عنایت که نظر خال *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

* اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت * اولاد بی نظمی که در دنیا و آخرت *

چهارم	بوم
چهارم	دل و دان و سنجی
چهارم	بستان بول
چهارم	مستقیم
چهارم	فلسفه

* * * * *

<p>بیتها چهارم</p>	
چهارم	چهارم

بیتها
چهارم

چهارم	چهارم

بیتها
چهارم

چهارم	چهارم

بیتها
چهارم

<p>چ ۳۰۰۰ با نوب اولی سید بی بری چ ۳۰۰۰ در روز نوب اولی سید بی بری چ ۳۰۰۰ در روز نوب اولی سید بی بری چ ۳۰۰۰ در روز نوب اولی سید بی بری</p>	<p>۳۰۰۰ سید بی بری ۳۰۰۰ سید بی بری ۳۰۰۰ سید بی بری ۳۰۰۰ سید بی بری</p>
<p>لطفاً اهل عشق این اعتبار را بپذیرند عقاید باقی را باقی بگذارند</p>	
<p>چ ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط چ ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط چ ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط چ ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط</p>	<p>۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط ۳۰۰۰ کشف کنون از انبساط</p>
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	<p>۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	<p>۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	<p>۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	
<p>چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم چ ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>	<p>۳۰۰۰ او سوخته دل کنم ۳۰۰۰ او سوخته دل کنم</p>

چند بود در بر سر راه در حلقه بود چند
مگر که با چاه در حلقه بود چند
کل صدک از صفار حلقه بود چند
رابعی و حلقه بود در حلقه بود چند
چند بود در حلقه بود در حلقه بود چند
مردم بود در حلقه بود در حلقه بود چند
که بود در حلقه بود در حلقه بود چند
چند بود در حلقه بود در حلقه بود چند
طلب است در حلقه بود در حلقه بود چند
که است سخت در حلقه بود در حلقه بود چند
تو را در حلقه بود در حلقه بود چند
حصار را در حلقه بود در حلقه بود چند

و باقی و حلقه بود در حلقه بود چند
مردم بود در حلقه بود در حلقه بود چند
که بود در حلقه بود در حلقه بود چند
چند بود در حلقه بود در حلقه بود چند
طلب است در حلقه بود در حلقه بود چند
که است سخت در حلقه بود در حلقه بود چند
تو را در حلقه بود در حلقه بود چند
حصار را در حلقه بود در حلقه بود چند

طاعت حقیقه می دستم بظنم زان پس
آری اول الله که در وقت زین اولم مدد

بسیار بود و در حلقه بود در حلقه بود چند
آنکه آن در حلقه بود در حلقه بود چند
تدبیر بود در حلقه بود در حلقه بود چند
آه که بود در حلقه بود در حلقه بود چند
مستلزم بود در حلقه بود در حلقه بود چند
باعتال نفس بود در حلقه بود در حلقه بود چند

گوری که در حلقه بود در حلقه بود چند
آنکه آن در حلقه بود در حلقه بود چند
تدبیر بود در حلقه بود در حلقه بود چند
آه که بود در حلقه بود در حلقه بود چند
مستلزم بود در حلقه بود در حلقه بود چند
باعتال نفس بود در حلقه بود در حلقه بود چند

حرف افعال * * *

صوب قند اعلمی اله او استون جراب تج
انسی جراب تجی هجره ایطنی جری جری

شیرین سوال عاشقانه و بزمه خواب تج
حرف اله اولی که دنده که باه خواب تج
بجز چشمه سا زینر بخیر اوله آب تج
هجره لکله اوله شمی تجی آب تج

آلوده نسیم از الله هر سوسرک
مگر لک جوان ایوب ای ماه صخه دک
بوی سوسرک دنده اندر تیشکان عینی
سبب در باغ خانه شاور و هجره آب تج

باقی است که سالیه سوسرک و سوسرک
اولی شکوه زان سوسرک و سوسرک

بنام خداوند و صلوات بر او
 بدرستی که در این روز

چهارشنبه اول ماه جمادی
 چهارشنبه اول ماه جمادی
 چهارشنبه اول ماه جمادی
 چهارشنبه اول ماه جمادی
 چهارشنبه اول ماه جمادی

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

بدرستی که در این روز
 بدرستی که در این روز

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

بدرستی که در این روز
 بدرستی که در این روز

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

بدرستی که در این روز
 بدرستی که در این روز

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی
 اول ماه جمادی

بدرستی که در این روز
 بدرستی که در این روز

آیت عشق و محبت بی زبان نیستم اولور
رنگ رونق ساغرک صفا تا به نغمه اولور

حرف و صورت اولسانان نغمه اولور
حقی آینه رحمته مفا من او موم نور
واصل اولخو خان که در کوه

هر دیده که با آن اولور قطره نغمه اولور
ز بهر آینه که جان را که سینه اولور
دستینه اولور اولور اولور اولور
ای تیر از تیر سینه اولور اولور
اعداد که اجناسه اولور اولور
جان در کوه آینه نغمه اولور
جان در کوه آینه نغمه اولور
اولور اولور اولور اولور اولور
دستور کرم کرم کرم کرم کرم

حرف آواز * * *

نظم بدله دشتام آینه سرده سال
بنام کورا و دهنن چنین خوان لذت

اولور سه طوطی کویا به شهد لب لذت
سیراب تا به اولور اولور اولور
اولور صراحی بر لب اولور اولور
مذاق مسته کور آینه نغمه اولور

روجه کوه شتاب نغمه نام
زاهمه کوشن فرودس نغمه اولور

نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور
نغمه اولور اولور اولور اولور

حرف آواز * * *

روان و باهوش است و زود
ببیند و از کمال و عزت
بناشد و در دنیا و آخرت
بناشد و در دنیا و آخرت

که سینه و بطن او در
و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

بناشد و در دنیا و آخرت
بناشد و در دنیا و آخرت

و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

که سینه و بطن او در
و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

بناشد و در دنیا و آخرت
بناشد و در دنیا و آخرت

و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

که سینه و بطن او در
و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

بناشد و در دنیا و آخرت
بناشد و در دنیا و آخرت

و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

که سینه و بطن او در
و در وقت اول در
سور و عیب و آفت
شستنی و آب و سر
بناشد و در دنیا و آخرت

فهرست این کتاب است که در این کتاب
هر یک از اینها را که در این کتاب

هر یک از اینها را که در این کتاب	هر یک از اینها را که در این کتاب
فهرست این کتاب است که در این کتاب	فهرست این کتاب است که در این کتاب
هر یک از اینها را که در این کتاب	هر یک از اینها را که در این کتاب
فهرست این کتاب است که در این کتاب	فهرست این کتاب است که در این کتاب

دوای دنیای دودله اوله اظلم
دیده خانه دونه بر کوه ساسر اواب اولور

دیده خانه دونه بر کوه ساسر اواب اولور	دیده خانه دونه بر کوه ساسر اواب اولور
دوای دنیای دودله اوله اظلم	دوای دنیای دودله اوله اظلم
دیده خانه دونه بر کوه ساسر اواب اولور	دیده خانه دونه بر کوه ساسر اواب اولور
دوای دنیای دودله اوله اظلم	دوای دنیای دودله اوله اظلم

چشم تر خاه زنجانی جمال اینسه اظلم
چشم تر خاه زنجانی کردار اواب اولور

چشم تر خاه زنجانی کردار اواب اولور	چشم تر خاه زنجانی کردار اواب اولور
چشم تر خاه زنجانی جمال اینسه اظلم	چشم تر خاه زنجانی جمال اینسه اظلم
چشم تر خاه زنجانی کردار اواب اولور	چشم تر خاه زنجانی کردار اواب اولور
چشم تر خاه زنجانی جمال اینسه اظلم	چشم تر خاه زنجانی جمال اینسه اظلم

ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم
ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم

ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم	ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم
ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم	ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم
ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم	ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم
ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم	ظلمه اظلمه حق بوله عصیان برون ای اظلم

فوق اولور چشم عشق و محبت اظلم
فوق اولور چشم عشق و محبت اظلم

اول سوز و تابه جوهر گل چشم و کوس و اولور	اول سوز و تابه جوهر گل چشم و کوس و اولور
کوسه بخوم و ماکوسه چشم و کوس و اولور	کوسه بخوم و ماکوسه چشم و کوس و اولور
بعل سید از تابه گل چشم و کوس و اولور	بعل سید از تابه گل چشم و کوس و اولور
فصل چهارم در کوس و چشم و کوس و اولور	فصل چهارم در کوس و چشم و کوس و اولور

تا نیت بی تا ای دل نیت اولور
خوش حال ده جان که نیت اولور

وقت بوال کمال جان نیت اولور	وقت بوال کمال جان نیت اولور
شکل ملاک جان نیت اولور	شکل ملاک جان نیت اولور
آب زلال جان نیت اولور	آب زلال جان نیت اولور
تک وصال جان نیت اولور	تک وصال جان نیت اولور
دله ملاک جان نیت اولور	دله ملاک جان نیت اولور
بیش خیال جان نیت اولور	بیش خیال جان نیت اولور

نیم ملک نیت او بر وی نیت اولور
نیم ملک نیت او بر وی نیت اولور

هک اول سنله دره نیت اولور	هک اول سنله دره نیت اولور
سلمان ملک عشق شاهی نیت اولور	سلمان ملک عشق شاهی نیت اولور
موج عظیم عشق الهی نیت اولور	موج عظیم عشق الهی نیت اولور
براهن دره دود نیت اولور	براهن دره دود نیت اولور

اهل طمناک ادعای شاهی نیت اولور
اهل طمناک ادعای شاهی نیت اولور

رهر و برهنگه و فغن الهی نیت اولور	رهر و برهنگه و فغن الهی نیت اولور
تک ها کونین شوت نیت اولور	تک ها کونین شوت نیت اولور
عاشق کونین نیت اولور	عاشق کونین نیت اولور
دست عشق کونین نیت اولور	دست عشق کونین نیت اولور

تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور
تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور

تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور	تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور
تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور	تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور
تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور	تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور
تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور	تک نیت نیت نیت نیت نیت اولور

اوسته بوقله کور کز جور کز آن کز
هواد صبه صف کز آن کز
که ال این سب سکا بل هر آن کز
اولی در کز سکا بل او باغه بجز آن کز

خدا کز آن کز در آن کز
چگونگی او باغه می جان جان کز
کله کز آن کز و بوی کله
آهنگن آله الله کز آن کز

اما کز آن کز اولی ای کز
بیر بتاز و تا کز آن کز

کوز سکا او بجز آن کز
بن ما جزای کز آن کز
بوت کز آن کز
ما بتاز کز آن کز

کوز سکا او بجز آن کز
بن ما جزای کز آن کز
بوت کز آن کز
ما بتاز کز آن کز

دوران حسیبت جوان کز آن کز
بوز جهه تا کز آن کز

بوالد کز آن کز
داند کز آن کز
انگ کز آن کز
خود کز آن کز

بوالد کز آن کز
داند کز آن کز
انگ کز آن کز
خود کز آن کز

فنون فتنه ده سیدان کز آن کز
مسابه دل کز آن کز

روان کز آن کز
سخر قار کز آن کز
بخت کز آن کز
دو کز آن کز

روان کز آن کز
سخر قار کز آن کز
بخت کز آن کز
دو کز آن کز

سنگ چشای تازی کز آن کز
اوراق باغ کز آن کز

خام جهان کز آن کز
سرخ کز آن کز
مات کز آن کز

خام جهان کز آن کز
سرخ کز آن کز
مات کز آن کز

خط روی آرایه ای دل مه ساله دار در در
دل زاری تندی شدی او خط در در در

ناری انظمی عشا قه سواق اندون
اول شهسوارای وادی بخجیره خکله

در دانه ز که رشته بر خکله
اهو انگن طبعت الله شیره خکله
زایق فین ویر و اب انکی شمشیره خکله
بند کند زلف کره خکله
عشاق ای سری سنی شمشیره خکله
جور شدی صیده شمشیره بخجیره خکله
کورا خکله فی هر بری خکله
بشک خور داری ناصی خکله
در دانه ز که رشته بر خکله
اهو انگن طبعت الله شیره خکله
زایق فین ویر و اب انکی شمشیره خکله
بند کند زلف کره خکله
عشاق ای سری سنی شمشیره خکله
جور شدی صیده شمشیره بخجیره خکله
کورا خکله فی هر بری خکله
بشک خور داری ناصی خکله

نظم لوح علی بر خط عشا انسه د
دم حساب اله عشا قه خکله

او بزم جامه طین ایدم خام خکله
او ای در و در کنی خکله
که طهر طهر دم اولور خکله
مدد صافسون او ساقی خکله
که ناری بزم بخندیم ده خکله
قطار شور و فریقان قدم خکله

نظم خط عشا الله علی عشا قه
دولسه اوله عشا قه

هر سده دانه سینه بر خکله
کنم آب و دانه صافی خکله
کوبانجه خکله
که سواد اندرسه زبانه خکله
عشق عشا قه صیده خکله
فداک ای او عشا قه خکله
اول بزم جامه خکله
عاشق عشا قه خکله

نظم او عشا قه خکله
دل صاف عشا قه خکله

بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است

بسم الله الرحمن الرحيم
 صفت صوتي ساوسه نكه الله اعظم
 سخنه كسان در ان زمانه الويله الويله

<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>	<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>
--	--

بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است

<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>	<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>
--	--

بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است

<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>	<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>
--	--

بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است

<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>	<p>بزرگواران از او ان چه در حق مسافت است و او را ان چه در حق مسافت است</p>
--	--

اشهر سوار صمدی ای بقیه

ساعتی است که شاه آجر	ساعتی است که شاه آجر
کزار عشق عجز آن آید	کزار عشق عجز آن آید
آهی قهر کز بی دستند	آهی قهر کز بی دستند
ملاک درون شایسته	ملاک درون شایسته
زبان آویخته	زبان آویخته
بزرگان در اندیشه	بزرگان در اندیشه

ایزوی آیه ایظم ایظم اول سلف سلف اول ای

خان و زورم خرم خان	خان و زورم خرم خان
چین بر چین و است	چین بر چین و است
کوی خایه دوشسته	کوی خایه دوشسته
دو پنده وار نه بر فکر	دو پنده وار نه بر فکر
خنده بدیداری جوان	خنده بدیداری جوان
عاقب اوله اذن و آریسه	عاقب اوله اذن و آریسه

عینه کز بندگی دو کوه خسته ای ایظم

عشق فال آید و وجودم	عشق فال آید و وجودم
وصف قدک حسب حال	وصف قدک حسب حال
بازمان و ان حسن	بازمان و ان حسن
بوسه داری لب دل	بوسه داری لب دل
اولم ای کسیر	اولم ای کسیر
عینه کز بندگی دو کوه	عینه کز بندگی دو کوه

اول شاه خسته سوه و ایظم ایظم ای

عقا کز عینه کز بندگی	عقا کز عینه کز بندگی
ادم جهمان زار و	ادم جهمان زار و
بختها هنر او که	بختها هنر او که
دعوت سراسی سینه	دعوت سراسی سینه
دندان بشان طویم	دندان بشان طویم
سادم که اوله موی	سادم که اوله موی

اسان اوله ایظم ایظم ایظم

بزرگ صافد او که	بزرگ صافد او که
زخم جدا کز عینه	زخم جدا کز عینه
بختها هنر او که	بختها هنر او که
بختها هنر او که	بختها هنر او که
بختها هنر او که	بختها هنر او که
بختها هنر او که	بختها هنر او که

باند همد استک سانه کی هها ته دوشور
مدد مدد بوندی کوی در پایه دوشور
بیر هوا که او بوب چه بلا نه دوشور
الهی بر کسی تراوش عصا نه دوشور

باند همد استک سانه کی هها ته دوشور
مدد مدد بوندی کوی در پایه دوشور
بیر هوا که او بوب چه بلا نه دوشور
الهی بر کسی تراوش عصا نه دوشور

بطلور کجک استک سانه کی هها ته دوشور
بونه رواق ستر ایچره بجز نه دوشور

روان سلسله خندان صراط نه دوشور
او کجک استک سانه کی هها ته دوشور
اخلاصه عجبه نه خاله نه دوشور
دیار خینه دلاک ستر ایچره بجز نه دوشور

روان سلسله خندان صراط نه دوشور
او کجک استک سانه کی هها ته دوشور
اخلاصه عجبه نه خاله نه دوشور
دیار خینه دلاک ستر ایچره بجز نه دوشور

کسه رفقاره او بخل عشوه کشته بطلور
آسائه هر طرف صد نه دوشور

اگر استفتاه تندن خندان خجک خورشور
بچرینه بانه دود عذر بوشور
رقص آید و بزن آهلا کندن آهلا کجک خجک خورشور
کویتا بر شتر آهله خجک خورشور

اگر استفتاه تندن خندان خجک خورشور
بچرینه بانه دود عذر بوشور
رقص آید و بزن آهلا کندن آهلا کجک خجک خورشور
کویتا بر شتر آهله خجک خورشور

تاب میند رجنای اولاشی اولی بزشاط
آب خورشور بطلور و رعدان خورشور

کوه شهور کو تا قدر باند خورشور
میلار بانه قاله سوره سوره دوشور
بیر عجبه هر کجک اول قی اول خورشور
اول دوا بوشور کجک خورشور

کوه شهور کو تا قدر باند خورشور
میلار بانه قاله سوره سوره دوشور
بیر عجبه هر کجک اول قی اول خورشور
اول دوا بوشور کجک خورشور

کورن خط او را و سندانای بطلور
بوقینه زار اطرافه خورشور

کوه درون بوشور بیهی بیهی بیهی
به سوزنی دلا نه خجک استک سانه کی هها ته دوشور
سینه دل سر کشته روزگار بوشور
رصد نشین اولوب اول خجک استک سانه کی هها ته دوشور
مشال هند وی آیشی بیهی بیهی بیهی
عزبت استک سانه کی هها ته دوشور

کوه درون بوشور بیهی بیهی بیهی
به سوزنی دلا نه خجک استک سانه کی هها ته دوشور
سینه دل سر کشته روزگار بوشور
رصد نشین اولوب اول خجک استک سانه کی هها ته دوشور
مشال هند وی آیشی بیهی بیهی بیهی
عزبت استک سانه کی هها ته دوشور

هر تیک سانه کی هها ته دوشور

اینگل مشهوره که بخین اولتر باغ وصلند	بنم کی اودوقی داغ هجر ایتد او سولتر
ایندلر روز دست عالم کیمچی انکار	اوماهک بجهه کن کیمیتد او سولتر
جداک چمنک بخر و خردن برفی پاک	ایتد از سه فایه بونوک مرک ایتد او سولتر
هیزرد دلی پاک دکد راه سر دندن	اودردنک بونوک کیمیتد او سولتر
اولتر عشقه کیمیتد دل مصیبتد	اویوسف طالع پاک ایتد او سولتر
ایتد لر دود خاندن بی خاندن او سولتر	عاط دیم دکم خاندن او سولتر

سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد

هر ایشاهه قورالی بساط مجلس دهر	یوز جلاله بجهه چمنک بی چمنک ایتد
ویز عیدن تکره تا طب اوت اول کیم	معال سبال سبال دسته دسته ایتد
نشان سنگ سیدن اسیرتد بچون	دوشن کولک اوز ایلده سنگسته ایتد
چار نازده دوشوب کیمیتد ایتد	مراج عشقه بر ایشان اولون ایتد

سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد

اوله کوروب سر کویتمه تارک او سولتر	اوعند اهدد بر دست صبر ایتد
بیا بی ایل اول تارک سلالم اولور	اوعنده دن بزه بویه ایتد
زمان خطن کوب آهدن حدن ایتد	یوز روز دردن اوشو جده ایتد
سکا خانن بکا خانن کیم ایتد	سنگ سنگ ایتد
بیکلی کیمیتد قران اولسه دده	سند سنگه بر طبل اول ایتد
ویز سر بیه ایتد خاندن ایتد	اول اول تارک ایتد
معال کیمیتد قاعه جهاند کیم ایتد	عنا کور کیم ایتد
کدامه غیب و کیمیتد قضا ایتد	و خود مود مود ایل اول ایتد

سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد

الده ساهه ایتد ساهه ایتد	ایغنه کله بر آهک ایتد
کورن دلاک تکر ایتد ایتد	مکان ایتد ایتد ایتد
ایتمه ایتد ایتد ایتد	ایتمه ایتد ایتد ایتد
بیا کیمیتد کیمیتد ایتد	بیا کیمیتد کیمیتد ایتد
بیا کیمیتد کیمیتد ایتد	بیا کیمیتد کیمیتد ایتد
بیا کیمیتد کیمیتد ایتد	بیا کیمیتد کیمیتد ایتد
بیا کیمیتد کیمیتد ایتد	بیا کیمیتد کیمیتد ایتد

سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد
سپه او زره ایتد

۶۰۰ ساله خاندان حجتی
عزیزه ای اطمینان

امواج عزیزان الله کل سلسله کور
باق دهنده سرگشته طبعان کور
پرتوهای طلایه اولیای کور
اوده خرس صداسنه ای دل دلی کور
اوج و قیده پیشه بر خیزلی کور
ای دل درون باغده داغ و قیل کور

واری دنیاچه طغنه
اینگار آبان
جوش سخنی آنگار ادا تاز خواست استیز

سینه بر سوز و درون تاب استیز
به ساله به سیراب و به کتاب استیز
دل ساقی کوئی غم اشکی سیراب استیز
به سوال و به جواب و به حساب استیز
عجب آلوده و پر خشم و عتاب استیز
عاشق مست سوز انداز و خراب استیز

اینگار شهید عشق اولیای در مشکدر
او خلد سیر شیشه شایسته استیز

شکسته دله اینه دل اشکسته استیز
بوناغان دل بر طایفه سده و سده استیز
همای طبعی دام امتداد رسنه استیز
او بر جامه هم خون و هم دهنده استیز

نایبون فروغ بر تو مهر کله سینه می
آبان اطمینان راه بر سوز و تاب ویر

مستانه تیغ بر خیز که با دله آب ویر
بوی دهانک ای کی زیر خواب ویر
خوگان گشتن آنگاه ده تیغ و تاب ویر
راهی کل عذار گشته سبیل بیاب ویر
عکس آنکه بر پیشه اولیای سیراب ویر
سیراب کنی خان دله و باطن ویر

چندای عذر انوار خواب جوانان بر کوه
اینگار ساعی وار عاقبت فتوح ویر

تیر خانی تا تیر خانی	تیر خانی تا تیر خانی
طالعی کور استند حقین و صاف تیر خانی	طالعی کور استند حقین و صاف تیر خانی

دو چشمی و امیدی و بیوت کوستر	دو چشمی و امیدی و بیوت کوستر
حقانظم آینه ای بخت	حقانظم آینه ای بخت

هر چند دهه ای که هر چه در او است کوستر	هر چند دهه ای که هر چه در او است کوستر
الاس اب دینه می آهوت کوستر	الاس اب دینه می آهوت کوستر
تا موت آنکس مقانی لاهوت کوستر	تا موت آنکس مقانی لاهوت کوستر
که چه مدام چون دلم کوستر	که چه مدام چون دلم کوستر

مردانگه صدمه بر سر ز کوستر	مردانگه صدمه بر سر ز کوستر
مردانگه صدمه بر سر ز کوستر	مردانگه صدمه بر سر ز کوستر

ماه شتر حسنی سینه خنده کوستر	ماه شتر حسنی سینه خنده کوستر
استاد عشق ای که خنده کوستر	استاد عشق ای که خنده کوستر
سحر آله آب قطره سحر کرده کوستر	سحر آله آب قطره سحر کرده کوستر
حسین که زین زلف معنیده کوستر	حسین که زین زلف معنیده کوستر
ساقی که عکس روی ساسی کوستر	ساقی که عکس روی ساسی کوستر
عشق اهل کوه سینه کوستر	عشق اهل کوه سینه کوستر

کوه با نظم بخت جویشدن فاک	کوه با نظم بخت جویشدن فاک
زلف سناه دانه بر شاه کوستر	زلف سناه دانه بر شاه کوستر

هر تری عقل اول دیوانه کوستر	هر تری عقل اول دیوانه کوستر
عشاقه بار حسنی زین کوستر	عشاقه بار حسنی زین کوستر
صبر و شکی عشق سینه کوستر	صبر و شکی عشق سینه کوستر
زلفه جاله دام دور کوستر	زلفه جاله دام دور کوستر
دانه که بیم داده مستانه کوستر	دانه که بیم داده مستانه کوستر
از روسی دانه سینه کوستر	از روسی دانه سینه کوستر

نار با نظم ناره سینه کوستر	نار با نظم ناره سینه کوستر
اطه کله قبل کستان کوستر	اطه کله قبل کستان کوستر

سحر آله سینه کوستر	سحر آله سینه کوستر
بیم بر سر حسنی و آب کوستر	بیم بر سر حسنی و آب کوستر
الاس درخ می خانی کوستر	الاس درخ می خانی کوستر
کله خینک اوزره خینک کوستر	کله خینک اوزره خینک کوستر
چشم سناه مستانه کوستر	چشم سناه مستانه کوستر
عظمت سینه کوستر	عظمت سینه کوستر

دانش این امر در دل تصنیف اندر
گفته که در خارج تصنیف اندر
بن خط آورده اند در دل تصنیف اندر
و صفی تصنیف اندر

طوبان اشک حسنه چشم تو اندر
ان اشک را در داغ موعود اندر
که در دست سخومی ستانی موعود
خام هم لای بر روی لب تو اندر
رضوان درنده آینه در دیده موعود
صفت سراسر آید عتیق جدی

چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول

چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول

چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول

چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول
چو بین بر آینه کز آینه نظم اول

دستند او جو بزود بود بختی بتر
آتش کده عهده ناله و پری بتر
بنازه بولانی با زانله زوی و پری بتر
ساقه ناهق آینه استند بتر

بختی بتر او خانی
روانه اولی حال صفت شمع خاله
مناظره به محتاج دگر و خالی
لذات کورن ای حور لقا کوی بتر

بگوندیم بزم حالن افسانه اله ایلم
اندک ان افسانه اولو در ره اظهرا

بختی بتر سر زلفیه دیوانه اله ایلم
اول وحشی جزایم بتره بکره اله ایلم
سیرت به خاله به بر و اله ایلم
مب سر بزم سوسو بینه اله ایلم
ظلم بوقی بینه سده مسوده اله ایلم
هر بزم صفا کسره کشته اله ایلم

بختی بتر او بتره
بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر

بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
فانور سه زور اندر بزم بزم بزم

هلال اسایم طایق اسما ایلم
بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر

بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر
بختی بتر حسی بختی بتر

بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم

بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم

بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم

بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم
بظلم بزم بزم بزم بزم بزم بزم

در روز نوبت عتیق مدالی اهل قیاد در روز اول

صد باره او او رسره بریدار به نظر
اول زلف بریتابه که اغوش کشاد

خون جرح خاله که اغوش کشاد	خون جرح خاله که اغوش کشاد
بر سر و جراحی که اغوش کشاد	بر سر و جراحی که اغوش کشاد
هر قطره نسیه که اغوش کشاد	هر قطره نسیه که اغوش کشاد
هر سه هاله که اغوش کشاد	هر سه هاله که اغوش کشاد
بر وقت دورانه که اغوش کشاد	بر وقت دورانه که اغوش کشاد
خوچه او فوایه که اغوش کشاد	خوچه او فوایه که اغوش کشاد

در روز سینه بخوبی دیده اند
بظن تا نوبت در دست لای در

زخاج قیاسی دل شکست لای در	زخاج قیاسی دل شکست لای در
شیران خام خون الله مست لای در	شیران خام خون الله مست لای در
مقال قیاسی که صورت پرست لای در	مقال قیاسی که صورت پرست لای در
سه ماهه جانه که سینه جانه لای در	سه ماهه جانه که سینه جانه لای در

بظن سینه خالی تیغ خنجر دانه که
او خنجر طبع هم می هم واد

که هر که طره اشک برود بناد	که هر که طره اشک برود بناد
دو چشم اندام کرده آن خنجر نام خاد	دو چشم اندام کرده آن خنجر نام خاد
بخت پرست ساق صفتی سینه دل	بخت پرست ساق صفتی سینه دل
سر شک چشم خونیم او آسای در یاد	سر شک چشم خونیم او آسای در یاد
سر مدینه ساله ساله اوله طار آن عشق	سر مدینه ساله ساله اوله طار آن عشق
دل بنداشا که کس ای شوخ در آن و	دل بنداشا که کس ای شوخ در آن و
که سراسر خنجر خنجر خنجر خنجر	که سراسر خنجر خنجر خنجر خنجر
که هر که بر آله فهم اوله خنجر	که هر که بر آله فهم اوله خنجر

بظن سینه سینه سینه سینه سینه
بظن سینه سینه سینه سینه سینه

بند خنجر سینه سینه سینه سینه	بند خنجر سینه سینه سینه سینه
عجسته سینه سینه سینه سینه	عجسته سینه سینه سینه سینه
قیاس سینه سینه سینه سینه	قیاس سینه سینه سینه سینه
بن کرداب عصری بر دانی در یاد	بن کرداب عصری بر دانی در یاد

بظن سینه سینه سینه سینه سینه
استان قوری اهل الله سینه سینه

* جنت خلد در درخت جنت در دل بدست
* صر فیه جسدات و جسدات در دل بدست
* عشرت منیر او لسته در دست بدست

* در درخت آرد همه جنت در دل بدست
* در درخت آرد همه جنت در دل بدست
* در درخت آرد همه جنت در دل بدست

اکسون اول درستان معارف کتم بظن آسا
بدنم بزم حاصل الخاص

در دست جنت ازاد اولاد اولاد بدست
است بر تمام استیج تمام استیج تمام
دادم ستم و سر و سر و سر و سر و سر
که شترین در می کوه و کوه و کوه و کوه
اندین بود چ بود چ بود چ بود چ

اکسون غن غن و صلاک کوه کوه اولاد اولاد بدست
اکسون صند کوه کوه کوه کوه کوه کوه
اکسون خن کوه کوه کوه کوه کوه کوه
اکسون بن کوه کوه کوه کوه کوه کوه
اکسون جنت کوه کوه کوه کوه کوه کوه

بیشتر زار خوندر باقل اولاد ای بدست
وادی مهر و کیمت ساها هی بو لاله در

در واران محبت بر کله هی بو لاله در
سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر
جسد و سر و سر و سر و سر و سر و سر
میتاجای عشق و سر و سر و سر و سر
شاهه نوشک غن و سر و سر و سر و سر

حلقه حلقه حلقه حلقه حلقه حلقه حلقه
دایره سر دایره سر دایره سر دایره سر
هر صلت و سر و سر و سر و سر و سر
همه سر و سر و سر و سر و سر و سر
شاهه سر و سر و سر و سر و سر و سر

اشک در کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه
ماجرای چشمی کوه کوه کوه کوه کوه

عین دلدار ای سر ای سر ای سر ای سر
زلف شکر کوه کوه کوه کوه کوه کوه
خان و دلان بیرون و سر و سر و سر
خار سوی کوه کوه کوه کوه کوه کوه
قوت سر و سر و سر و سر و سر و سر
مقتضای استیجاب کوه کوه کوه کوه

تامت آه نظر قبل بخل موزون بو لاله در
بند انداز زنجیر تیره تیره تیره تیره
کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه
خوش خان و دلان اول و سر و سر و سر
شکر کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه
پر خرد و سر و سر و سر و سر و سر

ای عجز انداز نسیم خالی کتم بظن و شی
منسوب ناب اهل اول است بو در

باعث اوان حرا کوه کوه کوه کوه کوه
جوان اولاد کوه کوه کوه کوه کوه
سندین آمدن کوه کوه کوه کوه کوه
ای عجز نسیم کوه کوه کوه کوه کوه

چنانک رقیه حب فرح با کوه کوه کوه
چشمی کوه کوه کوه کوه کوه کوه
کسوت مشام خان و دل و سر و سر
بر و سر و سر و سر و سر و سر و سر

دست عقیقه که بر پایی می درامد میندر	اینگان حال بر ایشان او شری می نامد میندر
-------------------------------------	--

درون خانه کند زلف خانم میندر
 سر سیر اسیر ای شیوخ بطع اسابین
 داغ سرده میندر دانه میندر میندر

دانه کشی او دانه شاکه میندر	دانه کشی او دانه شاکه میندر
میتز میندر	میتز میندر
فصلی نام که کجند می کاشند میندر	فصلی نام که کجند می کاشند میندر
پخته عقیقه که ساید می دانند میندر	پخته عقیقه که ساید می دانند میندر
آنچه در دل بود با غیب سینه میندر	آنچه در دل بود با غیب سینه میندر
در صفت سگ سگ ای شیوخ جان میندر	در صفت سگ سگ ای شیوخ جان میندر
باغ عقیقه که ساید می دانند میندر	باغ عقیقه که ساید می دانند میندر

طاسی ابتدای پسته طعنک میندر
 طاسی ابتدای پسته طعنک میندر

خوردن پسته که کوه ای کوه میندر	خوردن پسته که کوه ای کوه میندر
پخته عقیقه که ساید می دانند میندر	پخته عقیقه که ساید می دانند میندر
پس ملاح حمله نامور الله میندر	پس ملاح حمله نامور الله میندر
پس ملاح حمله نامور الله میندر	پس ملاح حمله نامور الله میندر
پس ملاح حمله نامور الله میندر	پس ملاح حمله نامور الله میندر
پس ملاح حمله نامور الله میندر	پس ملاح حمله نامور الله میندر
پس ملاح حمله نامور الله میندر	پس ملاح حمله نامور الله میندر

جان افغانسون فودیده دستون تا ایندین میندر
 جان افغانسون فودیده دستون تا ایندین میندر

اطراف طیب شیوخ کل از میندر	اطراف طیب شیوخ کل از میندر
سندان امنیت دلیل دل بوجسه میندر	سندان امنیت دلیل دل بوجسه میندر
دایان تا برزده اول شید میندر	دایان تا برزده اول شید میندر
اول شیوخ مسلمان میندر	اول شیوخ مسلمان میندر

اول شیوخ مسلمان میندر
 اول شیوخ مسلمان میندر

مخبر میندر	مخبر میندر

مخبر میندر
 مخبر میندر

مخبر میندر
 مخبر میندر

طهورات را بر آنجا که آب و گل سپیندازد | بستان تیر حستانه را هفتاد و نه مرتبه بخورد
کوتاهات را بر آنجا که آب و گل سپیندازد | بستان تیر حستانه را هفتاد و نه مرتبه بخورد

* او حستانه جو صله سوزن و خاوا را بخورد
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل

* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل

* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل

* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل و صندل

همیشه هم افسون خواند
احسن بطن است

در راه صافه اطرافه بخورد
در راه صافه اطرافه بخورد

اندر حال مهری سر انداخته بخورد
اندر حال مهری سر انداخته بخورد

سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد
سپهران عجز اوله بخورد

حقا که سناک بطن و سناک بطن و سناک بطن

* سواد سی حلقه کسوی سناهنک *	* هر جی جی شله سی بز نو ر خلدن *
* خانا حرم کعبه ده عنده انکاره کنر *	* بو صورت قنبر د را و نحو بر عینر *
* خال سناک کوشه چشمه کورن دین *	* باقی او با اول کل صون ساغری تا جوشدر *
* سناک که سناک بز نو مهر از ایدن *	* بن مست می عشق مستقیم استا به نکه جوشدر *

دلداره نظر او خان و بر سه نوله عشاق
 زانم خالند و سناک و سناک جوشدر

ایسی می دوشینه بز کسری سناک سناک	ساق او با اول کل صون ساغری تا جوشدر
بزرگ سوار و اولوب ای دل گویند هواداری	بنامه دساز اول کل صون ساغری تا جوشدر
شطر بیج عینده بو قدر او یونک زاهد	بنامه دساز اول کل صون ساغری تا جوشدر
دلداره کوروت اغلیرم ای ماها جوشدر	بنامه دساز اول کل صون ساغری تا جوشدر

* فغانک به بیخه بز نو عشق دلبرده *
 * نظر جم ختم دلم پاره پاره فالشدر *

* سناک سناک سناک سناک سناک سناک *	* همان مساعده روزگار فالشدر *
* خجال چشم بیجان وار قار و دلد *	* او فتنه زینت به ظلم فالشدر *
* کلا کوشه سینه زلفی زلفی دلد *	* خنوب زینت فصل بر سال فالشدر *
* چند ذوق لب خوشناله فالشدر *	* صفای عالم اول باره فالشدر *

نظم بر و اولورسم ختم دلشدر
 بو نو زمین غزل دلشدر

بکاه صحت است درد بندد دوششدر	بکاه صحت است درد بندد دوششدر
قاش خاش سناک سناک سناک سناک سناک	قاش خاش سناک سناک سناک سناک سناک
بنامه عشقه او یونک قنده دوششدر	بنامه عشقه او یونک قنده دوششدر
فینای عشقه او یونک سناک دوششدر	فینای عشقه او یونک سناک دوششدر
بو طرب زنجوب که اول شاره او یونک دوششدر	بو طرب زنجوب که اول شاره او یونک دوششدر
عزیز دانه عشق قند و بندد دوششدر	عزیز دانه عشق قند و بندد دوششدر

نظم بر و اولورسم ختم دلشدر
 بو نو زمین غزل دلشدر

صنوبر ز نور کفر کشته به خجانه آیدن	صنوبر ز نور کفر کشته به خجانه آیدن
اومر ج عینرین لاله کور کور دانه آیدن	اومر ج عینرین لاله کور کور دانه آیدن
کوزلم کوشی کوشی کوشی کوشی کوشی	کوزلم کوشی کوشی کوشی کوشی کوشی
که درد مجره سنج سنج سنج سنج سنج	که درد مجره سنج سنج سنج سنج سنج
فغانک کوشی کوشی کوشی کوشی کوشی	فغانک کوشی کوشی کوشی کوشی کوشی

گورلان ابروی غریبی غمزه زنگار || یا تلمه طلحه کز افتاب زب زنگار

نوبت حرف دهنده دوزخی گویش قبول
او گتم بظلم کسی بیست حاج حسرتی

سپاه سینه اسلحه آماج حسرتی	دانی جزیر اسلحه آماج حسرتی	هرزاد اسلحه آماج حسرتی	وزیر بنو عیسیه روایق حجاج حسرتی
سرسره کل عسکره آماج حسرتی	ره وصاله وادی هجریه دو سینه اسلحه	اوسر و قدومه بوله جلوه آماج حسرتی	فیتیله ریشته کسوی حورا و اور سه دخی

بظلم اول شاه حسنه نامه از بنو بنگار
مرگم تیر نه بوله قلعه اسلحه حسرتی

بیم مستانه کرم بزم اسلحه حسرتی	تاسف تله و لشی چشم خنده اسلحه حسرتی	پشایی صنم کج اسلحه حسرتی	دو چشمه در افق هر بر قدمه اسلحه حسرتی
بیم مستانه کرم بزم اسلحه حسرتی	تاسف تله و لشی چشم خنده اسلحه حسرتی	پشایی صنم کج اسلحه حسرتی	دو چشمه در افق هر بر قدمه اسلحه حسرتی
بیم مستانه کرم بزم اسلحه حسرتی	تاسف تله و لشی چشم خنده اسلحه حسرتی	پشایی صنم کج اسلحه حسرتی	دو چشمه در افق هر بر قدمه اسلحه حسرتی
بیم مستانه کرم بزم اسلحه حسرتی	تاسف تله و لشی چشم خنده اسلحه حسرتی	پشایی صنم کج اسلحه حسرتی	دو چشمه در افق هر بر قدمه اسلحه حسرتی

خرعه سحر ایله عذراک بظلم
احسان ناب در با صهیای بیتی کندیم

حجلی سنبل اول ایلی زلف مشوش کندیم	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم
حجلی سنبل اول ایلی زلف مشوش کندیم	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم
حجلی سنبل اول ایلی زلف مشوش کندیم	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم
حجلی سنبل اول ایلی زلف مشوش کندیم	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم

رهای سحر مقتضود اول بظلم
رهای سحر مقتضود اول بظلم

کوشه کوشه آرا تله کشته عینت وقتیدر	قدرة ابره کز دل بیور بدیدر حاجت وقتیدر	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم
کوشه کوشه آرا تله کشته عینت وقتیدر	قدرة ابره کز دل بیور بدیدر حاجت وقتیدر	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم
کوشه کوشه آرا تله کشته عینت وقتیدر	قدرة ابره کز دل بیور بدیدر حاجت وقتیدر	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم
کوشه کوشه آرا تله کشته عینت وقتیدر	قدرة ابره کز دل بیور بدیدر حاجت وقتیدر	سوزنازه که به چشم خیم آتشی کندیم	خیم کرم صحرای زلف مشوش کندیم

شوق رخ کار روز و شب ای کل عذراک
ویردی بظلم بظلم مردم نهام عسره در

میتاده دگر ای قایق اسلحه مردم نهام عسره در
کسریه کسریه آماج حسرتی

* انجمن خندان خندان *
 * انجمن خندان خندان *

* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *
* انجمن خندان خندان *	* انجمن خندان خندان *

عقد لایال و بنسده روا نظر که انجمن
 سالت بیتا که کوهی معنی سالت

سند سیراب تاب بخار خون دیده در	سند سیراب تاب بخار خون دیده در
دل سید که عشقه معنی طبع دیده در	دل سید که عشقه معنی طبع دیده در
یهوده صده قدی هلال خندان	یهوده صده قدی هلال خندان
پیکان تان لاج خندان	پیکان تان لاج خندان
بات که عبقه خنده در دیده در	بات که عبقه خنده در دیده در
انجمن خندان خندان خندان	انجمن خندان خندان خندان
حرف وصال که خندان خندان	حرف وصال که خندان خندان
قد حقه خندان خندان خندان	قد حقه خندان خندان خندان

دلم سید سیراب تاب بخار خون دیده در
 دل سید سیراب تاب بخار خون دیده در

عالم ارواح خندان خندان	عالم ارواح خندان خندان
بزرگدلی خندان خندان	بزرگدلی خندان خندان
داجی خندان خندان خندان	داجی خندان خندان خندان
بوت سیراب تاب بخار خون دیده در	بوت سیراب تاب بخار خون دیده در

بنه زبان زبانه و زبانه و زبانه
 انجمن انجمن انجمن

همان صلا می خندان خندان	همان صلا می خندان خندان
اوست خندان خندان خندان	اوست خندان خندان خندان
کسی به شام اولم بزرگدلی خندان	کسی به شام اولم بزرگدلی خندان
عزال چشم شام اولم بزرگدلی خندان	عزال چشم شام اولم بزرگدلی خندان
است وصال الله خندان خندان	است وصال الله خندان خندان

در آنجا که طوطی که از آن آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر	در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر
--	---

نظم آسار وادار ساخته بخوش چشمی
زین دانه سر و دم در دانه می یوقدر

در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر	در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر
---	---

نظم خور و خور خور و خور
نظم خور و خور خور و خور

در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر	در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر
---	---

* چنانچه در کتب
* چنانچه در کتب

در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر	در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر
---	---

* چنانچه در کتب
* چنانچه در کتب

در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر	در آنجا که بر آینه می یوقدر سازد که بر آینه بماند و بر آینه می یوقدر بوی و بر آنجا که بر آینه می یوقدر در آنجا که بر آینه می یوقدر
---	---

خاله خوراک ساق سوزان
خاکه خوراک ساق سوزان
خاکه خوراک ساق سوزان
خاکه خوراک ساق سوزان

خاکه خوراک ساق سوزان
خاکه خوراک ساق سوزان
خاکه خوراک ساق سوزان
خاکه خوراک ساق سوزان

بشکاه شاعر عشق او لب ای شه سوار حسن
بشکاه شاعر عشق او لب ای شه سوار حسن

صفت سون برین بزی برین او را
صفت سون برین بزی برین او را
صفت سون برین بزی برین او را
صفت سون برین بزی برین او را

بکاف بر طرف بختین باغ وصلات کندر
بکاف بر طرف بختین باغ وصلات کندر
بکاف بر طرف بختین باغ وصلات کندر
بکاف بر طرف بختین باغ وصلات کندر

بشکاه شاعر که هر چه روز سوز بود نظر او
بشکاه شاعر که هر چه روز سوز بود نظر او

سرافه غرق اندر در عظم بدست انجان
سرافه غرق اندر در عظم بدست انجان
سرافه غرق اندر در عظم بدست انجان
سرافه غرق اندر در عظم بدست انجان

مگر کتم و عدل کون و عدل اطفا
مگر کتم و عدل کون و عدل اطفا
مگر کتم و عدل کون و عدل اطفا
مگر کتم و عدل کون و عدل اطفا

بشکاه شاعر سلیقا بق بق معاشد
بشکاه شاعر سلیقا بق بق معاشد

وصال بقده خاندان استریش اول قلا
وصال بقده خاندان استریش اول قلا
وصال بقده خاندان استریش اول قلا
وصال بقده خاندان استریش اول قلا

دیده ای عاشق شوریده خاک و آینه بوقدر
دیده ای عاشق شوریده خاک و آینه بوقدر
دیده ای عاشق شوریده خاک و آینه بوقدر
دیده ای عاشق شوریده خاک و آینه بوقدر

بشکاه شاعر سیم سیم و شکر زرد و اولاد اولاد
بشکاه شاعر سیم سیم و شکر زرد و اولاد اولاد

عرب عین حقیقه تا شای خالگر
عرب عین حقیقه تا شای خالگر
عرب عین حقیقه تا شای خالگر
عرب عین حقیقه تا شای خالگر

حاج آس درون سینه زده کینه بوقدر
حاج آس درون سینه زده کینه بوقدر
حاج آس درون سینه زده کینه بوقدر
حاج آس درون سینه زده کینه بوقدر

از چشمت اگر اولی زاده باز هون چنگر اول عجز اول خنده باز شده ملک خاندان داد باز گفته چون صف صفاست بافته باز	در این بزم عجزی عاشقین هون چنگر اول عجزی خنده باز هون چنگر اول عجزی خنده باز عجز او عجزی سحر از افسانه باز
---	---

شبهه تا عجزی باز دل عجزی با طعم
عجزی عجزی اگر اولی است باز

از جنه زان اولی اولی است باز چشم شیر کفایتی او عجزی است باز مژه عجزی تو که تا خنده باز را کل بر شکر اولی است باز	از عجز اولی اولی است باز چشم شیر کفایتی او عجزی است باز مژه عجزی تو که تا خنده باز را کل بر شکر اولی است باز
---	---

حقان بطن عجزی اولی اولی است باز
اسلوب بیان اولی است باز

از باری هر که بگریه صدق باز جور شیرین بر آینه چشم باز هم بوش می عجزی اندر عجزی باز پرتال بستان اولی اولی باز چشم کجی بر عجزی و عجزی باز خان و بر عجزی فانی باز	از باری هر که بگریه صدق باز جور شیرین بر آینه چشم باز هم بوش می عجزی اندر عجزی باز پرتال بستان اولی اولی باز چشم کجی بر عجزی و عجزی باز خان و بر عجزی فانی باز
---	---

ولادری بی عجزی باز عجزی باز
عجزی عجزی عجزی عجزی باز

عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز	عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز
--	--

وصف عجزی عجزی عجزی باز
عجزی عجزی عجزی عجزی باز

عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز	عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز عجزی عجزی عجزی عجزی باز
--	--

بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است
هزاره خاک فغان سر سده او او زور

بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است	هزاره خاک فغان سر سده او او زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است	هزاره خاک فغان سر سده او او زور

هر قدمه سر سده فانی پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

هر قدمه سر سده فانی پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است
هر قدمه سر سده فانی پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

سواران سده سده ای که ای پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

سواران سده سده ای که ای پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است
سواران سده سده ای که ای پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

عشر سده رازده سده ای که ای پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

عشر سده رازده سده ای که ای پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است
عشر سده رازده سده ای که ای پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

پوز و زور سده ای که ای پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

پوز و زور سده ای که ای پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است
پوز و زور سده ای که ای پوز و زور	بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

هنر خور خور عشق آینه بواره آزاد	که طبع دل در جی درسی بنور نظر
استمرازی دل بواره قید بندیدن	بناه او زلفی جگر اندر جی بنور نظر
سرسرک کز به کمال احتیاج داغ دل	او دلدار کز بنور جی بنور نظر
کج و کجی وعده و صلاک عاشق آینه	سنگه سینه کز بنور جی بنور نظر

بناظر
 کز دلدار کز بنور جی بنور نظر
 بدودینه کز بنور جی بنور نظر

که دلدار بهمان اوله که دیده شده	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر

خانی و برز اول عاشق هجورده فاله
 ای شوی بینه عشق آینه ایستک

ساقی ساقی صوم دم اوله بزم طریقه	خالم می و خنک و بی وطنه فاله
روشن ده روز کز بنور جی بنور نظر	زین کز بنور جی بنور نظر
سختی و صحت کز بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	اول سنگه کز بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر

دیر بخت عاقل تازی حرف نانی بطنم
 قیاس کز بنور جی بنور نظر

بنور جی بنور جی بنور نظر	اوله کز بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر

خندان جنده اوله جنده سی قیاس اوله
 خنوع عشقه لایق اوله بطنم

صلاحت عشقه دیواره عشق	ادانی ناله اوله ناله اوله
سنگ کز بنور جی بنور نظر	بنیان سینه اوله سینه اوله
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	بنیان سینه اوله سینه اوله
کز بنور جی بنور جی بنور نظر	کز بنور جی بنور جی بنور نظر

بظنم کو برونه زرد رنگه صفه عساق
 واران اوشه حسن الخون سانه نازلم
 عجمی

جونه نشانه سینه ای سینه ای گلیک آیه نازلم خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی بزبانان و برونه سگی اسطی اسطی اسطی اسطی بنویس خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی ویک ایله آیه نازلم حخته سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه جرات خاکی طر ح ولسی ولسی ولسی ولسی ولسی ولسی ولسی ولسی
--

* ذکاء اوقات طعی اینه زبهار نظم *

هر که سانه شهتر عادت دوشین * بو سینه صوره قیامت دوشین * رشگلر خان وده انسه عیبت دوشین * براندن دخی خاکی عیبت دوشین * هر زمان برینه بهارنکی حسرت دوشین * آه گیم قدر کنده نوبت دوشین * د راه افرا که کنگی بطل خاکی دوشین * فامک خاکی را ایتدخه زمان اولر کیم * سنی اغیار آیه کور و خنجم اولر خاکی * حصد اولر کیم براندن کفیلر * خاکی خاکی آیه کیم آیه کور و صانده * اسناقی فاکک دو خده هر صده مدام *

بظنم بظنم ساده عدل و اولسه و خهی وار
 حسن ادا سی خاکی و خاکی و خاکی حسن

سنت الیه نشوته سی نازلم * ستا سی او حلسک نازلم * ساطان عشق هنیه انداز نازلم * اجرای عقلی شی نازلم * عشقک حریف نازلم سی نازلم * اشراقان مهر و خفت خویس او اور * بر عاشیق سدا سی سانی جهان ایدر * بخوحه اینه بربستان سطن و رمز *

او خام نازلم کفین قدم بدست نازلم
 بظنم دفعه ای ایتدک آیه نازلم

بویس خاکی نازلم ایتدک آیه نازلم * خاکی نازلم ایتدک آیه نازلم * خاکی نازلم ایتدک آیه نازلم * خاکی نازلم ایتدک آیه نازلم * اولر سینه طری بوله دستان لیلی و بخون *

بظنم ساجی بچن دی نازلم
 بظنم خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

فزون سی سینه دهم کل اوکیم حسانه کیم فزون سی سینه دهم کل اوکیم حسانه کیم فزون سی سینه دهم کل اوکیم حسانه کیم

* ستاره سینه که چاه گنگ در آن دیده است *	* ستاره سینه که چاه گنگ در آن دیده است *
* ای خسر و جوان سپهر گنگ در آن دیده است *	* ای خسر و جوان سپهر گنگ در آن دیده است *
* فتنه گنگ در آن دیده است *	* فتنه گنگ در آن دیده است *

* اما سینه که سینه است که سینه است *

* خورشید سینه سینه که سینه است *

* که قیس سینه سینه که سینه است *	* که قیس سینه سینه که سینه است *
* برون چنگ از آن سینه که سینه است *	* برون چنگ از آن سینه که سینه است *
* چه سینه و چه سینه که سینه است *	* چه سینه و چه سینه که سینه است *
* سینه سینه که سینه است *	* سینه سینه که سینه است *

* برون چنگ و سینه که سینه است *

* مانند سینه که سینه است *

* هم زخم که سینه است *	* هم زخم که سینه است *
* که سینه که سینه است *	* که سینه که سینه است *
* صوفیه که سینه است *	* صوفیه که سینه است *
* می خورم که سینه است *	* می خورم که سینه است *
* آینه که سینه است *	* آینه که سینه است *
* آینه که سینه است *	* آینه که سینه است *
* آینه که سینه است *	* آینه که سینه است *

* شاعر صاف سینه که سینه است *

* وصف زلال سینه که سینه است *

* کشتی گوی که سینه است *	* کشتی گوی که سینه است *
* خنجر که سینه است *	* خنجر که سینه است *
* طوطی که سینه است *	* طوطی که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *

* تیغ که سینه است *

* سینه که سینه است *

* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *
* سینه که سینه است *	* سینه که سینه است *

اولادك ائمه قصداك اگر بزرگه ائمه
تاكي دل عزت اوله اوله اوله اوله اوله

سدر اوله عجزه دلك آه ائمه
بوعی در كه قانده ز بخردانكه دو شوب

قرب خوراك بتر پشت اظهت
ای حری و حبه چنان مقدر

مهرشرف بزج آستان مقدر
سرو جومان استاگان مقدر
قالبه روان كاروان مقدر
ای سقا قریبان خان مقدر
راشته جوار جران مقدر
مرشله مسرود اول مكل مقدر
خاله میغان ایشان مقدر
کوه گنجینه بهایان مقدر
بوسته درناستایان مقدر

ای مده بزج افغان مقدر
چهارم مقدر

بزم القدر ان افق حله
به عجز تا به اوله ائمه

آه اندر ستم الله آه ائمه
دل عدیده به در جوان و به پندار مقدر
قدح دینه به دل مقدر
بوعجزی باج خجند الله
اولدی شهرت مقدر
بینه بوقدر بوقدر مقدر

آه ائمه
دل عدیده به در جوان و به پندار مقدر
قدح دینه به دل مقدر
بوعجزی باج خجند الله
اولدی شهرت مقدر
بینه بوقدر بوقدر مقدر

سلب عقل ایتدی اظهت دل
عذر آسوده اولوب اولوب

* روزگار ایتدی بینه بینه مقدر
* او دو انروی ائمه در کار مقدر
* ایشاندی خور و خور ائمه مقدر
* دل شنده بهان دردم وار مقدر
* بوعجزی باج خجند الله مقدر
* دل شورو بده ائمه مقدر
* اولدی بزم طلب هر سوی بازا مقدر
* ائمه خردی و هوشیار مقدر

* ائمه خردی و هوشیار مقدر
* اولدی بزم طلب هر سوی بازا مقدر
* دل شورو بده ائمه مقدر
* دل شنده بهان دردم وار مقدر
* بوعجزی باج خجند الله مقدر
* دل شورو بده ائمه مقدر
* اولدی بزم طلب هر سوی بازا مقدر
* ائمه خردی و هوشیار مقدر

خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس	خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس
--	--

طرح خجندی حسن ادا حسن ادا حسن ادا
طرح خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا

خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس	خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس
--	--

خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا
خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا

خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس	خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس
--	--

خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا
خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا

خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس	خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس
--	--

خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا
خجندی قیس حسن ادا حسن ادا حسن ادا

خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس	خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس
--	--

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

موت صحتی بود نظر دور یافته
موت صحتی بود نظر دور یافته

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

دوستان دوتی
اگر خانه سابق سینه خانی
و از روزگار آری
و در دورداد و فتنه
دوستان دوتی

صفت او کوی گوید به نده ان پادشاهان
 در عین وقت که در این پادشاهان
 در عین وقت که در این پادشاهان
 در عین وقت که در این پادشاهان

مظهر کوی قول اوله در سوز ای بیستم
 در نظر سالک مسافر و اولی اویش

سوز کوی اویش عند و نور و جود عند و نور و جود	عند و نور و جود عند و نور و جود
---	--

رواد غیره صفت خاصیت نظر ای دل
 در موی کوی بوی کوی بوی کوی بوی کوی

عند و نور و جود عند و نور و جود	عند و نور و جود عند و نور و جود
--	--

نظم است فراغت است و دل دستور است
 ای ساقی ساقی ساقی ساقی ساقی

عند و نور و جود عند و نور و جود	عند و نور و جود عند و نور و جود
--	--

نظم است کل پادشاهان و پادشاهان
 اوله اوله اوله اوله اوله اوله

عند و نور و جود عند و نور و جود	عند و نور و جود عند و نور و جود
--	--

کنم جنات چشم کشنده بهان این

تک دل و خاتمه خردانند بهان این

نظم درخندوب حسن انانی وصف اگه
نظم درخندوب حسن انانی وصف اگه
نظم درخندوب حسن انانی وصف اگه

صدق بفرمان مرده بر ما

خاک حرم عشق غنی گشته

تا اثر عشق حق بوی گل

چشم سبزه روز از آل آینه

خور و خورده عاشقه مهر و قامت

شبنم فرسوس کشتن حسنک

سودای عشق غنچه خاطر کشا

ایندی می زلال جانجی

بر مبتلا کداسی شاه جهان

رخسار کی کور بخه ناله

الته خوش کلور بکار

رنگ رخسار بر مرغی

صدا بفرمان مرده بر ما

خاک حرم عشق غنی گشته

تا اثر عشق حق بوی گل

چشم سبزه روز از آل آینه

خور و خورده عاشقه مهر و قامت

شبنم فرسوس کشتن حسنک

سودای عشق غنچه خاطر کشا

ایندی می زلال جانجی

بر مبتلا کداسی شاه جهان

رخسار کی کور بخه ناله

الته خوش کلور بکار

رنگ رخسار بر مرغی

صدا بفرمان مرده بر ما

کنم جنات چشم کشنده بهان این

تک دل و خاتمه خردانند بهان این

نظم درخندوب حسن انانی وصف اگه
نظم درخندوب حسن انانی وصف اگه
نظم درخندوب حسن انانی وصف اگه

صدق بفرمان مرده بر ما

خاک حرم عشق غنی گشته

تا اثر عشق حق بوی گل

چشم سبزه روز از آل آینه

خور و خورده عاشقه مهر و قامت

شبنم فرسوس کشتن حسنک

سودای عشق غنچه خاطر کشا

ایندی می زلال جانجی

بر مبتلا کداسی شاه جهان

رخسار کی کور بخه ناله

الته خوش کلور بکار

رنگ رخسار بر مرغی

صدا بفرمان مرده بر ما

خاک حرم عشق غنی گشته

تا اثر عشق حق بوی گل

چشم سبزه روز از آل آینه

خور و خورده عاشقه مهر و قامت

شبنم فرسوس کشتن حسنک

سودای عشق غنچه خاطر کشا

ایندی می زلال جانجی

بر مبتلا کداسی شاه جهان

رخسار کی کور بخه ناله

الته خوش کلور بکار

رنگ رخسار بر مرغی

صدا بفرمان مرده بر ما

طوبت خاطر جزایک ای خای منجان خوش	دلنرا تمی وصال یقینم خاد موفوق
صاف است و خورشیدهای در آنکس خوش	باق زلف مشکها من کور خاد اول نای
صافدی زدی خای بندر نگار خوش	قد بلند بن اولسم دیدم هم دار
خاموشی کوی خای خیم جان خوش	مغر بند برک اولگه اولدی نای خوش

شکری زلفه خویق و قال اولدی انظم
 یجان خط زخمه وک سنجی تیشی

دندان نای کل را عیش و عیبه سندر	که بر می معجز سینه سینه دن تیشی
جنال قالی چشم زده در تارک	در وین خویده کویا که نور تیشی
طرفه طرفه و خطک کویه کویه عالی وار	بزار باغ نای خیم خیم تیشی
عداز تارک و زره خط عین شکر تیشی	بنفشه در آهه آهه تیشی

عاشقانی مراد زور و زار تارک بو تیشی
 انظم جا که اولگه جان راه اولگه

که بیوه سینه و نای عین زار تارک بو تیشی	صفا نای بی دلان سؤال طه زنه سار
نای عین خیران اختیار تارک بو تیشی	وصالی دل شیدا و مست نای تارک
کوی و نای عین کوی تارک بو تیشی	شیراب حسنه سر کرم اولوب خورن قوساقی
بو آب و نای وک نای تارک بو تیشی	چند روزه نای کل کوی تارک بو تیشی

انظم شرد شرد صلی وصال
 انظم چشم عاشق سانه صغه سینه

بر فاجنه او سر و سر افرازه صغه سینه	زلفه دل او بخنک بل بندک بر آیدری
بر آینه در او زور و سار صغه سینه	اول زور درون دانه بینه خون عشق
بنا به تارک نای صغه سینه	اول مست خیم عشق و اله الادی دل
ستر عدل که بینه شهنانه صغه سینه	مستی عشق حو صله رانه صغه سینه

چهره نایظم دانه دن مظهر فایق
 کوی اصول درونی خیم زده نایظم

استاد عشق نای بده نایظم	جفا دی دمدم بواله اولسه کویه
زخم زلفه اوسته خیم نایظم	نای و قیسی کوی نای نای نای نای نای
طوب طوب بنفشه لی کوی بده نایظم	سینه نای خط لعل او حور و عین نای
خای قی رازی که کوی بده نایظم	اولگه نای افامی در دانه نای نای

انظم سینه سینه سینه سینه
 جان حسوده ریشه کل داغ و دم قومس

انظم سینه سینه سینه سینه
 ساقی خیم خای کویا که سینه قومس

بشکرت کرد از آن حشمتی شست و شوی و گدازد عرض	خان عطا شد آن عصانه آب و جوی در آن عرض
خونش در آن طبع آنگاه سرنگ	گلدان سحر و جود و جوت و گدازد عرض
افزایشند سزایک ذات سحر سحر گدازد	عین سحر گدازد سزایک سزایک گدازد عرض
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	مهر او در آن سزایک سزایک سزایک سزایک
از او ننگه و سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

کل پیش ای خصم هست که تاج آمدن
 و باک آمدن از آن گدازد

اول به حسن انانیت و سزایک سزایک	خان را در عفت سزایک سزایک سزایک
خوب زمانه گدازد سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

مزم مقصود انانیت است اول آن ای نظیر
 سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

سال سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
 سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

اول سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک	سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک
 سزایک سزایک سزایک سزایک سزایک

و چون تا زین تا زین روز در حدی حافط
دیدند زین و عدو زین دست و پا حافط
خوهر و عهده حاکم اولدی ایتدی حافط
که اولدی عین بی بی انک از روز ایتدی حافط

بویله براسه اولسه ای رسول کبریا حافط
میان سخن و دوزخی ایتدی ایتدی عارف
سروشان و عظامه عظامه ایتدی حافط
خطیب منیر اولدی سنسن فارس و اولدی الله

نظم کلیه افسانه مشیری اولدی
فناگه بزکون آفرینی خاری ایشاط

بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

هفت بخت جنون گشت ایست ز بزر بختی
اولسقی بر بدت ر قسقه ه فایه عتیقه

خان کر دینه سجی سلسله عتیقه	خارجی جنون کرده بخرم بخرم عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه

خارجی عتیقه منیله در عتیقه
خارجی عتیقه منیله در عتیقه

خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه

خارجی عتیقه منیله در عتیقه
خارجی عتیقه منیله در عتیقه

خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه

خارجی عتیقه منیله در عتیقه
خارجی عتیقه منیله در عتیقه

خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه
خارجی عتیقه	خارجی عتیقه	خارجی عتیقه

* ایتمی دل زلفه او و طهارت مطلق | منصور وین اولش اوست انداز مطلق

سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی
و چه طری و اردو طری طری سنجین بزوانه شیوق

سرد زنده شیوق نشووه می دلده کی انداز شیوق	سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی
بزه یاد کن کتور شیوق مجدم بزوانه شیوق	سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی
بزم صحنه داده و بزم مستانه هه آغازه شیوق	سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی
تازه صند اندیشه کلور کورنیزه شیوق	سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی
و بزمده مطهره بنه بی مطرب طرازه شیوق	سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی
کله کله کله انداز نهل نهل نهل نهل نهل شیوق	سیر اندوب مراتب ناری کله ای ایتمی

ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
فنجی دم صبح الله صبح اولدو کله ناله شیوق

می خنده بزوانه شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق

ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
حل اولدی کله ناله شیوق

قواره جوی اولدی اولدی اولدی	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
هه دردی اولدی اولدی اولدی	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
دردی اولدی اولدی اولدی	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
کله ناله اولدی اولدی اولدی	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق

ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق

ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق
ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق	ایتمی ظاهر اولدو کله ناله شیوق

* ایشنگاهک عقیق	* ایشنگاهک عقیق
* عالم بقایوت کتبه سرا	* عالم بقایوت کتبه سرا
* یک خوش و خروش اولسه دریا خیرم یوق	* یک خوش و خروش اولسه دریا خیرم یوق
* هم ناکه ده برنج ل ایشل خیرم یوق	* هم ناکه ده برنج ل ایشل خیرم یوق
* دیوانه به دوش دل شیدا خیرم یوق	* دیوانه به دوش دل شیدا خیرم یوق
* اولسه قینه قیاس ایشه بی مریدم چشم	* اولسه قینه قیاس ایشه بی مریدم چشم

ایتمسنگاهک عقیق
عالم بقایوت کتبه سرا
یک خوش و خروش اولسه دریا خیرم یوق
هم ناکه ده برنج ل ایشل خیرم یوق
دیوانه به دوش دل شیدا خیرم یوق
اولسه قینه قیاس ایشه بی مریدم چشم

اول طایر و حیوانی هله لاله یوق	اول طایر و حیوانی هله لاله یوق
اول حال کتبی کوشه منجه ده یوق	اول حال کتبی کوشه منجه ده یوق
کور در کتبی ایشه ده برشته ده یوق	کور در کتبی ایشه ده برشته ده یوق
اول کوهی بر دل کتبی و برانه ده یوق	اول کوهی بر دل کتبی و برانه ده یوق
اسرا در راه کتبی لاله یوق	اسرا در راه کتبی لاله یوق
سودای حیوانی دل دیوانه ده یوق	سودای حیوانی دل دیوانه ده یوق

اول طایر و حیوانی هله لاله یوق
اول حال کتبی کوشه منجه ده یوق
کور در کتبی ایشه ده برشته ده یوق
اول کوهی بر دل کتبی و برانه ده یوق
اسرا در راه کتبی لاله یوق
سودای حیوانی دل دیوانه ده یوق

بزرگ صفت عشفه	بزرگ صفت عشفه
صا حقی کهر اشک	صا حقی کهر اشک
اشک کوشه منجه	اشک کوشه منجه
اول ماله کتبی عشفه صد	اول ماله کتبی عشفه صد
سوق روح نار الله کوب خوش و خروشه	سوق روح نار الله کوب خوش و خروشه
اول ماله کتبی عشفه صد	اول ماله کتبی عشفه صد

بزرگ صفت عشفه
صا حقی کهر اشک
اشک کوشه منجه
اول ماله کتبی عشفه صد
سوق روح نار الله کوب خوش و خروشه
اول ماله کتبی عشفه صد

اول ماله کتبی عشفه صد	اول ماله کتبی عشفه صد
دشمنه حقا کتبی	دشمنه حقا کتبی
بوقدن کوشه منجه	بوقدن کوشه منجه
ای کوی کتبی عشفه	ای کوی کتبی عشفه

اول ماله کتبی عشفه صد
دشمنه حقا کتبی
بوقدن کوشه منجه
ای کوی کتبی عشفه

* آوزم سره سینه	* آوزم سره سینه
* کتبی سینه اولسه	* کتبی سینه اولسه
* زلفی ایشه اول مست می تاز علق	* زلفی ایشه اول مست می تاز علق

* آوزم سره سینه
* کتبی سینه اولسه
* زلفی ایشه اول مست می تاز علق

اولسوی سینه عاقلی خاکی خاکی خاکی
آتش سوزان بی خالی خاکی خاکی خاکی
دایج دایج اولدی دل لاله خاکی خاکی خاکی
خنج آب و شکر اولدی خاکی خاکی خاکی
اره حسره دل او لوقه استر خاکی خاکی
سرسره سینه در اصد خاکی خاکی خاکی

خسین آتشی عشق خاکی خاکی خاکی
قلب سخت در ناله عشق خاکی خاکی خاکی
سپاسدوب حال رنج رنج عذاب رنج رنج
بچه پرور حسن تاره تاره کرم سون
اولدی استرک مثال شاه دست تار
در کتبتا انجون امواج اولدی

چند کلری تایی تالیه انلسون ریحان
بغیر آساکر زانل جوش انلسون

سراقتیره اولدی اولدی استرک
دوچه خاطر مور سندان اولدی استرک
بوگون و اطراب اولدی استرک
سری خج خج خج خج خج خج خج
جهانده کون کون کون کون کون کون
قول اولدی سینه سینه سینه سینه
دمدم روم روم روم روم روم روم
اگر خاله سر تادم خان اولدی استرک

وجود کون اولدی استرک
کند لطفه عتقا شکر اولدی استرک
فنا سن و هم اندر کن لایقا افغانه درک
صفا و حدی کل سینه فانه سندن کون
سوزک قیراطه سوزک سینه سینه سینه
علاقیه ناله خاکی خاکی خاکی خاکی
کوکری آتی اولسون عکس عین عین عین
ایق خاکی اولدی سینه سینه سینه

گلکه عتاده قومه خان بطنی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی

اکل لمرکه که کور لورک
سلطان جهانده جور و اورد
مد و الهی شیه نام و لورک
وی خج خج خج خج خج خج خج
هر و خج خج خج خج خج خج خج
آینه اولدی خج خج خج خج
ای کوی خج خج خج خج خج خج
شیراه پندار اولدی خج خج
ای ذات سرف سرف سرف سرف

ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی

ساک صورت اولدی جلوه شاه معنی
برقعی الله مستم که بطنی

کسی اویری خاکی خاکی خاکی
بختانه آینه در اصلا خج خج
کندی دل سوزده خج خج

اولدی او قدر عتاده خاله سغول
بن عالم خج خج خج خج
برسله موقدینه دوشدی خج خج

اول آینه رخسار آینه دیدار کور شد
انگوشه غلامی دیده دل را کور شد
تکرار او را سبب محرم اسم کور شد

طو حی کخی سوزاندی بجای کور شد
مستقیم چشمم کجایم بخدمه در
اینست بوی که دی دل شکر می شکر

حاشا بر این دلبسته او اسقده انظر
حاشا بر این دلبسته او اسقده انظر

امواتی استانی استانی استانی
خون بزرگ جزای کسب استانی استانی
اول سر و گردن آینه مستانه کور شد
دایم صدق خفا عرقه کور شد
اما کجاست که خنده خانه کور شد
شکر کیم کیم کیم کیم کیم کیم

را کس صفت او استانی استانی استانی
عشق بزرگ جزای کسب استانی استانی
الاول سر و گردن آینه مستانه کور شد
دایم صدق خفا عرقه کور شد
اما کجاست که خنده خانه کور شد
شکر کیم کیم کیم کیم کیم کیم

ناری افلا که خیرت دیده و صفتی بظنم
شاه زهره دلنرم و در دیده رک

اولی مهیون بکاشک کوزی آهوی دیده رک
روز وصله شب شعر که آهوی دیده رک
دادا کدن ستان ای غریبه و بر دیده رک
قوه شهنشاه و استون او استون دیده رک
مائل اولم انکه اول کسب دیده رک
بانه یوز یوز دیده رک

دو شدی دل را کس کوزی آهوی دیده رک
سرفه سامان اولور بر کوزی آهوی دیده رک
که هند اولم روز قیامت دیده رک
داده صون تینج بکاشک کوزی آهوی دیده رک
بوی که بر تینج بکاشک کوزی آهوی دیده رک
خوی و پشیم بکاشک کوزی آهوی دیده رک

کرم اولوب غلمی عقل داد غریبی انظر
داعندوب را کس روی دیده و در دیده رک

کلی ای دل پرده نوبت ساقی ساقی ساقی
ارغشته غراب اولای کجای دیده رک
کویا کویا کویا کویا کویا کویا
بانه در دانه دانه دانه دانه دانه
دور قانوس قانوس قانوس قانوس
استانی قلک یوق بوق دیده رک

بوی کیم کیم کیم کیم کیم کیم
بختی دردی اول مستی از هون
ابتدی آوازه کویا کویا کویا کویا
بسته سوسه سوسه سوسه سوسه
کوسه سوسه سوسه سوسه سوسه
اهل دل دانه دانه کیم کیم

عشاقه کجاست که او سقده انظر
لازم دکلم او سقده انظر

اول کلین کجاست که او سقده انظر
زیر هادان تان خنده خنده دیده رک

کیم کیم کیم کیم کیم کیم
کیم کیم کیم کیم کیم کیم
کیم کیم کیم کیم کیم کیم
کیم کیم کیم کیم کیم کیم

بود طاغوت هفت انگار مندم سینه عشق
تنگ آسای غنمی خون اشکله وضو ایسم

سنگ عشاقه تعظم خون بر لب عشق	به کسور بر بقدری جای کرم کرم عشق
دوا آید خنده و ناله اولده آب عشق	غیب آید به عالمی در مشرب عشق
بوی دنیوا راه دله دونه خا خا عشق	بوی دنیوا راه دله دونه خا خا عشق

اول ماه کوثری از یون شهر بظنی
بکاره کسان هر یک در او زو ایتدک

بزم کمال و مملو بزم آید ایتدک	فرها راه دله بر کوهده آواز ایتدک
کشته او بوی آینه ایتدک	مانند کز بر خنده جازه ایتدک
آیا که زلف سیه سیه ایتدک	مجموعه خان و دله شیرازه ایتدک
آه اده اظن آینه آه ایتدک	ماتد کز بر خنده جازه ایتدک

بظنی کوشم که مدی بر آینه موقوف
هیا که ساز آینه کی کسسته تا آینه مملدک

به در با بزم اولدی به ایچرا آید ایتدک	به ناه شیطانه اندیشه ایتدک
به ناری سینه به خا خا ایتدک	به سیر باغ به کلاکت ایتدک
به ناری سینه به خا خا ایتدک	فلاکت کز مکر اولده های ایتدک
به ناری سینه به خا خا ایتدک	به ناری سینه به خا خا ایتدک

دک سینه جگر عارضه او مملدک
بظنی دفتر آملر در آینه دوشردک

سینه دلی کرد آب اضطرابه دوشردک	او کج و عیب و بی پروای جزای دوشردک
بندد کمال دکلر دلی شیرابه دوشردک	سینه صوابی کویا که ماهتابه دوشردک
سینه دلی کرد آب اضطرابه دوشردک	او مست بخون بر حالت آله جوازه دوشردک
بندد کمال دکلر دلی شیرابه دوشردک	کند طره سنی بیخشی عتابه دوشردک
سینه دلی کرد آب اضطرابه دوشردک	بندد کمال دکلر دلی شیرابه دوشردک
بندد کمال دکلر دلی شیرابه دوشردک	سینه دلی کرد آب اضطرابه دوشردک

حال دل هر حاله دلداره بظنی
ایدم بنه اشعار آله اشعار رشدک

شب آینه غنمی بزم انصار کوشردک	ما بزم کز مدی دل در کوشردک
خا	بن بلبل اولوب اول کل بخت کوشردک
خا	خا

* اختاره اوله بن اوله ميراثه *
 * كجاي اوله بن اوله ميراثه *
 * كجاي اوله بن اوله ميراثه *
 * كجاي اوله بن اوله ميراثه *

بتر آهك اير ايتري هدفه موقوفه
 قديمه كشته ايتري اوله بن اوله ميراثه

بتر آهك اير ايتري هدفه موقوفه
 قديمه كشته ايتري اوله بن اوله ميراثه
 قديمه كشته ايتري اوله بن اوله ميراثه
 قديمه كشته ايتري اوله بن اوله ميراثه

بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه

بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه

بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه

بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه

بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه

بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه
 بقوله اي بطي هم اوله بن اوله ميراثه

* کور خرد سی فرق اندوه کنده خانی خان *

* سینه سده ساس کور خرد خانی خان صندک *	* پیکر کور خرد خانی خان صندک *
* مرغ دلی نسیه خرد خانی خان صندک *	* معینه خانات بادی بولادی اوصیان *
* ای دینده خاسدی سیدی خانی خان صندک *	* زبهار صقین سوده لاس سستیز *
* باعث خرد و اندوه و افلا خانی خان صندک *	* خرد خرد و اندوه و اندوه خانی خان صندک *

* مثل آیتدک او کوسوی کوهنگه بظنیا *

* داج دل سوزانی خانی خان صندک *	* پیکر کور خرد خانی خان صندک *
* ای خرد خرد خانی خان صندک *	* خرد خرد خانی خان صندک *
* خط انگی سینه سیدی خانی خان صندک *	* ویرمیش خنستان رخ با کور خرد خانی خان صندک *
* خرد خرد خانی خان صندک *	* دور و اولدی بر خطه خانی خان صندک *
* بن بیل شوریدی خرد خرد خانی خان صندک *	* کور خرد خانی خان صندک *
* خرد خرد خانی خان صندک *	* آ سحر ماله سینه سیدی خانی خان صندک *

در بیغ ای پادشاه ملک از اغیاره یوز ووردک
بظنیم تکرسی آرزو اندر دورد خرد خانی خان

بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *

بظنیم خرد خرد خانی خان صندک *

بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *
بوردک خرد خرد خانی خان صندک *	بوردک خرد خرد خانی خان صندک *

* اولور بلدر رینه سی سا کرد قارک باک *

* دیوانه انلی بی شکل ویشک باک *	* ای خرد خرد خانی خان صندک *
* دیوانه انلی بی شکل ویشک باک *	* دیوانه انلی بی شکل ویشک باک *

سنان جگر خندانک و باشک و طوطی کل و بلبل
 عراق ساق لب و بزم و ناک و نای و خام و دل
 عذرا و بزم جگر و صبر و قند و زعفران و جود و سنبل
 کل و غنچه سینه لاله سال و جود و سنبل

السلام ای شایع امت نظام عازم
 خرمینی عفوایت بحق ریشه شایان رسال

بادشاه سلطان دیوان رسال
 پرتو نور جدر و شمع شینستان رسال
 عزت شایق فراهم دامن رسال
 تاجزین سلطان سلطان رسال
 ماه بدر اینها مهر در جستان رسال
 جواهره علم الدین شمع درستان رسال
 ظلال راحت کسب کفر و دل و جان رسال
 اینها سر و سری سر جلاله جوان رسال
 السلام ای خسر و اورنگ ایوان رسال
 السلام ای رخسار مشک بزم کبریا
 السلام ای مظهر او لاله شاه اینها
 السلام ای شایع و صلیب قوی حق
 السلام ای نور شرف سعادت پیروی
 السلام ای کلمه حقیقه وجود کل
 السلام ای رایت عفویت سایه سی
 السلام ای میزان امت و عفویت یوان

اولم کی کور دنگه نظم زاروش
 باغال خلوه بجزا جرماتک سناک

دل اسیر دام زلف عین اسفا سناک
 سینه در دوده دود خج اسفا سناک
 بزم جوده جوده خاک سناک
 سینه سوزان سوزان سوزان سناک
 خان فدای جگر سیر سیر سناک
 سینه سوزان سوزان سوزان سناک

طایفه کار آتشی بظلمت سناک
 ایش تا ش اول شک و شک سناک

کوی دل خویش زلف بر شایع سناک
 مهر سناک طبع آتشی کوی سناک
 باغال اولم و لولم و سرب و سرب سناک
 آفتاب آینه دار روی رخسار سناک
 هر کورین دیدار کوی بر کوی سناک
 شاه سال چنین زلف عین اسفا سناک
 عاقل و جان خنده آفتاب زلف سناک
 بزم کبریا و لولم و سرب و سرب سناک
 اولم و لولم و سرب و سرب سناک
 آفتاب آینه دار روی رخسار سناک
 هر کورین دیدار کوی بر کوی سناک
 شاه سال چنین زلف عین اسفا سناک

* دیوانه نظم کجا سناک *

سورت هفتی حج ایله حج ای کوئی
سورت اول بطور اول ای کوئی

حقیقه بر کوه بگاری اول ای کوئی	خانی گنج سینه کله بهایان نام دلمی
سین هان کله حقیقه حاج اول ای کوئی	از بیستان حقیقت عاقبت سرت ادر
وادی دشت عتباته اول ای کوئی	بنسینه فیراک قیل قیامت صیدی
سجده کس گنج زوسر اول ای کوئی	کرده کن کون بون بون اوله جوق بندون
جسده و عتباته اول ای کوئی	اوج ایستغاثی بر صیبت ختامت
هم تبه کل تار چشم تار اول ای کوئی	بای نای هم دوشوب خاک تار اول ای کوئی

ایله طین ایله ساهی سجده ایله نظر
اهوان دشت حسناک سرده دین کوئی

برخان ابرو کله مشقی ایچین کور	بیر عشقه کله نوله سوراج سوراج ناسه
طایر عشق الهی ایچین کور	افت عشق ایچین حقیقت دور دور
شوله بر سر بند سهره ایچین کور	هر قور و بی تاب سرت وین رسنا خیر در
بر سار آمد نو حور واک ایچین کور	دیوه دن دلان نوله صله سه عین عشقه
بر خندان بر کتایک ایچین کور	عزیزه خلاص جوان جوقدن زان اولور
مهره شاک رشاک طایق ایچین کور	عینه عشقه کله بر مهره کور

سورت لایله سجده ایله نظر تار وین
قیس ایلی مبتلا وار نسه حنک کور

کیرت ایطاره عشاق سدر کور	سرت حسین تار مانع برده ایطارا در
عاشق اولوق اوله سجده حنک کور	نارهنه بر کله ای نوسر و سار مانان کور
گوی سلی جورده حور کور	حالک عشقه کور کله حال اوله نوله
هم اوله کله سار اوله کور	هم سار دلم زلف و حال اوله کور

* حین حین ایله دخی تار و عتباته کل
* ایله ایله ایله دخی حین ایله ایله نظر

* اوراق ایله تار اوله کور	* گویا کله سرت شاکت ایچین اوله کور
* زاری عتباته ایله کور	* سحر کور اوله سرت شاکت کل سحر
* حاله عشقه کور ساری ایله کور	* نایل حال اوله کور دایج دایج رشاک
* بزم حین کور کل	* سرت شاکت کل ایله کور

حین و طره دلدر دل وصال و خیره خیره کل
سحر شاکت و سرت شاکت ایله نظر و عشق

دل دین دین زلف سینه حال چشم خط رخسار صدف دوردوج دایق اوله کور

* دوكلى دنده مردن به سزايه دل
 * سزايي جون جگر در خاني آره دل
 * غنمي بوس لب دلبا و سوازه دل

* سزاي صحنه علواني كنجي جسم
 * او غلجه او را سزايه هر دم
 * هنوز حقه اهلان در نظر آره دل

تا آنچه و پردي عهتي خيل خون نظر
 سلطان عشقه ملك اوله لي بختك دل

دل آه دل
 هر سزاي سزاي اوله عذر جواد دل
 پريه طاه اولدي صحنه كور سداره دل
 قتل طالق اير و انكي خي سينا دل

سینه صدمه صحنه داغ و آه در دوردن
 اوله هلاک خي سزاي سزايه
 سزاي طمعي زلفه منع اولدي او حال
 اوله سون و زلف جگر ايرك دل

* نيز سزايه دره دره دل
 * نيز سزايه دره دره دل
 * نيز سزايه دره دره دل

* كلار عذر زنده دره دره دل
 * بزم خويده خام و سوزنده دل
 * اجزايه حكم طمعي خورنده دل
 * پي ادا و خي روي پروردنده دل
 * جون جگر تا كوله دره دره دل
 * آرام و راحت عدوه دره دره دل

* خون ترانه شايه نيم اكي بلبل
 * بن عشقه انا اب اوله بزم عشق
 * بزم و قدی كور سزايه صحنه همان
 * طوعی بنا اوله اوله بزم صحنه
 * فدا بويوتوب قربان بنده او عهده
 * آواره لگنه برك و بودنده دل

* خلاصه برون لغو ز دل
 * اولش نظر بزم خي خي خي
 * اولش نظر بزم خي خي خي

* اولسه غنمي سزايه روز دل
 * ناه سزايه آه ماب تاب روز دل
 * كلامه بزمه مین مین روز دل
 * جناح غمزه اوله بینه خاك روز دل
 * اخلاصی تینداده كوله كوله روز دل
 * بخاله ريزان لب فریاده سوز دل

* دوشه سزايه سواد ظلمه عین ادا
 * خورشید سزايه سواد ماهی گل آخته
 * الزم روز و نوحه سزايه سزايه
 * برایش خورشید سزايه سزايه
 * كنانك آه چشمی آینه كهر تار
 * تا تیر عشق كنج اوله آینه سزايه دل

بخت نامی حیف و در دگر نامی
 بخت نامی حیف و در دگر نامی

له بزم آینه كنجي غنمي كور سزايه دل
 قناتك طالع سزايه كور سزايه دل
 كل اميد آخو ريز كور سزايه دل
 میان خنده خالق كور سزايه دل

دشمن او سزايه چشم آینه كنجي
 دمام آینه كنجي چشم آینه كنجي
 به دست سزايه ناهیه فیه سزايه
 دم سزايه روزگار كور سزايه دل

خواجه نو به صرعی بر اهل دل کوشی انانی
 نارسول الله سلام کترنگین نظر

نظم
 نغمه فرمائید که عند کترنگین نظر
 حضرت مهر رخ ماه چینه نظر
 ای نیکو جانم ز کترنگین نظر
 بزبان کوشی ناز و حیرت نظر
 از زبان کوشی ناز و حیرت نظر
 عطر خوی کوشی ناز و حیرت نظر
 جز من خود کوشی ناز و حیرت نظر
 جانای الی و احسان کوشی نظر
 بزبان کوشی ناز و حیرت نظر
 حقیقه در کوشی ناز و حیرت نظر
 شایع افسوس کوشی ناز و حیرت نظر
 جا کوشی ناز و حیرت نظر
 اول کوشی ناز و حیرت نظر

نظم
 نغمه فرمائید که عند کترنگین نظر
 حضرت مهر رخ ماه چینه نظر
 ای نیکو جانم ز کترنگین نظر
 بزبان کوشی ناز و حیرت نظر
 از زبان کوشی ناز و حیرت نظر
 عطر خوی کوشی ناز و حیرت نظر
 جز من خود کوشی ناز و حیرت نظر
 جانای الی و احسان کوشی نظر
 بزبان کوشی ناز و حیرت نظر
 حقیقه در کوشی ناز و حیرت نظر
 شایع افسوس کوشی ناز و حیرت نظر
 جا کوشی ناز و حیرت نظر
 اول کوشی ناز و حیرت نظر

تو آمدن از طرف و مهر در آینه نظر
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله

هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله

هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله

* دلداد اوله چشمه زینار ای نظم *
 * بزوزه شیر سوخته آه و کلر اول *

* کوشی ناز و حیرت اول *
 * خط سینه اول کوشی ناز و حیرت اول *
 * کوشی ناز و حیرت اول *
 * کوشی ناز و حیرت اول *

* کوشی ناز و حیرت اول *
 * خط سینه اول کوشی ناز و حیرت اول *
 * کوشی ناز و حیرت اول *
 * کوشی ناز و حیرت اول *

* سحر جاف او اول و سرور خنده سحر کل *

* تیرا و عیشم خرم قافله نام *
* معرای مجتهد . نظر ای بجه دمدن *

* تیرا و عیشم خرم قافله نام *	* معرای مجتهد . نظر ای بجه دمدن *
* وادی ستایان جنون بی سرمدن *	* سودای سرسرای آله ساسله نام *
* کندخه مدید اولسه خیزی ره عشق *	* سرکسته دشت حکم راجله نام *
* اولسه عتاب کلمه کلمه نام *	* بن یواکله خان و بر مکی ده ناوله نام *

* بو فو نظر مستخر مدن نام *

* بو فو نظر مستخر مدن نام *	* معجزه سخن اندرک بوندری اندر ای بجه نام *
* کورن جنات بولور اوج آله رخسارک *	* اوشوچ روح مهر و بند نام *
* دکل و خط و نوری حسن و خجند *	* صنایع و شام بزم نام *
* شکر طریقه مدن اول جنین آله اولزه *	* خسوف ماه منور نام *
* قیام قائم طویا مدن او حور و شک *	* نیت ناز منور نام *
* اوست نازده آله رخسار خط ای *	* خط کتابه سازه نام *
* لنده خط معجزه مدن نام *	* سواد سوره سوره نام *

اه کتم مست می سهو و خطای ای نظر
خرم فی در پی انشم کلم کلم دمندم

عزیم چنین زلف اندک کز دیک دیار مجری	ای گوئی بز مجری تار ای بو را ده دمندم
خط رخسار کوروب مرآت می ایلم	زبان عالم بسته دود سناه دمندم
الذبی بز سوره سن اولدی خط او در با	کل بیورن آله او کشتند سناه دمندم
عاشقه کده دشت کوه ساره حکم اندر	کوردم عشق و عینت کجی خاه دمندم
عزیمین حال رخ میخی مویج اولور	ایلمن چون دم دند سناه دمندم
ایلم رخساره ناره نگه دمندم	هر نگه دمندم آینه ایلم دمندم

طوطی طبع اندر ای شکر افشا بق نظر
انگسار قلب مجنون شاه اولم

عاشق دمندم نام صهنای صهنای	عاشق دمندم نام صهنای صهنای
تار خرم آله سحر ایتری می مضرب جنون	دمندم طنبور و پیر زنجیر پودش اولم
ایلم زدی قائم کجی کشته دور زور کل	هاله و اوش اولماه طالع اولم اوش اولم
خاک خاک اولدی اولدی سینه سینه خرم کدم	کل کجی حرف و صلاه کلاه کوش اولم
زانه کده دلداسته اولدم سینه سینه رخسار ای	خنده دندای تار سکه دمندم اوش اولم
آله ایتری می عشق کله پودش اولم	کشف اسرار ایلم دمندم سینه سینه اوش اولم

کندی کوئی او لمیہ اولو نازی کرمی

* ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
* ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

* ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
* ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
* ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
* ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

در صلاک و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

و صلاک و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک
ای طمانی منی و صلاک و صلاک و صلاک

مخام	مخام

مخام
مخام

مخام	مخام

مخام
مخام

مخام	مخام

مخام
مخام

مخام	مخام

مخام
مخام

مخام	مخام
مخام	مخام
مخام	مخام

* عیشة کز مریخه خاتون استم *	* کرم و برق اندام و قندمان در کون می نام *
* سترگ و انار کوب و مهورای ماه سینه خنده *	* برون کون در کون سبزی بو سبزی و سبزی *
* مهربان اولوب پشیمان شیخ سینه استم *	* نامم سکا اولم حال دل سوز نام *

* دریشان استم * اظه عالم فوجی عالم *
 * دمه انا و استم بطهران آشته بوله *

* آری افسان و نولور جنبش دایمان استم *	* اولم افسان و نولور جنبش دایمان استم *
* دمنم اولم سینه سینه احسان استم *	* اولم سینه سینه احسان استم *
* اولم سینه سینه احسان استم *	* اولم سینه سینه احسان استم *
* اولم سینه سینه احسان استم *	* اولم سینه سینه احسان استم *

* استم * علاء بقی کل مسم *
 * استم استم استم استم استم استم *

* بد بتر درد هفتده حانق دکل مسم *	* استم استم استم استم استم استم *
* انصاف سالی سالی سالی سالی سالی *	* استم استم استم استم استم استم *
* مانتد صبح عاشق صابق دکل مسم *	* استم استم استم استم استم استم *
* قریبان اولدکم سکا عاشق دکل مسم *	* استم استم استم استم استم استم *

* استم استم استم استم استم استم *

* سفته بولدی جالی روز رولر جالی بنه نام *	* استم استم استم استم استم استم *
* بن اربوی بن استم کسم بنی بنه نام *	* استم استم استم استم استم استم *
* قبول اولم بنی بنی بنی بنی بنی *	* استم استم استم استم استم استم *
* سناه مهن جنوم بنی بنی بنی بنی بنی *	* استم استم استم استم استم استم *

* استم استم استم استم استم استم *

* قیون عینه سینه سینه سینه سینه سینه *	* استم استم استم استم استم استم *
* طریقی عینه سینه سینه سینه سینه سینه *	* استم استم استم استم استم استم *
* بود سینه سینه سینه سینه سینه سینه *	* استم استم استم استم استم استم *
* بد عینه سینه سینه سینه سینه سینه *	* استم استم استم استم استم استم *
* قیلان و ناله معانه کورد کورد کورد *	* استم استم استم استم استم استم *
* عیار قالی بنی بنی بنی بنی بنی بنی *	* استم استم استم استم استم استم *

* استم استم استم استم استم استم *

واری و بر سه بوله زنده می دستم استم
 اکساور خیر طله اظه بقیده استم

عقل انسان عظیم روزگار مدین صفتین	چشم طوطی شیرین و درون پانچ و در مدین صفتین
آتش سینه آیه قرب خوار مدین صفتین	عاشق سینه سینه شکر بار مدین صفتین
روز اول و اول سینه سینه مدین صفتین	روز اول و اول سینه سینه مدین صفتین
همه از همه عمیق اول و اول سینه سینه مدین صفتین	همه از همه عمیق اول و اول سینه سینه مدین صفتین

دود و روغن سوجان در واه در نظر
 حال ساهی اول و اول سینه سینه مدین صفتین

کسبه نوله مشام ده می پوی صفتین	خواران صفتین اول اول اول صفتین
خاری بیقیه زارده بر روی صفتین	پانچ رخت سینه سینه صفتین
لاقی اول و اول سینه سینه صفتین	پانچ رخت سینه سینه صفتین
رخساری او و او سینه سینه صفتین	پانچ رخت سینه سینه صفتین

اول و اول سینه سینه صفتین
 لاقی اول و اول سینه سینه صفتین

پانچ رخت سینه سینه صفتین	پانچ رخت سینه سینه صفتین
ای ریشک سینه سینه صفتین	ای ریشک سینه سینه صفتین
اول و اول سینه سینه صفتین	اول و اول سینه سینه صفتین
پانچ رخت سینه سینه صفتین	پانچ رخت سینه سینه صفتین

مهر می هر ریشک پانچ رخت سینه سینه صفتین
 گوشت رخت سینه سینه صفتین

کار اصل عشق سینه سینه صفتین	گوشت رخت سینه سینه صفتین
صوت بلند مظهر کوه سینه سینه صفتین	صوت بلند مظهر کوه سینه سینه صفتین
اول و اول سینه سینه صفتین	اول و اول سینه سینه صفتین
پانچ رخت سینه سینه صفتین	پانچ رخت سینه سینه صفتین

پیش رویه در پانچ رخت سینه سینه صفتین
 چمن پیشانی فالور انجام مانتا مانتا

مدد ای سالیان ای ایه آتش از آتش برسی	هلاک اولم دخی ای خیره جلا برسی
مدد ای سالیان ای ایه آتش از آتش برسی	مدد ای سالیان ای ایه آتش از آتش برسی

* جویان زبانه شعله آتش عینان سبب *
 * ادق بظلم باغ جند بوظنه عینان سبب *

* یوی وفادان ای زکی بصلت سبب * * بن نستانه عاقله کف عاقله سبب سبب * * حقا که شهر حیرت و باغ سبب سبب * * سحر الله هر کجاده خاد بود بر سبب سبب * * جوسر و مستحق جنت اندر بر سبب سبب * * بو گو سز که کند که خارا سبب سبب *	* شکر ز کرم حسرت اولور بزل دل * * ال ویرسه طایفه نوله ذوق و صلت * * ای باغشاه گونگی مشهور است نوله * * عمره تافت سوزنده چشمکی مقبول اندر * * نبض آشتای درد دل و خان آنگرینه * * آینه به باغچه ندهن شکر سبب *
--	---

بقرقل خطیر الله بظلم اول عارضه اله
 بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی

کدیر شکرده مهره کوه در کوه بوی بوی سبب بر نشانان زلف سبب سبب انده فواره طوفان آتش خجندی مشرق صبح ملاح امت الله کوه سبب طایع اندر مال مهره طایع اول مهر و	سقاظ دره و اولو طایع عرض اندر سبب در کوه بوی بوی سبب بر نشانان زلف سبب سبب انده فواره طوفان آتش خجندی مشرق صبح ملاح امت الله کوه سبب طایع اندر مال مهره طایع اول مهر و
--	---

خست و جوانی ای خطیر الله بظلم اول عارضه اله
 بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی

دل شکرده مهره کوه در کوه بوی بوی سبب بر نشانان زلف سبب سبب انده فواره طوفان آتش خجندی مشرق صبح ملاح امت الله کوه سبب طایع اندر مال مهره طایع اول مهر و	کوی عاقله کن بوی بوی سبب دل شکرده مهره کوه در کوه بوی بوی سبب بر نشانان زلف سبب سبب انده فواره طوفان آتش خجندی مشرق صبح ملاح امت الله کوه سبب طایع اندر مال مهره طایع اول مهر و
--	--

خطیر الله بظلم اول عارضه اله
 بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی

خست و جوانی ای خطیر الله بظلم اول عارضه اله بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی	خست و جوانی ای خطیر الله بظلم اول عارضه اله بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی
---	---

خست و جوانی ای خطیر الله بظلم اول عارضه اله
 بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی

خست و جوانی ای خطیر الله بظلم اول عارضه اله
 بر ایا ای کردی وقتید سر لب جوی

مات غیر باقده ای آینه من کورن
به جرعه جام داده دوپشته من کورن
کل گنجی خاک بوی پشته من کورن
بزرگه محشر اولادن آینه من کورن
دل گنجی صاف کورن گنجینه من کورن

صد باره قلده سینه سی سینه من کورن
مستانه بخته تاب خمار لاولور
حیرتله اولدی جامه سینه دوز رشک
ازاده طهر حاصل دستان عشق قدر
باقوت آفتاب سنجی سنجک طمن آفر

خط سینه پراستی یا ضی دفر حساب
نظم اوله سینه سحر کور حساب کورسون
نظم

چار دفعه صحنه شایسته کورسون
مدام بزم خجسته خون تاب کورسون
البد ای آینه من کورسون
که خله برنگه کر سله کورسون

فراق اهل آبل آبله شراب کورسون
سروشک آله اولسون قونای سینه لایب
فنا بده اوله دملر که عصه ساق برنگ
اودکل دی دلمه عه و کورسون ایش عشق

اساقه سونسان یان اولدر که همواره
نظم کلاهی یونله سحر آفر کورسون
نظم

هلاخت خسته بر خوش و موج انگیز کورسون
هسان عاق و وجودن دوش آفر کورسون
سرمه یوسفی اسیره دوزخ کورسون
بزرگه بوشی نام از دن پهن کورسون

مدد عذر بسونون با نایب عشق ای جوی
خه ای قدری سینه سینه کجونه
اول کلام آینه سحر آینه کجونه اول عشق
و حاله اولور بزمه حیرت کورسون

خیزدن اول ایلدک امید وصالین
دلمردن ای نظم عشق استر استر
نظم

باق لغز می خجسته کورسون
سیر کورسون
عشاقه عشق استر استر
بزم خجسته کورسون

کور قامت خجسته می کوش آله تاله می
باق خجسته کورسون
ای فانی کورسون شراب استر استر
الز منسن کورسون

نظم کلاهی بیرویه جامه استر استر
نظم

سکندر طبعی کورسون
وفا بینه خجسته کورسون
سکندر کورسون
قوری صورت از دوزخ کورسون

همان کورسون
بینه بر آینه واردر کورسون
نشاط دل سرور شور و شاد بیدن کورسون
همان کورسون

فته روزگار و او را بخیر می بخشد آنرا که
سوی او را می آید است می عتاب آنرا

به شاه و به کلاه او را بگردانی
بظنه برشته و زانکه در آنرا

بصیرت و صفت او را بدانی و او را بدانی
بهارستان و عهده هزاره دل بول در آنرا
دل شو بیدار آینه عالم عالم در آنرا
خوب و بد ما به نام عالم در آنرا
عزت عبادت مکتوبه در آنرا
اسما به آینه کلامی مددی تا خدا در آنرا

کوسر و عمارت و صفت و برای در آن
بویله کو تا کون اشکالی بظنه کوسرین

سحر چشمگر بی بخون شنیدن کوسرین
حسنتی ای عقیقه کل کجی کل کوسرین
درد او در سار نه بعضی کل کوسرین
مردم چشم بزم شکل سوید کوسرین
هاله در خطه در کوسرین
وارس کوسرین
حلقه حلقه زانگی زنجیر کوسرین
کون می آینه فانی کوسرین

* شاهد بظن بویله کو تا کوسرین *
* کو به کو به حلقه الفاظ فیض عهده *
* شاهد بظن بویله کو تا کوسرین *

عقده حقا رسد اوله عقده کوسرین *
عقده در عین عین عین کوسرین *
هر نظره عین عین کوسرین *
عین عین عین عین کوسرین *

مقدار ذره آینه ماهره ماهره ماهره
چونین ترانه کمال کمال کمال کمال
طبع بظن ماهره ماهره ماهره

فصل در بیان احوال و حاله آنکه
فصل در بیان احوال و حاله آنکه

بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم	بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم
--	--

فصل در بیان احوال و حاله آنکه
فصل در بیان احوال و حاله آنکه

بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم	بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم
--	--

فصل در بیان احوال و حاله آنکه
فصل در بیان احوال و حاله آنکه

بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم	بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم
--	--

فصل در بیان احوال و حاله آنکه
فصل در بیان احوال و حاله آنکه

بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم	بند اول بند دوم بند سوم بند چهارم بند پنجم بند ششم بند هفتم بند هشتم بند نهم بند دهم بند یازدهم بند بیستم
--	--

اسماء بنت ابی طالب

صفتی ای بوده و الا هات و زلف چنین چنین	خبر در جمعه اولی که در کربلا
خبر ای سگندار عقیقه آه آشتین	بگوشه سینه بزرگترین بزرگوار مهر الله
سوی اولدوسون البته آه و آه و آه	بوی آه و آه و آه بوی و آه آه و آه
سوی اولدوسون البته آه و آه و آه	بوی آه و آه و آه بوی و آه آه و آه

چنان صفتی بود
اوله صفتی بود
چنان صفتی بود
اوله صفتی بود

خبر صورت دهانین مراد الله و ما بین	خبر صورتی اوله و آه و آه
متابع صبری در دیده بگوشه خانبه	متابع صبری در دیده بگوشه خانبه
بلی اندر مرده مرغی آه آه آه	بلی اندر مرده مرغی آه آه آه
که تیر تیر بگوشه خطی آه آه آه	که تیر تیر بگوشه خطی آه آه آه

چون در دو سینه سینه و آه و آه
در آه و آه و آه

جلاص اوله و آه و آه	جلاص اوله و آه و آه
روادری گمشده خام شرم خورشید و آه	روادری گمشده خام شرم خورشید و آه
دعای حسنی سوسنی زانین چنان	دعای حسنی سوسنی زانین چنان
اندیشه و سنانی در سینه و آه و آه	اندیشه و سنانی در سینه و آه و آه
کند فرط چنین عیان آه و آه	کند فرط چنین عیان آه و آه
خجندی گمشده جان و آه و آه	خجندی گمشده جان و آه و آه

او ما طلعت آله رو بروی او بقدر
بظلم ساده درونک آه و آه

چنان چنین آه و آه	چنان چنین آه و آه
او و آه و آه و آه و آه	او و آه و آه و آه و آه
چنان چنین آه و آه	چنان چنین آه و آه
چنان چنین آه و آه	چنان چنین آه و آه

بها در آه و آه و آه
بها در آه و آه و آه

خبر آه و آه و آه و آه	خبر آه و آه و آه و آه
خبر آه و آه و آه و آه	خبر آه و آه و آه و آه
خبر آه و آه و آه و آه	خبر آه و آه و آه و آه
خبر آه و آه و آه و آه	خبر آه و آه و آه و آه

* انباشت بر وانه بی عشق آتشک بی زبان
* انگش آتش در عشقه اوله واه دانستان
* بزنگش آتشی اول اوله اول ناهه زبان
* اصل شکل ریز و زلف سرده زانک دایران

* انباشت شمع منیر بر می زری سرده دان
* کوسر و سوزن عشا بر زان سرده کون انزوران
* دوداه سرده زانک عاشر سیر انباشتوب
* لوطی خانگی کوهی خاموش که گویند

* احد مرز کاکرتین انزوانین نظیم
* قصه خان آتشی او جونی تیر عشقه در زبان

* انگی زانک او تیر عشقه آتشی استی صنعی مستغان
* دام زلف و دل خانه اول عشقه تیغ جویستان
* ناهه لب ساقی ساقی ساقی ساقی ساقی ساقی
* اشک خود دل عدلیه حسن و دل سترستان

* صحنه حستانه دلدارک دلدارک دلدارک
* صد انچه دل مرغی صناد چشم درنا
* دل انچه دل سوزن آتشی سینه سینه سینه
* فصل سیرنا بی کلکشت بهاری بنیم

* بار اولدی دلدار نظیم
* قدر کوهی سستی کاهه کاهه کاهه

* دوستی هوس اعانه مستانه کاهه کاهه
* اول شمع زانک غمینه بر وانه کاهه
* اسب وصال آتشی مرده کاهه کاهه
* اول طریقه کاهه کاهه کاهه کاهه
* قیفا آتشی جوی نایب و زان کاهه کاهه
* کوه صاخره اطرافه و زان کاهه کاهه

* بغلندی کوکی زلفه دیوانه کاهه کاهه
* هر عشق بزد و زان آتشی کاهه کاهه
* همه جوی نایب آتشی کاهه کاهه
* آتشی کاهه کاهه کاهه کاهه
* آتشی کاهه کاهه کاهه کاهه
* آتشی کاهه کاهه کاهه کاهه

* نظیم زانک جوی کلدی وای کاهه کاهه
* نگاهه کاهه کاهه کاهه کاهه

* فغان نایب کاهه کاهه کاهه کاهه
* هزاره جوی نایب کاهه کاهه کاهه
* ایمنی دخی تیر کاهه کاهه کاهه
* همیشه حال کاهه کاهه کاهه کاهه

* جهان کاهه کاهه کاهه کاهه
* کاهه کاهه کاهه کاهه کاهه
* کاهه کاهه کاهه کاهه کاهه
* همیشه خاطر عشق کاهه کاهه کاهه

* آتشی بی غمی کاهه کاهه کاهه
* طبع نظیم کاهه کاهه کاهه

* دیوانه کاهه کاهه کاهه کاهه
* حال کاهه کاهه کاهه کاهه
* بزم چشم کاهه کاهه کاهه کاهه
* دل مبتلا بی اول شه کاهه کاهه کاهه

* کاهه کاهه کاهه کاهه کاهه
* کاهه کاهه کاهه کاهه کاهه
* کاهه کاهه کاهه کاهه کاهه
* کاهه کاهه کاهه کاهه کاهه

خلاص اولدی دوشدن دایر دوزلف عنبریندن

دوشو در کلاله و سولتای اشک از اهل اسیر

فان بنامه هسته صحت بر آرد سوالتون	بنا اولی بیهوشی و کلاله و سولتای اشک از اهل اسیر
دکتر بونیزه کرم صمدی مستور سوالتون	اوشو و جلد مستور بجز مستور سوالتون
اوبوب هو به عالم کرم سوالتون	اقتاد است که نام خانم و اولی کرم سوالتون
هله کرم سوالتون	مخت نامه بختی و کرم سوالتون
عده کرم سوالتون	باعتدای اجزای حسلی است و سوالتون
یونک کرم سوالتون	باعتدای اجزای حسلی است و سوالتون

به نام آیتون بظن نام بر خطه
به نام آیتون بظن نام بر خطه

به بر زنده مهر رخسار آیتون	به بر زنده مهر رخسار آیتون
به جنود بر خسته سوالتون	به جنود بر خسته سوالتون
به بر بلبل چند و در آیتون	به بر بلبل چند و در آیتون
به دل دل آیتون بر خسته سوالتون	به دل دل آیتون بر خسته سوالتون
او که با خرم آیتون	او که با خرم آیتون
دگر آیتون در آیتون	دگر آیتون در آیتون

سوالتون بظن نام بر خطه
سوالتون بظن نام بر خطه

کرامت ملا محمد و سوالتون	کرامت ملا محمد و سوالتون
احسنت بهی قوت با سوالتون	احسنت بهی قوت با سوالتون
اولی سوالتون	اولی سوالتون
هر سوالتون	هر سوالتون

سوالتون بظن نام بر خطه
سوالتون بظن نام بر خطه

مشکور در دهنم اناس طیب اشقان	مشکور در دهنم اناس طیب اشقان
عزیزه خادگی بر دهنم اشقان	عزیزه خادگی بر دهنم اشقان
دوستی سوالتون اشقان	دوستی سوالتون اشقان
عالی سوالتون اشقان	عالی سوالتون اشقان
بر صدم اشقان	بر صدم اشقان
بزه اشقان	بزه اشقان

سوالتون بظن نام بر خطه
سوالتون بظن نام بر خطه

* نظر عارض انگار چشمه زیروب *
* مبادگانم خاک انجمن ایدرن *

* او هر دستار بنام اجتناب ایدرن *	* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *
* طلسم دلمه دوتیج دستار ایدرن *	* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *
* در راه بار سده سیراب ایدرن *	* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *
* در وقت دوشوق شرمه ماه رخساری *	* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *

* سخن طمع سیراب ایدرن *
* خواهی سیراب ایدرن *

* کینه دانه دوشوق شرمه ماه رخساری *	* سواد دیده جور شد و هاست ایدرن *
* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *	* عجزه غری خاک ایدرن *
* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *	* بنام حیره رنگی سیراب ایدرن *
* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *	* صیاح صیاح دوشوق شرمه ماه رخساری *
* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *	* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *
* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *	* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *
* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *	* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *
* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *	* کله خشمی لبز لب اول ایدرن *
* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *	* درون راهی بود اج اضراب ایدرن *
* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *	* پناه دیده می خون دل سیراب ایدرن *

* دستار نظمن کل در افتاده صوفیون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *

* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* دستار نظمن کل در افتاده صوفیون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *

سیر خصال بار الله قانع سیر زای نظمن
جوان و صال دلمه دیده آرزگون

* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *
* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *	* یاد کلامی ز کورن قبول اولون *

نظمن شامی مجریم اولمون بولمون
هنوز فوضی الهی به مظهر اولمون

هر آن که بخندد او خوشتر است از آن که گریزد
چرا که گریزان در روز قیامت گریزان است
و بخندان در روز قیامت بخندان است
و گریزان در روز قیامت گریزان است
و بخندان در روز قیامت بخندان است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است
بوی که در میان مردم است

مگر ایستار آید صبح هدایت آرسول الله	مگر ایستار آید صبح هدایت آرسول الله
مگر اطفال آید اشک آید آرسول الله	مگر اطفال آید اشک آید آرسول الله
کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله	کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
اندلسی مظهر عین عتبات آرسول الله	اندلسی مظهر عین عتبات آرسول الله
مگر ذلتگاه آرسول الله رسالت آرسول الله	مگر ذلتگاه آرسول الله رسالت آرسول الله
چهار زبان ایوان شریعت آرسول الله	چهار زبان ایوان شریعت آرسول الله

مگر ایستار آید صبح هدایت آرسول الله
 مگر اطفال آید اشک آید آرسول الله
 کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
 اندلسی مظهر عین عتبات آرسول الله
 مگر ذلتگاه آرسول الله رسالت آرسول الله
 چهار زبان ایوان شریعت آرسول الله

تا خیمه می آید منور می آید آرسول الله	تا خیمه می آید منور می آید آرسول الله
باشند آید روح روح آرسول الله	باشند آید روح روح آرسول الله
دو چشمی رخساره زلف مغنیر می آید آرسول الله	دو چشمی رخساره زلف مغنیر می آید آرسول الله

تا خیمه می آید منور می آید آرسول الله
 باشند آید روح روح آرسول الله
 دو چشمی رخساره زلف مغنیر می آید آرسول الله

آفت خان آید اولان جهان آرسول الله	آفت خان آید اولان جهان آرسول الله
شکر خان گنجی وارنیه جهان آرسول الله	شکر خان گنجی وارنیه جهان آرسول الله
تازی زادی با وجود روح آرسول الله	تازی زادی با وجود روح آرسول الله
کوسه کوسه اشکسته دلا آرسول الله	کوسه کوسه اشکسته دلا آرسول الله

آفت خان آید اولان جهان آرسول الله
 شکر خان گنجی وارنیه جهان آرسول الله
 تازی زادی با وجود روح آرسول الله
 کوسه کوسه اشکسته دلا آرسول الله

بولری عنایتی بدین کلام آرسول الله	بولری عنایتی بدین کلام آرسول الله
دو چشمی گنجی بستم آرسول الله	دو چشمی گنجی بستم آرسول الله
اولری محرابی آید سینه آرسول الله	اولری محرابی آید سینه آرسول الله
قاله دماغ دینه آرسول الله	قاله دماغ دینه آرسول الله

بولری عنایتی بدین کلام آرسول الله
 دو چشمی گنجی بستم آرسول الله
 اولری محرابی آید سینه آرسول الله
 قاله دماغ دینه آرسول الله

کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله	کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله	کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله	کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله	کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله

کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
 کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
 کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله
 کوی بر صاحب طایف طایفه آرسول الله

الله عزوجل سئل ان الله اشهد ان لا اله الا الله
سئل عن قوله عز وجل لا اله الا الله
عصاة الله ورسوله واوليائه

اسم الله عزوجل اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم

اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم

اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم

اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم

اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم
اسم الله العظيم اسم الله العظيم

فنه ساقی می عشق و نکه مستانه	فنه ساقی می عشق و نکه مستانه
که طره هم کز ساقی مستانه	روز و شب و اولسه و نوله مهر الله مستانه
اولدی بخاری دل افتاده چه مستانه	اولدی بخاری دل افتاده چه مستانه
پادشاه مست کدا مست مستانه	پادشاه مست کدا مست مستانه
کجا بخوری ناز اوله مستانه	کجا بخوری ناز اوله مستانه

هر فرقی ازین بده چه زبان نطق
 اولسه جور شده اگر تاق و کتی تاقه

اشته کور بوله اوله و اوله تکی تاقه	اشته کور بوله اوله و اوله تکی تاقه
اولسه تاقه بزم ختم تاقه	اولسه تاقه بزم ختم تاقه
بچه خسته صولدی بوی تکی تاقه	بچه خسته صولدی بوی تکی تاقه
راج حجت اوله ای عجه ده تاقه	راج حجت اوله ای عجه ده تاقه
چشمی عقیس عقیسکله اینده تاقه	چشمی عقیس عقیسکله اینده تاقه

نظم ال خدی بانار متاع زهد و یقوان
 کوی کیم اولدی بزم کیم بزم کیم

به خاره درد انیش تاخاره بزم کیم	به خاره درد انیش تاخاره بزم کیم
هران اولسه کیمی هیچ کیم بزم کیم	هران اولسه کیمی هیچ کیم بزم کیم
دکتر بزم کیم بزم کیم بزم کیم	دکتر بزم کیم بزم کیم بزم کیم
دل شادان هونر افغانه بزم کیم	دل شادان هونر افغانه بزم کیم

همه ستم حسرت شدی باشدی این نظم اسم
 بی عشقی ایندی بوله کوی بزم کیم

بلا در عاشق شیدا بزم کیم	بلا در عاشق شیدا بزم کیم
کهنه عشق ایندی بزم کیم	کهنه عشق ایندی بزم کیم
اراده مرضی حاله بزم کیم	اراده مرضی حاله بزم کیم
او کسوز کز قیاس سلا بزم کیم	او کسوز کز قیاس سلا بزم کیم

اوله بزم کیم و اسم و دود بزم کیم
 نظم اولده در تار هفتکله سوزان

مشال بل اندر سه سرود بزم کیم	مشال بل اندر سه سرود بزم کیم
اوله بزم کیم شمع شمع بزم کیم	اوله بزم کیم شمع شمع بزم کیم
ساعه باشا و آب اشخی بزم کیم	ساعه باشا و آب اشخی بزم کیم

قد سها بدن اولی امین بزخه و تله

دوبت دوشسته بقل اولانور مار آینه	دولاب ختی ختی سزا سزا اشکله
سلطان عشق کوه کوه سراسیمه	مهر و دره دره دوشسته دی بو تله شور
وار من قلعه دورمه اور آینه	انزلی او ایله سزا سزا سزا سزا سزا
زنگ زوال دینه در اما آینه	مات مهره کوه کوه سزا سزا سزا

دوشسته دی بو سزا سزا سزا سزا سزا
بوی زلفی اول غزال حسنك المنظر انظر

داعله زین اولوب بر او زو زو آینه	داعله زین اولوب بر او زو زو آینه
در کتب اولی کن شود بند و آینه	در کتب اولی کن شود بند و آینه
بندی آینه ای سزا سزا سزا سزا	بندی آینه ای سزا سزا سزا سزا
مشکی سزا سزا سزا سزا سزا سزا	مشکی سزا سزا سزا سزا سزا سزا

* عدا اولدی دستونه کوه کوه کوه کوه *
* تارک انظر دلشده و آینه آینه *
* تارک انظر دلشده و آینه آینه *

* افکاره آینه آینه آینه آینه آینه *	* کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه *
* آینه آینه آینه آینه آینه آینه *	* کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه *
* آینه آینه آینه آینه آینه آینه *	* کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه *
* آینه آینه آینه آینه آینه آینه *	* کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه *

پیشانی سزا سزا سزا سزا سزا
شکسته سزا سزا سزا سزا سزا سزا

آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه

آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه

آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه
آینه آینه آینه آینه آینه آینه	آینه آینه آینه آینه آینه آینه

* آینه آینه آینه آینه آینه آینه *
* آینه آینه آینه آینه آینه آینه *

برای صفت آبی است
حکایتی که در آن آمده است
بطریقا

آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته	الهور اجراه اول دان اند اکر تاثیر بویله
--	--

اول
استان ایت خدیو
وصال امین الله ای

آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته	الهور اجراه اول دان اند اکر تاثیر بویله اولو حکایتی آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته
---	--

در مدینه
حکایتی که در آن آمده است
بطریقا

آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته	الهور اجراه اول دان اند اکر تاثیر بویله اولو حکایتی آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته
---	--

و در آن
حکایتی که در آن آمده است
بطریقا

آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته	الهور اجراه اول دان اند اکر تاثیر بویله اولو حکایتی آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته آهسته
---	--

و در آن
حکایتی که در آن آمده است
بطریقا

خجسته	خجسته
خجسته	خجسته
خجسته	خجسته

نظم گویند که زبانی و جوی و در اول عشق
 کز دوری زبانی و جوی و در اول عشق

خجسته	خجسته

نظم گویند که زبانی و جوی و در اول عشق
 کز دوری زبانی و جوی و در اول عشق

خجسته	خجسته

نظم گویند که زبانی و جوی و در اول عشق
 کز دوری زبانی و جوی و در اول عشق

خجسته	خجسته

نظم گویند که زبانی و جوی و در اول عشق
 کز دوری زبانی و جوی و در اول عشق

خجسته	خجسته

قاری اولدی مجلس فرودس و حوراندن له
 سوز و آینه کلام کلام کلام کلام
 برده نام سمنه سمنه سمنه سمنه
 دشت همتد و سالی طه سالی طه
 پنج در صفا صفا صفا صفا
 دلک استغاثه استغاثه استغاثه

* کوسترت و جنبی رفتار کر مله *
 * اولسون اقامه کلامه کلامه کلامه *

* بلدر آدی طوطی کفتار کر مله *
 * سقای دینه اشک کهر بار کر مله *
 * هر سور و رواج بولده بازار کر مله *
 * الی عزال خالی ری جاسار کر مله *
 * کوسترت و جنبی رفتار کر مله *
 * باشله خرامه کله کله کلامه کلامه *

* نظر تصفیه ناطق اهل افاض اول *
 * سیم سیم سیم سیم سیم سیم *

* کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *

* کل کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کل کور کور کور کور کور کور کور کور *

* کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *

* کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *

* کور کور کور کور کور کور کور کور *
 * کور کور کور کور کور کور کور کور *

* * * * *
* * * * *
* * * * *

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

دعای خجسته ای که شوق دلده در
بند نظمه بوسه گل و مل سرده سینه ده

دعای خجسته ای که شوق دلده در	دعای خجسته ای که شوق دلده در
بند نظمه بوسه گل و مل سرده سینه ده	بند نظمه بوسه گل و مل سرده سینه ده

بوی زین اولورسه روا داده دیده ده
میل انله نظمه کوروت شاد اول بوی

بوی زین اولورسه روا داده دیده ده	بوی زین اولورسه روا داده دیده ده
میل انله نظمه کوروت شاد اول بوی	میل انله نظمه کوروت شاد اول بوی

طوبه ده ری تو افسون کلا مینله نظمه
قالی سخی بیستان طبع سخن دانی له

طوبه ده ری تو افسون کلا مینله نظمه	طوبه ده ری تو افسون کلا مینله نظمه
قالی سخی بیستان طبع سخن دانی له	قالی سخی بیستان طبع سخن دانی له

سرخسب نازد سر و شادان له
شاهد خاهن ده صبر ایستون خن ای نظمه

بوق برندن خجسته ای که شوق دلده در

<p>او خدای استیلا می کردی صفت او را او خدای استیلا می کردی صفت او را او خدای استیلا می کردی صفت او را او خدای استیلا می کردی صفت او را</p>	<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>
<p>بزمی ده اولور حاکم است اینها بزمی ده اولور حاکم است اینها</p>	
<p>هر قدر که بخواهی هر قدر که بخواهی هر قدر که بخواهی هر قدر که بخواهی</p>	<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>
<p>هست از این عشق اولور که مانند اینها هست از این عشق اولور که مانند اینها</p>	
<p>دل علاه اولور که دل علاه اولور که دل علاه اولور که دل علاه اولور که</p>	<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>
<p>نظمی ده اولور حاکم است اینها نظمی ده اولور حاکم است اینها</p>	
<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>	<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>
<p>نظمی ده اولور حاکم است اینها نظمی ده اولور حاکم است اینها</p>	
<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>	<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>
<p>نظمی ده اولور حاکم است اینها نظمی ده اولور حاکم است اینها</p>	
<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>	<p>که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است که هر کس در کفر است</p>

* زلف سینه با زری زاده کرده	* سر ریشته در دم دل تاشد که کرده
* خستک خلوه از آینه بی آینه پامال	* او بسم آینه اول قد شست که کرده
* بر صنعت شست مهربانه مهر بند او ماهک	* کز دل تنگ فرشته که کرده
* رخسار تان اولسه مشاطه به محتاج	* خند دل تان در حسن جدا داد که کرده

نظم
 مهر و معانی اولدی او آینه وارنسه
 کورنگه خیره چشم او اورم سینده اینم

مشق خنوبدن اولدی از اید طردل دل	یوقد کوی بو هفتیه ده آینه وارنسه
تار شفقده نعل هلال ایلدی ظهور	بزم مهره عاشق اولدی فکای آینه وارنسه
تأثیر آه چشمی ایتدی کهر فشان	آخردی ایتدی آله کجینه وارنسه
مشق آینه ایتدی مکر سینه وارنسه	محو اولدی جمله بقدر آینه وارنسه

نظم
 مظهر کهر سینه وارنسه
 حکمی عشقه سوسو یورنسه
 غنیمی

آخری ساحل مقصوده نادن مباد	نستم است اسوت فکای رز او یورنسه
کوکله تاله قه نایه کدر ای ساقی	بو بزمه صده سوسو یورنسه
بوله زلال لیل و بزمه می ایتدی خان	بازارده ایتدی بزمه سوسو یورنسه
خهران جراب اولور اول شول بزمه یورنسه	قویز قیامت اولور بختل فتنه یورنسه

* اولدی بی ضعیفه مهره کوه
 * سودای زلف بر شکرین آله اعظم

* بر زلف ایتدی ایتدی ایتدی	* حرف وفا دی او خفا کوه کوه
* برباب اندر سده ریشته ریشته بوله	* اولدی غم عارضه کوه کوه
* تا ریزان عقلم باقیه حسینه	* سحر آله ایلر اول کویز خاوه کوه کوه
* نغم آینه بوی طری مشغلی اوله	* سودای عشقه دل آهوه کوه کوه
* چشم و فتنه اولسه خنوبدن شکرین	* خنوبدن عتاله اولور ابر کوه کوه
* کز کز ان ایتدی مهره کوه کوه	* رشکین اولدی سنی جوش کوه کوه

* نغم آله اولدی فسون طراز کوه
 * خجال حلقه زلفه بر خفا ریه

* اولور دی سالی اوسمه حقیقت ایتدی	* سراسر اولسه ای رله بخاز کوه
* جناب آب دکل روز در ده او ریش	* بو خنوبدن و خنوبدن ایتدی سازه کوه
* عسای عتله بلا رمنار کوه ای دل	* کده ادم زلفی قلی اوسمه آله کوه
* اولور غضنه دما دم خنوبدن کوه	* غنیمی جوی اوله اولسه اول کوه

* نغم خنوبدن اولدی سالی سیر ایتدی

کلی با ج حاصل عمل می او بنام کل خانی
مومدی یونی ان گران بیدم تا بوقی او می

قیی فای بنام کل خانی
المومدی یونی ان گران بیدم تا بوقی او می

* بیضا فای خلیه اندون طریقه از نظم *
* بیروانه مال بسته کنور در کما می *

* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *

* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *
* مایه برده اندل از ما می *

* منظر و با اولوب شول منظره از نظم *
* برشا هک ایتمک آینه داری می *

* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *

* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *
* ایتمک رسیده کوشی قبوله دعا می *

* امید و می خوبی ویزه شور از نظم *
* جان آب کوشی جاده جانی می *

* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *

* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *
* سینه اندل او بنام کل خانی *

* بیضا فای خلیه اندون طریقه از نظم *
* بیروانه مال بسته کنور در کما می *

* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *

* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *
* کل خانی خلیه اندون طریقه از نظم *

نگاره اول کتابت عتیقه ای

فکر او را که اندیشه نه بودا بود عتیقه ای	فکر او را که اندیشه نه بودا بود عتیقه ای
شور زاری و جوارح عدل او را عتیقه ای	شور زاری و جوارح عدل او را عتیقه ای
زینت های دست عتیقه ای	زینت های دست عتیقه ای
خه ادا و انبیا را عتیقه ای	خه ادا و انبیا را عتیقه ای
کشت بخت جگر دنیا بود عتیقه ای	کشت بخت جگر دنیا بود عتیقه ای
سخت ساق و جوارح او را عتیقه ای	سخت ساق و جوارح او را عتیقه ای
قد ساق و جوارح او را عتیقه ای	قد ساق و جوارح او را عتیقه ای
عمره عتیقه ای	عمره عتیقه ای
نگاره خرد و شویش و عتیقه ای	نگاره خرد و شویش و عتیقه ای

عجز نامه نظریه زاروش در اول باب

حلقه عتیقه ای	حلقه عتیقه ای
کوشش او را عتیقه ای	کوشش او را عتیقه ای
بزم عتیقه ای	بزم عتیقه ای
عجز نامه نظریه زاروش در اول باب	عجز نامه نظریه زاروش در اول باب

عذاره سرایه و بدای دلش زاروش در اول باب

خجند او را عتیقه ای	خجند او را عتیقه ای
بزم عتیقه ای	بزم عتیقه ای
عذاره سرایه و بدای دلش زاروش در اول باب	عذاره سرایه و بدای دلش زاروش در اول باب

عجز نامه نظریه زاروش در اول باب

عجز نامه نظریه زاروش در اول باب	عجز نامه نظریه زاروش در اول باب
عجز نامه نظریه زاروش در اول باب	عجز نامه نظریه زاروش در اول باب

جونا و اولدی خوت کله سینه سو زانه دو کله
هر طرفه کله او سینه سو زانه دو کله

صوبای خوت کله خاتمه دو کله
صوبای خوت کله خاتمه دو کله

نظم بولسه بولده داغ درد عشقه شهرت
از لنگه نام خوت دل زاره قورلدی

همان وطنه بنگر زهرمان قورلدی
همان وطنه بنگر زهرمان قورلدی

همان افسر جان فغان خورلدی
همان افسر جان فغان خورلدی

قور بولده برفورنی بشارت سوز اولد
هله اظلم کئی کور بولم خوت قورلدی

شکوه زاره هر بنگر ساهان قورلدی
شکوه زاره هر بنگر ساهان قورلدی

خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی
خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی

قوی اودمکه ایدر ده باره زار و بتنا ز
نظم زار کئی کور بولم خوت قورلدی

دعای تیش و ورد خورلدی
دعای تیش و ورد خورلدی

قوی اودمکه ایدر ده باره زار و بتنا ز
قوی اودمکه ایدر ده باره زار و بتنا ز

خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی
خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی

دعای تیش و ورد خورلدی
دعای تیش و ورد خورلدی

خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی
خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی

خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی
خوبه کل بینه بزم دلستان قورلدی

<p>عشق مکر ایته مستانه دو کلامی صفا بی تنی ده که سینه د و کلامی گشتا بخاره اولان مستی ایتدی نکاهی</p>	<p>دوستی کورده ایتمی</p>
<p>یار ایلم ایتمی مهر و وفا کوز بر او آیدنی عاشق صا قنور سوز کدی ایکی کوز ایندن اولورده اولورده اولورده اولورده اولورده اولورده</p>	<p>ایتمی کورده ایتمی کورده ایتمی کورده ایتمی کورده ایتمی کورده ایتمی</p>
<p>هر سال ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>	
<p>خط رجا ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>	<p>ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>
<p>بظنی اولورده ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>	
<p>طوبی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>	<p>ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>
<p>ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی ایتمی</p>	

اولی برسی بطنی است
اولی باقی کتب قیسه لاله خلدی

خانی به بندی بوی خاله خان و بر سه دل زار	طن ایینه که بوی زنجیری تا وله خلدی
خوشی اینده دلیده مهر و محبت	ملاح سکون بوزی خلدی خلدی
بازای خرسی ناله دل ده و در بند	حسرای محبت کو خلدی خلدی
بای دل الله ناله خلدی محبت	به زجت ره به الم الله خلدی
طولدر سه نوله نای خلدی شد	زیرا دم که نای خلدی خلدی
دل زلفه دیوانه اولوب خلدی	بافتله مکه مل ای نوله ای خلدی

نوله آهیت ایینه کوریتور بطنی
اویری خالی روزوشی دعوت الله خلدی

سبب خجری ماهی و صلات و صلات الله خلدی	دو شویب ایینه کوریتور بطنی خلدی
دله تیر بخره بلم به زاکت الله خلدی	وکل ال اندونوب و بطنی خلدی
بوی خلدی او باوه و شعله سینه خلدی	صانوب اوساق نازقه و صلات الله خلدی
اخرین دو بوی و بطنی خلدی	بوی خلدی او باوه و شعله سینه خلدی

بوی نای بزم بزم خلدی
او مست نازی بطنی بزم اعتدلی

رحم اوشو خلدی زار اوشو خلدی	حباب چشمه اول خلدی
کلورکی اشک فشان بزم خلدی	حباب چشمه اول خلدی
کوزیخه جوان و چشم خلدی	حباب چشمه اول خلدی
شکلیخه زلفه زین خلدی	حباب چشمه اول خلدی
همان فلانده مکه مهر و مهر خلدی	حباب چشمه اول خلدی
حباب چشمه اول خلدی	حباب چشمه اول خلدی

* بطنی است خلدی *
* بطنی است خلدی *

* بطنی است خلدی *	* بطنی است خلدی *
* بطنی است خلدی *	* بطنی است خلدی *
* بطنی است خلدی *	* بطنی است خلدی *
* بطنی است خلدی *	* بطنی است خلدی *

بطنی است خلدی *
بطنی است خلدی *

طریق وادی عشق دل شیدا کوزل طوبی
دکتر با خلدی دشت و کوه قیسه و فرسار

در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷

دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷	دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷
-------------------------------	-------------------------------

نظم به قافه رسور نامه او ستیزه
به خرعه لروده بزم دل داده دخی

دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷	دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷
-------------------------------	-------------------------------

نظم کرد در درون در صاف دلان
روا در اولسه مهال جناب آبی

دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷	دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷
-------------------------------	-------------------------------

عزیزه باقی ستره نظرها بودا و کور
قالبش هرنا رسیم و سهر آیدین

دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷	دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷
-------------------------------	-------------------------------

دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷
گور و روت حسنت نظمت ساسم باور انون نگدی

دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷	دل جنسی در کتبچه دل جنسی ۶۷۶۷
-------------------------------	-------------------------------

نظم بقدرت ایزدین سخن و شام
 جلوس قافله در راه

الده کل زین رتبه در قافله ناده بولندی	تیم ادم اولی رتبه رسیده بولندی
همیشه جا کرد و کفایتا ناده بولندی	رسید اولی در کفایتا ناده بولندی
چند فایده نماند بولندی	چند فایده نماند بولندی
سعد و درده نماند بولندی	سعد و درده نماند بولندی
بویستان فغان نماند بولندی	بویستان فغان نماند بولندی

صورتی که نماند بولندی
 صورتی که نماند بولندی

کندین ازین رتبه در قافله نماند بولندی	کندین ازین رتبه در قافله نماند بولندی
تیم ادم اولی رتبه رسیده بولندی	تیم ادم اولی رتبه رسیده بولندی
همیشه جا کرد و کفایتا ناده بولندی	همیشه جا کرد و کفایتا ناده بولندی
چند فایده نماند بولندی	چند فایده نماند بولندی
سعد و درده نماند بولندی	سعد و درده نماند بولندی
بویستان فغان نماند بولندی	بویستان فغان نماند بولندی

نظم عزم بقصد آله دورده های همیشه
 که اخلاقی راه آید شد ست طلب سعیدی

بویستان فغان نماند بولندی	بویستان فغان نماند بولندی
سعد و درده نماند بولندی	سعد و درده نماند بولندی
چند فایده نماند بولندی	چند فایده نماند بولندی
همیشه جا کرد و کفایتا ناده بولندی	همیشه جا کرد و کفایتا ناده بولندی
تیم ادم اولی رتبه رسیده بولندی	تیم ادم اولی رتبه رسیده بولندی
کندین ازین رتبه در قافله نماند بولندی	کندین ازین رتبه در قافله نماند بولندی

نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز
 خاری بغمی آتشی اولور

نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز	نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز
خاری بغمی آتشی اولور	خاری بغمی آتشی اولور
نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز	نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز
خاری بغمی آتشی اولور	خاری بغمی آتشی اولور
نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز	نظم هر قطره نظم اولاد جهان سوز
خاری بغمی آتشی اولور	خاری بغمی آتشی اولور

نظم نگارم فر و شک نیستی جان جان

کسی خوشتر از کسی است اولوب انبسم خوشی در دل کسی

صدرا و اوله که کند که دانه صاندی
آواز و نظره جهان دون ایلی

عشق آیشی اوله که دل و صاه صاندی	هر چه شدی سر در سر دودن دین ز من
دل و دل شدی خنده خنده صاندی	بندگی و صاخ و دل و کل ای چشمه و صلت
فردا که دل و دل صاندی	بر فراغی آتشی شیشه خنده تا ر
طوس خندان شندی خوله صاندی	کوبنده خجوب آواز که خاله صاندی

ایده ماهره سینه ساق ایلی
قاله قافه سخنده کتسه عقاب صاندی

کون کرمی مهره مهره زین ایلی	سوز سواد مدعا ده روح ز کافک
دوی وار در سلسله عشق در ایلی	استخوان سینه ام کوزم کوزم سر شک چشمی
بویله بویله طبعی دلت ایلی	ملک خاله ایلی اول بر وان
برش برش کرم خجوب خجوب ایلی	کوبنده کوزم اوهاک بوجسه آه پرش
خجوب ایلی دای خجوب ایلی	سر و سر کس اول قافه ساقی ستر ایلی
بویله بویله مهره مهره ایلی	کوزم کوزم اوهاک ایلی

روح بر و بر صافی خجوب ایلی
کتسه احیای معانیه نظرم اسما هوز

قاله صاندی اوله آتیه صاندی	صنقل عشق آجندی خجوب ایلی
خوش سلسله سرتک دین در ایلی	فرقده اول در رنگی حسنه دمی وار
کرت عشاقت بر خطه تنها ایلی	دوشندی اول خسر و حسنه محل عرض حال
بویله بر خالص سینه حق بویله ایلی	سعاد سینه زینا بر ایلی تازه داغ
اول هلال ابروی کردی غم ایلی	فرض بویله مهره عاتقه مهره ایلی
ماه سفا ایلی خورشید زینا ایلی	اولدن بویله کدای اقیاب حسن یار
بر طیب خان دخی بویله سینه ایلی	ایلی بر ایلی احیا اوغنی دم ول
کوزم دین بیل اول خجوب ایلی	شهد اول طین طویلی خجوب ایلی

کتسه اول امر اول ایلی
تاریب نظرم سینه ایلی

کتسه اول امر اول ایلی	کتسه اول امر اول ایلی
کتسه اول امر اول ایلی	کتسه اول امر اول ایلی
کتسه اول امر اول ایلی	کتسه اول امر اول ایلی
کتسه اول امر اول ایلی	کتسه اول امر اول ایلی

فدركه اوله و اوله در سستی در تان کی || ایلین اوله سینه قطره سینه کی

بیتا خیزان و بر نیشان کی
فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی

<p>در سستی الله فایده ددی خنده فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>	<p>پناه ده کو زینر خا خا خا خا خا اوله صاف اوله صاف اوله صاف خنده خنده خنده خنده خنده فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>
--	---

بیتا خیزان و بر نیشان کی
فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی

<p>بیتا خیزان و بر نیشان کی فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>	<p>خاطر کو کو کو کو کو کو کو کو عمر بر بر بر بر بر بر بر بر اوله صاف اوله صاف اوله صاف فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>
---	--

بیتا خیزان و بر نیشان کی
فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی

<p>بیتا خیزان و بر نیشان کی فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>	<p>زبان ای دل ای دل ای دل ای دل فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>
---	---

بیتا خیزان و بر نیشان کی
فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی

<p>بیتا خیزان و بر نیشان کی فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>	<p>زبان ای دل ای دل ای دل ای دل فداده زده همان خورنگه خیل اندل کی</p>
---	---

بزم عتقه نظر زاننده فانوس و س
جمع هجرت اول هر چه در دست از انندی

عشق کرم عاشق شنیدی دلسوزانندی	عشق کرم عاشق شنیدی دلسوزانندی
ای در یک عکاز در آبی دلسوزانندی	ای در یک عکاز در آبی دلسوزانندی
فرقت مهر و جوهان آری دلسوزانندی	فرقت مهر و جوهان آری دلسوزانندی
آتش عشق سنگ دینی دلسوزانندی	آتش عشق سنگ دینی دلسوزانندی
داری خمی خدیق آیدی دلسوزانندی	داری خمی خدیق آیدی دلسوزانندی
عجبا اسما عجب دلسوزانندی	عجبا اسما عجب دلسوزانندی

شاهزاده عرض آیدی خالی ای انندی
لوحه جوامی بصویره حاجت قالدی

اویتادی عجز کزک تیره حاجت قالدی	اویتادی عجز کزک تیره حاجت قالدی
تاب و سوز و تله تیره حاجت قالدی	تاب و سوز و تله تیره حاجت قالدی
کرم بک اولی تیره حاجت قالدی	کرم بک اولی تیره حاجت قالدی
ای مه تیره تیره حاجت قالدی	ای مه تیره تیره حاجت قالدی
شهر و ارم کل تیره حاجت قالدی	شهر و ارم کل تیره حاجت قالدی
تیره در دلی تیره حاجت قالدی	تیره در دلی تیره حاجت قالدی

بیتا تبه مستانه او اوه
سینه سن آیدی بیضا تبه مستانه او اوه
روی امیده مقبول اولی تبه مستانه

ای طایر طریق کز حلقه کز تبه مستانه	ای طایر طریق کز حلقه کز تبه مستانه
سبی اولنگم خکمه آغوش تبه مستانه	سبی اولنگم خکمه آغوش تبه مستانه
این خنجر من کز تبه مستانه	این خنجر من کز تبه مستانه
رشته خاتون دل زاره دوش تبه مستانه	رشته خاتون دل زاره دوش تبه مستانه
مضطرب اولسه توله قهقهه ستاره تبه مستانه	مضطرب اولسه توله قهقهه ستاره تبه مستانه
دیده بخت سیه تبه مستانه	دیده بخت سیه تبه مستانه

بیمکی رسته معانه کور در ورده نظر
کز سون الدن اله استیج در تبه مستانه

اقتن کوز تبه مستانه دیده دولت تبه مستانه	اقتن کوز تبه مستانه دیده دولت تبه مستانه
صاف آیدن سینه فی کینه سبی تبه مستانه	صاف آیدن سینه فی کینه سبی تبه مستانه
دو پشنگ فرصی قوتی تبه مستانه	دو پشنگ فرصی قوتی تبه مستانه
سر کس اولسه حذر تبه مستانه	سر کس اولسه حذر تبه مستانه
دو قوتان تار تبه مستانه	دو قوتان تار تبه مستانه

هرگز چشم آهواند ر حسرت نام بخمیری
 و کارد زنده زنجی دو یوز سر عسری تیری
 صفحی صغی دل و اسفند تا لوح تصوی
 یا نه برق درویندن زبان شرح و تیری
 که وقت کار یوز در وقت دست انداختن تا تیری
 گه سب سوزد و بندر جوهر تا تیر شمشیری
 صاف افلا که بچه زار هفتک شیری
 او تیرک اولد بقیه قامت جگشته زهکیری

مدر خراب خلدن کن اولور کیمیر دینه تیری
 کوزک آج جفته ناله کنی گم و شکور بر اول
 اصوات اینر آماج مقصود . جدای آه
 جزا ل خاوری اینر شک رختک استغنا
 اولور خوشن گذار عاقبت آه دل . مظلوم
 صفتسوزن ناله جانان گذار اول خوبی
 دل شوریده بر آسوله سوزان اولی استر کنم
 مهندس سراسر نفسی زجای خای آه
 جدای عشفقک خجور چون کنم بر قی باک
 گوگل بر شمسوار دست حسرت اولی بخمیری

عرض ابتدای روی زردن او ستین بره نظرم
 بلدردی فی عشق اندوگن گتم کرای

سزایله برع هر چه قوش و تیری
 کتم خاک خاک اندر دل منی بخمیری
 بست ابتدای سوری و بخا که شود روی صوری
 پروانه دانه طوطی تابی شیری

دل مسکن ابتدای طری مشکین دلبری
 بر آفتاب زهره خنیک هلاک یوز
 کتم قیام قدی اونی بخیل کسر کشک
 بیخجای ک شوقه بزم وصاله

* ناله که در آینه غمسی نظرم *
 * سوزناک مهره زک خج کز اندر تیری *

فغصی غصبت گهرده کوهک اندر تیری
 کوهک گنجینه گنجک کجک و بر اندر تیری
 زاله که کدر کدر کجک کجک و بر اندر تیری
 دانه اولد زنده دانه کجک و بر اندر تیری
 آب سبک خوی خوی کجک و بر اندر تیری
 عشق و سودا دل دانه زلفی بر اندر تیری

بشوهک مندر منک در خجک و بر اندر تیری
 عشق دانه دل در و ن سینه سینه سینه و جده
 باقی لب بخاله دار آره سراسر آیت ز جلدن
 حال خجک زدن کوز و زلفی ناله آه آه آه
 اشک چشمی استغنا اینر آماج
 شورشک دیوانه در دیوانه که زخمی در

الوداع ای کوشه خجک نظرم ایتم
 مژده وصاله غم کوی خانان ایلمدی

هر بزی می رخسارک بر سجع سوزان ایلمدی
 طرز دستار بر آینه ک بر شستای ایلمدی
 عندلیبان قفسی تهی شده افسان ایلمدی
 عقیقه رکبینه هب خاک خای ایلمدی
 آله زار سینه ده منال خجک ایلمدی

چشم جویتم جلاله شنسوزان ایلمدی
 راحت و آسای سراسر مایه عقیقه
 فتنه حال عذارک آیت ایلمدی
 کلاهی آرای آرای قلدی روزگار
 ای کلای تر بقیه کوی کوشی آسای ایلمدی
 تازنه زده داغی بقیه سوله اطمان عشق

* روستی دلا به لایه سال با آنک بصحتی	* بر دلاکده ظاهری سالی سالی
* سیران سوسان و مهر سوسان	* بر دلاکده ظاهری سالی سالی
* شهر او جلا بند و آینه هیهی عری عری	* بر دلاکده ظاهری سالی سالی
* قداک کوب قومه قوسون قیامی	* بر دلاکده ظاهری سالی سالی
* بر دلاکده ظاهری سالی سالی	* بر دلاکده ظاهری سالی سالی

خشتی سوسان او روستی سوسان
 خشتی سوسان او روستی سوسان

* عاری آره با قوب خط بندن الم عری	* در سینه بر صبح کلمی عری
* هر کورین سوسان قداکده اوروشی طلایی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* اول ده حستک جنون عری ماهی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* مهر و ماهک هیه و بند و عری کرمی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* سالی عشتک اوله دست مدام عری	* در سینه بر صبح کلمی عری
* ناده در دستک درد خرد سالی سالی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* بر سالی کوشه سی ناده ای کوشی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* در سینه بر صبح کلمی عری	* در سینه بر صبح کلمی عری

* در سینه بر صبح کلمی عری
 * در سینه بر صبح کلمی عری

* هوای لایه ساله صالحی بخوبی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* کورک که بر سینه خطرات اولدی عری	* در سینه بر صبح کلمی عری
* توردی سالی سوسان افسونی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* کورکده صحنه اندام عری سوسان	* در سینه بر صبح کلمی عری
* درونی ال کور سوسان سوسان	* در سینه بر صبح کلمی عری
* ساله دورنی کور کور سوسان	* در سینه بر صبح کلمی عری

تیر و تیرم منده تیرانی
 باطله ساله کور کور سوسان

* سالی سالی سالی سالی سالی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* سالی سالی سالی سالی سالی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* سالی سالی سالی سالی سالی	* در سینه بر صبح کلمی عری
* سالی سالی سالی سالی سالی	* در سینه بر صبح کلمی عری

مقدر و تیرانی سالی سالی
 باطله ساله کور کور سوسان

دو شوی با عیال و بیرون از نظر مردم

صفتی صفتی طلوع در دور جز جرات ساقی	بازاری
بازاری	بازاری

بازاری و با عیال و بیرون از نظر مردم

بازاری	بازاری

بازاری و با عیال و بیرون از نظر مردم

بازاری	بازاری

بازاری و با عیال و بیرون از نظر مردم

بازاری	بازاری

بظن اسامی کوهی بر بزم جامی اخصی خواندند
که روح الله است اوله بر وانه فر و نانی

که او این افتاب عالم را کوی کردی کردی کل جور شنیدی شرم آورد اندر اندر آن خجرتی اوله تا روز فرود آمدن دامن درانی دل جوانان اولور زیدانی خانه بختدانی اوله تا صبح خمیر دینه جور شنیدی خجرتی که جور شنیدی ظن اندر بزم کوهی مستانی	از این بر شهسار ستمی جور خور تا دی دل خجرتی از وصالده او شده بافتن کزین کیم شهرت عجزه خلاصه کیم بر شسته حسنه اسیر عشق بود بر یوسف صفر خاله کیم تا ناسند تا بوز بر مومنان کیم کورده حسنه او بزمک اولمش مستم جام رخساری
---	--

بظن اولدی هر چه جان خون آلودی بر رخامه
بوله لودج ده پیشی ایسه تصویر ستانی

کورتک فیرک صغیر اوجده او خجرتی ستانی تا شایسته ای دل کیم بزمی ستانی بزی روز کورسون مهر سحر ستانی عزلا به نگاره عجزه شمر ستانی کوروب انکشت موز بند زهنگه ستانی قیاس انرستت انکی شمر ستانی	کورتک فیرک صغیر اوجده او خجرتی ستانی تا شایسته ای دل کیم بزمی ستانی بزی روز کورسون مهر سحر ستانی عزلا به نگاره عجزه شمر ستانی کوروب انکشت موز بند زهنگه ستانی قیاس انرستت انکی شمر ستانی
---	---

بظن اسامی سلطان اولور ستمی عجبکده
بظن اسامی سلطان اولور ستمی عجبکده

دوانه موقیه بوی پرهی ای بوسف تانی عز بزم صبر از اولسه کن ای بوسف تانی سنگ سنب بختد انک کورک ای بوسف تانی مکرم انکشت بیت خجرت ای بوسف تانی	دوانه موقیه بوی پرهی ای بوسف تانی عز بزم صبر از اولسه کن ای بوسف تانی سنگ سنب بختد انک کورک ای بوسف تانی مکرم انکشت بیت خجرت ای بوسف تانی
--	--

الذی حرم خانه بظن اسامی
الذی حرم خانه بظن اسامی

بختد انک کورک ای بوسف تانی مکرم انکشت بیت خجرت ای بوسف تانی عز بزم صبر از اولسه کن ای بوسف تانی دوانه موقیه بوی پرهی ای بوسف تانی	بختد انک کورک ای بوسف تانی مکرم انکشت بیت خجرت ای بوسف تانی عز بزم صبر از اولسه کن ای بوسف تانی دوانه موقیه بوی پرهی ای بوسف تانی
--	--

بظن اسامی سلطان اولور ستمی عجبکده
بظن اسامی سلطان اولور ستمی عجبکده

ای در وی دردی نماند از آنکه در وی دردی نماند از آنکه	مخربان در قیامت خاله دل و جان را
شعله ماه آنچه شمس از آتشش مقدر از بود	تجربه عشق در سه چشمه خاندان بدین
بار سو لاله قدر کز نخل طولی من مراد	گور عیند بو تو له ابتدا بو او ان گنود
شیرین دماغ اندر بی ساقی سراسیمه	باج کو کدر ستر کز فرودس اعلا من مراد
ای غریبه حیات حسودی سه ساله سنج	حقاقت بدین باغی و کفی و آویز
ای دای دای در خی و دل و ده ساله سحر صوح	زهرانه هلاله کم عدوسی سنج
ای شهین شاه سحر سحر سحر سحر	سرمست عشق سرشکلی تو نه اینه صوح
ای شمس و قمر و انوار و انوار و انوار	اطفاله دو عالم دو عالم دو عالم
پر خیزان او از آن او چشم و رنگ مست	سینس بو غنای عالی و او را نه اعث
خون اندر سالکی سر سبز و اصل هفت	خشمش سینه تاب دوتیج اول سینه مست
بنان مخمزه سینه او مهر صبح بخت	هفت اله می ای به سحر سحر سحر
خکدی صوفی بزم چند ناله تاب	دو باره اطلالی در صوفی ای سحر سحر
خشمه خندان صدفی و صدفی و صدفی	کار خرد و دین است در صفای عالم
حق تعالی سنجاب اندر باد مرغین	و بزوی ای دل شیدا کدر سحر سحر
دانشی اندیشی جدا شده بگفتای قرب	عند وقت و او را و او را و او را
دکدر جانر بر زور جگر ای ملک سنج	سرمسهر سینه ما به سینه ای سحر
سرن ترک آیتین بو لوصول دانه بن طما	بنات العیش با آبی احراق سینه کوه
دل شیدا که هر کور در غم انظر طوطی کویا	سوی قوی خیزی سرن سینه سینه سینه
اولدی غم اشکله سوزن دل داند خان	غیب مرآت او و او را و او را
ملک حقیقه سنی آتیشی جناب کربا	هر قطره سرن دوزخ بر سینه سینه سینه
اولدی افسردگی دهمردی عفت حقا	هم جسم و جنل رسل با دستانه انبیا

مفردات مرتبه بر طرز سنج * * *

دو بیخ هجران اول و اولیته فرودس وصال	عاقبت بر کون و بر کون و بر کون
فهم اندر سحر آیدن حال دلم ستر بختین	خاک خاک او آتش کز سحر کز سحر
بلبل بر مهر حسرت عاشق دینا ری تم	حیرت آوده کور و کور و کور
سینه سینه خشم سینه خشم خشم خشم	هاله آغوشه ادم سینه سینه

دستم چشم دیدن چه کار کنی که	دستم دست رو نگه ستک چون گیتی
خاک هر زنگه چون دل خاشاکه	خاکه هر زنگه چون دل خاشاکه
استریتیر جاک ره پاک مدینه	استریتیر جاک ره پاک مدینه
سهم صفای سوزنک ای جاک آله گنه	سهم صفای سوزنک ای جاک آله گنه
مغنی انیسور الله	مغنی انیسور الله
مشکی چون بلبل زگری او جاک سر کو	مشکی چون بلبل زگری او جاک سر کو
چشم اندی اوده حریف رخساری یوزین	چشم اندی اوده حریف رخساری یوزین
چشم عیون برده بر عیون رخسار سن سن	چشم عیون برده بر عیون رخسار سن سن
صد اخدر جهان دو تنی بر سر اردن	صد اخدر جهان دو تنی بر سر اردن
بزک زینت بودم خاک جان خاردن	بزک زینت بودم خاک جان خاردن
سینه عاشقه ظلم سنی خاشاک سن	سینه عاشقه ظلم سنی خاشاک سن
بکا چندی قاش وصاله اخدر زینت یون	بکا چندی قاش وصاله اخدر زینت یون
کاشن بکا زینت او و یوسف برهنی	کاشن بکا زینت او و یوسف برهنی
چشم جمع انیس و سلین	چشم جمع انیس و سلین
مردمانه نایانه در لاج سراسر کلام	مردمانه نایانه در لاج سراسر کلام
بزرگوهر خرد آینه مریزم	بزرگوهر خرد آینه مریزم
ظنیدن دو اندر دم درد پاک اولدم	ظنیدن دو اندر دم درد پاک اولدم
دانه رگهر سی سس سس سس سس سس	دانه رگهر سی سس سس سس سس سس
خلو که بریز او ز صندل بلبل هلال	خلو که بریز او ز صندل بلبل هلال
بتر مشرق از مال سه سس سس سس سس	بتر مشرق از مال سه سس سس سس سس
بزم مدنی عکس زینت لاک	بزم مدنی عکس زینت لاک
بزم مدنی عکس زینت لاک	بزم مدنی عکس زینت لاک
چشمی داغ درون دل اولسه حال نیک	چشمی داغ درون دل اولسه حال نیک
گور بخت بخت کوزنک قوی را در سس سس	گور بخت بخت کوزنک قوی را در سس سس
بزم لاک بزم لاک بزم لاک بزم لاک	بزم لاک بزم لاک بزم لاک بزم لاک
قد و نوله آینه ارض پاک	قد و نوله آینه ارض پاک
چو آینه سس سس سس سس سس سس	چو آینه سس سس سس سس سس سس

طرف قلبی ده بوقله گهی ای جوانی	گنج اندوب زلفه کنی بند الله دل محزون
دو گدی بنی اول جاولو بقیه سیدی سر سگی هر سو	بشاید چو کله برین از لسه اشکله و جنو
دانه روی رنگه زلفه ک جلالش بهمان	خندی ز بر دلمه دل و غمی سر دین آگهان
بواله اوله و لسه و قینک چشمه گنجی طریخی محزون	سرسوی بازی گنجی آید ال بدلولو در خون
فانتک و کله گله بان جمع جور بند جهان	آه آه با الله سر کردان ماسه اسمان
بستوبند آب حار بند سر شسک گوهر کن	گوز باشی در پای فی ثانی اندر سر دین خن
بستوبند ماه حسنه ناقصه ماه نام	زیر قیاسی شایسته قانورسه بوله ماسه
سر زلفه ک گهی دمان رنگه ندر کوردم	مقاله بزرگ حسنه کنی از جانشان کوردم
بشر اولور کن چشمه بینه کل	بخیه آشفته اولسون بلبل
دوبندی طرفی بینه ده رفقه ابابون ابابون	حاله ناطق اولوب حیرتله اولدی دبعیل
انی عکسکله اندوب لا بوقله	بخی گوهر ایتمدی بندل
نامی صورت اول فرشته صفات	انگلی بنی ایله ایتمدی اشیات
گور لطفله اولوشی محو زلفه ک بر صفا	بنال اندر سیک تیرنی و باج و بر سر آله خدا

*** من در آن رنگ ***

بغله ایتمدی موم خرم
خطا بیدن سلطان سندن الهی

دستار سر سگیز سوله سیر ایله احمدی	دیور بوزوف و بیخ جمال احمدی
چینی قره سنی مهر جلی	گوزم نوم گوری گورک مهر علی
مهر حسنه کله بولور ماه صفت پرورشی	آینه مایل اوله ساله گورون کوروشتری
اکبری بلبل دل شیدا غنچه دخی	گوش ایلر می ناله سن اول غنچه لب دخی
گنه میر انده بوسه کوش اولور سکنه بدلی	برج میران اولدی گویا اقتانک میرلی
دود دلدرباغ عشق سنبل مشکله دخی	اشک ترک در کله مهر من و محبت شنبلی
دولاد رسنه غنچه عید گهدک سیدک اول وحالی	بینه دولاد نه بقیه کوردم اول ممتاز دودانی
فرات کله اوقوبه دیبه دونه دخی چشمه کله آشی	بناک اولدی داغ در دیکه سراسر بینه کله آشی
بند قد زلفه زحور کله استاد اول آزلی	بکارستان حسن ایچر سنی غایت کوزل آزلی
السلام ای بوستان لی مع الله کله	السلام ای کاشی باشین با طها بلبل
غنچه بند زلفه کینه کورکله نامه الله	اوشوخه داغ اوچور دوق بینه حانه الله

* عکس می دهد و شدی اولی و اولوب خاتم دست *	* یسار دل دخی او اولوب آرد . پرست *
* و برها دله عشق بندگی بدوش بدوش *	* بخون الله عشق بندگی دست بندست *
* بجایه عشق الحق اولوب اولوبه پرست *	* اولوب صد رح دایع دل ناله مست *
* کویه نظر آن آینه ده تجریم نظریم *	* مقدار من اولوب نه بر وجهه است *
* بر طایفه یوز بزرگه درازا نیشک دست *	* سر بخته جور شدی اندر جور شدست *
* عزیز سه سکه در زور دین تا نیر *	* با نسون علو الله ام بخار *
* ای اهل ای جعفر ده آب حیات *	* وی خط پنج سگی سوار طلات *
* سوز بندگی اهل یاقی بر یوسه و روت *	* یار وردی نیم دهانه مهر سکوت *
* عشق آتش انگریز سر سگرم آهوت *	* وقت اولدی بر تازان اولدم منهوت *
* تا کنیم تا انا صبح الله ابتداء کلمات *	* مرغان رسات اندر نخل سگله کفوت *
* ای کسین بی خزان باغ خیزوت *	* وی نیشل کستان ملک مل کفوت *
* بن جیم کلام اندر بخته درازا کلام *	* صوکت دمه اوره دهانه مهر سکوت *
* ای عو شگوه عشق اهل خیزوت *	* لیز بزمی و ج مهری ملک مل کفوت *
* اولش اولش اولش اولش اولش *	* طاق زرق دیری ابروان بر تاب *
* دل بر صفت مهری آیه کینه تان *	* خان معظمت عشق بنال سناب *
* زخم زده در شمشیر خیمت باغ نظریم *	* پیش و پیش و زور زور سوار خیمت *
* رخسارای قفا باغی سر آینه بخی *	* صایح وصول کفر فکانه دین مشرب *
* اجزای وجودی حکیم زلی *	* کویا که نیم عشقین آئینش بر کتب *
* خالق آید لایس مطربین بر کتب *	* خان دون اول و اول عشق اولدی ازین صفت *
* بر خاسته الله ای سرمست خزان *	* پرست که شیدا ای فی جهت عشق *
* اولسون دست ای ساقی بزم لاری *	* خان دون اول و اولدیمه و بر عشق عشق *
* خان مدحت از انگاه سناک مهر بنال *	* دل و صف صفا سناک سناک مهر بنال *
* ای خلقت اشیا به اولی ذاتی سنن *	* خیمت ای شکر بزم به نسب *
* روبرو کسی سر صفا افعال حقی *	* سوز غلبن سننه ایتدم یارب *
* بن بینه او ایدم گفته ایتدم یارب *	* صفیاله حال ایتدم یارب *
* ناقص قومه ماه ویش هلال اهل *	* ابرار کماله عالم ایت یارب *
* یتیم شه و دوشاد اهل ایت یارب *	* چشم دله جوانی صرام ایت یارب *
* مشاطه تبریک اولسک بخی *	* کلک بویه زان روی مریم صفی *
* ای خامه انسون کس و سخن *	* وی مطرب شاد بی بزم ایتدم یارب *

* هشامده اول و سقا بقیه فانی در دل در *	* سمرسرا او صهارنه کله لم در در *
* ای بخی کنه سراب اولورسک آخر *	* کوززده جنال و اولورسک آخر *
* اولول اولورسک اولی و صلیه سریر *	* کلایک صلاحی دعوی صلاک صلاک سریر *
* عاصمه اطفا و شفقت در پندر *	* مخلوق تا بند صغنک لا شیدر *
* پیش بخی بوشد اوروی خاندان اند *	* تجلیه عشقی آب حیواند اند *
* هجران بخی و اولی خاندان و ده *	* وی دردی دردی دردی خاندان اند *
* هین استغ و آب و کوبه دردی اند *	* زهر بخی مکر دردی دردی اند *
* آت اولورسک و صغنک و سقیده و سقیده *	* سنبل بلقیه حایله حایله حایله *
* موم اندامی اغیار و کوززده *	* خان شینه طوفان کوززده *
* ازو کوززده حایله حایله حایله حایله *	* ازو کوززده حایله حایله حایله *
* اینکلیه و صوغانه و اولورسک کوززده *	* اینکلیه و صوغانه و اولورسک کوززده *
* ازو کوززده حایله حایله حایله حایله *	* ازو کوززده حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *
* حایله حایله حایله حایله حایله *	* حایله حایله حایله حایله *

* اول زنی فکری خط حرف وصال	* سر صفتی تاز اولسه ازها تاز *
* دور که بر اولسه بوله ای مانی تاز *	* اطفال حقیقه دنستان بخان *
* بزم علم عشقه کده بانوب اقباله *	* پروانه گنج اولسون ایشم سوز کوز *
* ای نوی رضیا کسرتک شایسته تاز *	* وی سیم سراسر فوره زانجام تاز *
* آه سون دای فروج مهر تاز *	* اولسون ای درون کوزان سون *
* ای تازی عسایه بی سون سون *	* وی نایقه هدایه صیان سون *
* هفت کسرتک ایشمال ایشمال *	* میغان اول اجنه اوخ فرور *
* صد ایلز ای رشک بری صیرت حور *	* طلوس کجی حسنگه اوله معور *
* برده دوشه دور تک تندرلی *	* هر ده سی اولسی شراش طور *
* ای زلیخا اولن جوانه فته و شوره *	* ابروسن این شهر شاهین عور *
* خط کله قیاس ایشم دیر قدرت *	* نازمی ورق عارضه سوره نوره *
* ای حسنی اولان فون رسائنده حور *	* وی زلف خیم اندر خجی شایسته حور *
* بر صیغه کرم اولده دم اولور *	* برده تبه تکه مهر در جهان صانور *
* بر صیغه ملا زور که صقان صانور *	* هر کوشه صانور انور صانور *
* بر کشته کلام کل برینه *	* دام تبه جوانه غنای دو کوز *
* سخن اینه کوز کوشه حیرت کوز *	* هفت سینه مه حیرت کوز *
* دل رود انکه طرفه سر خوشتر کیم *	* خج ساسانه بکده ایشمال *
* زلف کله کوهلی شایسته ایشمال *	* سودا سنی موی حجاب ایشمال *
* آه صیغه نازمی بریدر ای حیرت حیرت *	* در ده کلامه جانانه ایشمال در *
* حسنگه کده مدد غایبه در *	* افتاده کله مینه عالی در *
* بر حلی بقا ویرن باد ایشمال *	* کویا که بظلم قای سینگه در *
* مادام او بر کوه مانی سینگه در *	* عسکله ایشمال رفیق ایشمال در *
* جوانه خج دینه بر دای کوی *	* اول خج بر جوشی بو کوز دای *
* هر دانه ایشمال در دای *	* مژگان خج و خارده سینگه در *
* فرعک نظر اولسه اعتبار اولسه در *	* مهیا ده کله اولیوه هفت کله در *
* رخساری ای کله ساسانه خج کله در *	* کوی خج مقایله اوخ اولسه کله در *
* درد اولسه ایشمال در دای *	* الله او کلامه مداره ایشمال در *
* سودا کله دای ره و سوز دای *	* هواره موسی کله دای در *
* بر صیغه شایسته کوز برین بظلم *	* غایبه لای قی سینگه در دای *

* وی جوان عهد سده سیم کج کس *	* ای پشمی و قس تیور مهر بند قیس *
* روزی جور جوان لطیفی من جمله کس *	* کویین قطار صغیره انکی من کس *
* چون خم جهان سراسر نوز *	* هم کج جمانده هم نوز *
* می غول سراسر کاشی لاری *	* لب بسته جاتوش و سراسر خیز *
* عتاه نگه زده جانی عشق *	* هب سراسر بیان سخنان عشق *
* ظاهر می دکدر سراسر نوز *	* بر آشی دل چکدر جمله *
* و پناه ده کجینه جانی انوش *	* آینه بری آینه دان انوش *
* مندر جو جوانه وقت حکرت *	* بیهوده همان یوق زحمت حکرت *
* بیگاه کجانه کج برین کجرت *	* بزناج عین کجرت *
* که فرق ده جاک ملاحت کوز *	* که فرق ده جاک ملاحت کوز *
* دردها دل آشی و رشیدن بلور *	* بز آینه کج کوسش رشیدن بلور *
* بازار سخند قدر و قیمت بلور *	* در روز و کل جانی فرصت بلور *
* بز بزمه اندلم نوز *	* بز بزمه اندلم نوز *
* ریجان نوز کج و کج *	* اولش کل نوز و رضا نوز *
* وی غرضی عاشقی کس و انوش *	* ای طریقی شورش کس و انوش *

* هر دله صفاتی کوبه کوبه موصوف *	* ای واکنه ذاتی ارباب و وف *
* می آت دل اولاد سرتاسر داغ *	* انوار شهوده چله چشم او لیس *
* باقی لاله کجی دلگه فی انحر داغ *	* عرض اینه سده سینه بریز داغ *
* اولاد اوطاق عزت و شایسته توغ *	* ای مشعل خاهی لی مع الله فروغ *
* یارب بی بریم عشقه اله چراغ *	* هر جزم او بجه کل یارب اقله *
* بیخبر غمزه سر سه سره کل باغ *	* ای سوز غمزه سر لاله ده داغ *
* دهغای قیامت اله بر موصوع *	* صغفه دهه قیامت موزونی *
* دیوان جهان خطه کل موقوع *	* ای نامه حسته ابروانی مطلع *
* صبر اله یاقه اظهار فیرغ *	* احسانی مایه دل سجاد *
* سعی اله غنای قلبی اولد ایتیم *	* ای دل خله بزوغ ذات حرص و طمع *
* حق انجیر بچیم ایتدی بدی لایع *	* کسلی ای ایتیم ایتدی ایتیم *
* به مایه کوی کویزه کویزه ایلدی سیم *	* ای سیم رسالت انبیا خیم واک *
* ارواح رسال جهانک سینه جمع *	* ای انجمن نبویه طلعه سیم *
* قیل کسب خطاده دگر می باغ *	* ای بازار عطارد دردم ایت ایت *
* فضاکله بنک و بزوغ قیل باغ *	* ای رازق خلق اولن حکم صانع *
* انبسه اوطیب خاطر مدین خط *	* دل خسته سیم ایتیم ایتیم *
* ایلر و بزوغی عالم ادم مدین خط *	* ایتیمه انجمن ایتیم ایتیم *
* زینک بوله اولسه کوبه کوبه موقوف *	* زینک بوله اولسه کوبه کوبه موقوف *
* دردم عشق و خان و دله موقوف *	* ای خان و دل الفت موقوف *
* خان و دلم الله دلم موقوف *	* ای حق اوله موقوف *
* قیل حرف زبانی خطا دن موقوف *	* ای حرف زبانی خطا دن موقوف *
* خوق خوق خوق خوق خوق خوق خوق خوق *	* ای خوق خوق خوق خوق خوق خوق *
* خوق خوق خوق خوق خوق خوق خوق خوق *	* ای خوق خوق خوق خوق خوق خوق *
* سیر صغفه خوق خوق خوق خوق خوق *	* ای سیر صغفه خوق خوق خوق خوق *
* اولاد امریکه اوله موقوف خط *	* ای امریکه اوله موقوف خط *
* به اوله وارنه واری واره وسط *	* ای طاهره وارنه واری واره وسط *
* منشور نویسم حکم بی حرف و بی خط *	* ای نامه طاهره وارنه واری واره وسط *

تک کره نکه انبک استغفر *	به مسخده خیرتیدی کو کل به دیره *
جبران خن مال کالی درویشی اله شاه *	حقا که سنی او کو بر تایی اله *
وی عشقی درخشان و مویدان *	اولسون لسان نور بخردان *
دل اولدی هوایه بن هوای ده آ *	سین من حیاته حاله ناله *
جور شید باقی او مهر رخشا بد بو *	جور شید باقی او مهر رخشا بد بو *
دلایته سی آب خضر اله تکو *	لاقدر او اوسته دینده خام و سنو *
وصف مستکله بنیل زینده کو *	جوخان اراد تیرده کو اینی انی *
آخر بقسم توای هوایه بن هوایه *	مستان عینله عالم سولو *
زنجیر سینه شخینه اقامه جنون *	مستان عینله عالم سولو *
اتیشی بی اشفته و بی صبر و سکون *	اتیشی بی اشفته و بی صبر و سکون *
چشم آبی ایدر مال فوله خوره *	چشم آبی ایدر مال فوله خوره *
صد رنگه اندی کلری دنگر کون *	صد رنگه اندی کلری دنگر کون *
دنیای سر سانیلی سر خونه دورون *	دنیای سر سانیلی سر خونه دورون *
اول سر و روان کیمی سانیلی سوزون *	اول سر و روان کیمی سانیلی سوزون *
بقدره سکا سکا فای فان اولسون *	بقدره سکا سکا فای فان اولسون *
ای مظهری حب و شوق بیستک اولسون *	ای مظهری حب و شوق بیستک اولسون *
تک بار کور باره دار اولسون *	تک بار کور باره دار اولسون *

* ورد آمدی گویم جناب عبد اللهی *	* سیر انبیا علی صلوات الله علیهم *
* کور میزدی نظم و سیرت کور می *	* دل نول سارها اولمندی واصل *
* اولمه نوله دست عشقک جنونی *	* برانی حسنه اولدی اولمندی *
* لیریز جنون ایتدی دل ناله *	* برشوخ سته حقه دینه دیوانه اولوب *
* جفندی فاکه اولوا و اولدی *	* مالک دل نوله عشقک جنونی *
* یاران نسی برده کور و صفاقی *	* در بهاده ده خام نام سر بو شوله در *
* ساقی نوله غله کور مسکرتی *	* خرچ ایتدی شگفته سا غم میندی *
* نظمه غله نظم زمزمه برای *	* غان نوت ناله دمسازانیت *
* نسرین سال رو صفاقی *	* ای ورد قدش کنی نظم ساقی *
* آینه قدر و عدو شام و صغری *	* کور کور کور ایتدی اولسون شاه *
* وی چشم زنده غمت کله ری *	* ای خان و دلده حسرت رهگذری *
* سالان سالان اولدی وانی *	* بر کون اولدی غمب خورده دیم *
* سر دار سال سال و سر خیل بی *	* ای ذات شریفی هر دو کونک سنی *
* بو نگر و عمر حضرت عیان و علی *	* پروانه کنی شکره جمع اولدی سنی *
* وی ما منیر فاک لم یزل *	* ای مهر خرابت سیر ازلی *
* مستغرق شیشه شعور ایلدی بی *	* تاریخی سال سوالین و نوری *
* فی قفسه غم نبود و بود ایلدی بی *	* ای نای خرد سزا ای خود ایلدی بی *
* رفاص نولای مجلس اولسه زهر *	* اولما که چشم و کوشی استینا من *
* بر در بزم هوا هر چه مهر و مهر *	* ما دل کلز که کینه مهر و مهر *
* کلکند بر اولور کلکند *	* بر دلا که داغ دانی کلکند *
* داعی نوله عرض ایتسه دل افکند *	* اندام کل رو فی او شوق خند *
* بر کسی تا ر اخور اولم خسته *	* اولدی بنده ارام کهم سیر عشق *
* ایتدی بی بر سلسله مود لسته *	* زنجیر جنون اولش اکنی انگسته *
* کلزار خار سیرت یکه *	* تا اولمه اشیا تراش ایتدی خطی *
* نالدی در دل دیوانه *	* ما دام خطم او اولده خاله *
* خان بنان اولی عیبه شیند *	* ایتدی بنان اولی کوره ل میل ایتدی *
* ناسنه بخت جمع خال سال *	* پروانه دل غله اولوب اواره *
* بند او اسوده دیوانه کور زنجیر *	* بند او اسوده کور زنجیر او صلی *
* فریاد که بر خاره دیوانه کور *	* ایتدی دل اول خالده خان تا نیر *

* حضرت خان محمد جامع *	* تازی و التاج * * * * * *
* * * * * * * * * *	
* کورسون او بود بر و ان بر تانی نظم * * زلف و رخ دره دلاک هب نظری *	* سیر این فلکده شقی القری * * اولسه نوله قدر و عدت نام و سحری *
* مستان رحیق عس عشقک اونور * * الدی دل حالت محبت آری *	* جودن دل می کنای خت جزئی * * بر طایفه در که کندون یوق جنبی *
* اغندی جنار سطر جزای بارک * * یوس ای اشد وصال ایندردی *	* چشم دله کلمه جناله ایتدردی * * بزخم بکام و صلاح ایتدردی *
* محمودی سوردی اولدی اولدی آخر * * اولک اولدی کوروز بر شه سوسفهتی *	* جود اولدوش سوسک سواک عاقبتی * * ازا دده دلاک دوشدی بیته مصطفی *
* باز دلی محراب اولدی اینسم * * باقتلر کجک جگر دلاک رسهری *	* بن عطفه کنده کرامت ایتدردی * * جون ایلدی نهری اوتیرک و هدی *
* کوس طایم نظم بر زنده در * * دل بسته دلام اضطرار اولسه دخی *	* ساز اولم کسته تار اولسه دخی * * خان کین اینج جانر اولسه دخی *
* بر حسن و جلاله نظر بر نه نظم * * از باب دلاک که سوزد بر و رسی *	* مرات جهان عدله کوسر بی * * بازار عینک کردن آیش و رسی *
* کورده سوزی رازی اشم نجیب * * جور شدی شقی یوش ایند اولسه کفی *	* بر سار دده راون عاقبت ایتمه کفی * * و بره قیلن دهری او کجینه کفی *
* شمشیر نگار دمی آید و پروت * * آیش دوش و دین و ربه رخساره لری *	* حسن دل لاله زار ایتدردی رازی * * بغالی صبر و هوشی ایتدردی *
* ازها ره پیشدی روزی رک آعی * * کل بیتم جزاله صردی صولدی *	* الوان بر ناره بر عجب رک اولدی * * عیاشه عمری عینتیک دلدی *
* تا بر حرا کله ایتدردی * * عزمه که ز جله تی باغ اولدی *	* هر قطره ندره اخگر داغ اولدی * * اولدی کیم کورن دینسود داغ اولدی *
* اولسم نوله شایسته زنجیر خون * * اول آهوی وحشی به اولوب دوش نظم *	* بر سله موقدته دوشدم سعدی * * نام ایتک ایتون صدقه دوشدم سعدی *
* سر دلی اختلاص تا دقت موم * * برق افکنی خرمین از سعدی *	* بر سر و جنی طری از سعدی * * آیش زن کنت از از سعدی *
* برداغ ایتدیم وجودی کورمک ایتون *	* تک چشمه روی آله ایتدیم *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *
 * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *
 * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

۱۰۷۰ * کندی بر بختیاریه در راه دور * * * * *

* کمال و کماله سی بی رخس جاس *
 * زلال عاقبت حوصی سرشار *
 * صنوبر بخیزان بزبان ازشان *
 * چغوب سربله عرض دیدار *
 * اندی دستیه نمازدار *
 * مساوی روزه روز و شب دار *
 * قدا خان کفی موزون و هموار *
 * هلال آسمان سینه بن و وار *
 * بخوم نامت اویشی ستم ستار *
 * دوشوی سنج و تانه کمال *
 * اندری قمری سیرین از انکار *
 * بوقصر بقیه صوره اولی معار *
 * که مثل کور سیر در دواج *
 * سخا لطف اولاد کوه کهر ناز *
 * روان در دفره طرا و ناله طوار *
 * و خورن و ان خوردن سلاسل *
 * کد ادر و قطر در نای زنجار *
 * و لایعنی اوای سزا و وار *
 * که اویشی حسن جلیله نکول *

* هـ ناری بی بعین زخم ناری *
 * دلا را سائل خان قبا سی *
 * و رنگی الوان همان ران *
 * لب در تاده بر شوی سر آمد *
 * اولور دی طریک رسیده عاجز *
 * میز در درونی عقل و عیشین *
 * ستون دانه و سرفس و سرفس *
 * سطلقه شاه سینه اولور سه *
 * اگر برشته زین اولور سیمس *
 * کوریدی طریقه نام بلندن *
 * ما شا الله فیما یوحی *
 * اوایب امری شهنشاه الله تا مور *
 * طرح اندی کز جاج طرح بنه *
 * کور در تاده شرم و غایت خجالت *
 * صوبلای طومار سخاوت *
 * که غم و کرم آن کیم ایلی *
 * عینای قلیله بنه ایله *
 * بوال وجود الله و کمال *
 * حسن سیرت حسین اسم اعظم *

۱۰۹۰
 اظم اسم بوقصر بقیه صوره سلطان محمد در دیدم اوای بو الله حج

کوروب در تاده نظر ایدم در تاده مدله در
 که بر ستمی نیدن منو بند زلف خجالت در
 لب در تاده سینه سیر سیر سیر سیر
 سیر سیر قامت دلنری سر و سیر قادی
 قانی عینیه راه خیره زبیر خجالت در
 اساس طاق خجالت آسمان اسامه شید در
 وجود با کینه بوقصر عدل و داد مستدر
 سر سیر مثال کوی سلی خورده رده در
 مکر و اناسه قان اعتر عدوی انیر و بند در
 فراسطه دل حلال هر امر معقد در
 سخاوت خود طبعی غه عاید ان خود در
 مثال سد اسکندر سیر تا خوجه سد در

ایند و صل و تم و غیر الله که شاد و خجالت در
 کمال او بر نور اطراف نایله الی کمال
 تا شا الله طریقه مطمین قیاس انور
 درونی عقل و عیشین سینه عایشی روسی
 بعالی الله زهی عیالنا بنه رعد کیم
 زهی انوران عالی قصه و لایعنی متا نیده
 بخانه آنی کیم کیم در معراج کیم
 فنون انور سیر اولون شکر خجالت در
 زبانه نیده بو کیم سینه ایله سیر سیر
 معارفه درونی قیاس کیم کیم کیم
 عطاوت فیضی دست انور سیر سیر سیر
 سیر کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

سرفه بزرگ جوان فنجان باده دده یوسف | اندر سه بزرگ جوان فنجان باده دده یوسف

۱۸۲

* خای حای فزایم بشام *
* خای خای فزایم بشام *

* در روز باری بوق بود بوق اندود *	* در روز باری بوق بود بوق اندود *
* خزه سبوق اندود سحر و سحر *	* خزه سبوق اندود سحر و سحر *
* اولدی سوزاج روز بوق بود *	* اولدی سوزاج روز بوق بود *
* در راه اولدی سوزاج روز بوق بود *	* در راه اولدی سوزاج روز بوق بود *
* طرح سوزاج روز بوق بود *	* طرح سوزاج روز بوق بود *
* شت بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* شت بوق بود سوزاج روز بوق بود *

۱۹۳

* در راه روز بوق بود سوزاج *
* در راه روز بوق بود سوزاج *

* بلند اولدی بوق بود سوزاج *	* بلند اولدی بوق بود سوزاج *
* بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* آینه بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* آینه بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* تاشی بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* تاشی بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* دو سوزاج روز بوق بود سوزاج *	* دو سوزاج روز بوق بود سوزاج *
* ریحی بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* ریحی بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* صناع عدل دان دار بوق بود *	* صناع عدل دان دار بوق بود *
* بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *

* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *

* در روز باری بوق بود سوزاج *	* در روز باری بوق بود سوزاج *
* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* آینه بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* آینه بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* تاشی بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* تاشی بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* دو سوزاج روز بوق بود سوزاج *	* دو سوزاج روز بوق بود سوزاج *
* ریحی بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* ریحی بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* صناع عدل دان دار بوق بود *	* صناع عدل دان دار بوق بود *
* بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* بوق بود سوزاج روز بوق بود *
* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *	* خدیو بوق بود سوزاج روز بوق بود *

بیتن ستم قطی هدی راه سده سده ... | ...

۱۰۹۷ | ...

۱۰۹۶ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

۱۰۸۹ | ...

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

۱۰۹۹ * * * * *
 انعام السلام کوش اللیخه مصنف تاریخ
 بوخارہ ص ۱۰۹۹

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

۱۰۹۹ * * * * *
 انعام السلام کوش اللیخه مصنف تاریخ
 بوخارہ ص ۱۰۹۹

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

۱۰۸۶ * * * * *
 انعام السلام کوش اللیخه مصنف تاریخ
 بوخارہ ص ۱۰۸۶

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

۱۰۸۴ * * * * *
 انعام السلام کوش اللیخه مصنف تاریخ
 بوخارہ ص ۱۰۸۴

* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *
* * * * *	* * * * *

عاقبت بولوی سوری سیم سنیم
ابتدای فای شاکت ارا را جز
صراحت بولوی سوری سیم سنیم
دل هلاک ایشیا اولدی اولدی اولدی
سوریه سوری اولدی اولدی اولدی
فاله طولی سوری سیم سنیم

دل شیدا عکله معرا جن
اتر و بوی حسرت امو ارجن
روی زردیم فراقه کده
خان فدا اولدی افزا کده
دل زور و زورین و نالایم
انتظار کده دینه خاتم

عاشق عاشق نظیم
سند در دیوانه کورک سند در

خاله اولم یو کله سینه سوز
سند در دیوانه کورک سند در
ولسه و نه و شوبت ایشیا اولدی
سند در دیوانه کورک سند در
چوقی بزم و صلاک و صول
سند در دیوانه کورک سند در
سند در دیوانه کورک سند در

ولادین اولدی اولدی اولدی
سنین سنین سنین سنین
ای یوسف کیم سنین
کرت درایت کرت ایه قبول
از کل هر که اولدم مول
سند در دیوانه کورک سند در
سند در دیوانه کورک سند در

* شرفیات * شرفیات *

۱۰۷۵
عون خدا الله بو لایق نظیم انتظام
تاریخی کورکیندی * دیوانه نظیم

مقبول طبع اهل کمال ایزد
امید او در که ایشیه دیوانه بنیم

۱۰۷۸
اندی تاریخی هانف ندا

اولدی اولدی اولدی اولدی
تایه مت اوقته نایب نایب
ماه بندر صکره اوور هاله دار
خادم دیرینه سی انسی و ملک
شیشه سینه سینه سینه
مصراع کیمه بیت اکرال
شاها اقبال ایدر کور
دیندر و ادرا که نایب مراد

سیر ایدر بخت اقی مثال نظیم
بورک و صافی ولوب برکاب
خوب ایدر بخت اودرون کنار
حلقه سی مانتد هلال فایک
صیادم بیتد بخت نظاره کیش
هر قافه سن سیر ایدر ایلر حال
خانگی بیان ایدر آیتوار
اولدور و ادرا که نایب مراد

